

هیات

ماهنامه فرهنگی هیأت رزمندگان اسلام
سال چهاردهم / شماره ۱۲۱ / دی ۱۳۹۸ / قیمت ۱۵۰۰۰۰ ریال



با آثار و گفتاری از:

علیرضا پناهیان/سیدابراهیم حسینی اراکی

محمدباقر حیدری کاشانی/منصور ارضی

محمدرضا عاصی/حسین سازور

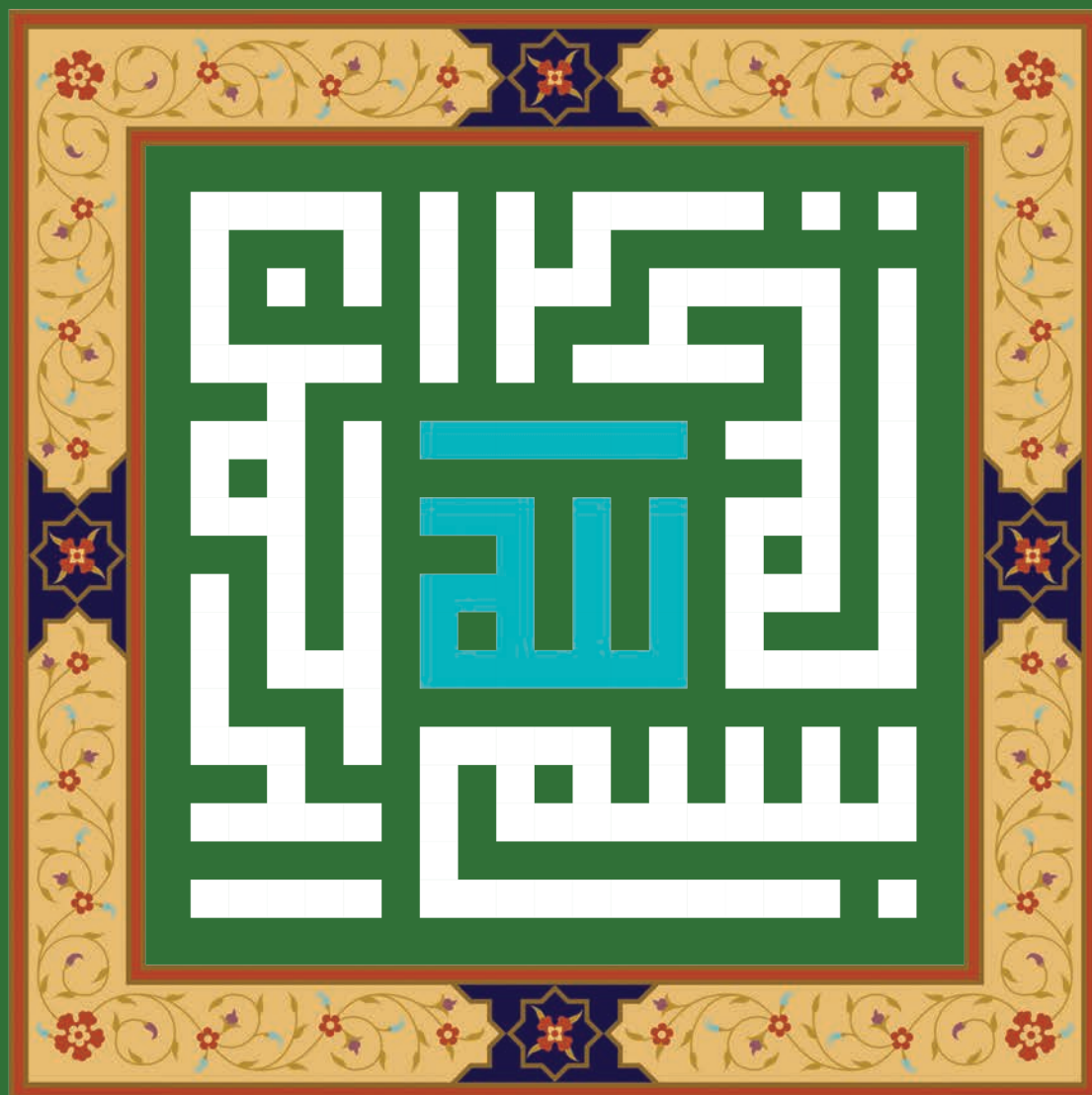
سیدمهدی حسینی/حسین کاجی

و...

مؤلفه‌های جهادی سیره شهید قاسم سلیمانی
راحت طلبی، منشأ تاریخی ولایت‌گریزی
مشارکت همگانی سرنوشت‌ساز
اسم رمز فاطمی برای آنها که ناامیدند



... مديون لطف مادر اين خانواده ايم ...





هیأت رزمندگان اسلام
ماهنامه فرهنگی-مذهبی
ویژه فاطمیه

سال چهاردهم- شماره ۱۲۱- دی ۱۳۹۸- قیمت ۱۵۰۰۰ ریال

صاحب امتیاز:

هیأت رزمندگان اسلام

رئیس شورای سیاستگذاری:

حجت الاسلام والمسلمین اسماعیل سعادت نژاد

مدیر مسئول:

محمدصادق آهنگران

جانشین مدیر مسئول:

حجت الاسلام والمسلمین عبدالرحمن سفیدی امین

سر دبیر: حجت الاسلام محمدباقر نادم

جانشین سر دبیر: مرتضی شاهسون

دبیر تحریریه: سید مهدی ذهنی

تحریریه:

حسن رضوانی، ابراهیم پورهمت، علی شیروی، سید مهدی ذهنی، سیدرضا حسینی، سید محمد زین العابدین، سیدرضا حسینی، مرتضی نادم، سجاد نورپور، اکبر ابدالی، مهدی سیفی، علی اکبر درخشنده.

مدیر هنری: محمدصادق محمدیان

صفحه آرایی: محمدحسین دیانی

ویراستاری: حسین کایدی

طراحی و تصویر سازی: مرتضی نادم

نامواره پشت جلد: محمدصادق پوروهاب

نشانی:

تهران، میدان فاطمی، نیش خیابان فلسطین و زرتشت، پلاک ۵۵۴، واحد ۵

تلفن و نمابر: ۸۹۷۸۰۳۱۳-۸۸۹۶۰۴۳۰

نشانی اینترنتی: www.eheyat.com

فهرست مطالب



بیانات رهبری و سیاسی

بررسی پرونده ناکارآمدی دولت در رفع مشکلات اقتصادی کشور

۶ **ناکارآمدی که شاخ و دم ندارد!**

بازخوانی اهداف و مبانی انقلاب، به بهانه فرا رسیدن سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران

۹ **مشارکت همگانی سرنوشت ساز!**

شاخص های انتخاب اصلح از منظر رهبر انقلاب

۱۲ **اصلح کیست؟**

بازخوانی بیانات و دیدگاه های رهبر معظم انقلاب اسلامی پیرامون حماسه ۹ دی

۱۴ **فجر دوباره انقلاب**

۱۸ **سیلی سپاه؛ فریاد انتقام ملت**

۱۹ **یادبود سقوط و شهادت مسافران هواپیمای بوئینگ**

گزیده بیانات مقام معظم رهبری (حفظه الله) پیرامون شخصیت شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی

۲۰ **مؤلفه های جهادی سیره شهید قاسم سلیمانی**



ویژه نامه فاطمیه

قطره ای از فضایل و کرامت های حضرت زهرا سلام الله علیها در بازخوانی سیره و زندگی او

۲۶ **بر کرانه فضایل فاطمی**

مصاحبه اختصاصی ماهنامه هیأت با خطیب توانا حجت الاسلام سید ابراهیم حسینی اراکی

۲۹ **راحت طلبی، منشأ تاریخی ولایت گریزی**

مناقب و فضایل فاطمه زهرا سلام الله علیها در بیان نورانی اهل بیت (علیهم السلام)

۳۴ **مادر سادات (علیها السلام) در لسان معصومین (علیهم السلام)**



۶۶ قالب آموزشی تهیه محتوای منبر فاطمی بر اساس شیوه تخصصی تبلیغ و خطابه
ولایت‌مداری حضرت زهرا علیها السلام

۶۹ الگوهای رفتاری در بازخوانی سیره و شخصیت شهید حاج قاسم سلیمانی
کارکردهای فرهنگی شهادت سپهبد قاسم سلیمانی

۷۲ بازخوانی معارف فاطمی و مهدوی در گفتگو با حجت الاسلام محمد باقر حیدری
کاشانی

ارتباط نهفته‌ی فاطمیه و مهدویت

۷۶ گلچینی از کلام نورانی فاطمه زهرا علیها السلام
احادیث فاطمی



۷۸ معرفی ۹ اثر فاخر پیرامون شخصیت و زندگی بانوی دو عالم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام
در ساحل فاطمیه

معرفی کتاب دستاوردهای انقلاب اسلامی، محصول علمی-محتوایی معاونت
فرهنگی ستاد مرکزی هیأت رزمندگان
۸۰ چله انقلاب



۸۲ گزارش فعالیت‌های
ستاد مرکزی و دفاتر استانی هیأت رزمندگان اسلام



۳۸ در فتاوی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای حفظه الله
احکام هیأت و عزاداری

۴۰ وظیفه ما در قبال شهادت سپهبد حاج قاسم سلیمانی
موج خون



۴۴ مصاحبه اختصاصی ماهنامه هیأت با استاد سید مهدی حسینی (بخش دوم)
شاعری، سلوک انقلابی

۴۷ مصاحبه اختصاصی ماهنامه هیأت با حاج محمدرضا عاصی پیرامون بایدها و
نبایدهای مداحی
مداح تراز انقلاب

۴۹ اشعار فاطمیه از شاعران آیینی کشور
گلچین اشعار فاطمی



۵۴ سیری در سیره نورانی مجاهد شهید آیت الله شیخ حسین غفاری
پرواز از سیاهچال ساواک

۵۸ ویژه نامه شهدای حزب مؤتلفه اسلامی
پرونده سری نیمه شب ۲۷ دی ماه

۶۰ بازخوانی پرونده دو عملیات کربلای پنج و والفجر هشت در مصاحبه اختصاصی
ماهنامه هیأت با سردار حاج حسین کاجی
اسم رمز فاطمی برای آنها که ناامیدند



ناکارآمدی که شاخ و دم ندارد!

بررسی پرونده ناکارآمدی دولت در برآوردن نیازهای اساسی مردم و رفع مشکلات اقتصادی کشور اعم از تورم، بیکاری، مسکن و... با تکیه بر منویات و تأکیدات مقام معظم رهبری حفظه الله به مسئولین و دولتمردان در امر اصلاح اقتصاد کشور



دکتر حسن رضوانی

جدی اراده شود که مسئله اقتصاد سامان یابد و به نیروها و ظرفیتهای داخلی تکیه شود و در اصلاح اقتصادی نگاه برون گرا نداشته باشیم، قطعاً مشکلات اقتصادی قابل حل می باشد. ایشان تأکید فرمودند که:

«واقعاً باید به مسئلهی اقتصاد به طور جدی پرداخت. هیچ بن بستى هم به معنای واقعی کلمه در اینجا وجود ندارد. بلکه مشکلات هست، موانع هست [ولی] بن بست وجود ندارد... اقتصاد را به این وابسته نکنیم که ببینیم آیا آمریکا آن معافیت ها را تمدید خواهد کرد یا نخواهد کرد؛ از اول یکی از مشکلات کار ما همین است؛ در این چند ساله مکرراً این اتفاق افتاد. خود ما که مسئولین حکومتی هستیم، خیلی از فعالیت های خودمان را به این موکول کرده ایم که ببینیم آن طرف که در اختیار ما نیست چه تصمیمی خواهد گرفت. اقتصاد را نباید شرطی کرد نسبت به کارهای دیگران.»^۲

هم اکنون اقتصاد ما در شرایطی است که سیل نقدینگی به سمت بازار طلا و ارز و کم تر به سوی مسکن به راه افتاده و موجب افزایش قیمت طلا، ارز و مسکن و در نتیجه همه کالاها شده است. مشکل از آنجا شروع شد که دولت کاهش سرعت گردش پول در این

امروز شاهدیم که همچنان مهم ترین و برجسته ترین مشکل کشور، تداوم رکود، بیکاری، گرانی و مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم است و این روند روز به روز در حال رشد است که موجب نارضایتی مردم گردیده است که این بیانگر ناکارآمدی دولت در رفع مشکلات و تأمین نیازهای اساسی مردم می باشد. رهبر معظم انقلاب نیز اشاره فرمودند:

«امروز، مشکل عمده و نقد کشور فعلاً مشکل اقتصادی است. علتش هم فشار بر مردم است دیگر، فشار بر معیشت مردم بخصوص طبقات ضعیف است، حتّی طبقات متوسط هم تا حدودی زیر فشار هستند لکن بیشتر، طبقات ضعیف [تحت فشارند] که طبعاً وقتی که اقتصاد کشور دچار مشکل شد، مردم و ضعفا در جامعه زیر فشار قرار می گیرند، دشمن [هم] طمع می کند؛ یکی از اشکالات کار این است که دشمن طمع می کند و امید می بندد؛ اعتبار کشور هم کاهش پیدا می کند، یعنی واقعاً [اگر] مشکل اقتصادی و نداشتن برنامه ی خوب اقتصادی و پیشرفت اقتصادی در هر کشوری وجود داشته باشد، اعتبار آن کشور را لطمه می زند.»^۱

همچنین مقام معظم رهبری حفظه الله معتقدند که اگر به طور



دوره طولانی رکود را با افزایش حجم نقدینگی جبران کرد. گوئی کاهش سرعت گردش پول امکان یک فرصت طلبی را فراهم کرد. از سوی دیگر دولت بخش عمده‌ی پروژه‌های اقتصادی خود را تعطیل کرد، در نتیجه این پول به صورت گوشت لخت با طی یک مسیری در اختیار بانکها قرار گرفت و بانکها به مردم سود پرداخت کردند، اما مشکل آنجائی تشدید شد که به دلیل عدم وجود سود در اقتصاد کشور، بانکها در پرداخت اصل پول و سود آن دچار مشکل شدند، در نتیجه مردم به سرعت پول خود را از بانکها خارج و برای حفظ قدرت خرید آن به دارائی‌های با دوام به ویژه با قدرت نقدشوندگی بالا نظیر طلا و ارز تبدیل کردند.

به صورت طبیعی این افزایش تقاضا به افزایش قیمتها منجر شد و این افزایش قیمتها انتظارات تورمی را رقم زد و در نتیجه موج دوم و سوم افزایش قیمت‌ها را رقم زد که البته این مشکل با مداخلات دشمنان خارجی تشدید شد و این مشکلات به خاطر عدم اعتماد متقابل مردم و دولت و در مقابل نگاه اعتمادی دولت به حمایت‌های دروغین دشمنان بوده است. اگر دولت در حل مشکلات کشور نگاه خود را از بیرون مرزها

(برجام) برمی داشت و به درون کشور معطوف می کرد می توانست با کار جهادی - امتحان خود را در اوایل انقلاب به عنوان جهاد سازندگی و یا در بحران‌های امروزی با عنوان گروه‌های جهادی پس داده است - به رفع یا کاهش مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم دست می یافت. براساس فرامین رهبر معظم انقلاب حفظه الله برای حل مشکلات اقتصادی علاوه بر دل کندن و چشم بستن از وعده های دروغین دشمنان برای اصلاح ساختار اقتصادی، مسئولین کشور باید روحیه جهادی را اصل اساسی در خدمت به مردم و مملکت قرار دهند. چنانچه معظم له در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت فرمودند:

«در زمینه‌ی خدمت، کار را باید جهادی کرد... کار جهادی یعنی از موانع عبور کردن، موانع کوچک را بزرگ ندیدن، آرمان‌ها را فراموش نکردن، جهت را فراموش نکردن، شوق به کار؛ این کار جهادی است. کار را باید جهادی انجام داد تا ان شاء الله خدمت به خوبی انجام بگیرد.»^۳

اگر این دو ملاک یعنی عدم اعتماد به دشمن و برخورداری از روحیه جهادی در کارها، بین مسئولین و مردم ما نهادینه شود آنگاه اقتصاد مقاومتی و درون‌گرا شکل می گیرد. بنابراین باید به شعارهای

انقلاب اسلامی دقت داشت که:

«در مواجهه‌ی با دشمن، شعار جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی «مقاومت» است. دشمن می‌خواهد تجاوز کند، پیشروی کند؛ دو راه در مقابل این دشمنی که می‌خواهد دائم پیش بیاید وجود دارد: یک راه این است که شما عقب بروید؛ تا شما عقب بروید او پیش می‌آید، هر چه شما عقب بروید او پیش می‌آید؛ یک راه هم این است که بایستید، مقاومت کنید و تجربه‌ی خود ما در جمهوری اسلامی - به تجربه‌های تاریخ و صدر اسلام و مانند این‌ها نمی‌خواهیم تمسک کنیم - نشان می‌دهد که مقاومت در مقابل دشمن جواب می‌دهد. هر جا ما مقاومت کردیم جواب گرفتیم؛ در دفاع مقدس، در بخش‌های گوناگون، در تحریکات امنیتی که علیه ما می‌کردند، در مسائل اقتصادی. یک روزی درآمد سالانه‌ی نفت ما در طول سال - که تنها امکان درآمدزایی هم نفت بود - حدود شش میلیارد بود؛ دیگر از این سختی بالاتر؟ البته آن وقت جمعیت کشور خیلی کمتر از حالا بود اما باز هم پنج میلیارد و شش میلیارد درآمد برای کشور چیزی نبود؛ توانستیم بایستیم، مقاومت کردیم، مردم ایستادند».^۴

در عرصه‌ی اقتصادی، مقاومت یعنی ساختار اقتصادی داخل را محکم کردن، پایه‌ریزی‌ها را محکم کردن، با مسائل جدی برخورد کردن، مسائل را پیگیری کردن. یکی از مشکلات کار ما پیگیری نکردن است، مسئله رها می‌شود. یک موضوعی را خوب شروع می‌کنیم، یک مقداری حرکت می‌کنیم بعد یواش یواش رها می‌شود؛ پیگیری باید کرد. همه‌ی این مسائلی که گفته شد، مصداق‌های مقاومت است.^۵

مقام معظم رهبری حفظه‌الله می‌فرماید:

«ظرفیت‌های مردمی را واقعاً فعال کنیم؛ این را بارها عرض کرده‌ایم و الآن هم من تکرار می‌کنم - این هم به خاطر آشنایی و معرفتی است که بنده نسبت به وجود این ظرفیت‌ها بحمدالله پیدا کرده‌ام و میدانم - که ما ظرفیت مردمی وسیعی داریم، جوان‌های خوبی داریم؛ جوان‌های فاضل، تحصیل‌کرده، کارآفرین، خوش فکر، مبتکر در بخش‌های مختلف که به این‌ها باید اعتماد کنیم؛ از این‌ها باید دعوت کنیم، فراخوان بدهیم برای کارهای مختلف روی یک نقطه. اگر بتوانیم موانع تولید را که خیلی هم زیاد است در کشور، از سر راه تولید برداریم - که این کار با عزم جهادی ممکن است، با به‌کارگیری جوان‌های متخصص ممکن است - بسیاری از مشکلات [مانند] مسئله‌ی اشتغال حل می‌شود، مسئله‌ی تورم حل می‌شود، مسئله‌ی رفاه مردمی حل می‌شود، [مسئله‌ی] درآمدهای مردم حل می‌شود،

**برای اصلاح
امور چشم به
خارج از کشور
نداشته باشید؛
دیگران به ما
کمکی نخواهند
کرد [بلکه] ضربه
می‌زنند**



**مذاکره یعنی
معامله؛ یعنی یک
چیزی بدهی، یک
چیزی بگیری. آنچه
در این معامله
موردنظر او است،
درست نقاط قوت
جمهوری اسلامی
است؛ مذاکره را
روی این می‌برند.
نمی‌گویند بیا باید
راجع به آب و هوا،
راجع به منابع
طبیعی، راجع
به محیط زیست
مذاکره کنیم،
می‌گویند بیا باید
درباره‌ی سلاح
دفاعی شما مذاکره
کنیم؛ شما چرا سلاح
دفاعی دارید؟**

صادرات رونق می‌گیرد. تولید، مادر عمده‌ترین مسائل اقتصادی کشور است؛ و به نظر ما می‌شود. هرجایی که ما به جوان‌هایمان اتکا کردیم، اعتماد کردیم، به آن‌ها امکانات دادیم، حداقل امکانات را هم [دادیم] - غالباً جوان‌ها این جور هستند [که با] حداقل امکانات [کار می‌کنند] - پیش رفتیم.^۶

در نگاه دولت محترم در این ۶ سال، مذاکره (برجام) تنها راه برون رفت مطرح شد و تمام ظرفیت دولت و نظام را نیز خرج آن کرد که البته هیچ گشایشی در حل مشکلات مردم را هم در پی نداشت و نه تنها شش سال از وقت دولت، بیهوده صرف آن شد بلکه مردمی را که امیدوار به حل مشکلاتشان از این طریق کرده بود مأیوس نمود.

در این خصوص مقام معظم رهبری می‌فرماید: «برای اصلاح امور هم چشم به خارج از کشور نداشته باشید؛ دیگران به ما کمکی نخواهند کرد [بلکه] ضربه می‌زنند؛ خارج به ما ضربه [میزند] ... مذاکره یعنی معامله؛ یعنی یک چیزی بدهی، یک چیزی بگیری. آنچه در این معامله موردنظر او است، درست نقاط قوت جمهوری اسلامی است؛ مذاکره را روی این می‌برند. نمی‌گویند بیا باید راجع به آب و هوا، راجع به منابع طبیعی، راجع به محیط زیست مذاکره کنیم، می‌گویند بیا باید درباره‌ی سلاح دفاعی شما مذاکره کنیم؛ شما چرا سلاح دفاعی دارید؟ خب سلاح دفاعی برای یک کشور ضروری است. این‌ها می‌گویند بیا باید روی این مذاکره کنیم؛ مذاکره کنیم یعنی چه؟ یعنی شما اگر چنانچه فرض کنید موشک می‌سازید با فلان بُرد، با فلان دقت، این بُرد را کم کنید به طوری که به پایگاه ما که آمریکا هستیم نرسد که اگر ما یک روز شما را زدیم، شما نتوانید جواب ما را بدهید؛ خب این مورد معامله است؛ شما قبول می‌کنید این را، یا قبول نمی‌کنید؟ معلوم است که قبول نمی‌کنید، وقتی قبول نکردید همین آش است و همین کاسه، همین دعوا، همین سروصدا؛ بحث دین و انقلاب و مانند این‌ها نیست، هیچ ایرانی غیرتمند و باشعوری نمی‌رود راجع به نقاط قوت خودش با طرف مقابل معامله کند؛ با طرفی که می‌خواهد این نقاط قوت را از دست او بیرون بیاورد، معامله نمی‌کند این‌ها را؛ این‌ها را ما لازم داریم. عمق راهبردی ما در منطقه خیلی مهم است؛ خب برای هر کشوری مهم است؛ عمق راهبردی سیاسی و امنیتی، مؤلفه‌ی اساسی‌ای است برای حیات همه‌ی دولت‌ها و ملت‌ها و ما بحمدالله عمق راهبردی مان در منطقه خیلی خوب است؛ این‌ها از این ناراحت‌اند، می‌گویند بیا باید روی مسائل منطقه صحبت کنیم یعنی شما عمق راهبردی تان را از دست بدهید؛ روی این‌ها می‌گویند مذاکره کنیم.

پی‌نوشت:

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۸/۰۲/۲۴.
۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۸/۰۲/۲۴.
۳. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۲/۰۶/۰۶.
۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۸/۰۲/۲۴.
۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۸/۰۲/۲۴.
۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۸/۰۲/۲۴.
۷. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۸/۰۲/۲۴.
۸. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۸/۰۱/۰۱.

خب بنابراین اصل مذاکره غلط است. مذاکره با کسی که آدم حسابی باشد غلط است، حالا این‌ها که آدم حسابی هم نیستند؛ [مذاکره با] آدم‌هایی که زیر حرفشان می‌زنند، تعهدشان را به هم می‌زنند، پابند به هیچ چیز نیستند - نه یک چیز اخلاقی، نه یک چیز قانونی، نه یک عرف بین‌المللی؛ به هیچ چیزی پابند نیستند - بنابراین مسخره است. البته در عقلای ما کسی نیست که دنبال این مسئله باشد؛ آحاد ملت هم که خب معلوم است؛ [حالا] بعضی گوشه‌کنار گاهی یک سروصدایی می‌کنند. مذاکره بنابراین مطلقاً معنی ندارد و همین‌طور که قبلاً هم بارها گفته‌ایم، چنین چیزی نیست.»^۷

نتیجه آن‌که رئیس و ارکان دولت دوازدهم برای حل مشکل اقتصاد و معیشت مردم و بیکاری و تورم و کسب رضایت مردم و رهبری چاره‌ای ندارد مگر اینکه بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری حفظه‌الله موارد ذیل را در نظر داشته باشند:

۱. تغییر نگاه نسبت به برجام؛ ۲. اتکا به ظرفیت توان داخلی؛ ۳. اعتماد به جوانان کشور؛ ۴. مدیریت شجاعانه، امیدوارانه، جهادی با اشراف میدانی بر مشکلات؛ ۵. رونق تولید؛ ۶. کمک به کارآفرین سالم.^۸



مشارکت همگانی سرنوشت ساز!

بازخوانی اهداف و مبانی انقلاب، به بهانه فرا رسیدن سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران

امروز برای حفظ این انقلاب عظیم و آرمان‌های شهیدان و امام الشهداء چه باید کرد؟ قوام و استحکام بنیان‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی انقلاب بر چه اصول و مبانی استوار است؟ حضور مردم در وقایع و صحنه‌های تأثیرگذار و دشمن شکن انقلاب همانند انتخابات چه تأثیری بر تقویت و تداوم نظام و حکومت اسلامی دارد؟ در ادامه می‌پردازیم به تحلیل موارد بالا به نقش حضور حداکثری مردم در انتخابات که از آن به عنوان «انقلاب در انقلاب» و یا «فجر دوباره انقلاب» تعبیر می‌شود.

||| حجت الاسلام ابراهیم پور همت

علاوه بر سایر دلایلی که برای وقوع انقلاب اسلامی وجود داشت، بی‌شک یکی از مهم‌ترین عواملی که موج خروشان ملت را به طوفانی سهمگین مبدل نمود تا در بهمن پنجاه و هفت طومار استبداد و استعمار را برای همیشه در هم بیچد، تصویب لایحه کاپیتولاسیون در مجلس شورای ملی بود. لایحه‌ای که با فشار آمریکایی‌ها، توسط دولت و همکاری عوامل دست‌نشانده و وابسته به تصویب رسید که ضمن لگدمال کردن حیثیت و عزت ایرانی، در جهت حفظ امنیت حضور بیش از پنجاه‌هزار مستشار آمریکایی در ایران، برای آنان حق توحش در نظر می‌گرفت و به آنان برای تمام فسادها و جرم‌هایی که در ایران مرتکب می‌شدند، مصونیت سیاسی و قضایی می‌داد.

چنین شرایطی امام رحمة‌الله‌علیه را بر آن داشت که در سخنرانی معروف خویش در صبحگاه چهارم آبان ۱۳۴۳ تأثر و ناراحتی قلبی خویش مبنی بر به حراج گذاشتن عزت و استقلال ایرانی را با خواندن آیه استرجاع ابراز نماید. امام در اعلامیه‌ای که خطاب به ملت ایران نوشت، ضمن محکوم کردن اقدام دولت و مجلس در تصویب لایحه مذکور، آن را

مخالفت صریح با اسلام و قرآن دانست.^۱ در بخشی از این پیام آمده است: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ آیا ملت ایران می‌داند در این روزها در مجلس چه گذشت؟ می‌داند بدون اطلاع ملت و به‌طور قاچاق چه جنایتی واقع شد؟ می‌داند مجلس، به پیشنهاد دولت، سند بردگی ملت ایران را امضا کرد، اقرار به مستعمره بودن ایران نمود؟ سند وحشی بودن ملت مسلمان را به امریکا داد؟ قلم سیاه کشید بر جمیع مفاخر اسلامی و ملی ما؟...»^۲

این «خود تحقیری» در حکومت پهلوی پیشینه تاریخی داشت. وقتی در ماجرای ملی شدن صنعت نفت، در تیرماه ۱۳۲۹ سپهبد رزم‌آرا نخست‌وزیر وقت ایران در صحن علنی مجلس، ایرانی را بی‌لیاقت خواند و گفت: «ملت‌ی که لیاقت ساختن لول هنگ (آفتابه گلی) ندارد، چگونه می‌تواند صنعت نفت را اداره کند؟!»^۳ پیش‌بینی تصویب چنین لایحه ننگینی در آینده‌ای نه‌چندان دور، غیرقابل باور نبود.

چنین تفکری سالیان دراز بر کشور حاکم بود. وقتی وکلای مردم شیفته فرهنگ غرب شده باشند و حتی در خوراک و پوشاکشان

هم از فرهنگی‌ها تقلید کنند، رفته‌رفته دچار از خود بیگانگی فرهنگی شده و در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و... بیگانه را آقای خود و خود را وابسته به آن‌ها می‌پندارد. البته نباید فراموش کرد که پهلوی تنها حکومت از سلسله پادشاهی در تاریخ ایران بود که نه به زور شمشیر بلکه توسط بیگانگان روی کار آمده و حیات و ممانتش بسته به نظر آنان بود.^۴ طبیعی است که باید برای بقای حکومتش برای اربابان خویش خوش رقصی کند و در صدد تأمین منافع آن‌ها باشد.

این احساس حقارت و وابستگی زمینه استعمار و استحمار بیشتر ایران را برای آمریکا فراهم می‌کرد. حرکت اسلامی با شعار آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت و عقلائیست که برخاسته از فطرت بشری است و هیچ‌گاه کهنه نمی‌شود، آغاز و در نهایت به پیروزی انقلاب اسلامی منجر شد.^۵

برخلاف حکومت استبدادی و دست‌نشانده پهلوی، در همان آغازین روزهای پیروزی انقلاب، برای تعیین نوع حکومت از مردم نظرسنجی شد و در فروردین ۱۳۵۸/۱/۱۲ بیش از ۹۸ درصد مردم ایران به جمهوری اسلامی رأی مثبت دادند. حکومتی بر پایه مردم‌سالاری دینی که نقش اول و همه‌کاره آن مردم هستند و در تعیین پست‌های کلیدی کشور دخالت مستقیم داشته و از رئیس‌جمهور گرفته تا نمایندگان شوراهای محلی، طبق رأی و نظر مردم انتخاب می‌شوند. در طول چهار سال عمر انقلاب اسلامی، دشمنان داخلی و خارجی از هرتلاشی برای براندازی و ناکارآمد جلوه دادن نظام جمهوری اسلامی فروگذار نکرده و کشور را دچار چالش‌ها و طوفان‌های سهمگین بسیاری نموده‌اند. از اغتشاشات و آشوب‌های داخلی گرفته تا جنگ تحمیلی هشت ساله و انواع و اقسام تحریم‌های فلج‌کننده‌ای که تنها یکی از آن‌ها برای نابودی یک کشور و ملت کفایت می‌کند؛ اما در همه این صحنه‌ها ملت ایران پیروز همیشگی میدان بوده‌اند و همواره مثل کوه از انقلاب و ارزش‌های آن دفاع کرده‌اند.

نتیجه این مقابله‌ها، آن شد، ملتی که تا دیروز باید برای پیشرفت و ترقی خویش در مقابل آمریکا تا کمر خم شود، امروز با راهبرد مقاومت به جایی رسیده که پس از چهار سال تبدیل به ابرقدرتی شده که علاوه بر حفظ استقلال و امنیت ملی خود، خواهان خروج آمریکا از خلیج فارس و منطقه خاورمیانه است.

رمز ماندگاری انقلاب اسلامی طی چهار سالی که از عمر آن می‌گذرد، مردمی بودن و صیانت از کرامت و اصالت شعارهای آن است به گونه‌ای که حتی لحظه‌ای از اصول و ارزش‌های دینی خود عقب‌نشینی نکرده، همچنان در مسیر خود که ایجاد تمدن نوین اسلامی است باقی مانده و با قوت به راه خود ادامه می‌دهد.^۶

به لطف حمایت‌های مردم و حضور مؤثر در انتخابات‌ها و راهپیمایی‌ها از ابتدای درخشش فجر انقلاب اسلامی تا امروز که در ابتدای دهه پنجم آن هستیم، انقلاب اسلامی حرکت روبه‌جلوی خود تا رسیدن به تمدن نوین اسلامی است، ادامه داده و با وجود موانع بسیار دشمن، هرچند گاهی این حرکت کند شده اما عقب‌گرد یا توقف نداشته است؛ اما همیشه و در هر دوره‌ای بودند مسئولینی که دانسته یا ندانسته از اصول و ارزش‌های انقلاب روی‌گردان گشته و موجب ناامیدی و دل‌زدگی مردم شده‌اند.^۷

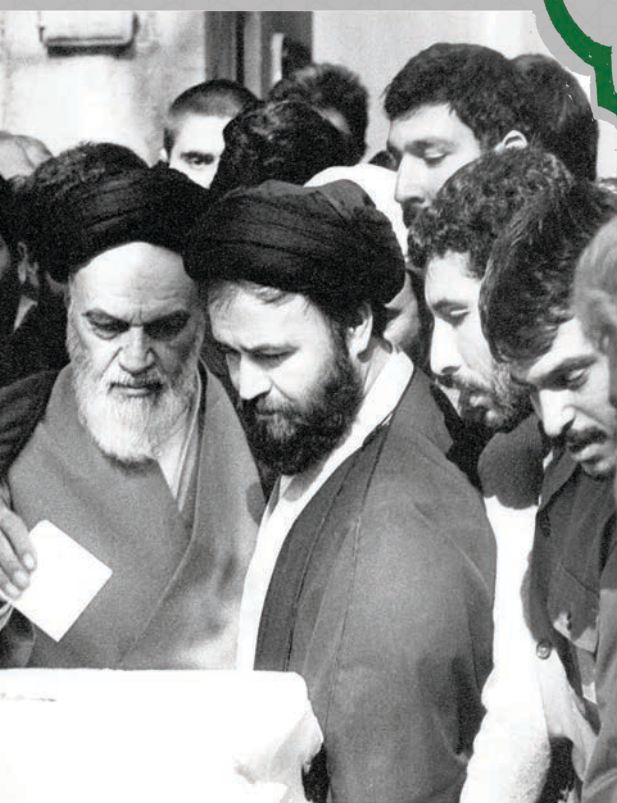
از ابتدای انقلاب تا کنون همیشه عوامل نفوذی و وابسته به دشمن که غالباً با ریاکاری و صحنه‌آرایی وارد صحنه انتخابات شده، از

غریب‌ال‌شورای نگهبان نیز عبور کرده و خود را در معرض رأی مردم قرار می‌دادند و گاهی با وعده و شعار به دولت یا مجلس نیز راه می‌یافتند. مأموریت اینان همواره ناامید کردن مردم از آرمان‌های انقلاب اسلامی و ایجاد مانع برای پیشرفت و متقاعد کردن نظام برای سازش با استکبار جهانی تحت عنوان تعامل با دنیا بوده و هست.

امام رحمة‌الله علیه در وصفشان چه زیبا فرمود: «اما از شر رضاخان و محمدرضا خلاص شدیم؛ لکن از شر تربیت‌یافتگان شرق و غرب به این زودی‌ها نجات نخواهیم یافت. اینان برپادارنده سلطه ابرقدرت‌ها هستند.»^۸ در تاریخ انقلاب اسلامی بسیاری هستند همانند بنی‌صدر که از اعتماد مردم سوءاستفاده کرده و دست به خیانت می‌زنند.

خطر نفوذ چنین خیانت‌کارانی در پیکره نظام اسلامی که همچون موربانه قصد پوسیده کردن پایه‌های نظام را دارند، وظیفه آحاد ملت را برای حضور در انتخابات و تحقیق و تفحص موشکافانه و انتخاب آگاهانه برای قطع دست آنان و تودهنی زدن به دشمن بیش از گذشته سنگین می‌نماید.

هرچند نمی‌توان انتخابات‌ها را از لحاظ درجه اهمیت با هم مقایسه نمود؛ اما گاهی شرایط جامعه به گونه‌ای حساس می‌شود که انتخابات پیش رو را مهم‌ترین عرصه امتحان مردم در حفظ نظام و پیشرفت انقلاب نشان می‌دهد. نظام اسلامی امروز با چنین شرایطی روبرو است. از طرفی ناکارآمدی و بی‌مبالاتی برخی از مسئولین رده‌بالای نظام و خلف وعده‌های بی‌شمار آنان، از سویی فساد اقتصادی برخی مدیران و صاحب‌منصبان و نزدیکان آنان، از طرف دیگر تحریم‌های همه‌جانبه دشمن علیه نظام و از همه مهم‌تر اتخاذ تصمیمات غیرکارشناسانه دولت در بحث مهار تورم و گرانی‌ها، همه و



۱. سخنرانی ر جمع مردم (مخالفت با لایحه کاپیتولاسیون و اعلام عزای عمومی) ۴ آبان ۱۳۴۳/ ۲۰ جمادی‌الثانی ۱۳۸۴، صحیفه امام، ج یک، ص ۴۱۵.
۲. همان، ص ۴۰۹.
۳. بیانات مقام معظم رهبری در (۱۱/ ۰۲/ ۱۳۷۰) سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از کارگران و معلمان.

همه دست به دست دشمن داده‌اند تا با تبلیغات گسترده در ماهواره و فضای مجازی، ناامیدی را به جامعه تزریق کنند و مردم را از حضور در انتخابات منصرف کنند.

تجربه انتخابات‌های گذشته به خوبی نشان داده که انتخاب غلط، چه مشکلاتی می‌تواند برای جامعه ایجاد کند. از گرانی و تورم و بیکاری گرفته تا توقف فعالیت‌های هسته‌ای و اختلاس‌های هزاران میلیاردی و...

شاید بتوان انتخابات اسفندماه مجلس شورای اسلامی را فجری دوباره در انقلاب اسلامی نامید؛ چراکه همه دستگاه‌های نظام متأثر از یک مجلس قوی و انقلابی خواهند بود. همان‌طور که مقام معظم رهبری حفظه‌الله در این باره می‌فرمایند: «یک مجلس صالح و سالم و قوی، می‌تواند بر عملکرد، همه دستگاه‌های کشور اثر بگذارد؛ بر عملکرد دولت، بر عملکرد قوه قضائیه و حتی بر عملکرد نیروهای مسلح...»^۹

ایشان در جای دیگری ضمن معرفی مجلس به عنوان ریل‌گذار حرکت دولت می‌فرمایند: «مجلس ریل‌گذار حرکت دولت است. دولت‌ها را در نظر بگیرید مثل یک قطاری که بر روی یک ریلی باید حرکت کنند؛ این ریل را مجلس شورای اسلامی با قوانین خود می‌گذارد... اگر چنانچه مجلس به دنبال رفاه مردم، عدالت اجتماعی، گشایش اقتصادی، به دنبال پیشرفت علم، پیشرفت فناوری، به دنبال عزت ملی و استقلال ملت باشد، ریل‌گذاری او به سمت این هدف‌ها خواهد بود؛ اگر مجلس مرعوب غرب باشد، مرعوب آمریکا باشد، دنبال حاکمیت جریان اشرافی‌گری باشد، ریل‌گذاری او در این

جهت‌ها خواهد بود؛ کشور را بدبخت خواهند کرد...»^{۱۰} اهمیت انتخابات مجلس به حدی است که رهبر انقلاب سه هشدار مهم درباره آن به مردم داده است: اولین هشدار طمع دشمن به انتخابات و خطر ورود عناصر نفوذی به مجلس است؛ «آمریکایی‌ها به این انتخابات چشم طمع دوخته‌اند؛... آن‌ها که می‌خواهند تحوّل در ایران انجام بگیرد یعنی ما از آن اهداف، دائم دور بشویم؛ مدام عقب‌گرد کنیم و برویم به سمتی که آن‌ها می‌خواهند... مردم در باب انتخابات باید خیلی متوجّه این باشند. اگر فرض کنیم عنصر نفوذی به شکلی وارد مجلس شورای اسلامی بشود یا وارد مجلس خبرگان بشود یا در ارکان دیگر نظام نفوذ بکند، مثل موریانه از داخل می‌خورد و پایه‌ها را سست می‌کند و فرومی‌ریزد؛ قضیه این جور است...»^{۱۱}

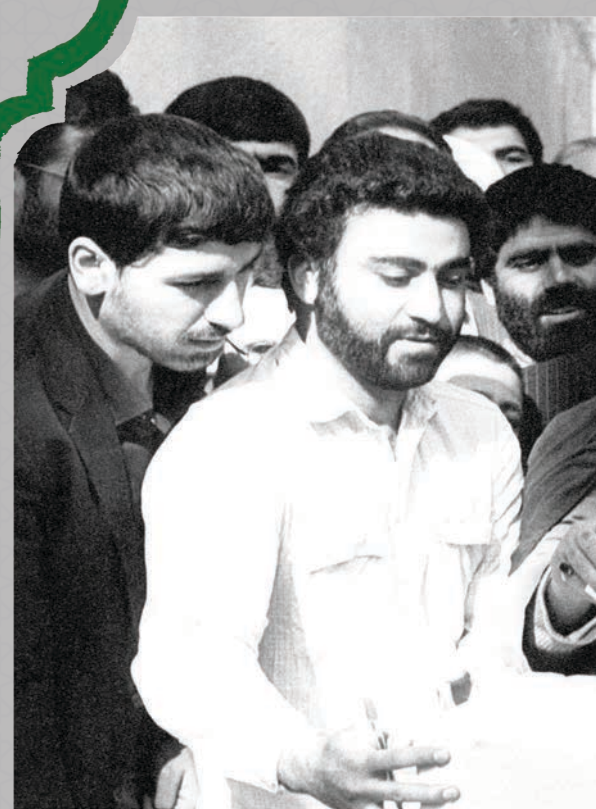
دومین هشدار ارائه فهرست انتخاباتی با مقاصد فاسد و غیرانقلابی؛ «بعضی‌ها هستند که قابل اعتماد نیستند؛ کَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ [انعام/۷۱]؛ گاهی این جور نیست که از روی صفا و واقعیت و علاقه‌مندی به انقلاب بیایند یک فهرست پیشنهادی را بدهند؛ نه، روی مقاصد دیگر-گاهی اوقات مقاصد فاسد-پیشنهادهایی می‌دهند. مردم توجّه کنند و ببینند که آن فهرست‌هایی را که پیشنهاد شده است از کجا پیشنهاد شده؛ از طرف چه کسی پیشنهاد شده؛ آن‌کسانی را که مورد اعتمادند، قابل اطمینان‌اند، قابل اعتمادند انتخاب بکنند...»^{۱۲}

و هشدار سوم در مورد تلاش دشمن برای مأیوس کردن مردم از انتخابات است؛ «آن‌کسانی که ممکن است از سردلسوزی، راجع به انتخابات یک توصیه‌های عمومی بکنند که آقا انتخابات این جور باشد، آن جور نباشد، حواسشان باشد به این مقصود دشمن کمک نکنند؛ مردم را از انتخابات مأیوس نکنند،... این یکی از خواسته‌های دشمن است...»

اگر به توصیه‌های رهبر انقلاب بی‌توجهی شود، آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب رنگ می‌بازند و نفوذ موریانه‌وار عوامل دشمن در مجلسی که به فرموده امام رحمة‌الله علیه در رأس امور است، موجب سست شدن پایه‌های نظام اسلامی خواهد شد که ایشان حفظ آن را واجب واجبات می‌دانست.

تجربه این چهارده گذشته نشان داده که مردم هرچه بیشتر به آرمان‌های انقلاب پای بند باشند و به تبع آن مسئولین انقلابی انتخاب کنند، دشمن ناامید و به عقب رانده شده، تحریم‌ها کم اثرتر، امید به آینده بیشتر و رشد و شکوفایی افزایش داشته و کشور در مسیر پیشرفت با سرعت بیشتری حرکت کرده است. برعکس هرچه بیشتر از آن آرمان‌ها فاصله گرفتند فساد اقتصادی، اجتماعی، رکود، بیکاری، تورم و... افزایش یافته است و دشمن امیدوارتر شده است.

بنابراین در آستانه چهل و یکمین سالگی انقلاب اسلامی، به نظرمی‌رسد با انتخابات پیش رو انقلابی دیگر و طلوع فجری نو برای نظام اسلامی اتفاق بیفتد که انقلاب بازگشت به ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی باشد. لذا می‌بایست در عرصه تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری، کسانی بر کرسی وکالت مردم بنشینند که انقلابی، جوان و دارای روحیه جهادی باشند تا ارزش‌های انقلاب دفاع کنند و به آرمان‌های آن پایبند باشند.



۹ و ۶ و ۷. رک بیانیه گام دوم انقلاب، ۹۷/۱۱/۲۲.

۸. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۴۶۶.

۹. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.

۱۰. بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرعی، ۱۳۹۴/۱۱/۲۸.

۱۱ و ۱۲. بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور، ۱۳۹۴/۱۰/۱۴.

اصلاح کیست؟

شاخص‌های انتخاب اصلاح
از منظر رهبر انقلاب



هیات

۱۲

مؤلفه‌ها و شاخص‌های تمدن

نوین اسلامی

قبل از پرداختن به برخی از شاخص‌ها و خصوصیات نماینده انقلابی و تمدن‌ساز، لازم است ویژگی‌ها و مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی را مورد واکاوی قرار دهیم چراکه تا برآیند صحیحی از این جامعه آرمانی و تمدن نوین در دست نباشد، پاسخ به این سؤال که با چه نیرویی می‌توان به این هدف نائل شد بی‌پاسخ خواهد ماند. در منظومه فکری و اندیشه تمدنی مقام معظم رهبری شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی عبارت‌اند از: ایمان، علم، پیشرفت، عزت، عدالت، قدرت مقابله با امواج جهانی، ثروت و اخلاق. ایشان مجاهدت مداوم، تولید فکر از اقیانوس عظیم معارف و پرورش انسان با کمک علمای دین، مدیران جامعه و آحاد مردم را از عناصر اساسی برای ایجاد تمدن اسلامی می‌دانند.

انتظارات مقام معظم رهبری از

نمایندگان تمدن ساز

بعد از اشاره مختصر و کوتاه به مؤلفه‌ها و شاخص‌های تمدن نوین اسلامی، حال

با یک نگاه ساده می‌توان راهبرد و استراتژیک افرادی که نامزد کرسی قانون‌گذاری هستند را به چند دسته تقسیم کرد:

دسته اول: استراتژی و راهبرد عده‌ای بیش از این‌که رویکردی الهی و توحیدی داشته باشد، صبغه سکولار و مادی دارد، این دسته افراد در نگاه خوش‌بینانه فقط سعی دارند دنیای خود و دیگران را آباد نمایند، البته این‌چنین افرادی پیش از منافع دیگران به دنبال رسیدن به آمال و آرزوهای دنیوی خود هستند تا حل مسائل و دغدغه‌های مردم.

دسته دوم: جنس و هویت عده‌ای دیگر متفاوت با سایرین است، چراکه آن‌ها نگاه الهی و معرفتی خود را به جهان هستی در منظومه فکری و فرهنگی منادیان توحید و مصلحان جامعه بشری مشاهده می‌کنند از این‌رو تمام تلاش و همت آن‌ها زمینه‌چینی و بسترسازی برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی است.

در این نوشتار سعی شده است با نگاه به مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی، برخی از شاخص‌های نماینده‌ی شایسته و تراز انقلاب اسلامی از منظر مقام معظم رهبری مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد.

جای طرح این سؤال است که «با چه نیروی کارآمد و پیشرانی می‌توان به این تمدن نوین دست پیدا کرد؟»؛ به عبارت فلسفی «آیا فاقد شیء معطی شیء می‌شود و آیا می‌توان به افرادی امید بست که بهره‌ای از شاخص‌های تمدن ساز ندارند؟»

الف. جهادگر

یکی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین شاخص‌ها و ویژگی‌های نماینده تراز انقلاب، جهادی بودن است. ویژگی و خصوصیت «جهادی» کلیدواژه‌ای طلایی است که بسیاری از معادلات و راهبردها را تغییر می‌دهد. در اندیشه سیاسی و مذهبی مقام معظم رهبری، جهاد تنها به معنای تلاش فراوان نیست بلکه به معنای مبارزه می‌باشد و شخص جهادگرنیز یک مبارز است، مبارزی که خود را در میدان جنگ مشاهده می‌کند و دشمنان مشخصی از جنس دشمن درونی و دشمن بیرونی را در پیش روی خود می‌بیند. در پازل فکری مقام معظم رهبری یک جهادگر باید هم یارا و توان مبارزه با نفس و خواسته‌های دنیوی و شیطانی را داشته باشد و هم یارای مقابله و ایستادگی در برابر دشمن بیرونی. مبارزی که برای رسیدن به اهداف والای الهی خود در عرصه‌های مختلف اخلاقی، علمی و فن‌آوری، عرصه سیاست و بین‌الملل^۱، هدفمند، هوشمندانه، عقلانی و دشمن‌شکن وارد می‌شود.^۲

ب. انقلابی

در منظومه فکری مقام معظم رهبری کلیدواژه انقلابی، عبارتی عام است که خود دربردارنده شاخص‌ها و مؤلفه‌های فراوانی است؛ خصوصیات و اوصافی که همچون موتوری پیشران، انقلاب اسلامی را به سوی رسیدن به تمدن نوین اسلامی کمک می‌کند. ایشان در معرفی، توصیف و تبیین نیروی انقلابی که توانایی تمدن‌سازی دارد به نکاتی راهبردی اشاره می‌کنند؛ نکات بسیار ارزشمندی که به‌طور قطع و یقین باید ملاک انتخاب نخبگان قانون‌گذاری باشد. [راه برافراختن پرچم تمدن نوین اسلامی چیست؟] یک نسلی باید به وجود بیاید شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیش‌گام، خودباور، غیور؛ -البته خوشبختانه ما امروز در نسل جوان، بسیاری از این خصوصیات را داریم اما این بایستی گسترش پیدا کند- چنین نسلی لازم داریم. بایستی ایمان داشته باشد، سواد داشته باشد،

غیرت داشته باشد، شجاعت داشته باشد، خودباوری داشته باشد، انگیزه‌ی کافی برای حرکت داشته باشد، توان جسمی و فکری حرکت داشته باشد، هدف را در نظر بگیرد، چشم را به اهداف دور متوجه بکند و به تعبیر امیرالمؤمنین «أَعْرِ اللَّهَ جُمُوعَتَكَ»^۳؛ زندگی خودش و وجود خودش را بگذارد در راه این هدف و با جدیت حرکت کند؛ در یک کلمه یعنی یک موجود انقلابی؛ معنای انقلابی این است.^۴

ج. متدین و متعهد به آرمان‌های انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی برخلاف بسیاری از انقلاب‌های سکولار و مادی‌گرای جهان، آرمان‌های توحیدی و الهی دارد، آرمان‌هایی از جنس عدالت ورزی^۵، استکبارستیزی^۶، برپایی حق، اقامه کردن حدود و قوانین اسلامی^۷، بسترسازی برای دست‌یابی به تمدن نوین اسلامی و همچنین ظهور مصلح جهانی، در این بین نمایندگان قانون‌گذاری که در یکی از حساس‌ترین جایگاه‌های این انقلاب قرار می‌گیرند، می‌بایست، علاوه بر پابندی و تعهد به آرمان‌های انقلاب، خود نیز توان گام برداشتن در این مسیر حساس و استراتژیک را داشته باشند.

سخن آخر:

در فرهنگ و اندیشه اسلامی قانون‌گذاری مسندی حساس و راهبردی است که در درجه اول مختص به خدای متعال و اولیای الهی است. از این رو نباید این چنین ساده‌اندیشانه با موضوع قانون‌گذاری و کسانی که سعی دارند بر این کرسی بنشینند برخورد کرد. باید کسانی که برخوردار از علم، تقوا، امانت‌داری، درایت، شجاعت و بهره‌مند از روحیه و ملاک‌های انقلابی و جهادی هستند، وارد شوند.

۱. بیانات رهبری در دیدار هیأت‌علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳/۰۴/۰۱.

۲. بیانات رهبری در بازدید از پژوهشگاه رویان، ۱۳۸۶/۰۴/۲۵.

۳. خطبه ۱۱: از سخنان آن حضرت است به وقتی که در نبرد جمل پرچم را به دست فرزندش محمد حنفیه داد «تَزُولُ الْجَبَالُ وَ لَا تَزُلُ غَضٌّ عَلَى نَاجِذِكَ أَعْرِ اللَّهَ جُمُوعَتَكَ تَذُ فِي الْأَرْضِ قَدَمَكَ اِزْمِ بِبَصْرِكَ أَقْصَى الْقَوْمِ وَ غَضٌّ بِبَصْرِكَ وَ اَغْلَمَ أَنَّ النَّصْرَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ؛ اگر کوه‌ها از جای بجنبند تو ثابت باش. دندان بر دندان بفشار. سر خود را به خداوند بسپار. قدم‌هایت را بر زمین می‌خکوب کن. دیده به آخر لشکر دشمن بینداز. به وقت حمله چشم فروگیر و آگاه باش که پیروزی از جانب خدای سبحان است».

۴. ر.ک: بیان مقام معظم رهبری در دیدار نخبگان علمی جوانان، ۱۳۹۵/۰۷/۲۸.

۵. ر.ک: بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴/۰۶/۲۵.

۶. ر.ک: بیانات در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات، ۱۳۹۴/۱۰/۳۰.

۷. ر.ک: بیانات در دیدار فرمانده و پرسنل نیروی هوایی ارتش، ۱۳۸۸/۱۱/۱۹.

بازخوانی بیانات و دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی
پیرامون «حماسه ۹ دی» به عنوان یکی از «ایام الله» سال

فجر دوباره انقلاب

عمل کردید؛ خوب عمل کردید. در طول این سال‌ها هر جا کشور نیاز داشت، شماها وارد شدید؛ بی‌منت، بی‌توقع، بابصیرت وارد میدان شدید. ملت عزیز ما خیلی خوب عمل کرد. خداوند ان شاء الله توفیقاتش را، رحمتش را، فضلش را بر این ملت نازل کند.»^۲

۲. حفظ آبروی کشور

«در انتخابات، در راه‌پیمایی‌ها، در هر جا که حضور مردمی لازم بوده است، حضور مردم توانسته است [تأثیر بگذارد]؛ آبروی کشور را شما حفظ کردید.»^۳

پیام‌ها و نمادهای حماسه ۹ دی

علاوه بر آثار و برکات قیام مردمی ۹ دی، این حماسه مردمی بیانگر و نماد پیام‌هایی از جانب مردم و انقلاب به دشمنان انقلاب بود که عبارت‌اند از:

۱. نماد «انقلابی‌گری» در برابر «انقلابی‌نمایی»

«انقلابی‌نمایی غیر از انقلابی‌گری است؛ انقلابی‌نمایی [یعنی] آدم جووری عمل کند که کأنه ما [انقلابی هستیم]؛ انقلابی‌گری کار سختی است؛ پابندی لازم دارد، تدبیر لازم دارد. نمی‌شود که انسان یک دهه همه‌کاره‌ی کشور باشد، بعد یک دهه‌ی بعدی تبدیل بشود به مخالف خوان کشور؛ این [طور] که نمی‌شود.»^۴

۲. نماد عدم شناخت دشمن از مردم

«این را قطعاً عرض می‌کنم که دشمن با همه‌ی برنامه‌ریزی‌هایش، مردم ما را نشناخته، ملت ایران را نشناخته؛ اشتباه می‌کنند. دیدید در سال ۸۸ خطا کردند و آن فتنه را راه انداختند و کار را به جاهایی رساندند که به خیال خودشان جاهای بسیار باریک و حساس و دقیقی بود، [اما] ناگهان حرکت عمومی نهم دی همه را مبهوت کرد. این حرکت نهم دی سال ۸۸ از جنس همان حرکت نوزدهم دی شماها در سال ۵۶ است.»^۵

۳. نماد قدرت و تقابل مردم ایران در برابر استکبار

رهبر معظم انقلاب حفظه الله، با اشاره به دشمنی و کینه‌ورزی عملی مستکبران با حاکمیت اسلام و تلاش آنان برای سلب مؤلفه‌های قدرت نظام اسلامی، حادثه بی‌نظیر ۹ دی را از جمله نمونه‌های قدرت جمهوری اسلامی خواندند و خاطرنشان کردند: «امروز هندسه

همه روزها، روز خدا و از «ایام الله» به حساب می‌آید که در قرآن نیز به کار برده و امام باقر (ع) روزهای قیام امام مهدی (عج)، رجعت و قیامت را از مصادیق آن دانسته است. اضافه شدن کلمه روز به خدا در (ایام الله)، به روزهای خاصی اشاره دارد که در آن‌ها اتفاقات مهمی روی داده است یا به علل دیگر، از اهمیت خاصی برخوردار شده است. همان‌گونه که همه مکان‌ها متعلق به خدا است، اما اضافه شدن بیت به الله عظمت و جایگاه والای کعبه را می‌رساند که «بیت الله» لقب گرفته است.

امام خمینی (ره)، برخی از روزهای مهم در تاریخ انقلاب اسلامی ایران مانند ۲۲ بهمن (روز پیروزی انقلاب ایران) و ۱۲ فروردین (روز اعلام نتیجه برگزاری همه‌پرسی برای برقراری نظام جمهوری اسلامی در ایران) را «ایام الله» خواندند. با این توضیح می‌توان گفت که هرگاه اراده انسان‌ها در طول اراده الهی قرار بگیرد، اثر عمل انسان‌ها نیز جلوه‌ای الهی و آسمانی می‌یابد. تجربه انقلاب نیز نشان داده است که هرگاه مردم با نیت و اراده خدایی اقدامی کرده‌اند، آن حرکت و آن روز در تاریخ انقلاب ماندگار و اثرگذار شده است و خداوند به آن برکت، نورانیت و تأثیر ویژه‌ای عنایت کرده است. چنین روزهای نورانی و ماندگار انقلاب در بیان رهبر معظم انقلاب حفظه الله به «ایام الله» تعبیر شده است که در شرح آن فرمودند:

«ایام الله» روزهای جلوه‌ی ویژه‌ی خدای متعال است؛ گاهی نیت مردم، همت مردم، اراده‌ی مردم، یک چنین روزی را می‌آفریند.^۱ اینکه معظم له در جریان فتنه منافقین در سال ۸۸ از حماسه حضور یکپارچه و الهی مردم در روز ۹ دی به «یوم الله» تعبیر کردند نشان از حماسی و الهی بودن این حرکت و تأثیر ژرف آن در برچیدن بساط و پاک‌سازی کامل کید جبهه نفاق خبر می‌دهد. از سوی دیگر این حضور حماسی و ایستادگی پای ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب در روز ۹ دی تبدیل به یک نماد ملی و انقلابی شد و آثار و برکات متعددی را به همراه داشت که در بیان و اندیشه مقام معظم رهبری حفظه الله متجلی شد. در ادامه به برخی از این آثار و نمادها اشاره می‌گردد:

۱. جلب دعای خیر و رضایت ولی

«به مردم عرض می‌کنم که خدا از شما راضی باشد؛ خوب

تقابل قدرت‌های استکباری با جمهوری اسلامی در جهت سلب قدرت مادی و معنوی و عزم و اراده ملت ایران است و در مقابل، باید این قدرت را حفظ و روزبه‌روز تقویت کرد».^۶

۴. نماد قدرت فکری نظام اسلامی

رهبر انقلاب حفظه‌الله حادثه ۹ دی را نمونه‌ای از عناصر قدرت نظام می‌داند: «در آن حادثه بی‌نظیر، هیچ‌کس دست‌اندرکار نبود و قدرت فکری که شاکله اصلی نظام اسلامی است، مردم را به خیابان‌ها کشاند و آن حادثه بی‌نظیر پدید آمد».^۷ بنابراین با توجه به آثار و برکات عظیمی که حماسه‌های مردمی و انقلابی نظیر قیام ۹ دی در پی دارد، دشمنان همواره در تلاش‌اند تا از ایجاد و استمرار آن جلوگیری نمایند، لذا رهبر انقلاب حفظه‌الله مردم را به هدف دشمن توجه دادند و فرمودند: «هدف دشمن این است که از این استمرار و استقامت جلوگیری کند؛ برای همین است که انواع و اقسام تلاش‌ها را هم دارند می‌کنند و از هر وسیله‌ای هم که بتوانند استفاده می‌کنند»؛^۸ در ادامه به

تلاش‌های دشمن در این زمینه اشاره می‌گردد:

تلاش دشمن برای تحریف حقایق انقلاب و ضرورت زنده نگه‌داشتن حماسه نه دی

رهبر انقلاب حفظه‌الله همواره در بیاناتشان تأکید می‌کنند که باید مراقب باشیم که دشمنان با تبلیغات و هزینه‌هایی که انجام می‌دهند موجب فراموش شدن روزهای پرافتخاری مانند حماسه ۹ دی در تاریخ انقلاب نشوند: «انگیزه‌هایی وجود دارد برای فراموش کردن روزها و حوادث بزرگ؛ کار و تلاش می‌کنند برای اینکه سوابق تعیین‌کننده و افتخارآمیز برای انقلاب و دوران دفاع مقدس و امثال این‌ها، فراموش بشود. نهم دی را هم می‌خواهند به فراموشی بسپارند. همچنان که ستمگران و ظالمان حادثه‌ی عاشورای حسینی را هم می‌خواستند نگذارند باقی بماند».^۹

همچنین ایشان زنده نگه‌داشتن «ایام‌الله» انقلاب مانند ۱۹ دی، ۲۹ بهمن، ۲۲ بهمن و ۹ دی را یک حرکت مجاهدانه و ضروری در برابر خطر تحریف و فراموشی حقایق انقلاب توسط دشمنان دانسته^{۱۰} و راه برون‌رفت قطعی از این خطرات و تهدیدها را بصیرت و ایمان بیان فرمودند: «آنجایی که شما می‌بینید مؤمنینی هستند و نصرت پیدا نمی‌کنند، به خاطر این است که یا ایمان ضعیف و غلط است، یا اینکه ایمان نسبت به مسائل جهان و مسائل حول و حوش خودشان همراه با بصیرت نیست.

اگر بصیرت نباشد، همان ایمان ممکن است انسان را به بیراهه بکشاند. کسی که به آنچه پیرامون او دارد می‌گذرد، علم و بصیرت درست ندارد گاهی اوقات می‌شود که راه را عوضی طی می‌کند؛ همه‌ی نیروی او نه فقط هدر می‌رود، بلکه او را به کج‌راهه می‌کشاند».^{۱۱}

حقایق نهفته در حماسه عظیم ۹ دی

۹ دی دفاع از ارزش‌های انقلاب و دین و ایستادگی برای دفاع از انتخابات بود.

رهبر معظم انقلاب حفظه‌الله حماسه ۹ دی را پاسخ مردم به فتنه‌گران و ایستادگی پای صلاحیت برگزاری انتخابات و دفاع از ارزش‌های اسلام و انقلاب دانستند و فرمودند: «نهم دی که این قدر عظمت دارد، پاسخ ملت به همین بازی‌ها (فتنه‌گری ۸۸ دشمنان) بود. ۹ دی دفاع از ارزش‌های انقلاب و دین بود. ایستادگی در آنجا برای دفاع از انتخابات بود. با همه فشارها برای ابطال انتخابات؛ چون بحث سر ارزش‌های انقلاب و ارزش‌های نظام اسلامی است زیرا بار ابطال انتخابات نخواهم رفت».^{۱۲}

۲. فتنه ۸۸ برنامه‌ای از سوی دشمنان برای ایجاد خدشه و تهدید در انتخابات بود.

ایشان بازی و برنامه دشمن در جریان فتنه ۸۸ را ایجاد خدشه و تهدید در انتخابات از سوی دشمنان دانستند و در مورد تبدیل آن به یک فرصت بزرگ برای نظام فرمودند: «دشمنان ما در خارج، بیچاره‌ها در فکر این‌اند که از این انتخابات تهدیدی درست کنند علیه نظام اسلامی؛ درحالی‌که انتخابات فرصت بزرگ نظام اسلامی است. آن‌ها امید دارند که انتخابات یا سرد باشد تا نتوانند بگویند مردم به نظام اسلامی علاقه‌ای ندارند؛ یا دنبال انتخابات، فتنه به وجود بیاورند؛ اما آن‌ها اشتباه می‌کنند، مردم ما را نشناخته‌اند».^{۱۳}

۳. راز ماندگاری انقلاب و محرک اصلی حضور مردم در صحنه، هدایت و قدرت الهی بود.

همچنین ایشان قدرت الهی را عامل و محرک اصلی برای حضور انقلابی مردم در صحنه‌های انقلاب مانند ۲۲ بهمن، روز قدس و روز ۹ دی می‌دانند: «آورنده‌ی مردم به عرصه‌ی خیابان‌ها و این حضور عظیم مردم در مراسم‌های گوناگون، دست قدرت خدای متعال است؛ چون دل‌ها دست اوست».^{۱۴}

در جاهای دیگر نیز به نکته مهم تصریح فرموده‌اند که برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: «کار شورای هماهنگی تبلیغات، مدیریت است؛ و الا کار را مردم می‌کنند و دل‌ها دست خداست. مردم را خدای متعال در صحنه می‌آورد؛ یعنی همان ایمان الهی و توفیق الهی و تأیید الهی است که مردم را در صحنه می‌آورد».^{۱۵}

«هرچه انسان در اطراف این قضایا فکر می‌کند، دست خدای متعال را، دست قدرت را، روح ولایت را، روح حسین بن علی (علیه‌السلام) را می‌بیند. این کارها کارهایی نیست که با اراده‌ی امثال ما انجام بگیرد؛ این کار خداست، این دست قدرت الهی است؛ همان‌طور که امام در یک موقعیت حساسی - که من بارها این را نقل کرده‌ام - به بنده فرمودند: «من در تمام این مدت، دست قدرت الهی را در پشت این قضایا دیدم». درست دید آن مرد نافذِ بابصیرت، آن مرد خدا».^{۱۶}

«علت این حماسه عظیم این است که مردم وقتی احساس کنند دشمن در مقابل نظام اسلامی ایستاده است، به میدان می‌آیند. این یک حرکت ایمانی و قلبی است؛ این چیزی است که انگیزه‌ی خدایی در آن وجود دارد؛ دست قدرت خداست، دست اراده‌ی الهی است؛ این چیزها دست من و امثال من نیست. دل‌ها دست خداست. اراده‌ها مقهور اراده‌ی پروردگار است. وقتی حرکت خدایی شد، برای خدا شد، اخلاص در کار بود، خدای متعال این جور دفاع می‌کند. لذا می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا».^{۱۷}

نهم دی را می‌خواهند به فراموشی بسپارند. انگیزه‌هایی وجود دارد برای فراموش کردن روزها و حوادث بزرگ؛ کار و تلاش می‌کنند برای اینکه سوابق تعیین‌کننده و افتخارآمیز انقلاب و دوران دفاع مقدس و امثال این‌ها، فراموش بشود.

«راز ماندگاری انقلاب تا امروز نیز، اتکای به ایمان و خداوند است. لذا اگر روزی مردم احساس کنند که دشمنی‌ای متوجه انقلاب است، بدون فراخوان از سرتاسر کشور حرکت می‌کنند و می‌آیند. روز نهم دی شما دیدید در این کشور چه اتفاقی افتاد و چه حادثه‌ای پیش آمد. دشمنان انقلاب که همیشه در پی کتمان حقایق جمهوری اسلامی هستند و سعی می‌کنند راهپیمایی‌های میلیونی را تحقیر کنند و کوچک جلوه دهند، خودشان در بیان و بنان اعتراف کردند که در طول این بیست سال، هیچ حرکت مردمی‌ای به این عظمت در ایران اتفاق نیفتاده است.»^{۱۸}

۴. نه دی بزرگ‌ترین و پرشورترین حرکت تاریخ انقلاب بود.

«تحلیلگران خارجی وقتی نگاه کردند، گفتند: بعد از رحلت امام بزرگوار، یا شاید بعضی گفتند از بعد از حرکات اول انقلاب، هیچ اجتماعی با این بزرگی، با این تپش، با این شور و هیجان وجود نداشته که مردم وارد میدان شدند.»^{۱۹}

عناصر اصلی خلق حماسه ۹ دی

بر اساس هویت و ماهیت انقلاب، روح حاکم و عناصر اصلی در قضیه ۹ دی دو عنصر بود:

عنصر اول: حضور مردم

در هر کشوری، در هر جامعه‌ای، این مردم هستند که اگر همت کنند، بصیرت به خرج بدهند، عمل کنند و وارد میدان بشوند، می‌توانند همه‌ی مشکلات را حل کنند؛ یعنی بزرگ‌ترین موانع در مقابل حضور مردم از بین می‌رود و می‌توانند کوه‌های بزرگ را جابه‌جا کنند. این یک است که بسیاری از آن را درست لمس نکردند، درک نکردند؛ ما این را لمس کردیم. هنر بزرگ امام بزرگوار ما هم این بود که برخلاف تحلیلگران اجتماعی در کشورهای اسلامی و دیگر کشورها، این حقیقت آشکارا درک کرده و مردم را وارد صحنه کرد.

خدای تعالی به امام کمک کرد و در بیان او این نفوذ و تأثیر را قرار داد که در دل‌های مردم اثر گذاشت و مردم، به راه و هدف او مؤمن شدند و به دنبال این ایمان، عمل خودشان را انجام دادند. همه‌ی موانع سیاسی و غیرسیاسی و استعمار و قدرت‌های عظیم جهانی که بر امور ملت‌ها مسلطند، در مقابل این حضور مردم مجبورند عقب‌نشینی کنند.^{۲۰}

عنصر دوم: ایمان دینی

«ایمان دینی، آن معجزه‌گری است که قادر است اولاً همه‌ی مردم را بسیج کند و بیاورد، ثانیاً آن‌ها را در صحنه نگه دارد و ثالثاً سختی‌ها را برای آن‌ها هموار و آسان کند؛ هیچ ایمان دیگری این خصوصیت را ندارد. ایمان دینی می‌گوید شما اگر چنانچه فائق شدید و پیش بردید، پیروزید؛ اگر کشته هم شدید، پیروزید؛ اگر زندان هم افتادید، پیروزید؛ چون به وظیفه عمل کردید. وقتی کسی یک چنین اعتقاد و ایمانی داشت، دیگر شکست برایش معنا ندارد و وارد میدان می‌شود. این همان عاملی است که در صدر اسلام هم اثر کرد، در انقلاب ما هم اثر کرد و ۹ دی یک نمونه‌ای بود از همان خصوصیتی که در خود انقلاب وجود داشت؛ یعنی مردم احساس وظیفه‌ی دینی کردند و دنبال این وظیفه، عمل صالح خودشان را انجام دادند. عمل صالح

این بود که توی خیابان بیایند، نشان بدهند، بگویند مردم ایران این‌اند. با این حرکت مردم، آن حجم عظیم تبلیغات دشمن که می‌خواست فتنه‌گران را مردم ایران معرفی کند و این جور نشان بدهد که مردم ایران از انقلابشان، از نظامشان برگشتند، به کلی نقش بر آب شد؛ یعنی مردم نشان دادند که این، مردم ایران است.»^{۲۱}

نسبت بین «عاشورا» و «یوم‌الله» های انقلاب

مقام معظم رهبری حفظه‌الله یکی از ویژگی‌های حرکت‌های بزرگ انقلابی مانند حماسه ۹ دی را ارتباط آن با حماسه عاشورا می‌داند و معتقدند که بر اساس درس‌های عاشورا، خون برشمشیر پیروز است و مظلوم بر ظالم فائق می‌آید. ایشان با اشاره به حرکت حضرت امام علیه السلام در محرم سال ۱۳۵۷ بر محور عاشورا و امام حسین علیه السلام، رمز خروش و حرکت عظیم مردم در ۹ دی را نیز در به میان آمدن موضوع عاشورا و حرکات سخیف آشوبگران در جسارت به ارزش‌های دینی در عاشورا می‌دانند.^{۲۲}

این مردم بودند

که با یک

حرکت برخاسته

از بصیرت،

دشمن‌شناسی،

وقت‌شناسی و

حضور مجاهدانه

در عرصه، روز ۹ دی

را از دیگر روزها

متمایز کردند.

«روزهای سال، به‌طور طبیعی و به‌خودی خود همه مثل هم‌اند؛ این انسان‌ها هستند، این اراده‌ها و مجاهدت‌هاست که یک روزی را از میان روزهای دیگر برمی‌کشد و آن را مشخص می‌کند، متمایز می‌کند، متفاوت می‌کند و مثل یک پرچمی نگه می‌دارد تا راهنمای دیگران باشد. روز عاشورا - دهم محرم - فی‌نفسه با روزهای دیگر فرقی ندارد؛ این حسین بن علی علیه السلام است که به این روز جان می‌دهد، معنا می‌دهد، او را تا عرش بالا می‌برد؛ این مجاهدت‌های یاران حسین بن علی علیه السلام است که به این روز، این خطورت و اهمیت را می‌بخشد. نهم دی با دهم دی فرقی ندارد؛ این مردم‌اند که ناگهان با یک حرکت برخاسته از بصیرت، دشمن‌شناسی، وقت‌شناسی و حضور مجاهدانه در عرصه، روز نهم دی را از دیگر روزها متمایز می‌کنند.»^{۲۳}

علت ایجاد حماسه ۹ دی

رهبر معظم انقلاب حفظه‌الله علت به راه افتادن این حماسه عظیم را دل‌بستگی و اعتماد مردم به نظام می‌داند: «نهم دی سال ۸۸، به‌مجرد اینکه مردم احساس کردند حرکتی که شروع شده است، متوجه به نظام است، متوجه به انقلاب است، متوجه به شخص خاص و دولت خاصی نیست، آن حرکت عظیم را از خود نشان دادند. این جور نبود که فقط جوان‌های پرشور به میدان بیایند؛ همه آمدند. حادثه‌ی نهم دی یک حادثه‌ی عجیبی است؛ به خاطر دل‌بستگی مردم به نظام بود. این‌ها نشان‌دهنده‌ی اعتماد مردم است.»^{۲۴}

همچنین معظم له حماسه ۹ دی و ۲۲ بهمن را ضربه نهایی ملت ایران به فتنه‌گران و دشمنان می‌داند که موجب ایجاد یک حماسه

ماندگار و درس آموز در تاریخ انقلاب معرفی می کنند و معتقدند که باید بر محور آن به حرکت ادامه داد:

«قوی ترین و آخرین ضربه را ملت در روز ۹ دی و ۲۲ بهمن وارد کرد. کار ملت ایران کار عظیمی بود و موجب آشکار شدن یکپارچگی ملت شد. همه ی کسانی که در عرصه ی سیاسی به هرنامزدی رأی داده بودند، وقتی دیدند دشمن در صحنه است و اهداف پلید آن ها چیست، نسبت به آن کسانی که قبلاً به آن ها خوش بین هم بودند، تجدیدنظر کردند؛ فهمیدند که راه انقلاب و صراط مستقیم این است. دشمنان خیلی تلاش کردند، شاید بتوانند بین ملت دودستگی ایجاد کنند؛ اما نتوانستند؛ چون در ۲۲ بهمن، ملت همه با یک شعار وارد میدان شدند و ایستادند تا پیروز شدند. از ۲۲ خرداد تا ۲۲ بهمن - هشت ماه - یک فصل پرافتخار و پربهرتی برای ملت ایران بود؛ این یک درس شد و آگاهی جدیدی به وجود آمد. فصل تازه ای در بصیرت ملت ایران گشوده شد. این یک زمینه ی بسیار مهمی شد که باید براساس آن حرکت کنیم».^{۲۶}

نقش تأثیرگذار و مهم علمای دین در هدایت حرکت های مردمی و انقلابی

«حضور مردم در حوادث بزرگ و مهم و اعلان موضعی که می کنند - مثل راهپیمایی مهم ۲۲ بهمن که واقعاً یک پدیده ی عظیمی بود در تاریخ انقلاب در این شرایط و با این اوضاع و احوال؛ و قبل از آن، حضور مردم در خیابان ها در سراسر کشور در نهم دی - بدون اینکه علما و راهنمایان معنوی مردم که مورد اعتماد آن ها هستند، دل های مردم را به حقایق این انقلاب متوجه کنند، میسر نمی شد. نقش علمای دین در هدایت مردم، منحصر نمی شود به هدایت در امور فرعی و مسائل شخصی و این ها. مهم تر از همه ی این ها، هدایت مردم است در مسئله ی عظیم اجتماعی و مسئله ی حکومت و مسئله ی نظام اسلامی و وظایفی که مترتب بر این هست در مقابله ی با حوادث جهانی. یقیناً اگر نقش علمای دین و راهنمایان روحانی حذف می شد و وجود نمی داشت، این انقلاب تحقق پیدا نمی کرد؛ این نظام به وجود نمی آمد و باقی نمی ماند».^{۲۷}

نتیجه ای که از این بحث به دست می دهد؛ اینکه تاریخ انقلاب نشان داده است که مردم ایران براساس دل بستگی و اعتمادی که به انقلاب، نظام و رهبری دارند در هر فتنه ای مانند فتنه ۸۸ که دشمنان بر نظام تحمیل کرده اند، پای نظام ایستاده و همچون حماسه ۹ دی با بصیرت و اقدام به موقع، از ارزش ها و آرمان های انقلاب و رهبری دفاع و پشتیبانی کرده اند که این مهم همواره مورد توصیه و تأکید رهبری انقلاب نیز بوده است: «شناختن موقعیت، فهمیدن نیاز، حضور در لحظه مناسب و مورد نیاز؛ این اساس کار است که مؤمن باید این را هم با خود همراه داشته باشد تا بتواند وجودش مؤثر بشود و آن کاری را که باید انجام بدهد، بتواند انجام بدهد».^{۲۸}

باید اذعان کرد آنچه تا امروز به دشمنان اجازه نداده که به اهدافشان برسند و پس از این نیز اجازه نخواهد داد که به

اهدافشان برسند، همانا احساس تکلیف همگانی و حضور مردمی بوده است:

«آحاد مردم، مسئولین، غیرمسئولین، به خصوص جوان ها و کسانی که سخن و حرفشان تأثیر دارد، نباید احساس مسئولیت حضور در صحنه را از دست بدهند. هیچ کس نگویید من تکلیف و مسئولیتی ندارم؛ بلکه همه مسئول اند. مسئولیت معنایش این نیست که اسلحه ببندیم، بیاییم توی خیابان راه برویم؛ بلکه کاری که هستیم، احساس مسئولیت کنیم؛ مسئولیت دفاع از انقلاب و از نظام جمهوری اسلامی؛ یعنی از اسلام، حقوق مردم و عزت کشور. من می بینم که این احساس مسئولیت را داریم. این را مردم کشور ثابت کردند. یک نمونه ی واضحش حماسه ۹ دی بود. نمونه های دیگری هم مانند ۲۲ بهمن و دهه ی فجر در

پیش است؛ مردم حضور، آمادگی، سرزندگی و نشاط خودشان را نشان داده اند، باز هم نشان خواهند داد».^{۲۹}

شکی نیست که با هدایت های داهیه رهبر عظیم الشان و مدبر انقلاب اسلامی حفظه الله شاهد روزی خواهیم بود که پرچم انقلاب به دست صاحب اصلی آن برسد؛ چنانچه ایشان فرمودند: «انقلاب پرچم عزت این ملت است و ملت این پرچم را در دست استوار خود محکم نگه خواهد داشت و به فضل پروردگار تسلیم امام زمان ارواحنا فداه و عجل الله فرجه خواهد کرد».^{۳۰}

مسئولیت معنایش این نیست که اسلحه ببندیم، بیاییم توی خیابان راه برویم؛ بلکه در هر کاری که هستیم، احساس مسئولیت کنیم.

۱. بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۷/۱۱/۲۹.
۲. بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۹۶/۱۰/۱۹.
۳. بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۹۶/۱۰/۱۹.
۴. بیانات در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۱۳۹۶/۱۰/۱۹.
۵. بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۹۵/۱۰/۱۹.
۶. بیانات رهبر انقلاب در آستانه سالروز حماسه ۹ دی ۱۳۹۵/۱۰/۰۷.
۷. بیانات رهبر انقلاب در آستانه سالروز حماسه ۹ دی، ۱۳۹۵/۱۰/۰۷.
۸. بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش ۱۳۹۶/۱۱/۱۹.
۹. بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۹۳/۱۰/۱۷.
۱۰. رک: بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۹۳/۱۰/۱۷.
۱۱. بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۹۲/۱۰/۱۹.
۱۲. بیانات در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۱۳۹۶/۱۰/۰۶.
۱۳. بیانات در مراسم بیست و چهارمین سالگرد رحلت امام خمینی ره ۱۳۹۲/۰۳/۱۴.
۱۴. بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت ۹ دی ۱۳۹۰/۰۹/۲۱.
۱۵. بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت ۹ دی ۱۳۹۰/۰۹/۲۱.
۱۶. بیانات در دیدار مردم قم در سالگرد قیام ۱۹ دی ۱۳۸۸/۱۰/۱۹.
۱۷. بیانات در دیدار فرمانده و پرسنل نیروی هوایی ارتش ۱۳۸۸/۱۱/۱۹.
۱۸. بیانات در دیدار فرمانده و پرسنل نیروی هوایی ارتش ۱۳۸۸/۱۱/۱۹.
۱۹. بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت ۹ دی ۱۳۹۰/۰۹/۲۱.
۲۰. بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت ۹ دی ۱۳۹۰/۰۹/۲۱.
۲۱. بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت ۹ دی ۱۳۹۰/۰۹/۲۱.
۲۲. رک: بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت ۹ دی، ۱۳۹۰/۰۹/۲۱.
۲۳. رک: بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۰ و بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی ره ۱۳۹۰/۰۳/۱۴.
۲۴. بیانات در دیدار مردم قم در سالگرد قیام ۱۹ دی ۱۳۸۸/۱۰/۱۹.
۲۵. بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۶/۰۵/۱۶.
۲۶. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۸/۰۱/۰۱.
۲۷. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۱۲/۰۶.
۲۸. بیانات در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۱۳۸۸/۱۰/۲۹.
۲۹. دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه شش بهمن ۱۳۸۸/۱۱/۰۶.
۳۰. بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۸۱/۱۱/۲۸.

فِي سَبِيلِ اللَّهِ

سوخت حقیقی موشک‌ها علیه آمریکا

عیدها
۹۸/۱۰/۲۷
بشیر انقلاب

فریاد انتقام ملت ایران
سوخت حقیقی موشک‌هایی بود
که پایگاه آمریکایی را زیر و رو کرد



امام خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب در نماز جمعه‌ی پر شکوه و به یاد ماندنی ۲۷ دی ماه تهران، حضور معجزه‌گون ملت فهیم در تشییع پیکر مطهر حاج قاسم سلیمانی و یارانش و نیز پاسخ کوبنده‌ی سپاه در حمله به پایگاه آمریکایی‌ها در عین الأسد را دو یوم‌الله درس آموز و تعیین‌کننده خواندند و افزودند: «ملت، باطن خود یعنی استقامت در مقابل شیاطین را در این حضور نشان داد و تنها راه ادامه‌ی این مسیر عزت‌آفرین، قوی‌تر شدن ایران در همه‌ی زمینه‌ها است» و در نکته‌ای ظریف افزودند: «این فریاد انتقام که در سراسر ایران به گوش می‌رسد، در واقع سوخت حقیقی موشک‌هایی بود که پایگاه آمریکا را زیر و رو کرد.» ۱۳۹۸/۱۰/۲۷

ایشان همچنین در بیانات خود در دیدار مردم قم، حمله موشکی به پایگاه عین الأسد در جریان ترور ناجوانمردانه شهید سپهبد قاسم سلیمانی را صرفاً یک سیلی خواندند و خاطر نشان کردند که این سیلی در مقام مقابله با جنایت بزرگ آمریکا کفایت نمی‌کند بلکه معتقدند که:

«بایستی حضور فسادبرانگیز آمریکا در این منطقه منتهی بشود؛ تمام بشود. آنها در این منطقه جنگ آوردند، اختلاف آوردند، فتنه آوردند، ویرانی آوردند، خراب شدن زیربناها را آوردند. مدام اصرار دارند که همین فساد و همین ویرانگری را نسبت به ایران عزیز و جمهوری اسلامی داشته باشند. این مسئله‌ی مذاکره و نشستن پشت میز و مانند اینها هم، مقدمه‌ی دخالت‌ها و حضورها است؛ این باید به پایان برسد. این منطقه حضور آمریکا را در کشورهای منطقه قبول نمی‌کند؛ بدون تردید ملت‌های منطقه قبول نمی‌کنند، دولت‌های برخاسته از ملت‌ها قبول نمی‌کنند.» ۱۳۹۸/۱۰/۱۸



• سقوط هواپیما حادثه‌ی تلخی بود؛ دل ما را به معنای حقیقی کلمه سوزانید. از
• دست دادن جوانهای عزیز، مردم خوبمان و کسانی که از کشورهای دیگر
• اینجا بودند، حادثه‌ی بسیار تلخی بود.

بسپارند. سعی کردند کاری کنند که به خیال خودشان آن را به دست فراموشی بسپارند. افرادی که انسان هیچ علاقه‌ای در اینها نسبت به منافع ملی و نسبت به مصالح کشور احساس نمیکنند؛ واقعاً انسان تعجب میکند. حالا یک عده‌ای جوانند، احساساتی‌اند، فریب میخورند؛ یک عده‌ای نه، جوان هم نیستند؛ انسان میبیند که اینها هیچ حاضر نیستند منافع ملی را درک کنند، فهم کنند، پای این منافع بایستند. آنچه که دشمن مایل است از زبان اینها سرمیزند، در عمل اینها خودش را ظاهر میکنند.

همین جا لازم است تا من بار دیگر صمیمانه با اصحاب این مصیبت همدردی کنم و تشکر کنم، از آن پدرمادرهایی و صاحب‌عزاهایی که با وجود اینکه دلهایشان پُراز درد و غم بود، در مقابل توطئه و وسوسه‌ی دشمن ایستادند، برخلاف آنچه که میل دشمنان بود موضع گرفتند و حرف زدند. مادر یکی از همین عزیزانی که در این هواپیما بودند به من نامه نوشته و اظهار کرده که «ما پای جمهوری اسلامی ایستاده‌ایم، پای انگیزه‌های شما ایستاده‌ایم». اینها شجاعت میخواهد، اینها فهم و بصیرت میخواهد و انسان واقعاً با همه‌ی وجود، در مقابل این جور شخصیت‌هایی احساس تکریم و تعظیم میکند. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۷/۱۰/۱۳۹۸.

همان اندازه‌ای که ما از این حادثه‌ی سقوط هواپیما غصه خوردیم و غم بردل ما فرود آمد، دشمن ما از این حادثه به همان اندازه خوشحال شد؛ دشمن ما خوشحال شد؛ به خیال اینکه یک مستمسکی به دست آورده است که بتواند سپاه را زیر سؤال ببرد، نیروهای مسلح را زیر سؤال ببرد، نظام جمهوری اسلامی را زیر سؤال ببرد. میخواستند این کار را بکنند، شاید بتوانند آن حادثه‌ی عظیم را تحت الشعاع قرار بدهند؛ اشتباه کردند. «وَمَكْرُواْ وَمَكْرَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ»؛ آنها مکر کردند، اما ندانستند که مکرشان در مقابل قدرت پروردگار هیچ تأثیری ندارد و نمی‌توانند این کار را بکنند. حادثه‌ی یوم‌الله تشییع جنازه‌ی شهید و حادثه‌ی یوم‌الله در هم کوبیدن پایگاه آمریکایی از ذهن این مردم نخواهد رفت و روزه‌روزان شاء الله زنده‌تر خواهد شد.

سقوط هواپیما حادثه‌ی تلخی بود؛ دل ما را به معنای حقیقی کلمه سوزانید. از دست دادن جوانهای عزیز، مردم خوبمان و کسانی که از کشورهای دیگر اینجا بودند، حادثه‌ی بسیار تلخی بود. در این هیچ شکی نیست؛ لکن یک عده‌ای به تبع و هدایت تلویزیون‌های آمریکایی و رادیوهای انگلیسی سعی کردند این قضیه را به نحوی آرایش بدهند که ماجرای یوم‌الله ناشی از شهادت بزرگ این دو شهید عزیز را به دست فراموشی

گزیده بیانات مقام معظم رهبری (حفظه الله) در دیدار مردم قم به مناسبت قیام ۱۹ دی
پیرامون شخصیت و سیره شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی و هم‌زمان شهید او.

مؤلفه‌های جهادی

در سیره شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی

شجاعت دارند اما تدبیر و عقل لازم برای به کار بردن این شجاعت را ندارند. در مقابل بعضی‌ها اهل تدبیرند اما اهل اقدام و عمل نیستند، دل و جگر کار را ندارند. این شهید عزیز ما هم دل و جگر داشت، به دهان خطر می‌رفت و ابا نداشت؛ نه فقط

سپهبد قاسم سلیمانی یک مجاهد و فرمانده انقلابی بود که در همه ابعاد زندگی (جهاد اکبر، کبیر و اصغر) روحیه جهادی در وجود او موج می‌زد و شاخصه‌های یک مجاهد انقلابی به خوبی در رفتار و برنامه‌های او هویدا بود. برخورداری از روحیه جهادی و حفظ آن، چنان با اهمیت است که رهبر معظم انقلاب در نمازی که بر پیکر شهید سلیمانی اقامه کردند، خداوند متعال را به خاطر نعمت جهاد ستودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنَا الْجِهَادَ فِي سَبِيلِ الْإِسْلَام».

علاوه بر همه نکات و گفتاری که پیرامون شخصیت، زندگی و شهادت سپهبد قاسم سلیمانی گفته شده است برخی از نکات مهم از دیدگاه مقام معظم رهبری (حفظه الله) در مورد این شهید بزرگوار که از او به «رفیق خوب، عزیز، شجاع و خوش‌بخت» تعبیر کردند، عبارت است از:

۱. شجاعت توأم با تدبیر

گرچه دشمنان قاسم سلیمانی ترسیده‌اند و موضع تدافعی گرفته‌اند اما او مجاهدی نستوه و ترس بود که به خوبی دریافته بود: «در جنگ اگر کسی در برابر دشمن بترسد کارش تمام است و اگر می‌خواهی پای دین خدا بایستی نباید ترس داشته باشی»؛ لذا سری ترس داشت و بی‌مهابا و شجاعانه به قلب خطر می‌زد: «يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»^۱ حال سؤال اینجاست که آیا سزای چنین مرد میدانی که رودر رو با دشمن می‌جنگید، ترور ناجوانمردانه و خنجر از پشت بود؟ شجاعت و بی‌پروایی در همه عرصه‌ها از ویژگی‌های بارز شخصیت سردار سلیمانی به حساب می‌آید که در این باره رهبر عزیزمان فرمودند: «حاج قاسم صد بار در معرض شهادت قرار گرفته بود؛ این بار اول نبود، ولی در راه خدا، در راه انجام وظیفه، در راه جهاد فی سبیل الله پروا نداشت؛ از هیچ چیز پروا نداشت؛ نه از دشمن پروا داشت، نه از حرف این‌و آن پروا داشت، نه از تحمل زحمت پروا داشت.»

سردار دل‌ها علاوه بر شجاعت، در همه کارهایش اهل تدبیر و منطق بود. دیدگاه معظم له درباره شجاعت توأم با تدبیر شهید سلیمانی بدین شرح است:
«شهید سلیمانی، هم شجاع بود، هم با تدبیر بود. بعضی‌ها

در این حوادث این روزها، [بلکه] در دوران دفاع مقدس هم در فرماندهی لشکر ثارالله همین جواری بود. فکری کرد، تدبیر می‌کرد و منطق داشت برای کارهایش. از همه این‌ها بالاتر این بود که ابزار شجاعت و ابزار تدبیر را برای خدا خرج می‌کرد؛ اهل تظاهر و ریا و مانند این‌ها نبود».

رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی، شجاعت و تدبیر توأمان شهید قاسم سلیمانی را منحصر به میدان جنگ نظامی ندانسته و ایشان را شخصیتی شجاع و اهل تدبیر در همه میدان‌ها معرفی کرده و آثاری را بر آن مترتب شمردند:

«در میدان سیاست هم سخشن اثرگذار، قانع‌کننده و تأثیرگذار بود. یک نمونه از این تدبیر و شجاعت، این بود که او به کمک ملت‌های منطقه یا با کمک‌هایی که به ملت‌های منطقه کرد، توانست همه نقشه‌های نامشروع آمریکا در منطقه غرب آسیا را خنثی کند و در مقابل همه نقشه‌هایی که با تشکیلات تبلیغاتی وسیع آمریکایی، با توانایی‌های دیپلماسی آمریکایی، زورگویی‌هایی که آمریکایی‌ها روی سیاستمداران دنیا و کشورهای ضعیف دارند و نقشه‌هایی که با پول تهیه شده بود، قد علم کند و نقشه‌های آمریکا در فلسطین، لبنان، عراق و سوریه را خنثی سازد».

در بیان امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) تدبیر شهید سلیمانی در میدان مقاومت فلسطین، لبنان، عراق و سوریه به شرح زیر بود: ا. تدبیر در فلسطین: «طرح و نقشه آمریکایی‌ها در مورد فلسطین این بود که فلسطینی‌ها را در حالت ضعف نگه‌دارند تا جرئت نکنند دم از مبارزه بزنند. این مرد، دست فلسطینی‌ها را پُر کرد؛ کاری کرد که بتوانند بایستند و مقاومت کنند. برادران و رهبران فلسطینی در سفرهای متعددی که آمدند پیش ما شهادت دادند که سردار سلیمانی کاری کرد که منطقه کوچکی مثل «نوار غزه»



در مقابل رژیم صهیونیستی ایستاد و بلایی سر آمریکایی‌ها آورد که پس از ۴۸ ساعت گفتند بیایید آتش بس بدهید».

ب. تدبیر در لبنان: «آمریکایی‌ها مایل بودند لبنان را از نیروی مقاومت و حزب الله که مهم‌ترین عامل استقلال لبنان است محروم کنند تا لبنان در مقابل اسرائیل، بی دفاع قرار بگیرد، اما بحمدالله حزب الله روزبه‌روز قوی‌تر شد».

ج. تدبیر در عراق: «آمریکایی‌ها عراق را مثل ایران در زمان طاغوت یا مانند امروز سعودی «مثل گاو شیرده» می‌پسندند که یک نقطه‌ای باشد پُر از نفت، در اختیار آن‌ها، ولی عناصر و

جوانان مؤمن و شجاع عراقی و مرجعیت عراق در مقابل این قضایا ایستادند و حاج قاسم به همه این جبهه بسیج به عنوان یک مشاور فعال مدد رساند، کمک رساند و به عنوان یک پشتیبان بزرگ در آنجا ظاهر شد».

د. تدبیر در سوریه: «شبهه همین قضیه عراق در مورد سوریه هم صادق است».

۲. نظامی‌گری توأم با رعایت حدود شرعی

در نظرگاه فرمانده کل قوا، سپهبد سلیمانی شخصیت کارآزموده و مجرب در عرصه نظامی و جنگاوری بود که در همه حال نسبت به رعایت حدود شرعی توجه ویژه داشت که در کارنامه عملکرد او هیچ مصداقی منافی با اصول اسلام به چشم نمی‌خورد:

«او هم یک فرمانده جنگاور مسلط بر عرصه نظامی بود، هم در عین حال به شدت مراقب حدود شرعی بود. در میدان جنگ، گاهی افراد حدود الهی را فراموش می‌کنند، می‌گویند وقت این حرف‌ها نیست؛ او نه، او مراقب بود. آنجایی که نباید سلاح به کار برود، سلاح به کار نمی‌برد؛ مراقب بود که به کسی تعدی نشود، ظلم نشود؛ احتیاط‌هایی می‌کرد که معمولاً در عرصه نظامی، خیلی‌ها این احتیاط‌ها را لازم نمی‌دانند؛ [لکن] او احتیاط می‌کرد. به دهان خطر می‌رفت اما جان دیگران را تا می‌توانست حفظ می‌کرد؛ مراقب جان نزدیکانش، اطرافیانش، سربازانش، همکارانش در ملت‌های دیگر که در کنار او بودند، بود».

۳. انقلابی‌گری عاری از حزب‌گرایی

در بیان رهبر معظم انقلاب شهید سلیمانی دارای شخصیتی «فراجناحی» بود که در زمین هیچ حزب و جناحی بازی نمی‌کرد و تنها ملاک و اصل مورد قبول او «انقلابی‌گری» بود که معظم له نسبت به کم‌رنگ جلوه دادن آن توسط بعضی از افراد مغرض تذکر داده و فرمودند: «واقعیت این است که او اهل حزب نبود اما ذوب در انقلاب بود، انقلابی‌گری خط قرمز او بود. در این عوالم تقسیم به احزاب گوناگون و اسم‌های مختلف و جناح‌های مختلف و مانند این‌ها نبود اما در عالم انقلابی‌گری چرا، به شدت پایبند به انقلاب، پایبند به خط مبارک و نورانی امام راحل (رضوان الله علیه) بود».

حاج قاسم سلیمانی به عنوان نماد یک شخصیت انقلابی ناب در انقلابی‌گری خود دارای ویژگی‌هایی بود که پیش از این، در سخنرانی رهبر انقلاب به مناسبت بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام بیان شده بود؛ این ویژگی‌ها به شرح ذیل می‌باشد:

۱. پایبندی به مبانی و ارزش‌های اسلام و انقلاب: «بنده در سال گذشته در همین جلسه راجع به مبانی امام صحبت کردم. مبانی اساسی ما آن‌هاست... اگر این پایبندی وجود داشت، حرکت، حرکت مستمر و مستقیم خواهد بود. در تندباد حوادث این حرکت تغییر پیدا نمی‌کند... نقطه مقابل این پایبندی عمل‌گرایی افراطی است؛ یعنی هر روزی به یک طرف رفتن، هر حادثه‌ای انسان را به یک طرف کشاندن».

۲. هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آن‌ها: «بعضی سعی می‌کنند جامعه و جوان‌های ما را دچار ناامیدی

کنند. بگویند فایده ندارد! نمی‌شود! نمی‌رسیم! ... هرگز از رسیدن به آن اهداف بلند و آرمان‌های بلند منصرف نشویم و در مقابل فشارها تسلیم نشویم».



حرکت‌های جهادی و در معرض شهادت حاضر بود و به فکر آخرتش بود. او مکرر در سخنرانی‌هایش از مخاطبین حلاکت می‌طلبید و می‌خواست تا برای شهادتش دعا کنند که این نشان از اهمیت نحوه عبور این شهید بزرگوار از این دنیای فانی می‌باشد. مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) درباره کیفیت و نحوه عبور از دنیا می‌فرمایند: «هرکسی از این مرحله زندگی این نشئه به نشئه بعد عبور خواهد کرد - همه عبور می‌کنند؛ من، شما، دیگران، همه؛ جوان، پیر- نوع عبور کردن مهم است؛ آن کسی که در راه خدا شهید می‌شود، برای خدا با اخلاص عمل می‌کند [به بهترین وجه عبور می‌کند].»

حاج قاسم در آخرین سفرش به شهر قم، طی حرکتی درس‌آموز و قابل تأمل، کفن خود را برای تأیید و امضا نزد مراجع و علما می‌برد. این نشان از توجه او نسبت به مسئله مرگ و سفر آخرت است که باید گفت همین یاد مرگ و قیامت موجب تربیت و ایجاد آمادگی برای مرگ و شهادت در وی شده بود. این حرکت سردار سلیمانی مصداق روایت امام صادق علیه‌السلام است که می‌فرماید: «مَنْ كَانَ مَعَهُ كَفُّهُ فِي بَيْتِهِ لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الْغَافِلِينَ؛ کسی که کفنش با او در خانه‌اش باشد، از غافلان به شمار نمی‌آید.»^۴

انسانی که به مرگ و قیامت اعتقاد دارد و قلباً آن را باور کرده است، تمام سعی و کوشش خود را می‌کند تا از غفلت و گناهان دوری ورزیده و موجبات سعادت خود را فراهم آورد. چنانچه پیامبر اکرم ﷺ در این زمینه فرمودند: «أَكْثَرُ مَا مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ فَإِنَّهُ يُمَحِّصُ الذُّنُوبَ وَيَزْهِدُ فِي الدُّنْيَا؛ مرگ را یاد کنید که یاد مرگ گناهان را از بین می‌برد و باعث پارسایی در دنیا می‌شود.»^۵ بی‌شک افرادی که آلوده به نفاق، اختلاس، خیانت به بیت‌المال و چنین گناہانی می‌شوند از یاد قیامت و مرگ خود غافل هستند.

۶. شهادت طلبی توأم با اشک و انابه

یکی از آرزوها و آرمان‌های دیرینه سپهبد قاسم سلیمانی «شهادت» بود و این آرزو بارها در گفتار او نمود یافته بود. آنجا که با چشمان اشک‌بار در جمع نیروهای خود دعا می‌کرد و از خداوند طلب شهادت می‌نمود. او می‌گفت: «وقتی «شهید» شهید می‌شود که قبل از آن شهید شده باشد»؛ یعنی باید قبل از شهادت، همراه و همانند شهدا زندگی کرد و با آرمان‌های شهید و شهادت انس گرفت. این گفتار در زندگی شخصی خودش موج می‌زد و از همان سال‌های جوانی که در جایگاه فرماندهی «لشکر ۴۱ ثارالله» در جبهه‌های حق علیه باطل می‌جنگید تا امروز پای عهده‌ای که با خدا بسته بود ایستاد و تغییر و تحولی در روحیه شهادت‌طلبانه او ایجاد نشده بود که قرآن می‌فرماید: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا؛ از میان مؤمنان مردانی‌اند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آن‌ها در [همین] انتظارند و



اینکه اسلام از ما خواسته است که به آرمان‌ها پابند باشیم، یک تکلیف دینی است و رعایت آن «تقوای دینی» است. «تقوای سیاسی» هم همراه همین است؛ تقوای سیاسی یعنی انسان از لغزشگاه‌هایی که دشمن می‌تواند از آن استفاده بکند پرهیز کند.

۳. پایبندی به استقلال کشور: «استقلال سیاسی» معنایش این است که ما در زمینه سیاسی فریب [دشمن را] نخوریم ... «استقلال فرهنگی» که از همه مهم‌تر است در این است که سبک زندگی را سبک زندگی اسلامی ایرانی انتخاب بکنیم ... «استقلال اقتصادی» هضم نشدن در هاضمه اقتصاد جامعه جهانی است».

۴. شناخت دشمن و عدم تبعیت از آن: «باید دشمن را شناخت، نقشه‌ی او را فهمید، از تبعیت دشمن سر باز زد؛ این عدم تبعیت را قرآن، «جهاد کبیر» نام نهاده است».

۵. تقوای دینی و سیاسی: «اینکه اسلام از ما خواسته است که به آرمان‌ها پابند باشیم، یک تکلیف دینی است و رعایت آن «تقوای دینی» است. «تقوای سیاسی» هم همراه همین است؛ تقوای سیاسی یعنی انسان از لغزشگاه‌هایی که دشمن می‌تواند از آن استفاده بکند پرهیز کند».^۶

۴. اخلاص و خدامحوری عاری از ریا

مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) این توجه و قدردانی مردم از حاج قاسم را ناشی از اخلاص او می‌دانند: «اگر اخلاص نباشد، این جور دل‌های مردم متوجه نمی‌شود؛ دل‌ها دست خدا است؛ این که دل‌ها این جور همه متوجه می‌شوند، نشان‌دهنده این است که یک اخلاص بزرگی در آن مرد وجود داشت، مرد بزرگی بود. خدا ان شاء الله درجاتش را عالی کند».

«چنین فرمانده و سرداری هیچ‌گاه خودش را جلوی چشم قرار نمی‌داد و تظاهر نمی‌کرد. گاهی که ما با مسئولین امر جلسه داشتیم، حاج قاسم یک گوشه‌ای می‌نشست که اصلاً دیده نمی‌شد و آدم باید می‌گشت تا او را پیدا می‌کرد».

«اخلاص خیلی مهم است و همه ما باید در خودمان اخلاص را تمرین کنیم».

کسی که فرق خدا و غیر خدا را فهمیده باشد فقط برای خدا کار می‌کند و رضایت او را می‌طلبید. سردار سلیمانی با فهم این مسئله همه زندگی‌اش محو خدا شده بود و در همه کارهایش اخلاص موج می‌زد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیام تسلیت خود به مناسبت شهادت سردار سلیمانی و همراهان او آورده‌اند: «سال‌ها مجاهدت مخلصانه و شجاعانه

در میدان‌های مبارزه با شیاطین و اشرار عالم و سال‌ها آرزوی شهادت در راه خدا، سرانجام سلیمانی عزیز را به این مقام والا رسانید».

۵. فرجام شناسی و معاد باوری عاری از غفلت

کسی که فرق دنیا و آخرت را فهمیده باشد دیگر برای دنیا کار نمی‌کند؛ چرا که دنیا فانی و زودگذر است و هر چه هست در عقبی و دار باقی است: «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ».^۷ شهید سلیمانی با فهم این مسئله دل بستگی به دنیا و زندگی نداشت و همواره در خط مقدم



بلکه دشمن اصلی را اسرائیل و آمریکا می‌پنداشت لذا در طول این سال‌ها به دست داعش کشته نشد تا سرانجام در یک ترور ناجوانمردانه به دست شقی‌ترین مستکبران عالم کشته شد. رهبر معظم انقلاب در پیامی که به مناسبت شهادت قاسم سلیمانی و همراهانش صادر فرمودند، آورده‌اند: «خون پاک او به دست شقی‌ترین آحاد بشر بر زمین ریخت».

از طرفی در تعامل با مردم بسیار با مدارا و ترحم برخورد می‌کرد. او از محدود درجه‌دارانی بود که علی‌رغم برخورداری از جایگاه عالی رتبه بارها دست پدر شهید را بوسیده بود، به پای مادر شهید می‌افتاد و دست بر سر کودکان مظلوم و یتیم می‌کشید. آن‌قدر ساده و بی‌آلایش بود و با همه صمیمی می‌شد که حتی برادران اهل سنت و یا مسیحی مثل یک برادر در کنار او عکس یادگاری می‌گرفتند. او با روحیه مردمی، رفتار کریمانه و با تواضع و سادگی بین همگان محبوب بود و به تعبیری تبدیل به یک شخصیت «فرادینی» و «فرامذهبی» شده بود.

۸. ولایت مداری محض و پایدار

برخی در زندگی خود محور، رفیق محور، پول محور و حزب محورند، اما شهید سلیمانی مظهر ولایت‌مداری و تسلیم محض بود و «ولی محوری» را برگزیده بود. او فرمانده‌ای بود که از سرادات قلبی و باطنی، خود را سرباز کوچک و مطیع محض ولایت معرفی می‌کرد. سربازی که در سال‌های انقلاب و دفاع مقدس اطاعت و ولایت‌پذیری خود را در رکاب امام دیروز و پس از آن در دوران پس از جنگ تحمیلی در انجام مأموریت‌های متعدد به‌ویژه فرماندهی «سپاه قدس» و دفاع از حرم اهل بیت علیهم‌السلام ارادت خود نسبت به امام امروز انقلاب اسلامی را اثبات کرد. وی مصداق «وَالسَّابِقِينَ إِيَّاهُ» بود که در همه این سال‌ها با شعار «رهسپاریم با ولایت تا شهادت» گام برداشت و سرانجام به مقصود خود که همانا شهادت در راه خدا بود نائل آمد.

قاسم سلیمانی این روحیه ولایت‌مداری را به نیروهای تحت امر و دیگر هم‌زمان خود نیز آموخته بود به‌نحوی که شهید بزرگوار ابو مهدی المهندس خود را در مرحله اول سرباز مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) و پس از ایشان، سرباز قاسم سلیمانی می‌دانست.

[هرگز عقیده خود را] تبدیل نکردند»^۶.

شهادت شهید سلیمانی بار دیگر موجب ایجاد شور شهادت در جامعه شد که به برکت خون پاک شهدای مظلوم این واقعه تروریستی، این شورهای توأم با شعور به تقویت روحیه شهادت‌طلبی در جامعه می‌انجامد. تا دیروز مادران فرزندان‌شان را مهیای حضور در همایش شیرخوارگان حسینی می‌کردند ولی امروز آمده‌اند تا فریاد بزنند که فرزندان ما قاسم‌هایی برای دفاع از حریم دیانت و ولایت خواهند بود و بی‌شک این خون‌ها ضامن بقا و حرکت انقلاب اسلامی است. امام خمینی رحمه‌الله فرمودند: «این انقلاب باید زنده بماند، این نهضت باید زنده بماند و زنده ماندنش به این خونریزی‌هاست، بریزید خون‌ها را، زندگی ما دوام پیدا می‌کند، بکشید ما را، ملت ما بیدارتر می‌شود».^۷

در حقیقت شهادت حاج قاسم و هم‌زمانش ضایعه نبود بلکه این شهادت موجب نزول برکات و فیوضات الهی از جانب خداوند متعال می‌شود همچنان که شهادت حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام هم دارای آثار و برکات فراوانی برای جامعه و بشریت بوده و خواهد بود. اکنون به برکت خون پاک شهید سلیمانی و هم‌زمانش، همه مردم ایران و عراق به‌ویژه جوانان دارای روحیه حماسی شده‌اند و با محبت و اشتیاق نسبت به این شهید آرزوی شهادت می‌کنند. در این فضای نورانی حاکم بر جامعه مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) هم در اقامه نماز بر پیکر این شهید عزیز، این چنین از خداوند متعال شکرگزارای کردند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَ الْمُسْتَشْهِدِينَ فِي سَبِيلِهِ. أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنَا الشَّهَادَةَ فِي سَبِيلِهِ».

در راه دوست کشته شدن آرزوی ماست
دشمن اگر چه تشنه به خون گلوی ماست
گردیم دوریار چوپروانه گرد شمع
چون سوختن در آتش عشق آرزوی ماست

۷. دشمن‌شناسی توأم با بصیرت و دشمن‌ستیزی

از ویژگی‌های بارز سپهبد قاسم سلیمانی «بصیرت و دشمن‌شناسی» او بود. او دشمن را خوب شناخته بود و دشمن اصلی را ابرقدرت‌های مستکبر جهان و در رأس آن‌ها آمریکای جنایتکار معرفی می‌کرد. او خوب دانسته بود که دشمن،

ابرقدرت برنامه‌ریزی علیه حق است و کسی می‌تواند در برابر دشمن خوب بایستد و مبارزه کند که پیش از این مبارزه، او را خوب شناخته باشد. شخصیت شهید سلیمانی جامع اضداد بود؛ یعنی می‌توان او را مصداق واقعی آیه: «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»^۸ معرفی کرد. کسی بود که در برابر دشمنان ذره‌ای حاضر به سازش و مدارا نبود و سخت و سهمگین در میدان مبارزه با استکبار حاضر می‌شد و در هر جبهه و خط مقدمی که نام قاسم سلیمانی بر زبان‌ها می‌آمد دشمن بر خود می‌لرزید. او دشمن اصلی خود را داعش و تکفیری اغفال‌شده نمی‌دانست



اگر اخلاص نباشد، این‌جور
دل‌های مردم متوجه (شهید
سلیمانی) نمی‌شود؛ دل‌ها
دست خدا است؛ این‌که
دل‌ها این‌جور همه متوجه
می‌شوند، نشان‌دهنده این
است که یک اخلاص بزرگی
در آن مرد وجود داشت.

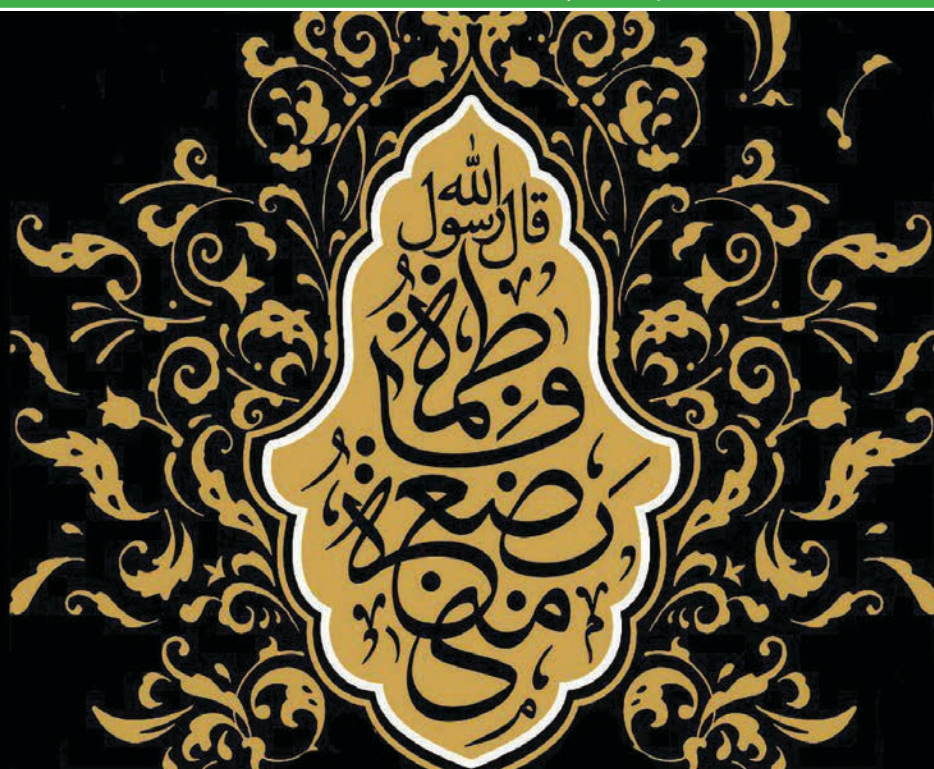
۱. سوره مبارکه مائده، آیه ۵۴.
۲. بیانات مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) به مناسبت بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی رحمه‌الله، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴.
۳. سوره مبارکه نحل، آیه ۹۶.
۴. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۵۰.
۵. مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام، ص ۴۸۷.
۶. سوره مبارکه احزاب، آیه ۲۳.
۷. صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۱۱؛ بیانات امام خمینی رحمه‌الله در مراسم بزرگداشت مقام استاد شهید مطهری در مدرسه فیضیه قم.
۸. سوره مبارکه فتح، آیه ۲۹.
۹. مفاتیح الجنان، دعای عهد.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ
الطَّاهِرِينَ

آية علمیه فاطمه الزهرا

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ
الطَّاهِرِينَ





۲۶

بر کرانه فضایل فاطمی

قطره‌ای از فضایل و کرامت‌های حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها در بازخوانی سیره و زندگی او

۲۹

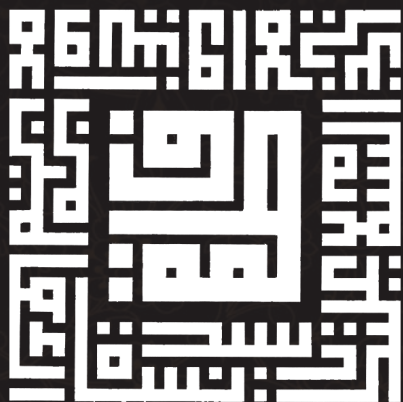
راحت طلبی، منشأ تاریخی ولایت‌گریزی

مصاحبه اختصاصی ماهنامه هیأت با خطیب توانا حجت الاسلام سید ابراهیم حسینی اراکی

۳۴

مادر سادات علیهم‌السلام در لسان معصومین علیهم‌السلام

مناقب و فضایل فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها در بیان نورانی اهل بیت علیهم‌السلام



بر کرانه فضایل فاطمی

قطره‌ای از فضایل و کرامت‌های حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها در بازخوانی

سیره و زندگی بانوی دو عالم حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها

سید مهدی ذهنی



به حق بالاترین اسوه برای الگوپذیری در عالم هستی حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها است. البته از سویی فضایل آن حضرت برای همگان قابل درک نیست و از سوی دیگر قابل انکار نیست ولی در حد فهم و توان، شناخت ویژگی‌ها و سیره‌ی زندگانی آن بانوی مکرمه در جهت الگوگیری از ایشان لازم و ضروری است. در جلالت مقام فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها همین بس که پدری همچون رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله که اول شخصیت عالم خلقت است و مادری همچون خدیجه کبری سلام‌الله‌علیها که اول بانوی مسلمان است و همسری همچون امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام که وصی و جانشین پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله است و اولادی همچون حسنین علیهما‌السلام که آقای جوانان اهل بهشت هستند، دارد. درباره مقام آسمانی و شخصیت معنوی صدیقه کبری سلام‌الله‌علیها سخن‌های فراوانی گفته شده و کتاب‌های بسیاری به رشته تحریر درآمده است اما هر قدر از فضایل و کرامت‌های این بانو که از ذهن و اندیشه بشر در ظرف بیان و بنان جاری شود، باز هم به مثابه‌ی قطره‌ای از اقیانوس بی‌کران صفات نورانی آن حضرت می‌باشد که در شناخت و تبیین معارف فاطمی، عظیم‌ترین اندیشه‌های بشری، حیران و برترین عقل‌ها، ناتوان و سرگردان می‌مانند؛ اما می‌توان قائل بود که خاستگاه معجزه‌ها و کرامت‌های حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها به ایامی برمی‌گردد که در شکم مادر بود. هنگامی که زنان قریش مادرش را به جرم ازدواج با شوهری یتیم و فقیر، غریب و تنها رها کرده بودند، فاطمه سلام‌الله‌علیها

در آن تنهایی و غربت مادر، همدم او بود و مادر را تسلی می‌داد و در هنگام تولد لب به سخن گشود و به وحدانیت خدا و نبوت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامت علی علیه‌السلام و دو فرزندش شهادت داد.

فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها واسطه شفاعت

ابوعبیده از امام صادق علیه‌السلام روایت می‌کند: «بعد از رحلت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فاطمه سلام‌الله‌علیها بسیار اندوهگین و بی‌تاب بود. از این رو جبرئیل هر روز تا هنگام شهادت آن حضرت به نزد او می‌آمد و او را تسلیت می‌داد و از جایگاه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و آنچه بر ذریه‌ی او خواهد گذشت و اخبار آینده او را با خبر می‌کرد.» همچنین پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: در روز قیامت جبرئیل به فاطمه سلام‌الله‌علیها خطاب می‌کند: «ای فاطمه! هر چه دوست داری از خدای خویش بخواه.» فاطمه سلام‌الله‌علیها می‌گوید: «خدایا! شیعیان من و فرزندانم را نجات بده».

در این زمان خداوند متعال به فاطمه سلام‌الله‌علیها می‌فرماید: «اینک در میان اهل محشر برو؛ هر کس که به تو پناهنده شود همراه تو وارد بهشت خواهد شد.» در این هنگام همه مردم آرزو می‌کنند که ای کاش فاطمی بودند.^۱

در فضایل فاطمی، علامه مجلسی در کتاب بحارالانوار نقل می‌کند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «حسن و حسین علیهما‌السلام بعد از من و بعد از پدرشان امیرالمؤمنین علیه‌السلام بهترین مردان روی زمین و مادر آن‌ها فاطمه سلام‌الله‌علیها بهترین

زنان عالم است». در روایت دیگر حضرت فرمود: «دخترم فاطمه اول کسی است که داخل بهشت می‌شود.» او حوراء انسیه‌ای است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله هر زمان مشتاق بوی بهشت می‌شد او را می‌بوید و می‌فرمود: «هرگاه فاطمه سلام‌الله‌علیها را می‌بوسم، بوی درخت طوبی را از وی استشمام می‌کنم». در روایتی امام صادق علیه‌السلام فرمود: «او صدیقه کبری است که قرن‌های گذشته بر محور شناخت او دور زده است.»^۲

فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها بهانه خلقت

پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در روایتی، چهار زن را به عنوان برترین زنان بهشتی نام برده است: «أَفْضَلُ نِسَاءِ الْجَنَّةِ أَرْبَعٌ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَیْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاجِمٍ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ»؛^۳ بلکه فرمود: «فاطمه سلام‌الله‌علیها سرور زنان اهل بهشت است.»^۴

حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها به عنوان سرآمد زنان عالم از چنان فضایل عالی و بالایی برخوردار است که به جز عده‌ای اندک، دیگران از شناخت او عاجز هستند. با مرور بر احادیث قدسی به حدیثی برمی‌خوریم که خدای متعال به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله خطاب می‌کند: «يَا أَحْمَدُ! لَوْلَاكَ لَمَّا خُلِقْتُ



الْأَفلاك، وَلَوْلَا عَلَى عَلَيْهِ السَّلَام لَمَا خَلَقْتُكَ، وَلَوْلَا فَاطِمَةُ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا لَمَا خَلَقْتُكُمْ؛ ای پیامبر! اگر تو نبود، هستی را نمی آفریدم؛ و اگر علی علیه السلام نبود، تو را خلق نمی کردم؛ و اگر فاطمه سلام الله عليها نبود، شما دو نفر را به وجود نمی آوردم؛^۶ با چنین اوصافی چگونه اندیشه بشری و عقل مادی انسان می تواند کنه ذات فاطمه زهرا سلام الله عليها و فضایل او را درک کند؟ همچنین پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «وَلَوْ كَانَ الْخُسْنُ هَيْئَةً [شخصاً] لَكَانَتْ فَاطِمَةُ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا، بَلْ هِيَ أَعْظَمُ. إِنَّ فَاطِمَةَ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا إِبْنَتِي خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ عُنْصُرًا، شَرَفًا، وَكِرَمًا؛ اگر (خوبی ها و) زیبایی ها به صورت انسانی درآید، او فاطمه سلام الله عليها خواهد بود؛ بلکه او برتر (از آن) است. به راستی که دخترم فاطمه سلام الله عليها برترین انسان روی زمین از نظر عنصر و ذات و از نظر شرافت و بزرگواری است».^۶



فاطمه زهرا سلام الله عليها گوهر ناشناخته

چگونه می توان به فضائل و خوبی های او پی برد، حال آنکه امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ اللَّيْلَةُ فَاطِمَةُ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا وَالْقَدْرُ اللَّهُ فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَإِنَّمَا سُويَتْ فَاطِمَةُ لِأَنَّ الْخَلْقَ قُطِبُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا؛ (اینکه خدا می فرماید): ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم، مراد از شب، فاطمه سلام الله عليها و مراد از قدر، خداست؛ در نتیجه، هرکسی فاطمه سلام الله عليها را آن چنان که باید بشناسد، به حقیقت، شب قدر را درک نموده است؛ و اینکه فاطمه، فاطمه نامیده شده است، برای این است که مخلوق از (کنه) معرفت او عاجزند»؛^۷

فاطمه زهرا سلام الله عليها معیار خشم و رضایت خداوند متعال است. این مطلب علاوه بر آیه ۵۷ سوره احزاب در روایت نورانی رسول اکرم صلی الله علیه و آله بیان شده است که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضَبُ بِغَضَبِ فَاطِمَةَ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا وَيَرْضَى لِرِضَاهَا؛ خدا با خشم فاطمه سلام الله عليها خشمگین و با رضایتش راضی می شود».^۸

حضرت درباره آیه: «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا» فرمود: «هرکس فاطمه سلام الله عليها را آزار دهد، به من آزار رسانده؛ و کسی که من را آزرده خاطر سازد، خدای متعال را آزرده است».^۹

فاطمه زهرا سلام الله عليها صاحب کرامت و واسطه فیض

۱. احترام به فرزند فاطمه سلام الله عليها رمز برآورده شدن حاجات:

آیت الله خزعلی رحمه الله علیه فرمود: «یکی از دوستان مرا به منزل خودش دعوت کرد، بعد از صرف ناهار برای استراحت به اتاقی رفتم و دیدم که عکس امام راحل در زیرپا قرار می گیرد، احترام کردم و جای دیگری را برای استراحت انتخاب نمودم. گفتم من طلبه نباید نسبت به این مجاهد بزرگ بی احترامی کنم. این اتفاق در بعد از ظهر روز شنبه بود؛ شب یکشنبه در تهران در عالم خواب دیدم که حضرت امام رحمه الله علیه دست ها را بلند کرده و خدا را به نام مقدس حضرت زهرا سلام الله عليها سه مرتبه قسم می دهد بدین گونه: الهی بفاطمه الزهراء، بفاطمه الزهراء، بفاطمه الزهراء سلام الله عليها، با دو دست لرزان کشیده به سوی آسمان. بعد که بیدار شدم استنباط کردم که آن ادب و احترامی را که به ساحت مقدس فرزند زهرا سلام الله عليها انجام دادم، ایشان هم راه توسل را از طریق حضرت زهرا سلام الله عليها به من نشان دادند و به من یاد دادند که حضرت زهرا سلام الله عليها برای برآوردن حاجات، بهترین وسیله است».^{۱۰}

ای نام تواز نام خدا، یا زهرا/ ذکر تو شفای دردها، یا زهرا/

از بهر خدا به دوستان کن نظری/ حاجات همه روا نما، یا زهرا

۲. حضرت فاطمه (سلام الله عليها) مشعل سیر و سلوک:

آیت الله شاه آبادی استاد عظیم الشأن امام خمینی رحمه الله علیه فرمود: «سالك الى الله در صورتی می تواند به جایی برسد که در ضمن سیر، اول مرتبه، اتکا به خانم حضرت صدیقه سلام الله عليها داشته باشد و این محبت خانم حضرت صدیقه سلام الله عليها است که انسان را به راهی که باید برود هدایت می کند و اگر نباشد اصلاً سیری وجود نخواهد داشت. ایشان از ائمه علیهم السلام روایت می کردند که شما هر وقت محتاج می شوید دست به دامن ما

شوید و ما هر وقت گرفتار می شویم دست به دامن مادرمان می شویم. گرفتاری و احتیاج ائمه علیهم السلام همان مقامات قرب الهی است که حد یقف ندارد و لذا ایشان می فرمود که محال است سالک سیر و سلوک کند و به جایی برسد مگر از طریق خانم حضرت زهرا سلام الله علیها و البته منظور از این که به جایی برسد، نه این امور که مثلاً افکار را بخواند یا هر چیز می خواهد برای او مهیا باشد، نه! آن ها اصلاً ارزش ندارد. آن چیزی که ارزش دارد مقام قرب پروردگار است و این مقام محقق نمی شود مگر از طریق خانم حضرت زهرا سلام الله علیها.»^۱

۳. اختفای قبر زهرا اطهر سلام الله علیها چراغ هدایت

یکی از واعظان عالی قدر تهران بر فراز منبر می فرمود: «تاجری از تجار تهران نقل کرد که هرسال به مکه معظمه می رفتم و در مدینه طیبه در منزل یک خیاط سکونت می گزیدم و روزها درب دکان او می نشستم. یک روز گفتم که ای میزبان! من سالیان زیادی است که در مدینه بر شما وارد می شوم و شما هم در تهران بر من مهمان می شوی، سؤال دارم که دوست دارم جواب آن را به من بدهی. گفتم: بگو. گفتم: در این مدینه تمام قبور بزرگان دین هر کدام مشخص و معین است ولی بفرمایید که قبر حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها

کجاست؟ آن خیاط تا این حرف را شنید دست بر روی پیشانی خود گذاشت و به فکر فرو رفت. حاجی گفت: ترس تمام وجودم را گرفت فوراً به منزل مراجعت و وسایل را برداشته به سوی تهران حرکت کردم و خود را به عجله به تهران رساندم. پس از چند روزی که در حجره تجارتخانه بودم ناگهان دیدم آن حاجی خیاط وارد شد و سلام کرد و به من گفت: ترسیدی و از مدینه فرار کردی؟ گفتم: حقیقت مطلب همین است که می گویی. گفت: ای حاج احمد! بدان به واسطه مخفی بودن قبر حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها من و جمع زیادی شیعه شدیم زیرا شما که آن روز رفتید، من نزد قضات رفتم و چنین سؤالی کردم. آنان به اختلاف سخن رانندند. آخر الامر نزد قاضی القضاة حجاز رفته و از او پرسیدم که یک شیعه چنین چیزی را از من پرسید. گفت: قبر فاطمه زهرا سلام الله علیها مخفی است. گفتم: چرا؟ گفت: چون خودش وصیت نموده بود. سؤال کردم به چه واسطه؟ گفت: چون عده ای از بس او را اذیت و آزار دادند، به همسرش وصیت کرد مرا شبانه دفن نما که دشمنان در تشییع جنازه و نماز بر من حاضر نشوند. خلاصه، تحقیقات زیادی کردم و مظلومیت آن بی بی بر من ثابت شد. لذا به واسطه مخفی بودن قبرش شیعه شدیم.»



پی نوشت:

۱. بحار الانوار، ج ۸، ص ۵۳.
۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۰۵.
۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۶۲.
۴. همان، ج ۴۳، ص ۱۷۲.
۵. مستدرک سفینه البحار، ج ۳، ص ۳۳۴.
۶. فرائد السمطين، ج ۲، ص ۶۸؛ مأثمة من مناقب اميرالمؤمنين و الائمة عليهم السلام، ص ۱۳۶.
۷. پیشین، ج ۴۳، ص ۶۵.
۸. خصال، ص ۲۳۰.
۹. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۹۶.
۱۰. کرامات الفاطمية معجزه های فاطمه زهرا سلام الله علیها.
۱۱. آسمانی (زندگی نامه حضرت آیت الله محمدعلی شاه آبادی)، ص ۴۷.



راحت طلبی

منشأ تاریخی ولایت‌گریزی

حجت الاسلام سید ابراهیم حسینی اراکی سال‌هاست که در عرصه تدریس علوم حوزوی و دانشگاهی مشغول به فعالیت بوده و از سخنرانان مرتبط با هیأت رزمندگان است. انحراف تاریخی جامعه مسلمین پس از رحلت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و مصائب وارده بر حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها، موضوعاتی است که بهانه شد تا همزمان با ایام سوگواری حضرت صدیقه کبری سلام‌الله‌علیها، با ایشان به گفت‌وگو بنشینیم. حاصل این مصاحبه اختصاصی در ادامه تقدیم مخاطبان گرامی می‌گردد.

حضرت استاد! یکی از سؤال‌های مهم در رابطه با تاریخ پس از رحلت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله این است که «پیامبری که تا این حد موفق شده بودند دل‌ها را تسخیر کنند و با فداکاری، استقامت، تلاش و مهربانی، بسیاری را به راه نور هدایت کرده بودند و همچنین موفق به پایه‌ریزی امت بلکه نظام و حکومت بر پایه حق و عدالت شده بودند، چطور شد که اصحابشان پس از رحلت آن بزرگوار هم حرمت ایشان و هم حرمت خاندان و تنها یادگارشان را گستاخانه شکستند؟

پاسخ این سوال به عوامل متعددی بستگی دارد:

۱. جهالت و بی‌بصیرتی

یکی از عوامل انحراف مردم آن زمان که منجر به این فاجعه عظیم شد از نظر حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها جهالت و بی‌بصیرتی آن‌ها بود. شهید مدرس رحمه‌الله‌علیه می‌فرماید: «مردم جاهل اگر انقلاب کنند و آزاد شوند، بعد از مدتی دوباره گرفتار دیکتاتوری می‌شوند.»^۱ مردم واقعاً بعد از ارتحال رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله ادله قاطع و دلایل روشن مانند حدیث منزلت، داستان مباحله، حدیث ثقلین، بیعت غدیر خم و دیگر احادیث را رها کردند و تسلیم اراده و خواست عده قلیلی از افراد جاه طلب و دنیاپرست شدند که نشانگر جهالت آن‌ها بود. امام صادق علیه‌السلام اخلاق و رویه‌ی انسان جاهل را این‌گونه بیان می‌فرماید: «مِنْ أَخْلَاقِ الْجَاهِلِ الْجَابَةِ قَبْلَ أَنْ يَسْمَعَ وَالْمُعَارَضَةَ قَبْلَ أَنْ يَفْهَمْ وَالْحُكْمَ بِمَا لَا يَعْلَمُ؛ اخلاق و رویه جاهل این است که قبل از این که بشنود، اجابت می‌کند، قبل از این که بفهمد، مخالفت می‌کند و قبل از آنکه بداند، حکم می‌کند.»

از آنجایی که امت پس از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فاقد قدرت تحلیل و واقع‌نگری بودند، حقایق را دنبال نکرده و نگاهی سطحی و جاهلانه داشتند. مهم‌ترین جهالتی که مردم آن زمان گرفتارش بودند این بود که نتوانستند فرق بین «امامت

و ولایت» و بین «خلافت و ریاست» را بفهمند. امامت و ولایت شاخصه‌هایی دارد که قطعاً در خلافت و ریاست وجود ندارد. بزرگ‌ترین جنایتی که انجام شد این بود که امامت و ولایت را که یک منصب صد در صد الهی است، در حد سیاست ظاهری پایین آوردند و مردم نیز متأسفانه این را پذیرفتند. تعریفی که ما در مکتب شیعه از این منصب داریم، چیزی است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله با بیان‌ها و عبارات گوناگون در طول ۲۳ سال بارها برای مردم تشریح کردند. آن حضرت امامت را یک منصب کاملاً الهی معرفی نمودند و فرمودند: «امام باید کسی باشد که خدا و پیامبر خدا او را منصوب می‌کند.»^۲ قاضی نورالله شوشتری در کتاب ارزشمند «احقاق الحق» امامت را این چنین معرفی می‌کند: «امامت یک منصب الهی است. امام کسی است که باید دارای همه شئون کریمه و فضائل پیامبر باشد؛ تمام فضائل و ویژگی‌هایی که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله دارد امام هم باید داشته باشد؛ تنها چیزی که امام ندارد منصب نبوت است.»^۳ البته منصب امامت و ولایت بالاتراز منصب نبوت است لذا رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله هم نبی و هم بالاتراز آن، امام بودند؛ چراکه ولایت بر مردم داشتند.

اهل سنت امامت را این‌گونه تعریف می‌کنند: «الامامة رئاسة العامة في أمور الدين والدنيا خلافة عن النبي»؛ امامت را در حد ریاست عمومی و به عنوان خلافتی از جانب پیامبر معرفی می‌کنند و در حقیقت، این برداشت فوق‌العاده ناقص که مردم آن روز از امامت داشتند، باعث شد که فریب برخی از انسان‌های جاه طلب را بخورند.

۲. شرک عقیدتی

دومین عامل از عوامل انحراف امت بعد از رحلت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در کلام نورانی حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها ذکر می‌شود، شرک است. حضرت می‌فرماید: «وَأَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيمَانِ؛ شما بعد از اینکه با تلاش‌های مستمر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و مجاهدات‌های ایشان ایمان پیدا کردید، دچار شرک شدید.»^۴

پیامبر ﷺ امامت را یک منصب کاملاً الهی معرفی کردند و فرمودند: «امام باید کسی باشد که خدا و پیامبر خدا او را منصوب می‌کند.»

خود رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز براین مسئله مهم بارها اظهار ترس و نگرانی کرده بودند؛ به عنوان نمونه شَدَّاد بن اُوس می‌گوید: من روزی خدمت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله رسیدم. دیدم آن حضرت بسیار مضطرب و نگران هستند. از حضرت سؤال کردم: «یا رسول الله! چرا این قدر مضطرب و نگران هستید؟» حضرت فرمودند: «ای شَدَّاد! برای امتم نگران هستم چون آن‌ها بعد از من دچار شرک خواهند شد!» پرسیدم: «آیا بعد از شما امت دچار شرک می‌شوند؟» مراد شَدَّاد شرک عقیدتی است؛ یعنی آیا آن‌ها دوباره بت پرست می‌شوند و به پرستش غیر خدا رو می‌آورند؟ حضرت فرمودند: «نه، آن‌ها بت پرست نمی‌شوند و ماه و ستاره را نمی‌پرستند. آن شرکی که



مورد نظر من می‌باشد این است که آن‌ها گرایش به ریا، نفاق و تظاهر پیدا می‌کنند.»^۶ لذا حضرت زهراى مرضیه سلام الله علیها ظهور و گسترش نفاق را در جامعه اسلامی بعد از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به عنوان عامل سوم انحراف امت معرفی می‌کنند و می‌فرمایند: «ظَهَرَ فِیْكُمْ حَسَكَةُ النِّفَاقِ؛ آن نفاقی که در دل‌های شما پنهان بود پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله آشکار شد.»^۷

۳. ضعف در دشمن شناسی

یکی از مهم‌ترین عوامل انحراف امت بعد از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، خار و خفیف شمردن دین و پشت کردن به آن بود. در این برهه از تاریخ، دین را به عنوان یک سلسله عبادات و تظاهرات عبادی معرفی کردند و جامعه را از بُعد حقیقی آن غافل کردند. محمد بن فضیل می‌گوید از امام کاظم علیه السلام سؤال کردم مراد از «دین حق» در آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ»^۸ چیست؟ حضرت فرمودند:

«هُوَ الَّذِي أَمَرَ رَسُولَهُ بِالْوَلَايَةِ لَوْصِيهِ، وَالْوَلَايَةُ هِيَ دِينُ الْحَقِّ». مجدداً عرض کردم مراد از «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»^۹ چیست؟ فرمودند: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ علیه السلام»؛ دین حق یعنی دینی که حقانیتش، روحش، باطنش و رکن رکنش امامت و ولایت است. این معنا حقیقت دین اسلام و ایمان است. احکام، عقاید، دستورات و سایر اوامر و نواهی این دین بر محور امامت و ولایت می‌چرخد. این تغییر معنای حقیقی دین چیزی است که موجب شد مردم پشت به چنین دینی کنند.

۴. تقلید کورکورانه از شخصیت‌های به ظاهر مذهبی

یکی دیگر از عوامل انحراف، قدرت پیدا کردن انسان‌های پست و روی کار آمدن انسان‌هایی که به چیزی جز دنیا، ریاست، جاه، مقام، منصب و لذت‌های دنیوی فکر نمی‌کردند. پس از منصب یافتن این افراد، تقلید کورکورانه از آن‌ها که برخلاف ظاهرشان در باطن از صداقت، ایمان، صلاحیت و صفات مؤمنان حقیقی بی‌بهره بودند، خود به عاملی مهم برای انحراف جامعه تبدیل شد. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «مَنْ دَخَلَ فِي هَذَا الدِّينِ بِالرِّجَالِ أَخْرَجَهُ مِنْهُ الرِّجَالُ كَمَا أَدْخَلُوهُ فِيهِ؛ کسانی که با تقلید از شخصیت‌ها مسائل دینی، باورها و عقاید خودشان را دنبال می‌کنند و حقانیت را در چهره شخصیت‌ها می‌بینند، این افراد همچنان که همان‌طور که ساده و بادآورده وارد دین شده‌اند با همان تقلید کورکورانه و به سادگی هم از دین خدا خارج می‌شوند.»^{۱۰} تقلید در احکام، اخلاق و آداب چیز بدی نیست اما اگر همه حق را در چهره شخصیت دیدیم و شخصیت زده شدیم، یقیناً این امر موجب می‌شود که ما نتوانیم وظیفه‌ای را که در قبال حق داریم، انجام بدهیم. در جنگ جمل یکی از یاران امام علیه السلام به نام حارث بن حوط از آن حضرت سؤالی می‌پرسد که نشان دهنده‌ی سطح فکری مسلمانان در آن زمان می‌باشد. عرضه می‌دارد: «أَتَرَانِي أَطْلُنُ أَصْحَابَ الْجَمَلِ كَانُوا عَلَى ضَلَالَةٍ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

يَا حَارِثُ، إِنَّكَ تَنْظُرُ تَحْتَكَ وَلَمْ تَنْظُرْ فَوْقَكَ فَجَزَتْ إِنَّكَ لَمْ تَعْرِفِ الْحَقَّ فَتَعْرِفُ مَنْ أَتَاهُ، وَلَمْ تَعْرِفِ الْبَاطِلَ فَتَعْرِفُ مَنْ أَتَاهُ؛ فکر میکنی من گمان دارم اصحاب جمل (لشکر

طلحه و زبیر آتش افروزان جنگ در بصره گمراهند (نه، گمراه نیستند)؟ امام در پاسخ فرمود: ای حارث توبه زیرت نگاه کرده‌ای و به بالای سرت نظر نیفکنده‌ای لذا در تحیر فرورفتی (و ندانستی کدام جانب را اختیار کنی) توحق را شناختی تا کسی که حق را اخذ نموده بشناسی. و نیز باطل را هم شناخته‌ای تا کسانی را که طرفدار آن هستند بشناسی.^{۱۲} پس حق شناس و باطل شناس بودن مهم است.

یکی از عوامل انحراف، سقوط در فتنه‌ها بود به این معنا که افراد نمی‌توانستند موضع حق را تشخیص بدهند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «ثَلَاثَةٌ أَخَافُهُنَّ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي الضَّالَّةُ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ وَ مَصَلَاتُ الْفِتَنِ وَ شَهْوَةُ الْبُطْنِ وَ الْفَرْجُ؛ برای اتمم از سه چیز می‌ترسم: اول، گمراه شدن بعد از شناخت و معرفت، دوم، گرفتار شدن به فتنه‌های گمراه‌کننده و سوم، مبتلا شدن به شهوت شکم و دامن.»^{۱۳}

۵. ترس از تهدیدها و تشرهای دشمنان

یکی دیگر از عوامل انحراف، ترس از تهدیدها و تشرهای دشمنان بود. این عامل از مهم‌ترین عوامل بود که در جای خود نیازمند توضیح مفصل می‌باشد.

۶. طمع نسبت به مطامع دنیوی

دیگر عامل انحراف، طمع نسبت به دنیا بود؛ طمع سیاسی (قدرت‌طلبی)، طمع مالی و طمع جنسی (شیفتگی لذت‌های حیوانی و شیطانی). طمع اساس کفر و بنیاد شرک و از عوامل گرایش به نفاق است.

از عوامل دیگر دلباختگی امت به عافیت و راحت‌طلبی بود.

حضرت زهرا سلام الله علیها می‌فرمایند: «أَلَا وَقَدْ أَرَى أَنْ قَدْ أَخْلَدْتُمْ إِلَى الْخَفْضِ... وَ خَلَوْتُمْ بِالْذَّعَةِ؛ آگاه باشید قطعاً شما را می‌بینم که به زندگی آسان میل نموده و تن به راحتی داده‌اید.»

درباره حادثه فاطمیه بسیار گفته‌اند و نوشته‌اند؛ اما باین وجود، باز جای تأمل و تدبر باقی است. خواستیم از عبرت‌های فاطمیه برایمان نکاتی را بفرمایید.

یکی از بزرگ‌ترین عبرت‌های فاطمیه برای دیده‌های عبرت بین و کسانی که گذشته را چراغ راه آینده می‌دانند، دلیل غصب خلافت بلافصل مولا و غریبانه و مظلومانه به شهادت رسیدن پاره تن پیامبر است. نه تنها عوام بلکه خواص در آن دوران دچار لغزش‌های عظیم فکری و عملی شدند؛ کسانی که با طرح و نقشه حساب شده و با همکاری و همگامی عوام و توده‌ی مردم این همه جنایت آفریدند و مردم را به بالاترین انحراف کشاندند؛ خواصی که از آغاز بعثت تا پایان عمر مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله به قول بعضی از مورخین «لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ طَرْفَةَ عَيْنٍ؛ حتی به اندازه یک چشم برهم زدن به خدا ایمان نیاوردند»^{۱۴} و کسانی که هیچ وقت تسلیم خدا و ولی خدا نشدند، بلکه تظاهریه تسلیم و ایمان نمودند.

پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله آن قدر ریزش و ارتداد شدید بود که باقی‌ماندگان در مسیر امامت و ولایت و ثابت قدم ماندگانی که موج آن فتنه عظیم آن‌ها را غرق نکرد، بسیار اندک بودند که از روایات استفاده می‌شود عددشان به اندازه‌ی تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسیدند. زهرا ی مرضیه سلام الله علیها در خطبه شریفشان در ارتباط با این مصیبت بزرگی که بر عالم اسلام پیش آمد جملات تکان‌دهنده‌ای دارند، حضرت می‌فرمایند: «فَبَلَكَ وَاللَّهِ النَّازِلَةُ الْكُبْرَى وَ الْوُصِيَّةُ الْعُظْمَى، لَا مِثْلَهَا نَازِلَةٌ؛ انحراف امت و ارتداد مسلمین به خدا قسم آن بلا و مصیبت بزرگی است که مثل آن هیچ بلای دیگری بر عالم اسلام نازل نشده است.»^{۱۵} پس از گفتن این جملات حضرت شروع به گریستن نمودند و در حال گریه این جملات را فرمودند: «اللَّهُمَّ إِلَيْكَ نَشْكُو فَقَدْ نَبِّكَ وَ رَسُولَكَ وَ صَفِيكَ وَ ارْتِدَادَ أُمَّتِهِ عَلَيْنَا؛ پروردگارا شکایت می‌کنیم فقدان پیامبر و نبی و برگزیده‌ی تو را ارتداد و بازگشت امت پیامبر بر ما.»^{۱۶}

مفهوم نفاق و انواع آن از نظر شما چیست؟ نقش منافقین در تاریخ اسلام را تشریح بفرمایید.

شاید بتوانیم بگوییم بزرگ‌ترین عامل انحراف توده‌ی مردم انسان‌های منافق مآب و منافق محور بودند. کسانی که با نفاق خودشان اسلام و مسلمین را به چالش کشیده و دچار انحراف عظیم کردند. نفاق عبارت است از اینکه افراد بی‌ایمان به خاطر اغراض دنیوی و شخصی، کفر خود را پنهان ساخته و اظهار اسلام و ایمان کنند. نفاق هر نوع دوگانگی ظاهر و باطن را شامل می‌شود؛ لذا می‌شود اقسام مختلفی برای آن برشمرد اما نکته‌ای که عجیب است اینکه شما می‌توانید انواع و اقسام نفاق را در دوران بعد از رحلت وجود نازنین پیامبر اکرم ﷺ ببینید.

۱. نفاق اخلاقی:

یکی از اقسام، «نفاق اخلاقی» است که در آموزه‌های دینی و روایات معصومین معرفی شده است. رسول گرامی اسلام فرمودند: «ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا وَإِنْ صَامَ وَصَلَّى وَزَعَمَ أَنَّهُ مُسْلِمٌ مَنْ إِذَا اتُّمِّنَ خَانَ وَإِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ...» سه چیز است که هرکسی داشته باشد منافق است اگرچه روزه بگیرد، نماز بخواند و گمان کند که مسلمان است: اول، خیانت کردن در هنگامی که به او اعتماد شده، دوم دروغ‌گویی به هنگام سخن گفتن و سوم، خلف وعده به هنگام وعده دادن.^{۱۷}

۲. نفاق اجتماعی:

قسم دیگر نفاق، «نفاق اجتماعی» است؛ که متأسفانه هم در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله و هم در عصر حاضر نفاق به این معنا بسیار مشاهده می‌شود. نفاق اجتماعی آن است که انسان در یک جامعه و در ارتباط با افراد آن، یک‌رنگ و یک چهره نباشد بلکه دارای چند چهره باشد که با هر شخصی به مقتضای حال او و علاقه و عقیده‌ی او ارتباط بگیرد. چون می‌خواهد دل همه را از خود راضی کند و برای رسیدن به دنیا و منافع دنیوی از همه استفاده کند، چنین شخصی متلون است و مدام رنگ عوض می‌کند؛ با مؤمن، مؤمن است و با کافر، کافر. با اهل طاعت، مرتبط است و با اهل معصیت، شریک. هم در مجالس مؤمنین حاضر می‌شود و هم در مجالس گناه و ابتذال و حرام. هم روضه و قرآن گوش می‌دهد و هم آهنگ‌ها و موسیقی‌های حرام. این نوع انسان‌های چند چهره فوق‌العاده خطرناک هستند. سیاست و روش آن‌ها، مغایر با خلق و خوی آن‌هاست. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُبْغِضُ مَنْ خَلَقَهُ الْمُتَلَوِّنُونَ فَلَا تَزُولُوا عَنِ الْحَقِّ وَأَهْلِهِ فَإِنَّ مَنْ اسْتَبَدَّ بِالْبَاطِلِ وَأَهْلِهِ هَلَكَ وَفَاتَتْهُ الدُّنْيَا وَخَرَجَ مِنْهَا صَاغِرًا؛ [ای مردم!] بدانید که خدا از میان بندگان، انسان‌های متلون را که

هر لحظه رنگ عوض می‌کنند، مبغوض می‌دارد و با آن‌ها دشمن است؛ پس از حق و اهل حق جدا نشوید چراکه هر کس به غیر ما راضی شود، هلاک خواهد شد، دنیا را نیز از دست خواهد داد و صغیر و کوچک از این دنیا خارج می‌شود.»^{۱۸}

انسان مؤمن فقط جاذبه ندارد و فقط اهل لبخند نیست، هم جاذبه دارد و هم دافعه، هم لبخند دارد و هم اخم، هم دوست دارد و هم دشمن. معیار او در جاذبه و دافعه و دوستی و دشمنی، رضایت خدا و رضایت ولی او است. لذا شهید بهشتی در آن جمله معروف و تاریخی

خود می‌فرمایند: «کسی که خط دارد، دشمن دارد». اگر دیدید یک نفر فقط به دنبال صلح و لبخند و دوستی با همه‌ی افراد است، بدانید این یکی از نشانه‌های نفاق اوست.

۳. نفاق سیاسی:

از دیگر اقسام نفاق بلکه خطرناک‌ترین نوع نفاق عبارت است از «نفاق سیاسی». مقصود از نفاق سیاسی آن است که گروهی در فضای نظام حاکم، خود را طرفدار آن جلوه داده و انقلابی نشان می‌دهند، حتی گاهی دوآتشه از آن دفاع می‌کنند اما این انقلابی‌گری و این دفاع از انقلاب، از سر صداقت و ایمان نیست بلکه یک جلوه‌نمایی ظاهری است تا در پوشش آن، مصونیت پیدا کرده و در فرصت مناسب به اهداف سیاسی و غرض‌آلود خود دست یابند.

آن‌همه فجایعی که پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله به بار آمد یکی از عوامل اصلی‌اش نفاق سیاسی بود؛ یعنی گروهی در باطن به پیامبر صلی الله علیه و آله و آنچه آورده بود، ایمان نیاورده و اعتقادی نداشتند

اما چون می‌دیدند حضرت روبه پیروزی است، به اقتضای ضرورت و به طمع میوه‌چینی از درخت تناور اسلام، شمشیر در نیام کرده و تظاهر به اسلام و دین‌داری نمودند؛ منافقانه قبول اسلام کردند و منتظر ماندند تا فرصت مناسبی

فرابرسد تا بتوانند کفر، عداوت، کینه و حسادت

درونی خود را علیه اسلام، پیامبر و یادگارهای آن

حضرت آشکار کنند و آن فرصت، پس از رحلت

جان‌گداز رسول خدا صلی الله علیه و آله بود.

دشمنان ولایت از این فرصت طلایی، نهایت

سوءاستفاده را کردند و با اِعمال سیاست اغوا،

فریب، تطمیع، تهدید و خشونت و زور به عنوان

جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله خود

را به منصب خلافت رسانده و زمام امور را به

دست گرفتند و به تحقق اهداف سیاسی و اجتماعی

خویش پرداختند. همان‌ها که روزی تظاهر به اسلام

می‌کردند بعد از رسیدن به قدرت، کفر باطنی‌شان را بروز

دادند و اساس ظلم بر پیامبر و خاندانش را بنیان‌گذاری کردند. آن‌ها

نه تنها براهل بیت (علیهم السلام) و امت اسلام، بلکه بر تمام جهان بشریت برای

همیشه‌ی تاریخ، ستم و جنایت کردند. یکی از مهم‌ترین وظایفی که

در ایام فاطمیه وجود دارد معرفی درس‌ها و عبرت‌ها و بیان ویژگی‌های

انسان‌های منافق برای مردم است.

چرا دشمن‌شناسی اینقدر اهمیت دارد که رهبر معظم انقلاب بارها نسبت به مسئله دشمن‌شناسی به جوانان توصیه کرده‌اند؟

یکی از بزرگ‌ترین عوامل انحراف بعد از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله ضعف مردم آن زمان در دشمن‌شناسی بود. فقط دوست‌شناسی کافی نیست. از مهم‌ترین حوزه‌های بصیرت، دشمن‌شناسی است. آنچه باید نسبت به آن بصیرت و معرفت پیدا کرد، شناخت طرح‌ها، مکرها، حيله‌ها و به اصطلاح امروزی راهبردهای دشمن برای مقابله با اسلام، امامت و ولایت است. لذا در آموزه‌های دینی ما

دشمن‌شناسی بعد از معرفت خداوند متعال و اطاعت و بندگی او به عنوان بزرگ‌ترین وظیفه معرفی شده است. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِنَّ أَعْقَلَ النَّاسِ عَبْدٌ عَرَفَ رَبَّهُ فَأَطَاعَهُ وَعَرَفَ عَدُوَّهُ فَعَصَاهُ؛ همانا عاقل‌ترین انسان‌ها آن بنده‌ای است که

همان‌ها که روزی
تظاهر به اسلام
می‌کردند بعد از
رسیدن به قدرت،
کفر باطنی‌شان
را بروز دادند و
اساس ظلم بر
پیامبر و خاندانش
را بنیان‌گذاری
کردند.

پروردگارش را بشناسد پس او را اطاعت کند و دشمن خدا را بشناسد پس از او اطاعت نکرده، مخالفت او را نماید.^{۱۹} واقعاً اسلام و مسلمین در طول تاریخ بیشترین آسیب را از همین قضیه‌ی مکرها، حيله‌ها و کيدهای دشمنان خورده است. حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: «أَنْتُمْ تُكَادُونَ وَلَا تُكِيدُونَ وَتُنْتَقِصُ أَظْرَافَكُمْ فَلَا تَمْتَعِصُونَ لَا يُنَامُ عَنْكُمْ وَأَنْتُمْ فِي عَقْلَةٍ؛ دشمن بر ضد شما طرح‌های مکارانه دارد ولی شما هیچ‌گونه طرح و نقشه‌ای بر ضد او ندارید. به محدوده شما حمله کرده، سرزمین شما را تصرف نموده است ولی شما ناراحت نمی‌شوید. دشمن برای حمله به شما خواب ندارد ولی شما در خواب غفلت و بی‌خبری به سر می‌برید.»^{۲۰} یا در بیان دیگری می‌فرماید: «مَنْ نَامَ عَنْ عَدُوِّهِ أَتْبَهَتْهُ الْمَكَائِدُ؛ کسی که از دشمن غافل شود، حيله‌ها و مکرهای دشمن او را بیدار خواهند کرد.»^{۲۱} در زمان حضرت علی علیه السلام نیز دقیقاً همین حيله و مکر به کار رفت؛ به عنوان مثال آخرین و بزرگ‌ترین حيله و مکر دشمن، محاصره و تحریم اقتصادی علیه حضرت و دوستان ایشان بود. در کنار این دسیسه، جنگ روانی و تبلیغاتی معاویه بود که دستور داده بود ۷۰ هزار منبر درست کرده، قراء، محدثین و شعرای دنیاپرست و جاه‌طلب بالای این منبرها قرار گیرند و به چهره سوزی و چهره‌سازی بپردازند؛ چهره امیرالمؤمنین علیه السلام را سوزانند و چهره معاویه و امثال او را ساختند. آن قدر روایت جعل کردند تا کار به اینجا رسید که آن چهره و شخصیت نورانی امیرالمؤمنین علیه السلام در بین جامعه به عنوان یک انسان خشونت‌طلب، تندرو، ضد وحدت، بدون سیاست و مدیریت و بدون عبادت و بندگی معرفی شد. این بزرگ‌ترین تیر خلاصی بود که شیطان و شیطان‌صفتان و دشمنان و منافقان زدند. دشمن درصدد عوض کردن بینش‌ها، ارزش‌ها، اخلاق و آداب و رسوم ما می‌باشد. اگر انسجام ملی ما را هدف قرار داده و قصد به انفعال کشیدن نیروهای انقلابی ما را دارند، اگر می‌خواهند ما را نسبت به داشته‌هایمان ناامید کنند، همه‌ی این‌ها برای رسیدن به یک مقصد و یک مقصود است و این مقصود آخرین حيله و تیر خلاصی است که دشمنان اسلام همیشه به جامعه اسلامی و مسلمین و توده مردم زده‌اند و آن عبارت است «جدا سازی مردم از انقلاب، نظام و رهبری حق». این بزرگ‌ترین حيله و مکر و راهبرد دشمن است. در جامعه ما نیز دقیقاً دارد همین اتفاق می‌افتد؛ تمامی این تحریم‌ها، تمامی جنگ‌های روانی، شایعه‌سازی‌ها، شبهه پراکنی‌ها، فعالیت‌های مختلف و فتنه‌ها برای این است که مردم را از بدنه نظام و انقلابی که کردند و از رهبری حق که ولایت از جانب خدا را دارد جدا کنند و این فوق‌العاده آموزه مهمی است.

شاخصه‌ی ائمه باطل از منظر حضرت زهرا سلام الله علیها چیست؟ با توجه به نزدیک بودن ایام انتخابات چگونگی تطبیق آن با مسأله «انتخاب اصلح» را توضیح دهید.

حضرت زهرا سلام الله علیها در خطبه فدکیه می‌فرماید: «فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أُنْبِيَائِهِ وَ مَأْوَى أَصْفِيَائِهِ ... نَطَقَ كَاطِمُ الْغَاوِينَ وَ نَبَغَ

خَامِلُ الْأَقْلِيَيْنِ؛ هنگامی که خداوند خانه انبیا و مأوی اصفیا را برای پیامبرش برگزید [و ایشان از دنیا رفتند] ... گمراهانی که لب فرو بسته بودند، زبان گشودند و



فروما یگان گمنام، قدر و منزلت پیدا کردند و در بین شما به قدرت رسیدند.^{۲۲} پستی و لثامت حقیقتاً اساس همه‌ی انحرافات، بدی‌ها و زشتی‌هاست. انسان‌های پست حیا، مروت و جوانمردی ندارند. به قدرت و حکومت رسیدن چنین افرادی بزرگ‌ترین بلای روزگار است. یکی از مهم‌ترین عوامل پستی عبارت است از فاصله گرفتن از تقوا و تدین. در مقابل یکی از مهم‌ترین عوامل کرامت عبارت است از تقوا؛ لذا یکی از ملاک‌هایی که می‌بایست در انتخاب حاکمان و مسئولان مورد توجه قرار گیرد؛ چه در انتخاب نمایندگان مجلس، چه نمایندگان شوراها و چه ریاست جمهوری، این است که باید واقعاً کسانی را انتخاب کنیم که دارای تقوا باشند. اگر چنین افرادی را بر اریکه‌های قدرت حاکم کنیم آن‌ها به خاطر دنیا و مطامع دنیوی به مردم ظلم و خیانت نخواهند کرد و نسبت به دین و ارزش‌های آن و همچنین نسبت به رهبردینی خود امانت‌دار خواهند بود.

پی نوشت:

۱. خبرگزاری فارس. ۱۴. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۸، ص ۲۸۵.
۲. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۰۳.
۳. احقاق الحق، ج ۲، ص ۲۰۳.
۴. شرح المقاصد، ج ۵، ص ۲۳۴.
۵. الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۳.
۶. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۴۴.
۷. الاحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، ج ۱، ص ۱۰۱.
۸. صف، آیه ۹.
۹. توبه، آیه ۳۳.
۱۰. کافی، ج ۱، ص ۴۳۲.
۱۱. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۰۵.
۱۲. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۲۶۲.
۱۳. صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ص ۴۴.
۱۴. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۸، ص ۲۸۵.
۱۵. الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، ج ۱، ص ۱۰۳.
۱۶. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۵۳، ص ۱۸.
۱۷. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۲۹.
۱۸. الأمالی (للمفید)، النص، ص: ۱۳۷.
۱۹. أعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۳۳۷.
۲۰. نهج البلاغه، خطبه ۳۴.
۲۱. عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۴۱.
۲۲. الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، ج ۱، ص ۱۰۱.

کلام

مادر سادات علیها السلام در لسان معصومین علیهم السلام

هیات
۳۴

||| حجت الاسلام مرتضی شاهسون

بگویند به اندازه ظرفیت و استعداد خود گرفته‌اند و نخواهند توانست تمام شخصیت و مقام آن بانورا تبیین نمایند. از این رو باید به سخنان پیامبر ﷺ و ائمه طاهرين: مراجعه کرد تا بتوان فضائل و ارزش‌های آن بانوی یگانه عالم وجود را که سرور زنان جهان و اسوه و پیشوای نمونه عالم است بیان نمود. در ادامه به فضائل و کرامت‌هایی که در بیان هریک از ائمه: در مورد مادر بزرگوارشان فاطمه زهرا ﷺ آمده است اشاره می‌شود.

(۱) فاطمه ﷺ از نگاه امام علی ﷺ

در نگاه امام علی ﷺ فاطمه ﷺ در چنان مرتبه والایی از زهد، خداترسی و عمل به احکام الهی قرار دارد که در کلامی می‌فرماید: «من به رسول خدا ﷺ و فاطمه ﷺ و فرزندان‌شان مباحات و افتخار می‌کنم». ^۱ همچنین حضرت علی ﷺ در پاسخ به ادعاهای بی‌اساس معاویه مبنی بر فضائل امویان در نامه‌ای می‌نویسد: «... دو سید جوانان اهل بهشت از ماست و «صبیة النار» از شماست. بهترین زنان جهان (فاطمه زهرا ﷺ) از ماست و «حمالة الحطب» آنکه هیزم کشد برای دوزخیان از شماست. این فضیلت‌ها از ماست و آن فضیلت‌ها از شماست...» ^۲.
فاطمه ﷺ در آخرین لحظات عمر مبارکش می‌فرماید: «ای پسرعمو! تو هرگز مرا در دوران زندگی دروغ‌گو و خائن نیافتی و من هم هرگز با فرمانت مخالفت نکردم.»
علی ﷺ که شاهد درگذشت تنها یاور و تسلی‌بخش خویش بود، می‌فرماید: «پناه به خدا! تو داناتر و پرهیزگارتر و گرامی‌تر و نیکوتر از آنی که من تو را نکوهش کنم. دوری

خداوند متعال در عالم هستی چهارده حجت آفریده است که در این میان فاطمه زهرا ﷺ جزو برترین آنان به حساب می‌آید و برتری مقام او غیر از پیامبر ﷺ ثابت است. امام باقر ﷺ در عظمت و جلالت مقام مادر مظلومه‌اش می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَتْ ﷺ مَقْرُوضَةَ الطَّاعَةِ عَلَى جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ وَالْوَحْشِ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمَلَائِكَةِ؛ اطاعت فاطمه ﷺ بر تمام بندگان الهی حتی جن و انس، پرندگان و حیوانات، پیامبران و ملائکه واجب است» ^۱.

گرچه این اطاعت، «اطاعت تشریعی» نیست و منظور از آن «اطاعت تکوینی» است، ولی تقدم او را بر انبیای دیگر نشان می‌دهد ^۲ و لذا پیامبر ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ عَلِيًّا ﷺ وَزَوْجَتَهُ وَآبْنَاءَهُ حُجَجَ عَلَى خَلْقِهِ؛ خداوند متعال علی ﷺ، همسر و فرزندان‌اش را حجت خود در میان مردم قرار داده است» ^۳ و حضرت امام حسن عسکری ﷺ در حدیث دیگری چنین فرمود که: «نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَجَدَّتْنَا فَاطِمَةُ ﷺ حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيْنَا؛ ما (ائمه) حجت خدا بر مردم و مادرمان فاطمه ﷺ حجت خدا بر ماست» ^۴.

براساس این احادیث چنین برمی‌آید که حضرت فاطمه‌ی زهرا ﷺ یکی از حجج الهی است که از جایگاه رهبری و الگویی برخوردار است و حضرات معصومین: او را بر خود مقدم داشته و اعمال و رفتارشان را سرمشق خویش قرار داده‌اند؛ بنابراین تنها رسول خدا ﷺ و امامان پس از او که علوم خود را از منبع وحی می‌گرفتند، شخصیت فاطمه ﷺ را آن‌گونه که سزاوار است بیان می‌کنند و دیگران هرچه

از تو و احساس فراقت بر من گران خواهد بود. به خدا سوگند! با رفتنت مصیبت رسول خدا ﷺ را بر من تازه خواهی کرد. «انا لله وانا اليه راجعون» از این مصیبت بزرگ، دردناک، تأثرآور و حزن‌انگیز! ^۷

۲) فاطمه علیها السلام از نگاه امام حسن مجتبی علیها السلام

امام حسن علیها السلام در موارد بسیاری از شایستگی مادرشان سخن گفته‌اند؛ از آن جمله می‌فرماید: «شبی دیدم مادرم در محراب به نماز ایستاده است و تا طلوع خورشید مشغول رکوع و سجود بود و شنیدم برای یکایک مردان و زنان دعا می‌کرد و آنان را نام می‌برد ولی برای خود چیزی نخواست. عرض کردم: مادر! چرا همان‌گونه که برای دیگران دعا می‌کنی، برای خود دعا نمی‌کنی؟ فرمود: فرزندم! اول همسایه بعد از آن خانه». ^۸

۳) فاطمه علیها السلام از نگاه امام حسین علیها السلام

امام حسین علیها السلام می‌فرماید: «رسول خدا ﷺ در خانه ام سلمه بود که صرائیل - یکی از فرشتگان الهی - نزد پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: نور را به عقد نور درآور. پیامبر ﷺ فرمود: چه کسی را و برای چه کسی؟ گفت: دخترت فاطمه علیها السلام را برای علی ابن ابی طالب علیها السلام. سپس در حضور جبرئیل و میکائیل و صرائیل، فاطمه علیها السلام را به عقد علی علیها السلام درآورد». ^۹

۴) فاطمه علیها السلام از نگاه امام سجاد علیها السلام

امام سجاد علیها السلام می‌فرماید: «وقتی که قیامت فرارسد، فاطمه علیها السلام وارد محشر می‌شود و گفته می‌شود کسانی که به آیات الهی ایمان آوردند و مسلمان شدند به جز مسلمانانی که دوستدار اهل بیت: هستند؛ همگی سرها را به زیر اندازید. آنگاه اعلام می‌شود: این است فاطمه دخت محمد ﷺ. او و همراهانش به سوی بهشت می‌روند. خداوند فرشته‌ای را خدمت وی می‌فرستد و می‌گوید: حاجتت را از من بخواه! فاطمه علیها السلام عرض می‌دارد: پروردگارا! حاجت من آن است که مرا و کسانی را که فرزندان مرا یاری کردند مورد عفو قرار دهی». ^{۱۰}

۵) فاطمه علیها السلام از نگاه امام محمد باقر علیها السلام

امام باقر علیها السلام می‌فرماید: چون قیامت شود جبرئیل ندا می‌دهد: خدیجه علیها السلام دختر خویلد کجاست؟ مریم علیها السلام دختر عمران، آسیه علیها السلام دختر مزاحم،

ام کلثوم علیها السلام خواهر موسی علیها السلام کجایند؟ آنان از جای برمی‌خیزند ... آنگاه ندا می‌شود: ای اهل محشر! امروز من کرامت را برای محمد، علی، حسن، حسین و فاطمه: قرار دادم. سرها را پایین بیندازید و چشم‌ها را فروبندید چون فاطمه علیها السلام می‌خواهد به بهشت وارد شود. سپس جبرئیل ناقه‌ای بهشتی می‌آورد و آن حضرت را به بهشت می‌برد ولیکن ایشان وقتی نزدیک بهشت می‌رسد درنگ می‌کند. خداوند می‌فرماید: درنگت برای چیست؟

فاطمه علیها السلام می‌گوید: پروردگارا! دوست دارم در چنین روزی مقام شناخته شود. خداوند می‌فرماید: ای دختر حبیبم! برگرد و نظرافکن و هرکس را که دوستی شما اهل بیت: در دلش است، او را وارد بهشت کن». امام باقر علیها السلام می‌فرماید: «به خدا سوگند! در آن روز فاطمه علیها السلام شیعیان و دوستانش را همانند پرنده‌ای که دانه خوب را از دانه بد جدا می‌کند، از بین جمعیت جدا می‌کند». ^{۱۱}

۶) فاطمه علیها السلام از نگاه امام جعفر صادق علیها السلام

سید هاشم بحرانی از امام صادق علیها السلام نقل می‌کند که می‌فرماید: «نبوت هیچ پیامبری تکمیل نشد مگر این‌که به فضیلت فاطمه زهرا علیها السلام اقرار نموده، محبت او را دارا بود». ^{۱۲} همچنین امام صادق علیها السلام می‌فرماید: «فاطمه علیها السلام، صدیقه کبری است او در نزد خداوند ۹ اسم دارد: فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، محدثه، زهرا و بتول». ^{۱۳}

۷) فاطمه علیها السلام از نگاه امام کاظم علیها السلام

امام کاظم علیها السلام می‌فرماید: «همانا فاطمه علیها السلام، صدیقه و شهیده است». ^{۱۴} سلیمان جعفر می‌گوید از امام کاظم علیها السلام شنیدم که فرمودند: «در خانه‌ای که اسم محمد یا علی، حسن، حسین، جعفر و عبدالله و از زنان فاطمه باشد؛ فقر و تنگدستی وارد نخواهد شد». ^{۱۵}

۸) فاطمه علیها السلام از نگاه امام رضا علیها السلام

امام رضا علیها السلام از اجداد گرامی‌اش نقل می‌کند که پیامبر ﷺ به علی علیها السلام فرمودند: «سه فضیلت به تو داده شد که به من داده نشده است». علی علیها السلام عرض کرد: «آن سه چیز چیست؟» پیامبر ﷺ فرمودند: «تو پدرزنی چون من داری که من چنین پدرزنی ندارم،



۱. بحرانی اصفهانی، عوالم، ج ۱۱، ص ۱۹۰؛ دلائل الامامة، ص ۱۷۲.
۲. بنا بر روایاتی که در فضیلت رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ آمده و این حدیث را تفسیر و مقید نموده، حضرت زهرا ﷺ از نظر رتبه پس از آن دو بزرگوار است؛ ر.ک: انصاری زنجانی، اسماعیل، الموسوعة الكبرى عن فاطمة الزهراء، ج ۱۹، ص ۳۵۸.
۳. حسکانی، عبید الله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۷۶؛ عوالم، ج ۱۱، ص ۱۰۷.
۴. طباطبائی، المیزان، ص ۲۱۲؛ سید عبدالحسین طیب، تفسیر اطیب البیان، ج ۱۳، ص ۲۲۵، ذیل آیه ۳ از سوره جن.
۵. محمدعبدالرحمن عوض، دیوان امام علی ابن ابی طالب ﷺ، ص ۶۵.
۶. نهج البلاغه، نامه ۲۸.
۷. فاطمه الزهرا من المهد الى اللحد، ص ۶۰۹ و روضه الواعظین، ص ۱۵۱.
۸. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸۱ و ۸۲.
۹. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۲۳.
۱۰. عوالم العلوم، ج ۲، ص ۱۷۸.
۱۱. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۶۴.
۱۲. مدینه المعاجز به نقل: فاطمه الزهرا بهجه القلب المصطفی؛ ص ۸۶ و بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۶۵.
۱۳. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۰۵.
۱۴. مرآة العقول، ج ۵، ص ۳۱۵.
۱۵. سفینه البحار، ج ۴، ص ۲۹۵.
۱۶. مسندالرضا، ج ۱، ص ۱۱۹.
۱۷. همان، ص ۱۴۱.
۱۸. بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۵۹.
۱۹. اصول کافی، ج ۴، ص ۳۱۴.
۲۰. لسان المیزان، ج ۳، ص ۳۴۶.
۲۱. همان.
۲۲. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰؛ الغیبة، شیخ طوسی، ص ۲۸۶.

همسری چون فاطمه ﷺ به توداده شده که به من داده نشده است، حسن و حسین ﷺ به توداده شده که به من داده نشده است».^{۱۶}

همچنین امام رضا ﷺ از پدران بزرگوار خود از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند که پس از ازدواج علی و فاطمه ﷺ خداوند عزوجل فرمودند: «اگر علی ﷺ را نمی‌آفریدم برای دخترت فاطمه ﷺ همتا و همسری در روی زمین یافت نمی‌شد».^{۱۷}

۹) فاطمه ﷺ از نگاه امام جواد ﷺ

زکریا بن آدم نقل می‌کند: در محضر امام رضا ﷺ بودم که امام جواد ﷺ در حالی که بیش از چهار سال از عمرش نگذشته بود، وارد شد. وقتی نشست دستش را روی زمین قرارداد و سربه آسمان بلند نمود و مدتی طولانی به فکر فرو رفت. امام رضا ﷺ فرمود: جانم فدایت! چرا این چنین در اندیشه‌ای؟ پاسخ داد: به جهت ستم‌هایی که نسبت به مادرم فاطمه ﷺ انجام داده‌اند».^{۱۸}

و نیز امام جواد ﷺ خطاب به موسی بن قاسم که گفت: در حج از طرف فاطمه زهرا ﷺ زیارت کردم امام فرمودند: «آن را زیاد کن؛ زیرا که آن برترین چیزی است که بدان عمل می‌کنی».^{۱۹}

۱۰) فاطمه ﷺ از نگاه امام هادی ﷺ

آن حضرت در مورد علت نام‌گذاری حضرت صدیقه طاهره ﷺ به «فاطمه»، از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمود: «دخترم فاطمه ﷺ را بدان جهت فاطمه نامیدند که خداوند عزوجل او و دوستانش را از آتش جهنم به دور نگه می‌دارد».^{۲۰}

۱۱) فاطمه ﷺ از نگاه امام حسن عسکری ﷺ

امام حسن عسکری ﷺ از امام علی ﷺ از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند: «آن هنگام که خداوند آدم و حوا ﷺ را آفرید، آنان در بهشت به خود مباحثات می‌کردند. آدم به حوا ﷺ گفت: خداوند هیچ مخلوقی بهتر از ما نیافریده است. خداوند به جبرئیل فرمود: این دو بنده‌ام را به فردوس برین ببر، زمانی که وارد فردوس شدند؛ چشمانشان به بانویی افتاد که جامه‌ای زیبا از جامه‌های بهشتی در برداشت و تاجی نورانی بر سر گذاشته و دو گوشواره درخشان به گوشش آویخته بود و بهشت از پرتو نور چهره‌اش درخشان بود. حضرت آدم ﷺ به جبرئیل گفت: حبیبم جبرئیل! این بانو که از زیبایی چهره‌اش بهشت نورانی گشته کیست؟ گفت: او فاطمه ﷺ دختر محمد ﷺ، پیامبری از نسل تو است که در آخرالزمان خواهد آمد. گفت: این تاجی که بر سر دارد چیست؟ پاسخ داد: شوهرش علی بن ابیطالب ﷺ است. گفت: این دو گوشواره که بر دو گوش او است چیست؟ پاسخ داد: دو فرزندش حسن و حسین ﷺ می‌باشند. آدم ﷺ گفت: حبیبم! آیا اینان پیش از من آفریده شده‌اند؟ گفت: بلی؛ اینان در علم مکنون خداوند چهار هزار سال پیش از آن‌که تو آفریده شوی، وجود داشتند».^{۲۱}

۱۲) فاطمه ﷺ از نگاه امام مهدی ﷺ

حضرت بقیة الله ﷺ در توقیع مبارکشان فرمودند: «فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ لِيْ أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ دختر رسول خدا فاطمه ﷺ برای من سرمشق و الگوی نیکویی است».^{۲۲}





۳۸

احکام هیأت و عزاداری

در فتاویٰ حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای حفظه الله

۴۰

موج خون

وظیفه ما در قبال شهادت سپهبد حاج قاسم سلیمانی

۴۲

فقر در مداحی

بایدها و نبایدهای مداحی از منظر حاج منصور ارضی

و طهارت طهارة به منظور تعظیم شعائر الهی و اظهار حزن و اندوه موجب ترتب ثواب الهی است. در هر صورت کراهت پوشیدن لباس سیاه در غیر نماز ثابت نیست.

❖ ۵. آیا مالیدن گل به سرو صورت در ایام عزاداری اشکال دارد؟
اگر به نحو متعارف و به گونه ای باشد که از نظر عرفی از مظاهر حزن و اندوه در عزاداری محسوب شود، اشکال ندارد.

❖ ۶. از ساختمان حسینیه صدای قرائت قرآن و مجالس حسینی بسیار بلند پخش می شود به طوری که صدای آن از بیرون شهر هم شنیده می شود و این امر منجر به سلب آسایش همسایگان شده است و مسئولین و سخنرانان حسینیه اصرار به ادامه آن دارند، این عمل چه حکمی دارد؟

اگرچه اقامه مراسم و شعائر دینی در زمان های مناسب در حسینیه از بهترین کارها و جزو مستحبات مؤکد می باشد، ولی واجب است برگزارکنندگان مراسم و عزاداران تا حد امکان از اذیت و ایجاد مزاحمت برای همسایگان پرهیزند هر چند با کم کردن صدای بلندگو و تغییر جهت آن به طرف داخل حسینیه باشد.

❖ ۷. در حسینیه ها و مساجد بیشتر مناطق به خصوص روستاها مراسم شبیه خوانی به اعتبار این که از سنت های قدیمی است برگزار می شود که گاهی اثر مثبتی در نفوس مردم دارد، این مراسم چه حکمی دارند؟

اگر مراسم شبیه خوانی مشتمل بر امور دروغ و باطل نباشند و مستلزم مفسده هم نباشند و با توجه به مقتضیات زمان باعث وهن مذهب حق هم نشوند، اشکال ندارند، ولی در عین حال بهتر است که به جای آنها، مجالس وعظ و ارشاد و ذکر مصائب حسینی و مرثیه خوانی برپا شود.

❖ ۸. در بعضی از هیأت های مذهبی مصیبت هایی خوانده می شود که مستند به مقتل معتبری نیست و از هیچ عالم یا مرجعی هم شنیده نشده است، آیا نقل وقایع از این طریق صحیح است یا خیر؟ و در صورتی که صحیح نباشد، تکلیف شنوندگان چیست؟
نقل مطالب به صورت مزبور بدون این که مستند به روایتی باشد و یا در تاریخ ثابت شده باشد، وجه شرعی ندارد مگر آنکه نقل



احکام هیأت و عزاداری

در فتاوی حضرت آیت الله العظمی خامنه ای حفظه الله



❖ ۱. آیا می شود «اضافه خرج» مراسم فاطمیه را در محرم خرج کرد؟
اگر نذر خاص نشده باشد که در مراسم فاطمیه مصرف شود و یا خلاف نظر اهداکنندگان نباشد، اشکال ندارد.

❖ ۲. باقی مانده اموالی که به عنوان هزینه های مراسم فاطمیه جمع آوری می شود، در چه موردی باید خرج شود؟

می توان اموال باقی مانده را با کسب اجازه اهداکنندگان آنها در امور خیریه مصرف کرد و یا آنها را برای مصرف در مجالس عزاداری آینده نگه داشت.

❖ ۳. آیا می توان از اموال بیت المال برای مراسم عزاداری استفاده کرد؟
به طور کلی این گونه امور تابع قوانین و مقررات اداره مربوطه می باشد و تخلف از آن جایز نیست؛ و اگر بر طبق قوانین و مقررات باشد، مانع ندارد.

❖ ۴. آیا سیاه پوش کردن مسجد و پوشیدن لباس مشکی در مراسم عزاداری کراهت دارد؟

سیاه پوش کردن مساجد و پوشیدن لباس مشکی در ایام عزاداری خاندان عصمت

آن به عنوان زبان حال به حسب برداشت متکلم بوده و علم به خلاف بودن آن، نداشته باشد و تکلیف شنوندگان نهی از منکر است به شرطی که موضوع و شرایط آن نزد آنان ثابت شده باشد.

✱ ۹. آیا خواندن زن در مجالس عزاداری با علم او به این که مردان نامحرم صدای او را می شنوند جایز است؟
اگر خوف مفسده باشد باید از آن اجتناب شود.

✱ ۱۰. شنیدن صدای گریه و شیون نامحرم که در عزای اهل بیت (علیهم السلام) است (با توجه به کنار هم بودن قسمت زنانه و مردانه هیأت) برای مردان چه حکمی دارد؟
در صورتی که مفسده ای نداشته باشد، فی نفسه اشکال ندارد.

✱ ۱۱. برهنه شدن در سینه زنی به شرط اینکه نامحرم نباشد اشکال دارد؟

شایسته است عزاداری به شیوه مرسوم و سنتی که با لباس انجام می گرفته برگزار گردد.

✱ ۱۲. آیا لطمه زدن به بدن در عزاداری ها جایز است؟
لطمه زدن در عزاداری اگر ضرر قابل توجهی بر بدن داشته باشد و یا موجب وهن مذهب یا مؤمنین یا مراسم راه معصومین علیهم السلام باشد، جایز نیست و در هر حال بهتر است مؤمنین مراعات شئون عزاداری معصومین (علیهم السلام) به ویژه سید و سالار شهیدان اباعبدالله الحسین علیه السلام را بنمایند.

✱ ۱۳. هروله کردن و گفتن ذکر ائمه (علیهم السلام) به صورت تند و پشت سرهم (شور) جایز است؟
اگر موجب وهن مذهب یا مراسم عزاداری معصومین (علیهم السلام) نباشد فی نفسه اشکال ندارد.

✱ ۱۴. استفاده از آلات موسیقی مانند ارگ (از آلات موسیقی و شبیه پیانو است) و سنج و غیر آن ها در مراسم عزاداری چه حکمی دارد؟
استفاده از آلات موسیقی، مناسب، با عزاداری سالار شهیدان نیست و شایسته است مراسم عزاداری به همان صورت متعارفی که از قدیم متداول بوده برگزار شود.

✱ ۱۵. اگر بعضی از واجبات به سبب شرکت در مجالس عزاداری از مکلف فوت شود مثلاً نماز صبح قضا شود، آیا بهتر است بعد از این در این مجالس شرکت نکند یا این که عدم شرکت او باعث دوری از اهل بیت (علیهم السلام) می شود؟
بدیهی است که نماز واجب، مقدم بر فضیلت شرکت در مجالس عزاداری اهل بیت (علیهم السلام) است و ترک نماز و فوت شدن آن به بهانه شرکت در عزاداری اهل بیت (علیهم السلام) جایز نیست، ولی شرکت در عزاداری به گونه ای که مزاحم نماز نباشد ممکن و از مستحبات مؤکد است.

✱ ۱۶. استفاده از طبل و سنج و شیپور در مجالس و دسته های عزاداری چه حکمی دارد؟
استفاده از شیپور و طبل و سنج به نحو متعارف اشکال ندارد، ولی نباید به گونه ای استفاده شود که موجب اذیت دیگران شود.

✱ ۱۷. زنجیر زدن به بدن همان گونه که بعضی از مسلمانان انجام می دهند، چه حکمی دارد؟
اگر به نحو متعارف و به گونه ای باشد که از نظر عرفی از مظاهر حزن و اندوه در عزاداری محسوب شود اشکال ندارد.

✱ ۱۸. معیار شرعی ضراعم از جسمی یا روحی چیست؟
معیار، ضرری است که در نظر عرف، قابل توجه و معتنا به باشد.

✱ ۱۹. اگر شخصی خلاف وحدت شیعه و اهل تسنن صحبت کند نسبت به حضور در آن مجلس چه تکلیفی داریم؟
هرگونه گفتار یا کردار و رفتاری که در زمان حاضر سوژه و بهانه به دست دشمن بدهد یا موجب اختلاف و تفرقه بین مسلمین گردد شرعاً حرام اکید است و شرکت در آن مجلس اگر تأیید و ترویج آن باشد جایز نیست.





وظیفه ما در قبال شهادت سپهبد حاج قاسم سلیمانی موج خون

هیات

۴۰

معرفی کرده و در
خصوص مراقبت
همیشگی در برابر
دسیسه‌ها و حمله‌های
او فرمودند: «دشمن اصلی

ما استکبار است؛ صهیونیسم و آمریکا

است، ولی تلاش وسیعی دارد انجام می‌گیرد

تا با شیوه‌های پیچیده تبلیغاتی این قضیه را برعکس
کرده و نظر مردم را عوض کنند. همه ما باید بدانیم که این دشمنی
موسمی و فصلی نیست؛ بلکه یک دشمنی ذاتی و همیشگی
است و هر وقت بتوانند ضربه بزنند حتماً می‌زنند. بنابراین همه
باید مراقب باشند؛ دشمن شناسی بسیار مهم است».

معظم له دولت‌هایی را که علیه جمهوری اسلامی ایران حرفی زده
یا قضاوتی بکنند؛ مادامی که حرکتی از آن‌ها در خدمت دشمن و
علیه جمهوری اسلامی سر نزنند دشمن به حساب نمی‌آورند؛ بلکه
دشمن اصلی در دیدگاه قاطع ایشان عبارت است از: «آمریکا،
رژیم صهیونیستی و دستگاه استکبار؛ دستگاه استکبار فقط آمریکا
نیست، فقط دولت‌ها نیستند؛ یک مجموعه‌ای از کمپانی‌ها و
غارتگران دنیا و ستمکاران دنیا و مانند این‌ها [هستند] که با هر
مرکزی که با ستم و غارتگری مخالف باشد، مخالف‌اند».

۲. شناخت نقشه دشمن

دانستن نقشه دشمن، از منظر رهبر معظم انقلاب یعنی بدانیم که
دشمن چه کار دارد می‌کند، چه کار می‌خواهد بکند و شیوه‌های
کاری او چیست؟ ایشان توطئه و نقشه اساسی دشمن را «ایجاد
تردید در ایمان و اراده» دانسته و در این مورد می‌فرمایند: «نقشه
اساسی دشمن این است که جوانان و مردم را در بخش‌های
گونگون دچار تردید افکنی در ایمان و خلل در عزم و اراده کند.
دشمن چون می‌داند که اگر بتواند در دو عنصر «ایمان» و «غیرت
دینی» مردم تردید ایجاد کند، قدرت تهاجمی و دفاعی جمهوری
اسلامی تحت تأثیر قرار گرفته و از بین خواهد رفت؛ لذا توطئه
می‌کند. البته توطئه آمریکا و دیگر دشمنان فقط این نیست؛ بلکه
این مهم‌ترینش است. آن‌ها علیه جمهوری اسلامی در میدان
سیاست، در میدان اقتصاد (مانند تحریم‌ها) و در میدان مسائل
امنیتی (مانند اغتشاش به بهانه گران شدن بنزین) دائماً در حال
توطئه کردن هستند».

شهادت حاج قاسم عاملی بازدارنده در برابر غبارگرفتگی چشم‌ها
شد و نگذاشت تا چهره‌های نفاق و کینه بتوانند انقلاب را در
ایران تمام شده و منقرض جلوه دهند. سردار دلها با خون خود
بار دیگر حیات و جاودانگی انقلاب اسلامی را در چشم همه دنیا
جلوه گر کرد و موجب کرنش و رسوایی دشمنان انقلاب شد. مقام
معظم رهبری حفظه الله در بیانات خود به مناسبت سالگرد قیام
۱۹ دی به این کارکرد مهم اشاره کرده و ایراد فرمودند:

«شهید قاسم سلیمانی با شهادتش چشم‌های غبارگرفته را باز
کرد. عده‌ای می‌خواستند وانمود کنند که انقلاب در ایران از
بین رفته، تمام شده و مرده است، اما شهادت قاسم سلیمانی،
زنده‌بودن انقلاب در کشور را به رخ همه دنیا کشید و نشان داد
که انقلاب همچنان زنده است. دشمنان در مقابل عظمت ملت
ایران احساس خضوع کردند؛ گرچه ممکن است به رونیاورند اما
چاره‌ای ندارند».

به عقیده مقام معظم رهبری (حفظه الله) حضور مردم در
صحنه یک مانور قدرت در برابر دشمنان بود که این‌ها همه از
برکات شهادت قاسم سلیمانی است: «ملت ایران با حضور در
تشییع جنازه و گرامیداشت شهید سلیمانی تودهنی محکمی به
دشمن آمریکایی زد. آمریکای بی‌انصاف، دروغ‌گو و هجوگویی
که سعی می‌کند این مجاهد عظیم‌القدر و این سردار مبارزه با
تروریسم را به عنوان یک تروریست معرفی کند».

رهبر معظم انقلاب با بیان این نکته که: «ما امروز در کشور،
در عرصه‌های نظامی، علمی و سیاسی، افراد باتدبیر و شجاع و
دانا و آگاهی داریم که باید سخن این‌ها شنیده شود و کاری
که آن‌ها مناسب می‌دانند، در سطح کشور و جامعه به نحو
درستی انجام بگیرد»؛ جوانان را تربیت‌یافتگان مکتب امام
خمینی (عج) می‌دانند که روزه‌روز در حال بیشتر شدن و بالنده
شدن هستند. همچنین ایشان «شناخت دشمن»، «شناخت
نقشه دشمن» و «شناخت راه‌های مقابله با نقشه دشمن» را به-
عنوان یک وظیفه عمومی جهت مقابله با دروغ‌ها و حمله‌های
ناجوانمردانه دشمنان برای همه آحاد جامعه عنوان فرمودند که
در ادامه به شرح آنها می‌پردازیم:

۱. دشمن شناسی

از منظر مقام معظم رهبری (حفظه الله) «دشمن شناسی» یک
وظیفه عمومی و مهم برای مردم و آحاد جمهوری اسلامی است
و برای این‌که در شناخت دشمن دچار اشتباه نشویم همه باید
دشمن را خوب بشناسند. ایشان دشمن اصلی را استکبار جهانی



۳. مقابله با نقشه دشمن

مردم باید نحوه و شیوه مقابله با نقشه دشمن را بدانند؛ چرا که نقشه‌های دشمن معطوف به نقاطی اساسی است که از منظر رهبرانقلاب عبارت‌اند از: «وحدت ملی» و «مبانی فکری اسلام و انقلاب». ایشان به‌عنوان بهترین راه مقابله در برابر دشمنی دشمنان معتقدند که باید از جهات مختلف - هم از لحاظ نظامی، هم امنیتی، هم سیاسی و هم از لحاظ اقتصادی - خودمان را قوی کنیم تا دشمن نتواند به ما ضربه بزند. همچنین معظم له کوتاه آمدن و عقب‌نشینی در برابر دشمنان را خطایی بزرگ و مخالف با مضامین قرآن کریم می‌دانند: «اینکه بعضی خیال کنند که اگر چنانچه ما یک قدم عقب رفتیم، یک کمی کوتاه آمديم، آمریکایی‌ها دست از دشمنی برمی‌دارند، بسیار خطا است؛ خطای فاحشی است این فکر. این‌که بعضی فکر کنند، بگویند و یا در روزنامه‌ها بنویسند که شما کاری نکنید که آمریکا عصبانی بشود درست نقطه مقابل فرمایش پروردگار عالم است: «وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ»... رشد عناصر مؤمن، این نهال‌های برومند، این جوان‌های مؤمن، اصلاً برای این است که «لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ» (فتح/۲۹)، تا دشمن عصبانی بشود. آن‌ها بیشتر از دست جوان‌های عرصه علم، عرصه جهاد، عرصه خدمت و عرصه نظامی عصبانی‌اند».

۴. حفظ وحدت و بیداری ملت‌ها

گرچه خون حاج قاسم سلیمانی و هم‌زمانش، هم موجب وحدت و بیداری امت اسلامی ایران و هم بیداری همه ملت‌های جهان شد، ولی ممکن است در اثر غفلت آحاد جامعه و عدم پاسداشت و احیای ارزش‌ها، این بیداری و وحدت مجدداً مبدل به تفرقه و غفلت شود. رهبر معظم انقلاب درباره اهمیت وحدت فرمودند: «وحدتی که در زیر تابوت مطهر شهید سلیمانی و شهدای همراه ایشان در بین مردم دیده شد، باید محفوظ بماند. جهت‌گیری مردم باید جهت‌گیری انقلاب، جهت‌گیری تکریم از مردان انقلاب، جهت‌گیری تکریم شهیدان و تکریم هر چیزی که یادآور ارزش‌های انقلاب است، باشد».

ایشان همچنین درباره نقش حاج قاسم و جبهه مقاومت اسلامی در بیدارگری ملت‌ها فرمودند: «نقش شهید سلیمانی و رفقای او مانند شهید ابو مهدی در بیداری امروز ملت‌ها بی‌بدیل بود. او با امثال این جور انسان‌های مؤمن، شجاع و نورانی توانست کارهای بزرگی را انجام بدهد. نقش این شهید عزیز در این زمینه یک نقش ممتاز و برجسته همراه باتدبیر، شجاعت، مجاهدت و دلسوزی بود».

امروز اگر مردم ایران و جهان خواستار انتقام خون حاج قاسم هستند باید بدانند که انتقام حقیقی منجر به زنده شدن حاج قاسم نخواهد شد پس باید دنبال احیا و زنده کردن آرمان‌ها و مرام این شهید عزیز باشند. قاسم سلیمانی اگر با آمریکا، اسرائیل و آل سعود دشمن بود در حقیقت با فرهنگ‌های استکباری و شیطانی این دولت‌ها دشمن بود و امروز مخالفت دنیا با این فرهنگ باطل از یک‌سو انتقام گرفتن از دشمنان حاج قاسم و از سوی دیگر احیای فرهنگ زندگی این شهید عزیز است.

برخی از نمادهای مهم شخصیت شهید سپهبد قاسم سلیمانی عبارت است از:

أ. حاج قاسم نماد «جهاد و تلاش حداکثری» بود که نقطه

مقابل آن «تنبلی و عافیت‌طلبی» است و باید با آن مبارزه کرد.

ب. حاج قاسم نماد «شجاعت» بود که نقطه مقابل آن «ترس» است و برای دفاع از شهدای ترور در بغداد و گرفتن انتقام آنان باید ریشه ترس از دشمن را در وجود همه پیروان شهید سلیمانی بخشکانیم و فرهنگ شجاعت را در آن‌ها نهادینه کنیم.

ج. حاج قاسم نماد «اخلاص» بود که نقطه مقابل اخلاص، «ریاکاری و گزارش دادن برای کارهای نکرده» است. برای حفظ یاد و نام شهید سلیمانی و یارانش باید روحیه اخلاص و کار برای خدا را در خودمان نهادینه کنیم و نیتمان در کارها کسب عناوین و القاب و همچنین تعریف و تبلیغ خود نباشد بلکه همانند شهدا چراغ خاموش حرکت کنیم. عملکرد خوب و مؤثر شهید سلیمانی موجب شده بود که هرگاه گزارشی از کارهای انجام‌شده‌اش می‌داد، قلباً و زباناً مورد تحسین مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) قرار می‌گرفت تا جایی که معظم له فرمودند: «من امروز در مقابل آنچه او سرمنشأ آن شد و برای کشور بلکه برای منطقه به وجود آورد، تعظیم می‌کنم».

د. حاج قاسم نماد «ولایت‌مداری» بود که نقطه مقابل آن «بی‌دینی» و «ولایت‌گریزی» است. باید متوجه باشیم که ولی به یارانی مانند سپهبد سلیمانی نیاز دارند که بی‌چون‌وچرا مطیع محض ولایت بوده و برخلاف آرمان‌ها و دستورات او هیچ اقدام و حرکتی نکنند.

ه. شهید سلیمانی نماد «مراقبه و تقوا» بود که نقطه مقابلش «بی‌تقوایی» است و برای گرفتن انتقام او باید با هر نوع بی‌تقوایی؛ هم در زندگی شخصی و هم در جامعه، مبارزه کنیم. به عقیده مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) آنچه شهادت قاسم سلیمانی را برجسته کرد معنویت و نورانیت او بود: «این معنویت او بود که باعث شد چنین قیامتی هم در بدرقه‌های ایرانی و هم در بدرقه‌های عراقی به پا شود و مردم در کاظمین، بغداد، نجف و کربلا با پیکر اربابی او این چنین با عظمت و شکوه برخورد کنند».

بنابراین امروز رسالت رهروان راه شهدا، مبارزه با نمادهای باطل و شیطانی مستکبران عالم و مراقبت و پاسداشت از این بیداری است. مراقبت از فرهنگ شهادت یعنی دفاع از نمادهای ارزشی که در وجود شهید سلیمانی نهادینه شده بود و او را تبدیل به نماد اخلاص، شجاعت، تدبیر، تقوا، ولایت‌مداری و انقلابی‌گری کرده بود. اگر این مراقبه از فرهنگ مردم حذف شود چه‌بسا کسانی که تا دیروز که موشک‌های سپاه به مواضع دشمن اصابت کرد فریاد می‌زدند و می‌گفتند: «درود بر سپاه»، امروز با بروز یک خطای انسانی همان‌ها بگویند: «مرگ بر سپاه» و برخی از همان‌هایی که در آن اجتماع عظیم به استقبال پیکر پاک سردار دل‌ها آمدند ممکن است امروز دوباره به خواب بروند و عکس حاج قاسم را پاره کنند.

تاریخ نیز این را نشان داده است که یک روز در اثر بیداری جامعه مسلمین امام علی علیه السلام به حکومت رسید و روز دیگر در اثر کوتاهی و غفلت مردم در اوج غربت به شهادت رسید و یا در اثر یک بیداری اسلامی مقطعی در جامعه عصر یزید بن معاویه مردم کوفه از امام حسین علیه السلام دعوت کردند ولی خیلی زود بیداری و هوشیاری جامعه مسلمین به دست فراموشی سپرده شد تا جایی که مسلم بن عقیل علیه السلام فرستاده و سفیر امام را غریبانه به شهادت رساندند.

جنتلن های پشت میز مذاکره تروریست های فرودگاه بغداد

عبدالله
۹۸۷/۱۲۲۷
رهبر انقلاب





۴۶

شاعری، سلوک انقلابی

مصاحبه اختصاصی ماهنامه هیأت با استاد سید مهدی حسینی (بخش دوم)

۴۹

مداح تراز انقلاب

مصاحبه اختصاصی با حاج محمدرضا عاصی پیرامون بایدها و نبایدهای مداحی

۵۱

گلچین اشعار فاطمی

اشعار فاطمیه از شاعران آیینی کشور

شاعری سلوک انقلابی

بخش دوم مصاحبه اختصاصی ماهنامه هیأت با
سید مهدی حسینی شاعر آیینی، مدرس و نویسنده



در شماره گذشته ماهنامه، پای صحبت‌های شاعر متعهد و آیینی کشورمان آقای سید مهدی حسینی رکن آبادی متولد سال ۱۳۴۸ در شهر قم نشستیم و او از خاطرات شیرین دوران نوجوانی و افتخار شاعری و نوحه‌سرایی در جبهه‌های حق علیه باطل و همچنین سابقه راه‌یابی به انجمن‌های ادبی و محافل مذهبی و تجربه سال‌ها فعالیت شاعرانه و ادبی از نویسندگی تا تدریس تخصصی در حوزه شعر و توفیق چندین دیدار با مقام معظم رهبری حفظه الله سخنان شیرین و شنیده نشده‌ای را ارائه کرد که مورد استقبال و رضایت مخاطبان ماهنامه واقع شد. در شماره جدید ادامه گفتگوی تخصصی با سید مهدی حسینی در مورد انواع مکاتب شعری به ویژه شعر آیینی و دغدغه‌های این عرصه ادبی و فرهنگی، تقدیم شما همراهان فرهیخته ماهنامه هیأت می‌گردد.

مذهبی، شعرو لایبی است که با محوریت تبیین ولایت الله و ولایت اهل‌بیت: سروده می‌شود. در شعر ولایبی با موضوع اهل‌بیت: به دو شاخه مهم می‌رسیم: مدح و رثای اهل-بیت:.. امروزه شعرو لایبی به سه شکل در هیئات مذهبی و مراکز فرهنگی ارائه می‌شود:

الف) شعرو ویژه خواص شعری: این نوع شعر، شعری است خلاقانه که در انجمن‌های ادبی مطرح می‌شود. ب) شعر ویژه عموم مردم: اشعاری است که در هیأت‌های مذهبی به دو شکل ارائه می‌شود: گاه به شکل دکلمه که توسط خود شاعر ارائه می‌شود و این نوع شعر، وظیفه دارد فضای هیأت را با شعرو لایبی خلاقانه آشنا کند و پویایی هیأت و ارتقای سطح فکری مخاطبان را رقم بزند. ج) شعری که باید به شیوه «سهل‌ممتنع» سروده شود تا هم شاعرانگی شعرقلم بخورد و هم ساده و مانوس باشد تا مداح بتواند در هیأت اجرا داشته باشد و مخاطب نیز با یک بار شنیدن به راحتی با آن ارتباط برقرار کند. اصطلاحاً و تسامحاً به آن «شعرو هیأت» می‌گوییم. متأسفانه برخی اشعاری که در هیأت‌ها فعلاً اجرا می‌شود با این تعریف، بسیار فاصله دارد.

علت رشد شعر در دوران انقلاب و به ویژه پس از آن را در چه می‌بیند و آیا شعر امروز در عین رشد، تعهد هم دارد یا بی‌قید است؟

از یک طرف فضایی که در انقلاب حاکم است، این موضوعات را می‌طلبید؛ مثلاً موضوع حماسه که هم در اول

در مورد مکاتب شعری و حوزه‌های تخصصی خودتان که در آن شعر می‌گویید لطفاً توضیح بفرمایید.

اشعاری که الآن سروده می‌شوند و سبک دوره معاصر هستند و همچنین اشعاری که در دهه‌های انقلاب سروده شده، تلفیقی از همه سبک‌های شعری هستند؛ یعنی در شعر معاصر، شاعرانی که برای انقلاب و برای اهداف انقلاب شعری می‌گویند، هم بهره‌ای از «شعر خراسانی» برده‌اند و هم بهره‌ای از «شعرو عراقی»؛ هم بهره‌ای از «بیدل» و «صائب» برده‌اند و هم تمام ویژگی‌های شعر مدرن در دوره معاصر را سعی می‌کنند در آثارشان داشته باشند؛ بنابراین، یکی از دوره‌های پرافتخار شعری را داریم سپری می‌کنیم و ما هیچ تعصبی نداریم بر اینکه در چه مکتبی شعر گفته یا چه مکتبی را نقد کنیم.

با توجه به اینکه شما در شعر آیینی تخصص کامل دارید و الحمدلله در بین شعرای کشور هم خوش درخشیدید، در مورد شعر آیینی و انواع آن قدری بیشتر توضیح دهید.

شعر آیینی یعنی شعری که موضوع آن آیین‌ها، اعتقادات و نیز میراث فرهنگی یک قوم است، ولی شعر مذهبی که یکی از شاخه‌های شعر آیینی به شمار می‌رود، شعر دفاع مقدس، شعر مناجات، شعر توحیدی و امثال آن می‌باشد. شعر مذهبی دو شاخه دارد:

الف) شعری که درباره مذهب است؛ ممکن است موضع منفی یا مثبت درباره مذهب را بیان کند. ب) شعری باورمدارانه که موضوع آن باورهای مذهبی است. یکی از شاخه‌های شعر



انقلاب و هم در دفاع مقدس و هم دفاع از حرم [وجود داشته است]. ما در طول دوران انقلاب همواره در حال جنگ بودیم؛ یا نظامی یا فرهنگی و یا اقتصادی؛ لذا موضوع حماسه همیشه جزء لاینفک ادبیات انقلاب بوده است.

از طرف دیگر موضوع عرفان و شناخت الهی است که در اصل مبنای شعر ما رسیدن شاعر به ولایت «الله» است و تعریف ولایت الله در شعر اهل بیت: است، چون شعر ما شعر متعهدانه‌ای است، شعر خنثی نیست؛ مخصوصاً که شعر ما پیوند عمیقی با فرهنگ اهل بیت:، عاشورا و مهدویت دارد و این‌ها جنبه‌های محتوایی قوی‌ای است و اگر بخواهیم عرفان را در شعر خودمان رصد کنیم، ملزم به خواندن اشعار گذشتگان هستیم.



از عنایات خاصی که اهل بیت: به شما داشته‌اند برای ما بگویید.

به نظرم هیچ شاعر و مداحی بدون اذن اهل بیت: نمی‌تواند کار کند و همه‌ی ما که در این دستگاه، قدم یا قلم برمی‌داریم همه با اذن اهل بیت: است؛ البته برای خودم عنایات خاصی اتفاق افتاده که اجازه بدهید برای خودم، شخصی بماند.



با توجه به تأکید رهبری در بحث تمدن سازی، جایگاه شعر را در تمدن سازی یا شعر تمدنی چگونه می‌بینید؟

ما در ادبیات اصطلاحی داریم به نام «جهان‌بینی» که اگر شاعر جهان‌بینی قوی داشته باشد، می‌تواند برای تمدن سازی اسلامی نقشه راه تعیین کند؛ مثلاً بحث وحدت مسلمان‌ها که بحث خیلی مهمی است و مورد تأکید رهبری است، اگر ما شعرا در این زمینه مطالعه دقیق کنیم و مفهوم وحدت را بدون تعصب در نظر بگیریم و بتوانیم یک جامعه‌ی جهانی را ترسیم کنیم، بخش مهمی از تمدن اسلامی را در شعر ترسیم کرده‌ایم. اگر شاعر جهان‌بینی داشته باشد و فقط جلوی پایش را نبیند و آینده اسلام و محبت به اهل بیت: را در شعرش ترسیم کند، بخشی از این تمدن اسلامی را که آقا ترسیم نموده، متجلی کرده است.



شما به عنوان یک شاعر باتجربه و دغدغه‌مند انقلابی چه اقداماتی برای گام دوم انقلاب انجام داده‌اید یا خواهید داد؟

من در مجله‌ای کار می‌کنم که مخاطبش نوجوان است. ما کل بیانیه را به بخش‌های متفاوت تقسیم کرده‌ایم و کاری می‌کنیم که مخاطبین، نظرات آقا را بخش بخش بخوانند و به‌طور کلی درباره بیانیه صحبت شود؛ ولی این کار، خارج از بحث شاعری است. برای استفاده از شعر در این کار نیاز به بررسی تخصصی دارد؛ «آیا اینکه صرفاً شعر بگوییم و شعار بدهیم، کافی ست یا باید برای عبارات و جملات بیانیه مصداق پیدا کنیم و آن مصداق را در اشعار بیاوریم؟» که البته بنده مشغول مطالعه در این موضوع هستم.



شما چه آفت‌هایی را متوجه قشر جوان از شاعران آیینی می‌بینید و لطفاً با توجه به تجربه‌تان توصیه‌ای بفرمایید.

دوست ندارم در مورد آسیب‌شناسی شعر صحبت کنم بلکه بیشتر دوست دارم در مورد زیبایی‌های آن صحبت کنم. البته منکر این مطلب هم نیستم که در کار هنری اگر کسی مطالعه و تجربه نداشته باشد و از آثار بزرگان استفاده نکند، اثری که خلق می‌کند اثر قابل دفاعی نخواهد بود. یک شاعر باید در انجمن‌های ادبی شعرش را در محل نقد قرار بدهد و برای شعرش دلواپسی داشته باشد و صرفاً به این مقدار بسنده نکند که یک مداح شعرش را پسندیده و خوانده است در حالی که آن مداح، متخصص شعر نیست. رعایت نکردن این نکته، اثر منفی روی شعر ولایی می‌گذارد؛ اما اگر به زیباشناسی شعر بپردازیم، نسبت به ۴۰ سال قبل شعر ما از نظر سطح و مضمون فنی، بسیار رشد کرده است. البته بعضی از شعرا به خاطر پرگویی و بدون وسواس شعر گفتن، آثار ضعیفی می‌دهند که غربال زمانه این‌گونه اشعار را کنار خواهد گذاشت.



اوج نقاط قوت را در کجا می‌بینید؟

ما در این چهل سال تجربه‌های بسیار خوبی در زمینه شعر داشته‌ایم؛ در قالب‌های شعری، در فنون شعری و زیبایی‌های آن و حتی در سلامت شعری. امروز «شعر خلاق» زیاد داریم، نگاه‌های جذاب در شعر ولایی خیلی داریم؛ مثلاً در شعر حادثه کربلا و رثای حضرت علی اصغر علیه السلام آن قدر مضامین جذاب و خوبی داریم که در آثار گذشتگان نیست.



آینده‌ی شعر ولایی را چگونه می‌بینید؟

هنوز هم راه نرفته بسیار است لذا شعر امروز در مسیر کمال است و روز به روز بهتر هم خواهد شد و آینده‌ی شعر ولایی را بسیار مثبت می‌بینم با اینکه در یک جاهایی وسواس شعری وجود ندارد و بعضی از اشعار به صورت یک بار مصرف ارائه می‌شود؛ ولی مطمئن باشید زمینه‌های رشد در این دهه خیلی زیاد است.



در فرمایشات رهبری تأکید نسبت به شعر سیاسی و انقلابی را می‌بینیم. آیا در این زمینه از شما آثاری خواهیم دید؟

ما اگر قرار باشد شعر انقلابی و سیاسی بگوییم اول باید شعر سیاسی و انقلابی را تعریف کنیم و یک خلأ بزرگ که در جامعه شعر آیینی داریم، این است که ما مراکز فرهنگی که بنشینند و مباحث شعر ولایی را تئوریزه کنند نداریم؛ مثلاً ما الآن اگر به شاعری بگوییم شعر شما نباید «غلو» داشته باشد، غلو به درستی تعریف نشده است که همه به یک نظر برسند. ما نظرات متعدد داریم و لذا هر شاعری نظری در غلو دارد و وحدت نظر نداریم و مرکز تخصصی هم برای این امر نداریم.



چه کسی باید متصدی این امر باشد؟

مثلاً همین هیأت رزمندگان، مجمع شعر اهل بیت:، شهرستان ادب و هرکسی که یک جوهری خودش را متولی شعر ولایی می‌داند و وظیفه‌ی اولیه‌اش این است. الآن شعرای ما شعر می‌گویند و اشعار انقلابی را هم متجلی می‌کنند ولی عده‌ای به این‌ها تهمت شعار می‌زنند و شاید هم درست بگویند چون

شاعر ما نمی‌داند مرز شعر و شعار کجاست یا مرز نظم و شعر کجاست؛ لذا این مباحث باید تئوری شود و بنده به‌اندازه‌ی توانم عبارت‌هایی را در این زمینه نوشته‌ام که ارائه خواهم کرد. بنده در مقابل استاد مجاهدی ذره‌ای بیش نیستم.

شما به‌عنوان یک شاعر باتجربه که هم مورد توجه رهبری هستید و هم جریان ساز و الگویی برای بسیاری از شعرای جوان، به‌شخصه چه اقدامی در این زمینه انجام خواهید داد؟

من در کلاس و مباحث آموزشی، شعر تراز انقلاب را تدریس و تفهیم کرده‌ام و الآن هم مشغول تبدیل این مطالب به کتاب هستم ولی من به‌تنهایی کافی نیستم و باید آرای دیگر هم دیده شود و متأسفانه بزرگان ما به این مطالب ورود نکرده‌اند و قلم نزده‌اند که به یک جمع‌بندی علمی در شعر برسیم و باید بنشینیم و درباره مسئله‌ی شعر ولایی تولید علم کنیم.

از چالش‌های شعرآیینی بفرمایید.

مهم‌ترین مسئله همان مباحث تئوریک است و اگر این مسئله حل شود هیچ چالشی نخواهیم داشت.

آسیب‌هایی مثل نداشتن انگیزه و حال معنوی شاعر و یا دریافت هزینه را چگونه تحلیل می‌کنید؟

اینکه شاعر به خاطر زحمتی که می‌کشد صله‌ای دریافت کند عیبی ندارد و آن‌چنان مهم نیست هر چند صله زدگی خوب نیست. البته شاعر اهل بیت: باید به شعر نگاه حرفه‌ای داشته باشد و لازمه‌ی کار حرفه‌ای، عدم دغدغه اقتصادی است چون باید آرامش داشته باشد که به کار حرفه‌ای شعر بپردازد.

آیا اگر این اتفاق بیفتد شاعر متهم به «شاعر درباری» بودن نمی‌شود؟

این کلمه بسیار زشت است زیرا شاعر براساس باورهای خودش شعر می‌گوید و اگر به یک حکومت باور داشت برایش شعر می‌گوید و وظیفه‌ی آن حکومت است که وقتی شعر، رسانه‌ی آن حکومت شده است باید از شاعرش دفاع کند؛ مثلاً وقتی فلان شاعر برای جمهوری اسلامی شعر می‌گوید، حکومت باید او را تشویق کند که او مستمراً طبق باورش شعر بگوید. این فرق دارد با آنکه سفارشی شعر بگوید؛ چون اگر جایی طبق باورش نباشد، شعر نمی‌گوید و سفارش احزاب را نمی‌پذیرد. موضوعاتی مثل دفاع از حرم، شهادت، ما تا آخر ایستاده‌ایم، ما هیچ وقت دست به بیگانه نمی‌دهیم و مذاکره نمی‌کنیم، موضوعات و شعارهای اصلی نظام است. وقتی شاعری در این موضوعات شعر بگوید چرا نظام از او دفاع نکند؟!

البته جامعه ما نمی‌پذیرد که مثلاً نظام بگوید شعرای حرفه‌ای را شناسایی کنید و حقوق بدهید و از آن‌ها بخواهید فقط شعر حرفه‌ای بگویند؛ لذا شاعر باید براساس همان

شعر دلی و واکنش‌های عاطفی خودش شعر بگوید و هرآنچه تا الآن بوده است خوب بوده و به این ترکیب نباید دست بزنیم.

بهترین لحظات و خاطرات شما در این دوران شعر و

شاعری اهل بیت: کی بوده است؟

تک تک این لحظات که در فضای شعر حضور داشته‌ام؛ چه به‌عنوان شاعر و چه منتقد شعر، هر لحظه‌اش برایم ارزش معنوی داشته و لذت بخش بوده است اما آن لحظاتی که نکته‌ای در مورد یک شعر می‌گویم و برق شادی در چشم شاعر اهل بیت: دیده می‌شود و خوشحال است از اینکه شعرش را دیده‌ام و آن را نقد کرده‌ام، لحظات خاص، شورانگیز و جذابی است.

از کدام یک از اشعار خودتان بیش از همه لذت می‌برید؟

شعر، فرزند معنوی انسان است به همین علت اکثر شعرهایم را دوست دارم ولی «چهل رباعی» که برای حضرت علی اصغر (علیه السلام) براساس چهل‌ای که در ماه رمضان داشتم، سرودم که رباعیات پیوسته‌ای بود و خیلی هم انتشار پیدا کرد، به‌طور خاص دوست دارم و با خاطرات خوش این شعر زندگی می‌کنم.

کلام آخر؟

ما همه در یک مبارزه جدی فرهنگی که از گذشته بوده و الآن هم ادامه دارد هستیم که بسیار هم سخت است. نکته‌ی مهم این است که برای مبارزه با دشمن همیشه باید آماده بود؛ هم آمادگی معنوی و هم آمادگی فنی. به ما در زمان جنگ دو جور آمادگی یاد می‌دادند: هم ارتباط با خدا بود و هم آمادگی فنی و رزمی. امروز هم همان تجربه احساس می‌شود. ما شاعرها اگر



قرار است برای اهل بیت: کاری بکنیم، باید آمادگی داشته باشیم؛ هم آمادگی معنوی و هم آمادگی فنی.

مداح و شاعر باید اهل مطالعه باشند و پای منبر و درس اخلاق بزرگ شوند. پای درس قرآن و تفسیر قرآن، باید پامنبری باشند؛ مثلاً مرحوم حسان چایچیان با علامه امینی هم صحبت بود و مجالست داشت. اگر پای منبر و درس اخلاق و تفسیر بزرگ نشویم، شعرمان بی‌مایه و عوامانه می‌شود.

مصاحبه اختصاصی ماهنامه هیأت با حاج محمد رضا عاصی
مداح با اخلاص اهل بیت (علیهم السلام) پیرامون بایدها و نبایدهای مداحی

مداح تراز انقلاب



هیأت

۴۷

جانب خداوند متعال به برخی افراد عنایت می‌شود و هنری است در خدمت ستایشگری اهل بیت (علیهم السلام) و نشر معارف و مبانی دین که از چهارده معصوم (علیهم السلام) رسیده است.

مداح باید چه خصوصیتی داشته باشد که به او مداح ارزشی و انقلابی بگویند؟

به آنچه خداوند متعال و پیامبر و ائمه معصومین (علیهم السلام) برعهده او گذاشته‌اند، عمل کند. زمانی یک مداح، مداح ارزشی و انقلابی می‌شود که مانند دعل‌ها، کمیل‌ها و فرزدها - که بر کار امامان معصوم خود صحه گذاشته‌اند - در هر شرایطی مدافع حریم ولایت باشد.

در صورت امکان، جمله مقام معظم رهبری حفظه الله که می‌فرمایند: «مداحی فرصتی برای ترویج اسلام و وظیفه اصلی مداحان تبیین معارف انقلاب اسلامی است» را تبیین بفرمایید.

مقام معظم رهبری حفظه الله فرمودند مداحی فرصتی است برای ترویج اسلام و تبیین معارف اسلامی. این وظیفه مداح است که در قالب شعر این معارف را بیان کند که قطعاً از سخنرانی اثرگذاری بیشتری در مستمع دارد و ما باید همین راه را ان شاء الله ادامه دهیم و از این فرصتی که در اختیار ما گذاشته شده است به نحو احسن استفاده کنیم.

چگونه مخاطب هیأت می‌تواند از رفتار شخصی، حال خوش و یا خواندن یک مداح الگو بگیرد؟

قطعاً رفتار و گفتار شخصی یک مداح در بین مستمعین می‌تواند مثبت یا منفی باشد حتی می‌تواند در اعتقاد افراد

از چه زمانی مداحی می‌کنید و چگونه وارد سلک نوکری اهل بیت (علیهم السلام) شدید؟

مداحی را از آخر دوره دبستان در سال ۱۳۳۹ در هیأت‌های مذهبی قم شروع کردم. بعد از ششم ابتدایی برای آشنایی با ادبیات عرب وارد حوزه علمیه شدم. صرف، نحو، معانی، جامع المقدمات، سیوطی و مغنی را به پایان رساندم؛ اما چون به مداحی علاقه بیشتری داشتم به توصیه استادم به بازار آمدم و مشغول کسب و کار شدم. در سال ۱۳۴۲ رسماً مداحی و پامنبری خوانی را شروع کردم و قبل از منبر عزیزی مانند مرحوم تربتی، محدث زاده و دیگر عزیزان، مشغول نوکری اباعبدالله الحسین علیه السلام در خانه اهل بیت (علیهم السلام) می‌شدم.

ادبیات عرب که در حوزه آموختید چه کاربردی برایتان داشت و آیا دیگر مداحان را هم توصیه به فراگیری ادبیات عرب می‌کنید؟

بله دانستن ادبیات عرب مثل صرف و نحو برای مداحی و نحوه خوانی اهمیت زیادی دارد؛ اینکه مداح بتواند احادیث، روایات، آیات قرآن کریم، ادعیه و سایر مواردی را که اجرا می‌کند به طور صحیح بخواند خیلی مهم است چرا که معنای کلام عرب گاهی با تغییر یک زیر و زبر به کلی عوض می‌شود.

چند تن از مهم‌ترین اساتیدتان را در مداحی معرفی می‌فرمایید؟

در زمینه مداحی، از استاد بزرگوار، مرحوم حاج ملا حسین مولوی به طور خاص و دیگر عزیزان چون استاد ستایشگر بهره بردم. از نظر شما «مداحی» چیست؛ آیا مداحی را یک شغل می‌دانید؟

مداحی شغل و کار نیست بلکه فرصتی است که از





نقش آفرین باشد.

اینکه مداح باید بسوزد تا دیگران را بسوزاند یعنی چه؟

نظر حقیر این است که مداح باید با اخلاص و اعتقاد در گفتار و مراشی انجام وظیفه کند و به آنچه که می‌گوید خود عمل کند. مردم وقتی اخلاصمان را دیدند گفتارمان بیشتر در آن‌ها تأثیر می‌گذارد.

در بین مداحان قمی شما را به عنوان پیشکسوت می‌شناسند؛ آیا شما قدیمی‌ترین مداح قم هستید؟

از بنده پیشکسوت‌تر هم هستند که باعث افتخار بنده و جامعه مداحین می‌باشند، مانند حاج‌آقای ستایشگر، حاج‌آقا حسین معماریان و بعضی از عزیزان که الآن حضور ذهن ندارم.

به نظر شما جامعه مداحان کشور با چه مشکلاتی مواجه است و راه حل آن را در چه می‌دانید؟

امروز در هر منطقه و شهری مداحان برای خود مجمعی دارند. گاهی در یک شهر چند جلسه مداحی متفاوت دایر است. کلاس مداحی را طی می‌کنند اما استاد ندیده‌اند. مداحی تنها خواندن و تهیه کردن شعر نیست؛ بلکه رفتار، گفتار و نگاه استاد، خود، مقوله جداگانه‌ای است. استاد به ما نحوه‌ی چگونه ایستادن پشت میکروفون، لباس پوشیدن و به سرو روی خود رسیدن و اینکه چگونه با مخاطب ارتباط برقرار کنیم را می‌آموزد و این جز با زانو زدن در محضر استاد از راه دیگری نمی‌تواند به مداحان عزیز انتقال پیدا کند که خود یک راه و روش بخصوصی وجود دارد.

کدامیک از مناسبت‌های سال را برای مداحی بیشتر دوست دارید؟

تمام مراشی چهارده معصوم علیهم‌السلام برای من ارزشمند است اما محرم و صفر و ایام فاطمیه حال و هوای دیگری دارد.

شیرین‌ترین خاطره‌ی مداحی‌تان را برای مخاطبان ماهنامه بیان کنید.

از این دوران طولانی نوکری خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام خاطرات فراوانی هست. یکی از این خاطره‌ها برای من فراموش شدنی نیست! در سال ۵۰ یا ۵۱ بود که در حرم حضرت رضا علیه‌السلام در جمع هیأت بنی‌الزهرای قم با جمعیت کثیری مقابل پنجره فولاد برای اولین بار خطبه حضرت سجاد علیه‌السلام را با شعر و متن عربی و ترجمه - که حدود یک

ساعت طول کشید - خواندم و اذان خطبه را هم آقای حاج علی خورشیدی عزیز گفتند که مورد استقبال خوبی قرار گرفت و هم برای خودم و هم مستمعین تازگی داشت. خاطره این مجلس را فراموش نمی‌کنم.

نظرتان در مورد استفاده از خاطرات شهدا در روضه‌خوانی و مداحی حماسی نظیر مداحی آقای میثم مطیعی در حرم حضرت امام رحمة‌الله‌علیه و در محضر رهبر انقلاب حفظه‌الله چیست؟

یاد و خاطره شهدا در مجالس در ادامه یافتن راه شهدا، بسیار مؤثر است. نظرم به مداحی جناب آقای مطیعی و دیگران در زمینه‌ی روشنگری و تبیین خط امام و رهبری مثبت است و لازم می‌دانم که مداحان عزیز در مجالشان در حد توان به این مقوله بپردازند مخصوصاً در مواجهه با هجمه‌های ناهلان به انقلابی که برایش هزاران خون پاک و مطهر ریخته شده است باید با سخن یا ترجیحاً شعر، از حریم انقلاب، شهدای انقلاب، جانبازان عزیز و خانواده‌های محترمشان دفاع کرد تا قوت قلبی برای عزیزان انقلابی‌مان باشد تا زمانی که ان‌شاءالله پرچم این انقلاب با دست مبارک مقام معظم رهبری حفظه‌الله به دست مبارک بقیة‌الله الاعظم امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه قرار بگیرد.

رکن اصلی در هیأت، مداحی است یا سخنرانی؟ از نظر شما چه نسبتی بین این دو برقرار است؟

در رابطه با سخنرانی و مداحی به نظرم فضای جلسه و هیأت تعیین کننده است. «تا یار که را خواهد و میلش به که باشد»؛ لکن من با جلسه بدون سخنران و منبری موافق نیستم و نقضی در این مسئله می‌بینم. سخنران و مداح توأمان باهم باید کار کنند تا بصیرت مستمع و دانستن معارف مکتب تشیع بیشتر مورد توجه قرار بگیرد.

برای رشد و ارتقای مقوله مداحی در کشور چه پیشنهادها و توصیه‌هایی دارید؟

برای رشد و ارتقای مداحی باید به گذشتگان و پیشکسوتان رجوع کرد و همچنین بیانات ارزشمند مقام معظم رهبری حفظه‌الله را با مداحین که در این سال‌هایتمادی داشتند، مرور نمود و جامعه عمل پوشاند تا بسیاری از مشکلات و معضلات در این زمینه حل شود؛ چرا که هر سال فرمایشات ایشان بروزتر و برای حل مشکلات راهگشا تر است. این وظیفه‌ی حقیر و همه مداحان عزیز است.



گلچین اشعار فاطمی

قوی بشود. یا از اشعار خوبی که دیگران دارند و یا از اشعار خوب خودتان استفاده کنید. سعی کنید این گونه سطح شعرها را بالا بیاورید. ۶۸/۱۰/۲۸

با توجه به تأکید و توصیه رهبر بزرگوار انقلاب در مورد انتخاب شعر خوب، زحمت گزینش و معرفی اشعار فاطمی این شماره را به عهده شاعر برتر و چهره نام آشنای شعر آیینی کشورمان آقای سید مهدی حسینی گذاردیم و ایشان هم از بین اشعار پرمغز و حرفه ای شعرای ارزشی کشورمان اشعار زیر را انتخاب و برای ماهنامه ارسال کردند که از حسن ذائقه و سلیقه ایشان در گزینش تخصصی این اشعار صمیمانه سپاسگزاریم. ضمناً جهت استحضار مخاطبین گرامی، استاد حسینی علیرغم تأکید سردبیر ماهنامه، تواضع و اخلاق به خرج دادند و هیچ یک از سروده های خودشان را معرفی نکرده و سروده های فاطمی دیگر شعرای آیینی کشور را گزینش کردند.

در بخش شعر این شماره از ماهنامه هیأت نیز مطلع سخن را با بیانی نورانی از رهنمودهای امام خامنه ای حفظه الله درباره شعر و شاعری آغاز می کنیم. معظم له در مورد انتخاب شعر خوب در دیدار جمع کثیری از مداحان اهل بیت علیهم السلام فرمودند:

بحمد الله امروز ما خوانندگان خوب داریم. خدا را شکر که صاحب فکر و صاحب نظر سیاسی و صاحب انگیزه زیاد است و در اشعار و خواندنیهای شما که در بعضی از مناسبتها آنها را می شنویم و مشاهده می کنیم، واقعاً چیزهای خوبی پیدا می شود؛ اما توجه کنید که نسبت به شعر سبختگیری کنید. این کار باید در مجامع ادبی انجام بشود. یعنی همین شعری که خودتان سروده اید و ممکن است خوب هم باشد. قضاوت کلی نمی کنیم. آن را در یک مجمع ادبی، وسط بگذارید و به هر کسی که آن شعر را نقد کند و اشکال بجایی بر این شعر وارد نماید، جایزه بدهید تا

هیأت

۴۹

محمد مهدی سیار

باورم نیست در برابر من
این گل مانده در کفن، زهراست
باورم نیست پیش چشمانم
جسم بی جانِ جانِ من زهراست
هست صبر جمیل حیدر هم
در فراق جمال زهرا کم
آید از مرتضی که صبر خداست
نالهُ «قَلَّ صَبْرِي» از این غم
لیلة الدفن «لیلة القدر» است
شب معراج لیلة الإسرا
گشته خاموش «کوکب درّی»
خفته در خاک زهره زهرا
صاحب «ما سئلُکُم من أجر!»
خوب اجر تو را ادا کردند
خودت از دخترت بپرس و ببین
أمت بعد تو چه ها کردند
صبر کردم اگر چه بود شگفت
از دل داغدار، این همه صبر
صبر کردم اگر چه بود شگفت
از من و ذوالفقار این همه صبر

خانه سادگی ست خانه او
خشت های گلین و نان جوین
سفره دار خلاق است اما
نیست در خانه سفره اش رنگین
چون پدر رفت و منقطع شد وحی
همدمش ساخت حق، ملائک را
همچو مریم شنید در محراب
نغمه «أَقْبَتْنِي لِرَبِّک» را
در عبادت سرآمد اُمت
شرح عشقش فراتر از عقل است
شبه ای گرز وصف آن خواهی
«قَدَمَاهَا تَوَرَّعَتْ» نقل است
در قدم هایش آن کبودی بود
تا نشان از عبادتش باشد
بازویش هم کبود بود ای وای
که نشانی ز غربتش باشد
حرف های نگفته ای داری
درد های نهفته ای داری
زیر باران گریه ام امشب
زخم های شکفته ای داری

فاطمه کیست؟ آن که از مدحش
ناتواند عالم و آدم
مانده ناکام این زبان در کلام
شرمسار و سیاه نامه قلم
کفو حیدر شدی و گرنه نبود
احدی کفو او در این دنیا
آمدی تا فقط خدا باشد
مالک «لم یکن له کفو»
در تمام صفات حسن و کمال
آینه دار مرتضی زهراست
بنگر اینک که خطبه فدکش
کفونهج البلاغه مولاست
خطبه ای سطر سطر آن توحید
خطبه ای تالی کلام الله
اولین سطر خطبه اش آه است
آخرین سطر آن هم آه است آه
از سخایش سخن چه گویم من؟
در نیابد سخن سخایش را
من نگویم که خود پیرسید از
سوره «هل آتی» عطایش را

در آیه‌های نور، مستور است زهرا
نور علی نور علی نور است زهرا
بالا تر از شأن امامت رتبه اوست
یاد آور نطق محمد خطبه اوست
سرفصل آن، محکم ترین فصل الخطاب است
هر سطر آن، تفسیری از ام الکتاب است
الله را با مدد آه خود مدد داد
توحید را با خطبه اش عمر اید داد
تیغ بیانش ذوالفقار فتح دین است
انا فتحنا امیر المؤمنین است...
باید همه از سیرتش الگو بگیریم
درس حیات طیبه از او بگیریم...
ای معنی «المرأة زیحانه» ای گل!
گفتی «جهاد المرأة حسن التَّجَلُّل»
چادر نمازت کعبه عشق و عفاف است
هفت آسمان دور سرت گرم طواف است
«الجار ثم الدار» را تفسیر کردی
نور دعایت را چه عالمگیر کردی...
«والفجر» با زهرا «لیال عشر» داریم
«والشمس» با خورشید، حشر و نشر داریم
در سایه اش آیات فتح و نصر با ماست
«والعصر» الطاف ولی عصر با ماست
ما انقلابی بر مدار نور داریم
فجر آفرینیم، انفجار نور داریم
أم ابیها مادر صلح و قیام است
یک جلوه از خیر کثیر او امام است...
این ملت از شور حسینی برنگردد
یک گام از راه خمینی برنگردد...
در راهمان گرچه بلند و پست داریم
وقتی علی داریم کی بن بست داریم؟
ما برفراز قله‌های اقتداریم
در گردباد فتنه کوهی استواریم
این سرزمین را آسمان‌ها خاکبوس است

این مُلک، زیر پرچم شمس الشموس است
ما شاهدان مشهد والفجر هشتم
یک گام از خط مقدم برنگشتیم...
ما با شهادت «افضل الاعمال» داریم
تا «مطلع الفجر» فرج چشم انتظاریم
«در خاطر من شد زنده یاد فاطمیون»
جای شهیدان حرم خالی ست اکنون...
در راه حق از معبر دنیا پریدند
«با رمزی زهرا حماسه آفریدند»
وقتی در این کشور سپاه قدس داریم
یعنی که چشمی هم به راه قدس داریم
امروز مرز کفر با اسلام شام است
یعنی که دیگر مهلت صهیون تمام است
حالا که داعش را چنین درهم شکستیم
در منطقه راه نفوذ کفر بستیم
ما وارثان فتح خیبر بی قراریم
امروز شوق محو اسرائیل داریم
از «جاء نصر الله والفتح» است پیدا
«جاء الحق... ان الباطل کان زهوقا»
برخیز «شبحان الذی اُسر» بخوانیم
مدح علی تا مسجد الاقصی بخوانیم
وقتی در این کشور ولایت حکم فرماست
این ملک، جمهوری اسلامی زهراست
در سایه خیر کثیرش کشور ماست
چون یک علی از نسل زهرا رهبر ماست
زهرا به قرآن و علی جان داد و جان داد
راه حمایت از ولایت را نشان داد...
کی در مصاف ظالمان کوتاه آمد؟
زهرا کجا با فتنه گر ها راه آمد؟
نگذاشت مولایش علی تنها بماند
افتاد از پا تا که حق برپا بماند
عزمش میان آن در دیوار نشکست
دستش شکست و عهد او با یار نشکست

عاطفه جوشقانیان

کنار فضا صمیمانه کار می‌کردی
به کار کردن خود افتخار می‌کردی
و میوه‌های بهشتی به پایت افتادند
همان شبی که هوای انار می‌کردی
دلیل خنده حیدر! چه شد که بعد پدر
مدام گریه بی‌اختیار می‌کردی؟
خودت به دست خودت دانه‌های اشکت را
سر مزار عمو ماندگار می‌کردی
چه شد محبت همسایه‌ها؟ که مهرت را
چه مادرانه به آن‌ها نثار می‌کردی...
و شش‌شقیه به نهج البلاغه رو آورد
شبی که پشت به این روزگار می‌کردی
چقدر خانه مرتب شد آن شب آخر
اگر مریض نبودی چکار می‌کردی؟

عاطفه با تمام دل می زد
بوسه بردست خانه داری تو
خانه از زرق و برق خالی بود
از صفا، عاشقی، محبت، پُر
داشتی، ای کلیددار بهشت
پینه بردست، وصله بر چادر
از بهشت آمدی و آوردی
یازده سورۀ بهشتی را
مصحفِ سرنوشت خود دیدیم
سوره‌هایی که می نوشتی را
نسل تو نوح با شکوه نجات
نسل تو خضر آسمانی راه
جلوه‌ای از دم تو را دیدیم
در مسیحی به نام روح الله
روز مادر شده دلم با شوق
پر زده در هوای تو مادر
متم و وسعت بهشت خدا
متم و خاک پای تو مادر
آرزو دارم این که بنشینم
لحظه‌ای در جوار تو اما...
آرزو دارم این که بگذارم
شاخه گل بر مزار تو اما...
آه در حسرت زیارت تو
دل ما آشنای دلتنگی ست
حرم دختر کریمۀ تو
شاهد لحظه‌های دلتنگی ست
روز مادر شده به محضر تو
آدم پا به پای این کلمات
هدیۀ من برای تو اشک است
هدیۀ من برای تو صلوات

ای شکوهت فراتر از باور
ای مقامت فراتر از ادراک
وصف تو درک «لیلة القدر» است
فهم ما از تبار «ما ادراک»
کوثری، بی کرانه دریایی
ما و ظرف حقیر این کلمات
باید از تو نوشت با آیات
باید از تو سرود با صلوات
آیه در آیه وصف تو جاری ست
«قتلّی...»، «مباهله»، «کوثر»
در دل «انما یرید الله...»
در «فصل لربک و انحر»
از بهشت آمدی به هیأت نور
عطر سیب و زید در هستی
تو گل... نه، تو نو بهار... نه
تو بهشت دل پدر هستی
پدر و مادرم فدای شما
مادری کرده‌ای برای پدر
چشم بد دور، چشم شیطان کور
دست تو بود و بوسه‌های پدر
از بهشت آمدی و روشن شد
سرنوشت دل علی با تو
بی تو کم بود در تمام جهان
نیمۀ دیگرش ولی با تو...
وصف ذات تو و صفات علی
وصف آئینه است و آئینه
غربت و خندۀ تو و دل او
قصۀ گرد و دست و آئینه
خانه می شد بهشتی از احساس
با گل افشانی بهاری تو

جواد محمد زمانی

دنیا اگر پر از غم و رنج و بلا شود
مؤمن امیدوار به فضل خدا شود
ما مؤمنان کتاب خدا را که خوانده ایم
آیات سورۀ شعرا را که خوانده ایم
وقتی رسید امت موسی کنار آب
وز پشت سر جماعت فرعون با شتاب
مأیوس و ناامید و پراز غصه و تعب
هر یک به اعتراض به موسی گشوده لب:
کای از تو خدا شده ما را تو رهنمون
فرعون یافت سیطره، اِنَّا لَمُدْرِكُونَ
موسی ولی به فضل و به رحمت امید داشت
در عین ناامیدی امت، امید داشت
ناگاه حق به یاری یاران خود شتافت
دریا برای امت موسی زهم شکافت
آری! ز مکرو خدعه اهل جهان چه باک؟!
موسی امام ماست، ز فرعونیان چه باک؟!
خوش بین به راه روشن و فردای خود شویم
در این مسیر، پیرو موسای خود شویم

مادر دعا کن از تو مبادا جدا شویم
چون تو همیشه سالک راه خدا شویم
جان را فدای راه پیمبر کنیم و بس
چون تو همیشه یاری رهبر کنیم و بس
عهدی که کرده ایم به همت وفا کنیم
در قدس ما نماز جماعت به پا کنیم

امید مهدی نژاد

پرواز آسمانی او را ملک نداشت
ماهی که در اطاعت خورشید شک نداشت
سنگش زدند و دست ز افشای شب نشست
آن نور ناب و همه‌ای از محک نداشت
مهتاب زیر سیلی شب بود و آفتاب
حتی دو دست باز برای کمک نداشت
این بود دستمزد رسالت؟ زمینیان!
ای خلق خیره! دست محمد نمک نداشت؟
می پرسد از شما که چه کردید؟ مردمان
گلدان یاس باغچه من ترک نداشت
خورشید و ماه را به زمینی فروختند
ای کاش خاک تیره یثرب فدک نداشت

علیرضا قزوه

کیستی ای هرچه در هستی طفیل هست تو
ای کلید آسمان ها و زمین در دست تو
مادر گل های مریم! مادر یاس سپید!
مادر هر چه عدالت، مادر هر چه شهید
خود علی علیه السلام گل بود، تو دادی به این گل رنگ و بو
سوره ی کوثر تو بودی، سوره ی الشمس او
عطر زهرا علیها السلام باز پیچیده است در جان همه
مثل عطر یا محمد صلی الله علیه و آله، یا علی علیه السلام، یا فاطمه علیها السلام
ای نبی را همچو مادر، ای علی را همچو یار
خطبه ای دیگر بخوان تا پر بگیرد ذوالفقار
خطبه ای تا حیدر از آن شقشقیه سر کند
هر زمان یاد از تو و اندوه پیغمبر کند
خطبه ای دیگر که زینب علیها السلام شام را محشر کند
تا حسین بی سرت بر نیزه قرآن سر کند
ای عطش نوشان بزم ظهر عاشورا، سلام!
بچه های انتقام سیلی زهرا، سلام!
با شمایم، باده نوشانی که ربانی شدید
در سماعی سوختید و در خدا فانی شدید
این زمان در جمع ما آینه گردانی کنید
با چراغ خون، شب ما را چراغانی کنید
عطر زهرا باز پیچیده است در جان همه
مثل عطر یا محمد صلی الله علیه و آله، یا علی علیه السلام، یا فاطمه علیها السلام

محسن حنیفی

صحبت از دستی که رزق خلق را می داد شد
هر کجا شد حرف از بانوبه نیکی یاد شد...
او که جای خود، گلویندش اسیر آزاد کرد
خرم از یمن ادب بر نام او آزاد شد...
معنی نازک برای روضه اش آورده ام
وقت پروازش پرستویی اسیر باد شد
با پرزخمی دعاگوی شب همسایه بود
دست او روزی رسان خانه صیاد شد
این در آتش گرفته زود حاجت می دهد
این در آتش گرفته پنجره فولاد شد
روضه مظلومه بعد از رفتنش مکشوفه شد
تا مصیبت خوان کوچه صورت مقداد شد...

سید حمیدرضا برقی

دارد دل و دین می برد از شهر شیمی
افتاده نخ چادر او دست نسیمی
تسیح دلم پاره شد آن دم که شنیدم
با دست خودش داده اناری به یتیمی
حتی اثروضعی تسبیح و دعا را
بخشیده به همسایه، چه قرآن کریمی!
در خانه زهرا همه معراج نشینند
آنجا که به جز چادر او نیست گلیمی
ای کاش در این بیت بسوزم که شنیدم
می سوخت حریم دل مولا، چه حریمی!
آتش مزن آتش، در و دیوار دلش را
جز فاطمه در قلب علی نیست مقیمی
:: حالا نکند پنجره را و بگذاریم
پرپر شود آن لاله زخمی به نسیمی



۵۶

پرواز از سیاهچال ساواک

سیری در سیره نورانی مجاهد شهید آیت الله شیخ حسین غفاری

۶۰

پرونده سری نیمه شب ۲۷ دی ماه

ویژه نامه شهدای حزب مؤتلفه اسلامی

۶۲

اسم رمز فاطمی برای آنها که ناامیدند

بازخوانی پرونده دو عملیات کربلای پنج و والفجر هشت در گفتگو با سردار حسین کاجی



پرواز از سیاهچال ساواک

سیری در سیره نورانی مجاهد شهید
آیت‌الله شیخ حسین غفاری

نوادگان حاج ملامحسن، از شخصیت‌های علمی و دینی منطقه می‌باشد که توسط روس‌ها به شهادت رسید. هفت نفر از اجداد مادری‌اش هم در مبارزه با بیگانگان شهید شدند که آرامگاه همگی در مسجد حسنلوی آذرشهر است.

او در دوران کودکی در حالی که یک سال و نیم بیشتر نداشت پدرش را از دست داد و گرد یتیمی بر سیمای معصومش نشست و پس از آن در فضایی کاملاً معنوی و با تربیت مادری عاشق ولایت و محبت حضرت زهرا (ع) رشد یافت. به سبب فقر و مشکلات اقتصادی ناشی از فقدان پدر از همان دوران کودکی (۶-۷ سالگی) مجبور شد، همپای برادر و خواهر برای تأمین هزینه‌های زندگی، سختی کار در مزرعه و کارگری را تجربه کند.

حسین پس از اینکه وارد حوزه علمیه شد در دوران تحصیل با خانواده روحانی مجاهد آیت‌الله میرزا علی مقدسی تبریزی از علمای بصیر و آگاه دوران، آشنا می‌شود. علاقه شخص میرزا علی و شناخت ایشان از سلامت روحی و طهارت باطنی شیخ حسین غفاری باعث شد که خود، ازدواج با دخترش را به او پیشنهاد دهد. حسین

«شهادی روحانیت شیعه در یکصد ساله اخیر» تألیف علی ربانی خلخالی، مکتب‌الحسین (ع)، ۱۳۶۴؛ «خاطرات هادی غفاری»، حوزه هنری، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴؛ «هفتمین نفر» نوشته محمدرضا بایرامی، نشر شاهد، ۱۳۷۹؛ «شهید آیت‌الله حاج شیخ حسین غفاری به روایت اسناد ساواک»، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۱؛ «مسافر ملکوت» نوشته ابوالفضل چیت‌ساز، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲؛ «شهید غفاری» نوشته اصغر فکور، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۴؛ «بوسه بردار» اثر محمدجواد مرادی‌نیا، سوره مهر، ۱۳۸۶ و کتاب «زندگی‌نامه و آثار ائمه جماعات شهید»، گروه تحقیقات کاربردی مرکز رسیدگی به امور مساجد، انتشارات ثقلین، ۱۳۸۶.

۱. سیره فردی و خانوادگی

در تابستان سال ۱۲۹۳ شمسی نوزادی در خانه محقر کشاورزی زحمتکش به نام حاج عباس در آذرشهر تبریز پا به عرصه گیتی نهاد. پدرش به دلیل ارادت عمیقی که به ساحت حضرت سیدالشهدا (ع) داشت، او را حسین نام نهاد. حسین از

آیت‌الله حسین غفاری شخصیتی بزرگوار، مبارزی بی‌باک و عالمی پرهیزگار بود. او مردی حماسه‌آفرین بود که در مسیر دفاع از استقلال و عزت ملت غیور ایران تحت شدیدترین شکنجه‌ها در زندان‌های ساواک قرار گرفت. وی با روحیه قوی در بازجویی‌های انجام‌شده عملاً مأموران را در نیل به اهدافشان ناکام می‌گذاشت و همواره در تمامی بازجویی‌ها و نوشته‌ها از امام با عظمت یاد می‌کرد و بارها دستگیری و شکنجه‌های بسیار، هرگز او را از راهی که در آن محکم و استوار قدم نهاده بود باز نداشت. او عمری را در مبارزه برضد رژیم ستم‌شاهی پهلوی گذراند و سرانجام در اثر مبارزه با استعمار آمریکا و استبداد پهلوی، در زندان رژیم پهلوی به درجه‌ی رفیع شهادت نائل آمد.

پس از شهادت آیت‌الله غفاری، پیرامون سیره و زندگی این روحانی مجاهد آثار متعددی به رشته تحریر درآمد که علاقه‌مندان برای مطالعه بیشتر می‌توانند به این آثار مراجعه کنند که عبارت‌اند از: کتاب «یکصد سال مبارزه روحانیت مرفعی» نوشته عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، دفتر نشر نوید اسلام؛

غفاری زندگی خود را با جهیزیه ساده و مختصر همسرش در یک زیرزمین محقر استیجاری در یکی از محلات فقیرنشین شهر قم (باغ پنبه) آغاز می‌کند و تا پایان عمر با ساده‌ترین سبک زندگی، تمامی درجات عالی علم، معرفت و زندگی مبارزاتی خود را می‌گذراند. به دلیل بیماری همسرش که قادر به حرکت و کار کردن نبود، او خودش کارهای خانه را انجام می‌داد و در کنار آن درس هم می‌خواند.

۲. سیره علمی و حوزوی

وی از همان کودکی به کسب علم علاقه زیادی نشان داد و در این زمینه تلاش بسیاری مبذول داشت. مقدمات دروس را در زادگاهش (آذرشهر) از حاج شیخ علی و میرزا محمدحسن منطقی فراگرفت و رسائل و مکاسب شیخ انصاری را نزد دایی‌اش حجت الاسلام حاج سید محسن میرغفاری آغاز کرد. در تمام این مدت، نصف روز را به کار مشغول بود و نصف روز را به تحصیل علم و دانش می‌گذراند. سپس وارد حوزه علمیه تبریز شد و در فراگیری علوم حوزوی چنان برجستگی از خود نشان داد که زبانزد استادان و همدرسانش شد. اکنون در سن ۳۰ سالگی برای تکمیل تحصیلات علمی‌اش در سال ۱۳۲۳ مصمم شد تا راهی حوزه علمیه قم شود. پس مدت ۱۱ سال در جوار بارگاه حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) رحل اقامت افکند و در فقه و اصول و مراحل عالی از محضر علمای بزرگی چون آیات عظام بروجرودی (ره)، سید محمدتقی خوانساری (ره)، فیض قمی (ره)، حجت کوه‌کمره‌ای (ره)، نجفی مرعشی (ره)، علامه طباطبایی (ره) و امام خمینی (ره) بهره برد. او از همان اوایل طلبگی (سال ۱۳۲۳) هم‌زمان با تحصیل علوم دینی، در «مکتب زینبیه» آذرشهر، به تدریس کتاب‌هایی همچون ابواب الجنان، جامع عباسی، کتب فقهی، اخلاقی و قرآن نیز پرداخت. پس از عزیمت به حوزه علمیه قم و بعدها در مساجد الهادی و خاتم الاوصیای تهران شاگردان زیادی از شمع وجود ایشان فیض بردند. محافل صمیمی و گرم درس آیت الله غفاری با بحث‌های شیوا و صحبت‌های

صریح و انقلابی، بسیار قابل استفاده بود. این شهید بزرگوار بعدها حتی در زندان هم از فعالیت‌های علمی و تبلیغی خود فروگذار نکرد و هرروز ساعت‌های زیادی را صرف مطالعه و آموختن قرآن، نهج البلاغه، فقه و تاریخ به برادران هم‌سلولی خود می‌کرد.

۳. سیره فرهنگی و تبلیغی

عمده‌ترین فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی آیت الله غفاری در سال‌های قبل از ۱۳۴۱ در قالب تبلیغ، ارشاد دینی و آگاه‌سازی مردم در نقاط مختلف کشور بود و در راه تبلیغ اسلام از هیچ فرصتی دریغ نمی‌کرد و از هیچ تلاش و زحمتی فروگذار نبود. او در زمان تعطیلی دروس حوزه در ماه‌های محرم و صفر و همچنین دیگر ایام تعطیلی برای تبلیغ و ارشاد مردم به روستاهای شمال غرب کشور؛ مانند روستاهای شهرهای خوی، ماکو و ارومیه هجرت می‌کرد و مردم آنجا را با مسائل دینی، معنوی و سیاسی آشنا می‌نمود. وی در سخنرانی‌های خود با تبیین سیره امامان معصوم و مبارزات آن‌ها با دستگاه‌های ظلم و ستم، به افشای ستم‌های اربابان و خان‌ها به مردم محروم و مظلوم روستا می‌پرداخت و مردم را به ظلم‌های آنان آگاه می‌نمود.

در یک سفر تبلیغی در ماه مبارک رمضان که به دورافتاده‌ترین روستاهای آذربایجان غربی رفته بود، به خاطر خانقاهی که پولداران و افراد پست در آنجا جمع می‌شدند تا مسجد را تعطیل کنند، با فرماندار و شهردار منطقه درگیر شد و با آن‌ها به مقابله برخاست.

بعدها در طول تحصیل در قم نیز هرگاه فرصتی می‌یافت به روستاها و شهرهای اطراف می‌رفت و به مبارزات پیگیر با استبداد و همچنین اشاعه فرهنگ غنی اسلام می‌پرداخت و بدین‌صورت اذهان پاک روستاییان را از غبار نیزنگ‌های رژیم مستبد شاه می‌زدود. مجالس وعظ و سخنرانی او، حال و هوایی دیگر داشت و بسیاری از طبقات مختلف جامعه، مخصوصاً روشنفکران مذهبی، دانشجویان و طلاب جوان دورش حلقه می‌زدند و از مباحث نافذش بهره‌ها می‌بردند.

در سال ۱۳۴۲ در جریان نهضت

عمومی علما، شرکت داشت و همچنین سخنرانی‌هایی را علیه تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی ایراد کرد. ایشان علاوه بر اینکه در تحریم انقلاب سفید همراه با سایر علمای تهران اعلامیه‌هایی را صادر کردند، پس از وقایع مدرسه فیضیه قم و مدرسه طالبیه تبریز در فروردین سال ۱۳۴۲ سخنرانی‌های شدیدالحنی را در مسجد الهادی ایراد نمود. مأموران انتظامی بعضاً در جلسات سخنرانی او حاضر می‌شدند تا شاید او را از این طریق مرعوب سازند اما ایشان با آن‌ها شدیداً برخورد می‌کرد. به دنبال همین فعالیت‌ها در دی‌ماه ۱۳۴۳ دو روز پس از سخنرانی پرشور و افشاگرانه‌اش در مسجد خاتم الاوصیا، توسط مأموران شهربانی دستگیر و زندانی شد.

۴. سیره مردمی و اجتماعی

شهید آیت الله غفاری منشأ خیرات و خدمات بسیاری در دوران حیات نورانی خویش بود. او در مدتی که در شهرهای آذرشهر، قم و تهران سکونت داشت اقدامات اجتماعی فراوان و مفیدی را از خود به یادگار گذاشت که از آن جمله می‌توان به سرکشی و رسیدگی به فقرا و محرومین و مستضعفین و همچنین احداث و تکمیل مساجد خاتم الاوصیا، الهادی و شیخ فضل الله نوری در تهران و همچنین فعالیت در جهت تعطیلی باغ «شارق» که به مرکز فسق و فجور اشرار تبدیل شده بود، اشاره کرد. ایشان بعد از ۱۱ سالی که در حوزه علمیه قم اقامت داشت در سال ۱۳۳۴ به تهران آمد و در مسجد الهادی فعالیت‌های اجتماعی و مذهبی خود را بنا نهاد.

امروز حاصل خدمات صادقانه و تلاش‌های خالصانه آن شهید والامقام را می‌توان در شکوه و عظمت بنای مسجد بزرگ شیخ فضل الله نوری و حوزه علمیه و مسجد خاتم الاوصیای تهران به نظاره نشست. دو مکان مقدسی که در روزگاری نه‌چندان دور، مرکز هجوم و حمله رژیم ستم‌شاهی و پایگاه و پناهگاه فعالان انقلابی و مأوای مظلومان و نیازمندان بود.

۵. سیره عبادی و اخلاقی

محال بود نماز شبش ترک شود، حتی در شب‌های سخت زندان با دست و پای



مجروح و تن‌تبدار با زحمت زیاد وضو می‌گرفت و نماز شب را با حالتی خاص اقامه می‌کرد. او همواره به راز و نیاز شبانه عشق می‌ورزید و خلوت نیمه‌شب را با هیچ مطاعی مقابله نمی‌کرد و با احساس عطش در دل شب به گفتگو با معبودش می‌پرداخت و درون را با آینه صداقت و بی‌رنگی می‌آراست. یکی دیگر از ویژگی‌های شخصیت اخلاقی شهید آیت‌الله غفاری، خلوص و تقوایش بود. نه تنها تحلیل‌های فکری خاصی در باب اخلاص داشت که تاروپود وجودش با این خصوصیت تنیده شده بود. همین حالت به او صفا و نورانیتی ویژه بخشیده و تزکیه درون، از او شخصیتی محبوب برای خاص و عام ساخته بود؛ به گونه‌ای که مردم به او عشق می‌ورزیدند و سخنان وی را با جان و دل می‌پذیرفتند. در زندان ساواک هم سلولی‌هایش از وجود پربرکت و صفای باطنش، ایستادگی و استقامت می‌آموختند و ضعیفان و مظلومان از صداقت کلام و دستان پرمحبتش، امید، نیرو و جان تازه می‌گرفتند.

حقیقتاً ایشان اسطوره ایمان و جلوه‌ای از مردانگی و شرف بود. نور عشق و ایمان به خدا در چهره تابناکش تالو داشت و در حالات عبادت و راز و نیاز شبانه‌اش، خلوص و پاکی موج می‌زد.

۶. سیره سیاسی و انقلابی

ایام حیات مبارک شهید آیت‌الله غفاری مقارن با دوران پرنرج

و محنت حکومت پهلوی بود.

با مشاهده اوضاع نابسامان جامعه، ترغیب و تشویق مردم به بی‌دینی و کشف حجاب، مخالفت رژیم با روحانیت اصیل، محدود کردن مبارزان مسلمان، آزادی عمل فرقه ضالّه بهائیت و ترویج افکار انحرافی در رژیم طاغوت، لب به اعتراض گشود و در موقعیت‌های مختلف به افشاگری پرداخت. با این حرکت‌های انقلابی، دوران حبس و تحمل شکنجه‌ها و دردهای شهید غفاری نیز از سال ۱۳۴۰ آغاز و تا لحظه شهادتش در دی‌ماه ۱۳۵۳ ادامه یافت.

آیت‌الله غفاری، نهضت مقدس امام خمینی علیه‌السلام را روزنه امیدی برای نجات امت اسلامی می‌دانست. او از آغاز نهضت اسلامی امام در سال ۱۳۴۲ همراه و همگام با امام، مبارزه خویش را علیه طاغوت تشدید کرد. ۱۳ سال آخر عمر

شریفش سراسر مبارزه و جان‌فشانی در راه آرمان‌های مقدس امام خمینی علیه‌السلام بود.

آیت‌الله غفاری با زبان حق‌گوی خود بی‌اعتنا به تهدیدات گروهک‌های چپ و راست و خفقان رژیم شاهنشاهی، شجاعانه و بی‌پاک به شاه ظالم می‌تاخت و از باطل افشاگری می‌کرد. او در جریان قیام تاریخی حضرت امام خمینی علیه‌السلام در سال ۱۳۴۲ نیز پشت سر امام، از آرمان‌های والای او پشتیبانی و رنج و محنت دوران زندان را برای رسیدن به اهداف عظیم انقلاب به جان خرید و تا آخرین لحظه‌های حیات، از امام و حرکت تاریخی و تحوّل آفرینش حمایت کرد. در ماجرای بازجویی ساواک وقتی از وی سؤال شد: نظر شما نسبت به آیت‌الله خمینی چیست؟ جواب داد: «من فکر می‌کنم تنها کسی که می‌تواند ایران را نجات دهد آیت‌الله خمینی است». جمله شجاعانه و قهرمانانه او که فرمود: «دشمن خمینی کافر است»، کمر استبداد شاهی را شکست و لرزه بر اندام پلید آنان انداخت.

شهید غفاری، در فرصت‌های مناسب به ایراد سخنرانی‌های انقلابی می‌پرداخت و مأموران ساواک گزارش‌های فراوانی را در این خصوص ثبت کرده‌اند. او سالیانی دراز به مبارزه مشغول بود اما آن قدر بدون سروصدا به کارش می‌رسید که



مدت‌ها ساواک نتوانست از مبارزات وی بویی ببرد. پس از شدت گرفتن فعالیت‌های انقلابی ایشان، سرانجام در تیرماه سال ۱۳۵۳ ساواک او را دستگیر و در ضمن بازرسی از منزل وی به تعداد زیادی اعلامیه و نوارهایی که در زیر پله منزلش پنهان کرده بود، دست یافت و او را با خود به کمیته مشترک ضدخرابکاری برد. این‌گونه بود که پای او به زندان باز شد و مبارزاتش لورفت. «زندان قصر» با کمیته مشترک یک تفاوتی که داشت این بود که در زندان قصر همه متهمین با لباس شخصی خودشان بودند ولی در کمیته مشترک همه افراد حتی علما و روحانیون هم موظف به پوشیدن لباس مخصوص زندان بودند و بازجوها و شکنجه‌گران برای تحقیر شخصیت زندانیان سیاسی با نثار حرف‌های رکیک و توهین‌آمیز، به شکنجه روحی و جسمی آن‌ها می‌پرداختند.

ساواک تا مدتی بعد از دستگیری آیت‌الله غفاری هر کاری کرد و به هر نوع شکنجه‌ای که متوسل شد باز هم موفق به گرفتن اعتراف از او نشد؛ بنابراین تصمیم گرفتند محاسن ایشان را با تیغ، آن هم با پوست خشک بتراشند. تراشیدن محاسنشان، ضربه مهلکی بود بر پیکره شخصیتی ایشان چرا که در بین مردم از جایگاه «آیت‌اللهی» برخوردار بودند. بعد از اینکه محاسن آیت‌الله غفاری را تراشیدند و او را داخل بند آوردند، از آن روز

دیگر نه حرفی زد و نه چیزی خورد. در اثر این شکنجه‌های سخت جسمی و روحی بعد از مدتی حالش چنان بد شد که زندانیان دیگر شروع به سروصدا کردند و همین امر باعث شد که ایشان را به بهانه مداوا از سلول بردند و دیگر از ایشان خبری نشد تا اینکه فردا هم سلولی‌های ایشان متوجه شهادت آیت‌الله غفاری شدند.

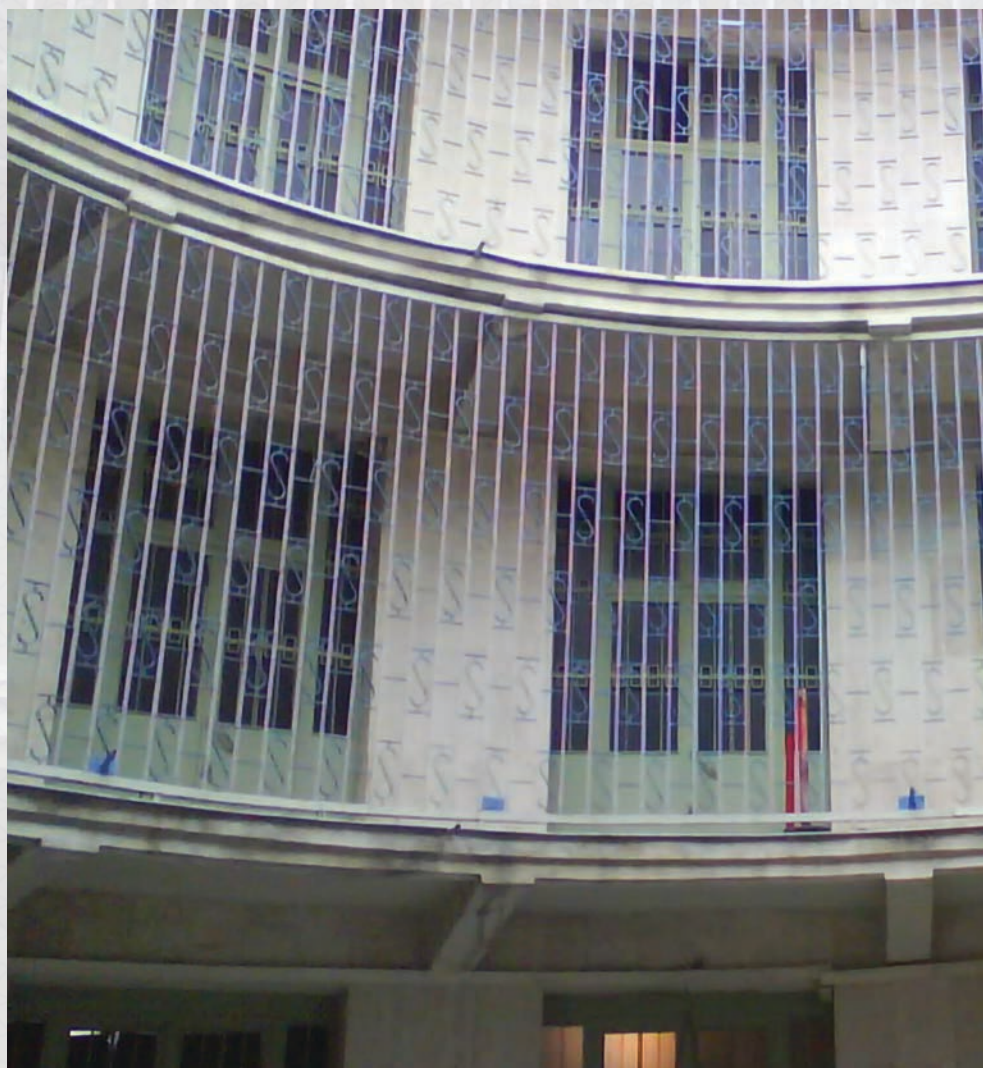
۷. سیره جهادی

سرانجام دعای این عارف نستوه پس از سال‌ها مجاهدت، استقامت و تحمل زندان و شکنجه، به اجابت رسید و در غروب ششم دی‌ماه ۱۳۵۳ با بدن مجروح، استخوان‌های شکسته و سروصورت خونین و در اوج مظلومیت روح آیت‌الله حسین غفاری از قعر زندان مخوف ساواک به بلندای آسمان شهادت پرکشید.

اداره ساواک به منظور تدفین مخفیانه، دو روز پس از شهادت، جنازه ایشان را شبانه به قم فرستاد تا غریبانه به خاک بسپارد، اما طلاب و مردم قم با خبر شدند و با شرکت در تشییع جنازه ایشان به سمت حرم حضرت معصومه (علیها السلام)، مراسم به یادماندنی و باشکوهی به راه انداختند که در ضمن آن شعارهایی نیز علیه حکومت سردادند و به دستگیری عده‌ای از آن‌ها انجامید. چند روز بعد، آیت‌الله العظمی گلپایگانی (رحمته الله) مراسم ختم باشکوهی را برای آیت‌الله

شهید غفاری در مسجد اعظم قم برگزار کردند.

پس از اعلام شهادت ایشان در زندان ساواک و تدفین او در قم، پیام‌ها و اطلاعیه‌های مختلفی از طرف گروه‌های انقلابی داخل و خارج از کشور منتشر شد. دانشجویان مسلمان خارج از کشور با پخش تصاویر و پوستر ایشان و صدور اعلامیه‌هایی، شهادت این روحانی مجاهد و نستوه را به ملت ایران و امت تسلیت گفته، جنایات شاه و مزدوران وی را محکوم کرده و ننگ و نفرین خود را نثار آن دیوافتان نمودند. بدین ترتیب، به شهادت رساندن آیت‌الله غفاری جز موج خشم و انزجار امت مسلمان نتیجه‌ای نداشت و اگر تن رنجورش در خون غلتید، اما آرمان‌ها و تفکرش بیش از پیش تجلی کرد و از برکت خورش، جان تازه‌ای در اندیشه و باورهای امت اسلام دمیده شد.



پرونده سری

نیمه شب ۲۷ دی ماه

ویژه نامه شهدای حزب مؤتلفه اسلامی

هیات

۵۸

سرمایه‌ای گران بها برای پیروزی و پیشرفت انقلاب اسلامی بودند.

علاوه بر شهیدان محمد بخارایی، رضا صفارهرندی، صادق امانی و مرتضی نیک نژاد که از اولین شهدای مؤتلفه

هستند، نام شهیدان والامقامی همچون استاد

مرتضی مطهری، سید محمدحسین بهشتی،

دکتر مفتاح، باهنر، رجایی، محلاتی،

عراقی، ناطق نوری، عباسپور، کچویی و

... بر تارک فعالیت‌های پرافتخار این

حزب همچون ستاره می‌درخشد؛ اما از

آنجا که شهدای چهارگانه مذکور جزء

اولین شهدای نهضت اسلامی پس از

قیام پانزده خرداد چهل و دو به شمار

می‌روند، وقتی سخن از شهدای مؤتلفه

به میان می‌آید نام این چهار نفر را در

اذهان تداعی می‌کند.

البته این نکته را هم نباید فراموش کرد

که هرچند شهدای قبل از انقلاب نقشی

اساسی و کلیدی در به ثمر رسیدن

انقلاب اسلامی ایفا کردند؛ اما حقیقت

امر آن است که خیلی از اوقات، از

شهدای قبل از انقلاب غفلت شده

است و بسیاری از مردم حتی نام آن‌ها

را هم نشنیده‌اند. این در حالی است

که رهبر معظم انقلاب حفظه‌الله

تأکید ویژه‌ای بر زنده نگه داشتن یاد

شهدا دارند و می‌فرمایند: «گاهی رنج و

زحمت زنده نگه داشتن خون شهید، از

خود شهادت کمتر نیست.»^۵

لذا ضرورت توجه بیشتر به شهدا

و علی‌الخصوص شهدای پیش از

پیروزی انقلاب بیش از پیش روشن

می‌گردد. اگر در سیره شهدای مؤتلفه

اسلامی نیک بنگریم درخواهیم یافت

که برای اینکه انسانی در عنفوان جوانی

شاید تا پیش از ترور حسنعلی منصور، کمتر کسی نامی از مؤتلفه اسلامی را شنیده بود. هرچه بود خاطره جمعیت فدائیان اسلام در مبارزه با استبداد و استعمار در جریان ترور عبدالحسین هژیر^۱ و رزم‌آرا^۲ بود که در ماجرای ملی شدن صنعت نفت اتفاق افتاد؛ اما اقدام انقلابی شهیدان بخارایی، صفارهرندی، نیک نژاد و امانی دوباره خاطرات نواب صفوی و گروهش در راه مبارزه با استعمار را در اذهان زنده کرد و نام هیأت‌های مؤتلفه اسلامی را پراوازه کرد. شهادت آنان در ۲۶ خرداد ۱۳۴۴ به حقانیت مسیر پیش روی حزب مؤتلفه هویت و نورانیت بخشید.

پیام امام رحمه‌الله علیه در اعتراض به تصویب لایحه کاپیتولاسیون در مجلس سنا و مجلس شورای ملی حجت شرعی را بر طراحان اصلی ترور انقلابی منصور تمام کرد. آنجا که امام ضمن اظهار تأثر قلبی خویش از تصویب لایحه مذکور در بخشی از پیام فرمودند: «اکنون من اعلام می‌کنم که این رأی ننگین مجلسیان، مخالف اسلام و قرآن است و قانونیت ندارد؛ مخالف رأی ملت مسلمان است. وکلای مجلسیان وکیل ملت نیستند؛ وکلای سرنیزه هستند! رأی آن‌ها در برابر ملت و اسلام و قرآن هیچ ارزشی ندارد ... بر ملت ایران است که این زنجیرها را پاره کنند. بر ارتش ایران است که اجازه ندهند چنین کارهای ننگینی در ایران واقع شود. از بالاترها، به هر وسیله هست، بخواهند این سند استعمار را پاره کنند؛ این دولت را ساقط کنند؛ وکلایی که به این امر مفتضح رأی دادند از مجلس بیرون کنند.»^۳

حزبی که با نظر امام رحمه‌الله علیه مبنی بر گروهی کار کردن در ماه‌های ابتدایی سال ۱۳۴۲ شکل گرفت، به خوبی ضرورت کار تشکیلاتی و انسجام و برنامه‌ریزی را در نهضت اسلامی دریافته و به نام مؤتلفه اسلامی تشکلی شد از جوانان مؤمن انقلابی که اغلب از کسبه و بازاریان تهران بودند و زیر چتر روحانیت در مساجد و هیأت‌های مذهبی گرد هم آمده بودند. ائتلافی از هیأت‌های مذهبی که دنباله روجمیت فدائیان اسلام بود و حلقه اتصال میان آن‌ها نیز شهید مهدی عراقی به حساب می‌آمد که خود از اعضای سابق فدائیان اسلام و از بنیان‌گذاران هیأت‌های مؤتلفه به شمار می‌رفت.^۴

در طول مبارزات مردمی علیه استبداد پهلوی و استعمار آمریکایی تا پیروزی انقلاب اسلامی، افراد زیادی از مؤتلفه اسلامی فدای این راه نورانی شدند. شهیدانی که بی‌شک هر کدام آن‌ها

آن هم در محیطی آلوده و فاسد بتواند به درجه‌ای والا از فهم و بصیرت برسد که امروز بعضی از سیاستمداران کشور از چنین فهم و بصیرتی بی بهره‌اند، ضمن خودشناسی و خودسازی، یقین به حقانیت راه خویش است.

در بحث خودشناسی و خودسازی می‌توان شهید صادق امانی را مثال زد که ضمن اینکه خود از اخلاقی نیکو بهره‌مند بود و بیش از شش هزار حدیث از بر بود، استاد اخلاق هم بود و به تربیت معنوی نیروهای انقلابی اهتمام ویژه‌ای داشت. او از جمله مؤسسين مؤتلفه اسلامي بود که رهبری شاخه نظامی مؤتلفه را نیز بر عهده داشت.^۶ همچنین باید گفت که نقطه آغاز آشنایی و رفاقت میان شهیدان چهارگانه مؤتلفه اسلامی و پایگاه اصلی آنان مسجد بوده است.

خصوصیت اساسی این شهدای والا مقام که همانا آگاهی، بصیرت و اعتقاد به حقانیت راهی بود که در پیش گرفته بودند،

حاصل خودسازی‌ها و انس با مسجد و تبعیت از مرجعیت انقلابی بود. به طوری که از تأسیس هیأت‌های مؤتلفه گرفته تا ترور انقلابی منصور و پس از آن، همه فعالیت‌ها بر اساس نظر امام رحمة الله علیه انجام می‌گرفت. اعتقاد این شهدا به حقانیت راه خویش آن قدر بود که از قبل خود را برای شهادت آماده کرده بودند و برای لقای حق لحظه شماری می‌کردند. لذا هر چهار نفر با چهره‌ای خندان به سوی چوبه‌های تیرباران می‌دویدند و در آخرین نفس‌های خویش با ندای الله اکبر جان به جان آفرین تسلیم کردند و شهد شیرین شهادت را نوشیدند.

شهادت مظلومانه شهدای حزب مؤتلفه گرچه در خفقان رژیم ستمشاهی و به دور از گوش و چشم مردم اتفاق افتاد اما پژواک پیام آزادی و مجاهدتشان در بلندای تاریخ برای همیشه جاویدان خواهد بود. به فرموده رهبر معظم انقلاب حفظه الله، شهیدان با شهادتشان دو پیام مهم به جا گذاشتند:

«یکی عبارت است از گذشت و ایثار در قبال خدا، یعنی ندیدن و به حساب نیاوردن خود. پس اولین پیامشان این است که اگر می‌خواهید خدا را از خودتان راضی کنید و وجودتان در راه خدا مفید واقع شود و مقاصد و اهداف عالی ربوبی و الهی درباره‌ی عالم آفرینش تحقق پیدا کند، باید خودتان را در مقابل اهداف الهی ندیده بگیرید... و دیگری در مقابل دشمنان خداست؛ یعنی استقامت، ایستادگی مطلق، از دشمن نترسیدن، از دشمن حساب نبردن، در مقابل دشمن به انفعال دچار نشدن. این خیلی مهم است که انسان در مقابل دشمن، دچار انفعال نشود.»^۷

۱. نخست‌وزیر و وزیر دربار پهلوی که به دلیل دخالت در تقلب در انتخابات مجلس و مخالفت با جبهه ملی، ۱۳۲۸/۸/۱۳ توسط شهید سید حسین امامی از فعالان جمعیت فدائیان اسلام در مسجد سپه‌سالار تهران ترور شد.

۲. حاج علی رزم‌آرا نخست‌وزیر ایران در تیر تا اسفند ۱۳۲۹ شمسی که توسط شهید خلیل طهماسبی از اعضای فعال فدائیان اسلام ترور شد.

۳. خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، صحیفه امام، ۲۲ جلد، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) - ایران - تهران، چاپ: ۵، ۱۳۸۹ ه. ش. / ج: ۱، ص: ۴۱۱.
۴. خاطرات ۱۵ خرداد، بازار (دفتر چهارم)، به کوشش علی باقری، تهران، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ص: ۲۰۱

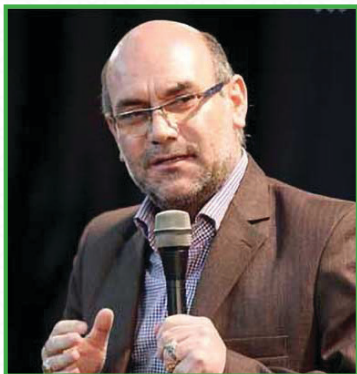
۵. خامنه‌ای، بیانات در دیدار با خانواده‌های سرداران شهید استان تهران، ۱۷/۰۲/۱۳۷۶.

۶. نقل از شهید حاج مهدی عراقی، در کتاب ناگفته‌ها؛ برداشت از: <http://navideshahed.com/fa/news>

۷. رک: خامنه‌ای، بیانات در دیدار با خانواده‌های سرداران شهید استان تهران، ۱۷/۰۲/۱۳۷۶.



بازخوانی پرونده دو عملیات بزرگ و غرورآفرین کربلای پنج و والفجر هشت در مصاحبه اختصاصی ماهنامه هیأت با سردار حاج حسین کاجی فرمانده گردان تخریب لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب علیه السلام



اسم رمز فاطمی برای آنها که ناامیدند!

مرحله سوم مرحله «بیرون راندن دشمن از سرزمین‌های خودی» بود. در این مقطع ما عملیات‌های «حصارآبادان»، «طریق‌القدس» و «فتح‌المبین» را داشتیم که موفق هم بودیم. مرحله چهارم پس از بیرون راندن دشمن، فرماندهان به مشورت نشستند و به این نتیجه رسیدند که دشمن می‌خواهد خودش را قوی کند و از جای دیگری حمله کند. دنیا هم حاضر نبود که حق ما را به رسمیت بشناسد؛ حاضر نبود عراق را به عنوان متجاوز قبول کند؛ در این زمان راهبردی از کلام امام استخراج شد به عنوان «تنبیه متجاوز» که این چهارمین مرحله از مراحل جنگ بود. در این مرحله اولین عملیاتی که داریم «عملیات رمضان» است که دشمن در جایگاه تدافعی قرار گرفته بود و به همین دلیل در این عملیات ما نتوانستیم به آن چنان توفیقی دست پیدا کنیم.

ما سال ۶۵ را می‌گوییم سال سرنوشت؛ امام و همه فرماندهان پیش‌بینی‌شان این بود که امسال سال سرنوشت است. در جنگ بین ایران و رژیم بعث دو شهر راهبردی وجود دارد: یکی «خرمشهر» و دیگری «بصره» و همه می‌دانند که این دو نقطه مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقاط برای هر دو طرف جنگ هستند لذا اگر ایران می‌خواست که در جنگ برتری پیدا کند باید دسترسی پیدا می‌کرد به بصره. اولین عملیات ما در مرحله چهارم عملیات رمضان است که هدفش حرکت به سمت بصره است، اما در موانع اسطوره‌ای دشمن گیر کردیم. بعد از این عملیات بود که بسیاری از کشورهای دنیا به صورت علنی و با قدرت بیشتری به کمک عراق آمدند؛ آمریکایی‌ها با تمام وجود آمدند، شوروی با دو هزار مشاور و دیگران. بعد از این مشخص است که تمام عملیات‌های جمهوری اسلامی هدف و سمتش به سمت کجاست. بصره که دومین شهر عراق است و به نوعی شاهراه اقتصادی عراق محسوب می‌شود هدف جمهوری اسلامی در مرحله چهارم خواهد بود.

در والفجر مقدماتی از سمت «العماره» به سمت بصره نشانه رفتند. بعد از این دو عملیات فرماندهان به این نتیجه رسیدند که روی زمین مصلح دشمن، امکانات کافی را برای

مختصری از مسئولیت و سابقه خود در لشکر ۱۷ و اعزام به جبهه و مجروحیتان سخن بگویید. روزهای پس از جنگ و جبهه به چه فعالیتی مشغول بوده و هستید؟

حدود شانزده باری مجروح شدم، البته هشت بارش بستری شدم مابقی داخل آمبولانس اقداماتی انجام شد و ما برگشتیم. بعد از جنگ آن زمانی که تفحص بود سعی کردیم در تفحص باشیم؛ از سال ۷۴ هم توصیه شد راهیان نور دانشجویی باشیم. آن زمان هنوز به صورت ساختار و سازمان امروز، راهیان نور نداشتیم اما ما رفتیم و از ارتش مجوز گرفتیم. فرصت کوتاهی عراق بودم و مدتی هم در سوریه حضور داشتم.

نگاه شما به جنگ تحمیلی چگونه است؟ فکر می‌کنید چه اتفاقی در جنگ افتاد که فرماندهان ما جرأت و جسارت طراحی عملیات‌های مهمی مثل والفجر هشت و کربلای چهار و پنج را پیدا کردند؟ جنگ ما یک جنگ مختلف الاضلاع بود و هرکسی با زاویه دید خود آن را تحلیل می‌کند؛ اقتصادی‌ها یک تصویر، سیاسی‌ها یک تصویر و نظامی‌ها یک تصویر دیگر. نسل جوان ما حتماً تاریخ جنگ را بخوانند تا ما تاریخ جنگ را نخوانیم خوب نمی‌توانیم قصه جنگ را تجزیه و تحلیل کنیم؛ تا از رهاورد این بررسی، بتوانیم در جنگ‌های آینده که نظامی هم نیست بهره ببریم. اجازه دهید ابتدا مقدمه‌ای را خدمتان عرض کنم. جنگ ما شامل چندین مرحله بود:

مرحله اول جنگ مرحله‌ی «تهاجم دشمن» بود؛ مرحله‌ای که آمادگی لازم را نداشتیم، باید هرچه زودتر به خودمان می‌آمدیم. از آن روز تاکنون آمادگی ما همیشگی است.

مرحله دوم مرحله «توقف تجاوز دشمن» بود؛ در این مرحله به دستور امام رحمه الله علیه همه آمدند، اقشار مختلف مردم اعم از کشاورز، محصل، سپاهی، ارتشی، زن و مرد، همه آمدند. همه دست به دست هم دادند تا در این مقطع جلوی دشمن گرفته شود.



مقابله با تانک‌ها و ادوات کثیر دشمن ندارند. حال فرماندهان به دنبال راهبرد جدیدی بودند و آن راهبرد جدید این شد که نایستی از روبه‌رو با دشمن مواجه شویم، باید آن‌ها را دور بزنیم. دشمن هم خوب می‌داند که اگر بصره را حفظ کند بقیه اتفاقات تأثیر چندانی نخواهد داشت؛ مثلاً اگر شهر «ماهوت» سقوط کند تأثیر چندانی روی عراق نخواهد داشت. فرماندهان برای اینکه دشمن را دور بزنیم از جزایر استفاده کردند، هرچند به دلیل کمبود امکانات و این‌که عقبه دشمن در خشکی بود نتوانستیم در عملیات‌ها به صد درصد اهدافمان برسیم اما این بار جبهه جدیدی در شرق دجله و هور ایجاد شد. در پرتو این عملیات‌ها سپاهیان ایران به شدت مشغول کسب تجربه از نحوه عملیات در آب بودند و به پختگی بالایی رسیده بودند. اینجا بود که عملیات «الفجر هشت» پایه‌ریزی شد. والفجر هشت نیز جبهه بسیار خوبی را به سمت بصره ایجاد کرد، دست رژیم بعث عراق عراق را از آب‌های دنیا قطع کرد و قدرت ایران را به رخ جهان کشید؛ اما باز هم دشمن همان نگاه (حفظ بصره) و همان موانع را آورد و در «فاو» مستقر کرد. والفجر هشت به ما نشان داد که بهترین راه برای رسیدن به بصره «اروند» است. طبق بررسی‌ها در سال ۶۵ نزدیک‌ترین دروازه‌ای که برای رسیدن به بصره داشتیم «ام الرصاص» بود و در این سال غواص‌ها با عبور از اروند امتحان خود را پس داده بودند.

**در این زمان
راهبردی از
کلام امام
استخراج شد
به‌عنوان تنبیه
متجاوز که
این چهارمین
مرحله از مراحل
جنگ بود.**

ضمن اینکه جنگ ما فصلی بود. همه می‌دانستند پایان سال قطعاً ایران عملیاتی انجام خواهد داد آن‌هم به سمت بصره. همه اعزام‌ها نیز به سمت جنوب بود. مخفی‌نگه داشتن همه این‌ها ممکن نبود و اصل غافل‌گیری بی‌معنی.

طراحی عملیات کربلای چهار قریب به ۹ ماه به طول انجامید. سرانجام عملیات انجام شد اما ناگهان عملیات فقل شد. از دلایلی می‌تواند کمک ماهواره‌های آمریکا بوده باشد. خب به همان دلایلی که عرض شد عراق با پانصد گردان، کاملاً آماده بود. آمار آن عملیات را متفاوت می‌دهند، آقای هاشمی می‌گفت: طبق گفته‌های فرماندهان ۳۹۰۰ شهید و ۱۱ هزار زخمی در این عملیات تقدیم شده یعنی حدوداً از ۳۰۰ گردانی که برای این عملیات آماده شده بود حدود ۵۰ گردان آسیب دیدند. عقلانیتی که فرماندهان به خرج دادند این بود که به سرعت فرمان عقب‌نشینی دادند و اجازه ندادند آسیب ما بیش از این باشد.

بلافاصله بعد از کربلای چهار فرماندهان مشغول بررسی و مشورت شدند؛ با این نیرویی که از تمام شهرهای ایران آمده‌اند چه کنند. اگر برونند دیگر جمع‌آوری آن‌ها برای یک عملیات جدید بسیار سخت خواهد بود. همچنین تغییر مواضع نیز در آن شرایط حداقل یک ماه به طول خواهد انجامید و لذا تصمیم بر این شد که فقط جهت توپخانه را عوض کنند و عملیات جدیدی را شروع کنند.

از طرفی نیز عراق می‌پنداشت که ایران حدود ۷۰ درصد از نیروهایش را در این عملیات از دست داده است و دیگر به این زودی‌ها نمی‌تواند عملیات جدیدی انجام دهد؛ حتی صدام بعد از این عملیات به مکه رفت برای نماز شکر و پیروزی. در ظرف پانزده روز عملیات کربلای پنج طراحی شد. در کربلای چهار نیروها فقط از یک سمت توانسته بودند جبهه جدیدی را شکل بدهند که آن‌هم از طرف «پنج‌ضلعی» بود. تصمیم بر این شد در عملیات آینده نیز از همین قسمت عمل بشود. بر اساس همین تحلیل‌ها بعضی فرماندهان، عملیات کربلای چهار و کربلای پنج را یک عملیات می‌دانند. هنر فرماندهان در آن مقطع این بود که از تهدید کربلای چهار، فرصتی را مهیا کنند برای کربلای پنج.

به عقیده شما سرنوشت عملیات «کربلای چهار» چه شد و مهم‌ترین عامل پیروزی در عملیات «کربلای پنج» چه بود؟

اکنون باتجربه‌هایی که طی همه عملیات‌های گذشته به دست آمده بود و با توجه به جبهه‌هایی که باز شده بود و آمادگی نیروها همه چیز مهیا بود برای عملیات کربلای چهار. فرماندهان با یک سنجش عقلانی و دقیق این عملیات را طراحی کردند. همه می‌دانستند که اگر می‌خواهند تحولی در جنگ ایجاد شود باید در نقطه مشخص شده‌ی این عملیات، انجام شود. باید توجه داشته باشیم که اصل غافل‌گیری یکی از اصل‌های اساسی هر عملیاتی نیست و خیلی از عملیات‌های جهان این اصل را نداشته‌اند.





حال و هوای بچه های گردان تخریب در فاصله بین کربلای چهار و پنج چگونه بود؟

بعد از کربلای چهار فقط از گردان تخریب ۱۶ نفر شهید شده بودند، حدود ۳۰ نفر زخمی نیز بودند. خودم مجروح شده بودم، مسئول واحد هم همین طور، دستان بسته بود. کارها باید به سرعت برای کربلای پنج آماده می شد. همچون آب وضو خون از پنجه های دستم سرازیر شده بود؛ به دکتر گفتم یک آمپولی بزن که ما سریع برگردیم خط. بعد از این چیزی یادم نیامد تا اینکه داخل قطار به هوش آمدم و دیدم نزدیک قم هستیم. به خانه نرفتم و با قطار دیگری برگشتیم؛ آخر روی دیدن خانواده ها را نداشتیم، شرمنده مردم بودیم، همه بچه ها این جوری بودند. هرچند چهار پنج ماهی بود که مادرم را ندیده بودم.



آیا نگران نبودید که این عملیات هم قفل بشود؟

جنگ ما جنگ تکلیف مداری بود، فرمانده ها همچون حسن باقری همیشه می گفتند که ما عاقلانه فکر می کنیم و عاشقانه می جنگیم. طبق بررسی ها و عقلانیت ورزی ها عملیات کربلای پنج بایستی انجام می شد. فاصله بین کربلای چهار و کربلای پنج از زیباترین ارزش های انسانی و قشنگ ترین صحنه های عاشقی لبریز بود. میدان توسل، توکل و انابه به درگاه خالق هستی بود. بچه ها همچون ابر بهار می گریستند و هر کدام خود را مقصر موفق نبودن عملیات می دانستند. با خدای خود این گونه راز و نیاز می کردند که «خدایا! تو را به بهترین بندگان قسم می دهیم، بی لیاقتی ما را به پای بقیه ننویس». به خاطر اندک غفلتی که آن ها را فرا گرفته بود از خدای خود تقاضای بخشش داشتند و عاشقانه با او مناجات می کردند.

با وجود خستگی های کربلای چهار ولی بچه ها انگار نه انگار، عاشقانه و عارفانه شبانه روز تلاش می کردند تا عملیات جدیدی را پایه ریزی کنند، نکند شرمنده مردم و امام شوند.

اگر کسی می خواهد ذره ای حال و هوای فاصله بین کربلای چهار و کربلای پنج را درک کند باید در اعتکاف ها دنبال آن بگردد؛ حال و هوا همچون حال و هوای اعتکاف بود «مبادا خدایا به خاطر من بی لیاقت این عملیات موفق نشود».

ما خودمان را جلوی خدا زمین زدیم، به خدا گفتیم فقط تویی



مأموریت گردان شما در کربلای پنج چه بود؟

به بچه های گردان تخریب - با اینکه بسیاری از دوستانشان را از دست داده بودند - مأموریت داده شد که جاده امام رضا علیه السلام را پاک سازی کنند. به فرمانده گفتیم به نظرت اگر یک موش را در این جاده رها

کنیم، می تواند سالم برسد؟ گفت: نه، ولی ببین! ما همه عقلانیت و تجارب جنگ را به کار گرفتیم، تنها راه ما این است که این جاده را باز کنیم. به لطف و عنایت خدا بچه های گردان تخریب این جاده را باز کردند. «این جنگ، جنگ توسل و توکل بود».



از حال و هوای انتخاب رمز عملیات کربلای پنج بگوئید و این که چه اثر روحی و معنوی بر عملیات و رزمندگان گذاشت؟

همه آماده هستند، همه با توکل به خدا و با چشم گریان منتظر اعلام عملیات هستند، استرس عجیبی در بچه ها بود، این حال و هوا کاملاً برخلاف حال و هوای کربلای چهار است، آنجا بچه ها هیچ استرسی نداشتند. اینجا با خود فکر می کردند اگر این بار هم نشود جواب خانواده شهدا را چه بدهند؟ جواب امام را چه بدهند؟ اگر این بار موفق نشوند چه خواهد شد؟ در این لحظه از قرارگاه اعلام شد به نام نامی حضرت زهرا سلام الله علیها رمز عملیات «یا فاطمة الزهرا سلام الله علیها» است. بعد از اعلام رمز عملیات، آرامش عجیبی بر دل هایمان حاکم شد، گویا نوایی در وجودمان با ما نجوا می کرد که مادرمان حضرت زهرا سلام الله علیها این عملیات را رهبری خواهند کرد. بسیاری از رزمندگان به اتفاق ایمان دارند که در کربلای پنج حضرت زهرا سلام الله علیها برایمان مادری کرد.

رمز عملیات برای ایجاد هماهنگی بین نیروها است. این رمز را فرمانده مشخص می کند. خب کربلای پنج مصادف بود با ایام فاطمیه. در دنیا رمز عملیات را به یک نحوی انتخاب می کنند که نیروها انرژی بگیرند. فقط خدا می داند که رمز یا فاطمة الزهرا سلام الله علیها بادل ها چه کرد! من کربلای پنج را عملیات مادرانه حضرت زهرا سلام الله علیها می دانم. بچه ها همه با تمام وجود حس می کردند که حضرت عنایت قطعی دارند. همه ذکر لیشان یا زهرا سلام الله علیها بود، بسیجی ها، فرمانده ها و همه یک صدا ذکر دلشان یا زهرا سلام الله علیها بود. شلمچه زهرایی شده بود. عنایت ایشان بود که توانستیم جاده امام رضا علیه السلام را باز کنیم.



مستحضرید که موضوع این شماره ماهنامه هیأت «فاطمیه» است؛ در طول دفاع مقدس ارتباط رزمندگان با اهل بیت (علیهم السلام) به ویژه حضرت زهرا سلام الله علیها چگونه بود؟

آن قدر ارتباط شهدا با حضرت زهرا سلام الله علیها زیاد و قوی است که زمانی که به مدینه مشرف شدم، شروع کردم به نوشتن خاطرات زهرایی شهدا در بقیع. راه می رفتم و می نوشتم، چند باری وهابی ها قلم و کاغذ را از دستم گرفتند اما من ادامه دادم؛ حاصلش یک کتاب شد. بعد از آنکه از بقیع بیرون آمدم یکی از اعضای بعثه را دیدم، گفت آرزوی چندین ساله من است که یک یادواره شهدای پرشور در مدینه برگزار کنم، حالا که شما را دیدم خواهش می کنم یک

ما خودمان را جلوی خدا زمین زدیم، به خدا گفتیم فقط تویی ...

جنگ ما جنگ تکلیف مداری بود، فرمانده ها همچون حسن باقری همیشه می گفتند که ما عاقلانه فکر می کنیم و عاشقانه می جنگیم. طبق بررسی ها و عقلانیت ورزی ها عملیات کربلای پنج بایستی انجام می شد.

فرصتی به ما بدهید. گفتم همین امشب که بهترین شب است. آن شب، شب شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها بود. آنجا یک یادواره برگزار کردیم اسم این کتاب شد «خط عاشقی ۲». خطبا و مداحان عزیز می توانند در ایام فاطمیه از این کتاب استفاده کنند، حیف است هیأتی ها خاطره شهید محمد اسلامی نسب را نخوانند، خاطرم هست زمانی که فیلم صحبت های او را به حضرت آقا نشان دادند، آقا فرمودند: «ما مطمئنیم اینان محضر مبارک حضرت صدیقه کبری سلام الله علیها را درک کرده اند».

یک چیز را نسل ما باید بدانند، بچه ها تمام دارایی شان را به میدان آوردند و با تمام وجود توکل و توسل کردند و این رمز پیروزی شان بود. بچه های اطلاعات و عملیات در این فاصله ی یک شب نخوابیدند. عقلانیت را به میدان آوردند، جان شان را به میدان آوردند، آنگاه توکل و توسل کردند و همه چیز را به خدا سپردند، این گونه بود که موفق شدند. هیچ کس باور نمی کرد که ما بعد از کربلای چهار بتوانیم در عرض ۱۵ روز کربلای پنج را پایه ریزی کنیم. هیچ کس باور نمی کرد بتوانیم از ارونند عبور کنیم. ما در جنگ «نشدها» را «شد» کردیم. بچه های کربلای پنج، بچه های گام اول انقلاب اند که از موانع ارونند عبور کردند، سرعت آب ارونند ۷۰ کیلومتر بر ساعت است. بچه های گام اول انقلاب با توکل، توسل و جهاد عاشقانه قدرت خود را به رخ جهان کشیدند. بچه های رزمنده ۸۵۰ بار از ارونند عبور کردند. یکی از این رزمنده ها دانش آموز ۱۶ ساله ای است که در کربلای پنج چندین بار برای شناسایی رفت. بچه های گام اول انقلاب محقق کننده اسمای الهی بر روی زمین شدند، آن ها واسطه های فیض الهی شدند. شهید ردانی پور می گفت: «بندگی خدا را بکنید تمام عالم مسخر شما خواهد شد».

برای شناسایی والفجر هشت وقتی که وارد شدیم لب ارونند پر از نخل خرما بود، این چهار پنج سال جنگ مردم آن ها را رها کرده بودند، خرما ی هرساله پای نخل ها جمع شده بود، چندین تن خرما آنجا دیو شده بود. هیچ یک از بچه ها به آن ها دست نزدند و می گفتند این مال مردم است؛ این شد که یک نامه برای امام رحمة الله علیه نوشتند که آیا اجازه هست ما از این خرماها بخوریم؟ امام با حالا نماینده امام فرمودند: اشکال ندارد خرماهایی که زمین ریخته را بخورید. شهید اسماعیل حیدری را دیدم یک سطلی برداشته با هیجان به من گفت بریم خرما ی حلال. آنجا بود که متوجه شدم این پسر چقدر خرما دوست دارد اما به خاطر خدا نمی خورد. با یک ذوق و شوقی داشت خرماها را از زیر نخل جمع می کرد، ناگهان یکی از بچه ها با سنگ به خوشه خرما ی روی درخت زد،

مقداری خرما روی دیو ریخته شد. دیدم اسماعیل حالش بد شد. گفتیم بابا خشکه مقدس بازی در نیار. سی و چهار سال است که صدایش در گوشم مانده که گفت: «من اگر خرما ی شبهه ناک بخورم، نمی توانم از ارونند عبور کنم». اسماعیل حیدری یکی از آن بچه هایی بود که توانست جاده امام رضا

علیه السلام را باز کند. اگر من بخواهم بعضی اسرار این بچه ها را بگویم بالینکه سی و چند سال است که از جنگ گذشته اما باز بعضی ها باور نمی کنند.



با حال و هوای فاطمی که از شهدا به نسل امروز ما منتقل شده است چگونه می توان در گام دوم انقلاب گام برداشت؟

امروز هم مثل دیروز اگر ما می خواهیم گام دوم انقلاب را نیز همچون گام اول انقلاب برداریم فرمولش این است که «مثبت خدا» بشویم؛ یعنی خودمان را بعلاوه خدا بینیم. با این فرمول است که می توان همچون بچه های کربلای پنج شد. این بود که حضرت آقا فرمودند: «با این ستاره ها می شود راه را پیدا کرد».



برخی امروز انگیزه ندارند و امیدشان کم شده و گویا احساس خستگی می کنند؛ برای آنها چه پیامی دارید؟

چه کسانی کم آورده اند؟ چه کسانی خسته شده اند؟ چه کسانی در موانع گیر کرده اند؟ حسین خرازی فرمانده لشکر است، با تمام توان به خط زده و به دل موانع رفته، خسته و کوفته برمی گردد، بسیاری از این فرماندهان با جرئت می توان گفت که در ۲۴ ساعت شبانه روز در بعضی عملیات ها شاید یک ساعت هم نمی خوابیدند، شهید تورجی می گوید حاج حسین خرازی با همان حال خسته پشت بی سیم مرا خواست، مجتبی برایم روضه بخوان، روضه حضرت زهرا سلام الله علیها. می دانید پشت بی سیم نمی شود پشت سر هم سخن گفت، شهید تورجی می گوید نمی دانستم چگونه پشت بی سیم روضه بخوانم، به ذهنم زد این شعر را به این شکل بخوانم گفتیم: در بین آن دیوار و در زهرا صدا می زد پدر، زهرای من، زهرای من، زهرای من. حاج حسین با همین بیت زارزار گریه می کرد. این برای امروز من و شما حرف دارد، سرداری با آن عظمت به ما می گوید که اگر کم آورده ای، ناامید شده ای، این توسل شما را زنده می کند، به شما روحیه می دهد.



به نظر شما امروز امتحان جوانان هیأتی، بسیجی و حزب اللهی سخت تر و سنگین تر است یا امتحان جوانان رزمنده دیروز؟

آن زمان امکانات خیلی کم بود الآن زیاد شده است. ما هنوز از کربلای چهار و پنج نگفته ایم ما هنوز از جنگ چیزی نمی دانیم. روزی که حادثه پلاسکو اتفاق افتاد من دیدم چندین شبکه به صورت مستقیم این خبر را پوشش می دهند؛ همه ناله می زدند در سوگ آن جوانانی که با ایثار و فداکاری جان خود را فدا کردند. حق هم همین بود باید همین کار را می کردند، اما من به شما بگویم در کربلای پنج ما فقط ۳۰۰۰ مفقودی داشتیم. از این تعداد، کم نبودند رزمنده هایی که سوختند و پریپر شدند. ما حدود ۱۱۰۰۰ شهید

این برای امروز
من و شما حرف
دارد، سرداری با
آن عظمت به ما
می گوید که اگر کم
آورده ای، ناامید
شده ای، این توسل
شما را زنده می کند،
به شما روحیه
می دهد.

دادیم. نمی دانم تاکنون چه تعداد از این مفقودی ها را پیدا کرده اند اما بسیاری سوختند و خاکستر شدند. نباید بگذاریم این ها به فراموشی سپرده شود. این حماسه ها حماسه های عجیبی است. در ایام فاطمیه باید از عاشقان واقعی حضرت صحبت بکنیم، از دل سوختگان حضرت بگوییم که چگونه حماسه آفریدند، من از خطیبان عزیز خواهش می کنم که در منبر خودشان از این حماسه ها و از این انسان های عاشق و شیدا سخن بگویند که ان شاء الله منبرایشان نیز برکت خواهد یافت. ما هنوز چیزی از جنگ را نتوانستیم بیان کنیم هنوز هم احمد غلام پورها و بسیاری دیگر گمنام اند و مردم نمی دانند این ها چه حماسه هایی خلق کردند.



با توجه به نیاز امروز انقلاب، محوری ترین انگیزه ای که همه حول آن کار بکنند چیست؟

شهادت به ما یاد دادند با خدا باش پادشاهی کن. مهم ترین نیاز ما این است که خدا را در خودمان تقویت کنیم. کسی که به خدا ایمان دارد مردم را رها نمی کند.



بسیجی های امام خامنه ای حفظه الله را در قیاس با بسیجی های امام خمینی رحمه الله علیه چگونه ارزیابی می کنید؟

ما شهید اسماعیل حیدری را دیدیم، ما شهید زین الدین را دیدیم، ما شهید خرازی را دیدیم، ما آن شهید ۱۶ ساله را دیدیم؛ اما امروز هم داریم حججی ها را می بینیم، امروز هم داریم صدرزاده ها را می بینیم، داریم شهید سیاهکالی ها را می بینیم. آن هم نه اینکه از کشور خودشان دفاع بکنند بلکه رفته اند در یک کشور دیگر، به خاطر خدا دارند دفاع می کنند. بسیجی های خامنه ای و خمینی یکی اند. «کربلا» دفاع مقدس را آفرید و دفاع مقدس مدافعان حرم را. شهید حججی که حجت خدا شد، گفت من ذوب در شهید کاظمی هستم.

حضرت آقا جوان انقلابی حزب اللهی انقطاعی می خواهد. انقلابی دوست دار آرمان ها، حزب اللهی اهل جهاد و انقطاعی خودش را فدا کرده و دیگر هیچ ناخالصی ندارد. اگر کسی این فاکتورها را داشت می تواند حضرت زهرا سلام الله علیها و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را یاری کند. شخص انقلابی راهپیمایی می کند، رأی هم می دهد. حزب اللهی جبهه می آید و کمک می کند اما این جوان انقطاعی است که معبر می زند و زیر تیر دشمن می رود و با آرپی جی راه را باز می کند. امروز آقا و ایران، جوان انقلابی حزب اللهی انقطاعی می خواهد. چیزی که اجازه نمی دهد استعدادها بروز کند همین دل بستگی ها است.



با توجه به وضعیت امروز کشور، شما در یادواره ها و سخناتان با چه فرمولی به جوانان امید می دهید؟

این سؤال را در دانشگاه هم از من پرسیدند، گفتند یک حرفی بزنید که ما امید پیدا کنیم انقلاب دارد پیش می رود. به او گفتم: «من یک عکسی دارم در قم دهه شصت. عکس جمعی که عازم جبهه هستیم، یک پلاکارد آنجا دستانمان است که رویش نوشته است راهیان جبهه. یک عکس دیگری دارم که برای دهه ۷۰ است در کنار مرز عراق، عکس دسته جمعی با دانشجویان که روی پلاکاردی نوشته است راهیان نور. دهه ۸۰ نیز یک عکس یادگاری دارم در کربلا همراه دانشجویان انداخته ایم روی پلاکارد آن نوشته است راهیان کربلا. دهه ۹۰ نیز با گروهی از دانشجویان به لبنان رفتیم و یک عکس یادگاری در مرز اسرائیل انداختیم. روی پلاکارد نوشته بودیم راهیان قدس؛ یعنی دهه ۶۰ در قم راهیان جبهه، دهه ۷۰ در نزدیکی مرز عراق راهیان نور، دهه ۸۰ در خود عراق راهیان کربلا و دهه ۹۰ در کنار مرز اسرائیل راهیان قدس. اگر این انقلاب پیشرفت نکرده است پس چه کرده است؟ بچه ها ببینید که خون شهدا اثر کرده است. ببینید که انقلاب پیشرفته است؛ و عکس آخر ان شاء الله عکس دسته-جمعی خواهد بود در قدس. ان شاء الله دهه پنجم انقلاب عکس یادگاری راهیان حج را خواهیم انداخت.



ایمان به خدا کجا ایجاد می شود آیا در هیأت، یا در محل کار، یا در گوشه حجره و حوزه یا در گوشه خوابگاه و دانشگاه؟ نه اصلاً! این که اسلام نیست، این اسلام آمریکایی است، اسلام ناب سیاست دارد، اقتصاد دارد، فرهنگ دارد، جامعه دارد. مشکل اصلی این است که مردم «دین دار» هستند اما «دین دان» نیستند؛ فهم معارف دین در بین مردم کم شده است. آقا می گویند: «نهج البلاغه آیین نامه انقلاب اسلامی است» چرا نهج البلاغه نمی خوانیم؟ با این معرفت و بصیرت در هر جا و هر کاری که باشیم راه را گم نمی کنیم.



به عنوان آخرین جملات، احساسات را در مورد واژگانی که عرض می کنم بیان فرمایید.

- امام خمینی رحمه الله علیه: شبیه ترین فرد غیر معصوم به معصوم. صیغه عقد ما را امام خوانده است.
- شلمچه: فاطمیه ایران
- شهید زین الدین: بهترین و زیباترین تابلوی جوان مؤمن انقلابی.
- شهید عبدالله میثمی: شیخ عارف، عاشق دل سوخته حضرت زهرا سلام الله علیها.
- سردار حاج حسین کاجی: سردار که شهدا هستند و کاجی هم که جامانده از قافله شهدا.
- امام خامنه ای حفظه الله: مدیری بدیل جهان اسلام.
- کانال ماهی: کانال آتش و خون و مقاومت.
- دی ۶۵: فاطمیه، ماه عروج بهترین رفقایم.
- بسیجی خامنه ای: اهل توکل، توسل و تلاش.
- نهر خین: سکوی پرواز شهدای کربلای چهار لشکر ۱۷
- قطعنامه: اوج تکلیف مداری و اطاعت از ولایت.
- کلام آخر: ان شاء الله عاقبت به خیر شوید.



۶۸

ولایتمداری حضرت زهرا علیها السلام

قالب آموزشی تهیه محتوای منبر فاطمی بر اساس شیوه تخصصی تبلیغ و خطابه

۷۱

کارکردهای فرهنگی شهادت سپهبد قاسم سلیمانی

الگوهای رفتاری در بازخوانی سیره و شخصیت شهید حاج قاسم سلیمانی

۷۴

ارتباط نهفتی فاطمیه و مهدویت

بازخوانی معارف فاطمی و مهدوی در گفتگو با حجت‌الاسلام محمدباقر حیدری کاشانی

موضوع منبر:

ولایتمداری حضرت زهرا علیها السلام

حجت الاسلام حسین کایدی



مخاطب محسوس شد، لازم است تا در بخش «رفتارسازی» که هدف غایی سخنرانی دینی است به منظور تأثیرگذاری در بُعد رفتاری مخاطب، راهکارها و رفتارهایی جزئی برای اجرا به او ارائه گردد. در پایان نیز گریز و روضه آورده شده است که باید «اصل تناسب» با موضوع بحث و ایام فاطمیه در آن لحاظ گردد. البته محتوای حاضر به عنوان یک نمونه کار، ارائه شده است و سخنرانان محترم می توانند متناسب با موضوعات مدنظر به تهیه فیش های دیگر در همین قالب اقدام نمایند.

در این فیش محتوای مناسب در قالب تخصصی «فیش منبر دینی» و بر اساس تبیین موضوع «ولایتمداری حضرت زهرا علیها السلام» تنظیم شده است. سخنران محترم با استفاده از فیش حاضر قادر خواهد بود ابتدا با ارائه بخش «انگیزه سازی»، انگیزه لازم برای همراهی مخاطب را ایجاد نماید سپس با هدف قانع کردن مخاطب از حیث فکری و بُعد اندیشه ای بحث، به ارائه بخش «اقناع اندیشه» بپردازد. پس از آن برای درگیر کردن احساسات مخاطب نیازمند ارائه نمونه ها و مثال هایی در قالب داستان و حکایت می باشد که به آن «پرورش احساس» می گویند. اکنون که مطالب برای

هیات

۶۶

۱. انگیزه سازی

روزی حضرت زهرا علیها السلام از رسول خدا ﷺ درخواست کرد که خادمی برای او فراهم نماید تا در کارهای خانه او را یاری کند. رسول خدا ﷺ نیز در یکی از جنگ ها و غزه ها، اسیرانی نصیبش شد، آن ها را تقسیم فرمود و دوزن را نگه داشت. پس حضرت زهرا علیها السلام خواستند و دست یکی از آن دو را گرفته، در دست فاطمه علیها السلام گذاشتند و فرمودند: ای فاطمه! این از آن تو باشد، مبادا او را کتک بزنی؛ زیرا من دیدم که نماز می خواند و جبرائیل مرا از این که نمازگزاران را کتک بزنم، نهی کرد و براین سفارش و توصیه، تأکید فرمود. فاطمه علیها السلام که دید پدر بزرگوارشان مرتب سفارش این کنیز را می کنند، روی به حضرت کرده و عرضه داشتند: ای رسول خدا! کارهای خانه یک روز بر عهده من و یک روز بر عهده او باشد. اشک از دیدگان رسول خدا ﷺ سرازیر شد و فرمود: «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ؛ خدا بهتر می داند رسالتش را کجا قرار دهد»^۱ و «ذُرِّيَّةَ بَعْضِهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ فرزندانی که

می دارند و در حال رکوع زکات می دهند»^۲. پس ولایت بندگان صالح خداوند از جانب خود او است. از طرف دیگر پیامبر گرامی اسلام ﷺ بارها و بارها این بندگان صالح خدا که دارای ولایت هستند را معرفی می نماید و اطاعت خداوند را متوقف بر اطاعت این انوار درخشان اعلام می دارد؛ امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: از رسول خدا ﷺ شنیدم که می فرمود: «أَنَا سَيِّدُ آدَمَ وَأَنْتَ يَا عَلِيُّ وَالْأَيُّمَةُ مِنْ بَعْدِكَ سَادَةُ أُمَّتِي. مَنْ أَحَبَّنَا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَمَنْ أَبْغَضَنَا فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ وَمَنْ وَالَانَا فَقَدْ وَالَى اللَّهَ وَمَنْ عَادَانَا فَقَدْ عَادَى اللَّهَ وَمَنْ أَطَاعَنَا فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَانَا فَقَدْ عَصَى اللَّهَ؛ من سید اولاد آدمم و ای علی! تو و امامان بعد از تو سادات امت من هستید. هر که ما را دوست بدارد خداوند متعال را دوست داشته و هر که نسبت به ما بغض داشته باشد، نسبت به حضرت حق، بغض داشته است. هر کس که به ولایت ما باشد به ولایت خداست و هر که دشمن ماست دشمن خداست. هر که فرمان ما را ببرد، خداوند متعال را فرمان

بعضی از آنان از [نسل] بعضی دیگرند و خداوند شنوای داناست»^۳. آری! فاطمه علیها السلام وقتی حساسیت پیامبر گرامی اسلام ﷺ را می بیند، این گونه اطاعت از امر ولی را پاسخ می گوید و ولایتمداری خویش را در برابر توصیه های پیامبر اکرم ﷺ بدین صورت به اثبات می رساند.

۲. اقناع اندیشه

خداوند متعال در قرآن کریم ولایت و سرپرستی را مختص خویش دانسته و می فرماید: «أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَإِنَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ؛ آیا به جای او سرپرستان و معبودانی برای خود گرفته اند در حالی که سرپرست و معبود واقعی خداست؟!»^۴. البته او برای بندگان صالح و فرمان بردار که در مسیر او قدم برمی دارند و برای هدایت بشر می کوشند نیز این ولایت را قرار داده است و می فرماید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ؛ ولی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند؛ همان کسانی که نماز برپا

برده و هر که نافرمانی ما کند، همانا او را نافرمانی کرده است».^۶

این ولایت الهی آن قدر پراهمیت است که یکی از ارکان اسلام معرفی شده است؛ امام باقر (ع) می‌فرماید: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ، وَ الزَّكَاةِ، وَ الْحَجِّ، وَ الصَّوْمِ، وَ الْوَلَايَةِ؛ وَ لَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا تُودَى بِالْوَلَايَةِ، فَأَخَذَ النَّاسُ بِأَرْبَعٍ وَ تَرَكُوا هَذِهِ يَعْنِي الْوَلَايَةَ؛ اسلام روی پنج پایه بنا نهاده شده: نماز و زکات و روزه و حج و ولایت؛ و به چیزی مانند ولایت فریاد زده نشده است. پس مردم آن چهار را گرفتند و این یعنی ولایت را رها کردند».^۷

با این تفصیل برای ما بسیار قابل تأمل است که حضرت زهرا (ع) با آن رفعت مقام و مرتبه که رسول خدا (ص) بارها زبان به مدح آن حضرت گشوده و در شأن آن بانوی بزرگوار تعابیری مانند: «بَضْعَةٌ مِنِّي» پاره‌ای از وجودم، «نُورٌ عَيْنِي» نور دیدگانم، «ثَمَرَةُ قَوَادِي» میوه دلم، «رُوحِي أَلَيْ بَيْنَ جَبْنِي» روحم که در درون من است،^۸ فرموده‌اند، بازهم می‌بینیم که آن شفیعه محشر در مقابل پدر عظیم‌الشأن و شوهر والامقامشان که ولی خدا بودند، با تواضع کامل برخورد کرده و فرمان‌های آن بزرگواران را به طور کامل اجرا می‌نمودند. لازم به ذکر است در تعابیری که آقا رسول الله (ص) به کار می‌برد هیچ‌گونه غلوی نیست و حضرت این کلمات را از روی احساسات نفرموده‌اند؛ زیرا خداوند حکیم در رابطه با ایشان می‌فرماید: «وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ؛ و از روی هوا و هوس سخن نمی‌گوید. گفتار او چیزی جز وحی که به او نازل می‌شود، نیست».^۹

لذا می‌بینیم که حضرت زهرا (ع) در ماجرای غصب فدک و خطبه‌ای که ایراد فرمودند، کاملاً سخنان و رهنمودهای امام علی (ع) را به اجرا گذاشتند و حتی استدلال‌های آن بانوی بزرگوار، برگرفته از سخنان امیرالمؤمنین (ع) بود.^{۱۰} همچنین مشاهده می‌کنیم که جریان نهضت گریه آن حضرت با حمایت و هدایت امام (ع) صورت می‌گیرد و بعد از اعتراض مردم مدینه، حضرت زهرا (ع) با تأیید امام ولایت‌مداری حضرت صدیقه طاهره (ع) به حدی بود که حتی پس از تصمیم بر

نفرین، با درخواست امام علی (ع) از این تصمیم منصرف می‌شود.^{۱۱} و این‌گونه به همگان نشان می‌دهد که حتی با آن همه صدمات، برای نفرین نمودن نیز باید از ولی امر تبعیت نمود.

حضرت فاطمه (ع) همچنین با همراهی امیرالمؤمنین (ع) در رفتن به در خانه انصار و یاری طلبی از آن‌ها به وضوح نشان دادند که حتی در انجام فعالیت‌های تبلیغاتی نیز باید در جهت رهنمودهای ولی امر و با هماهنگی او عمل نمود و از تنهایی در این مسیر نباید هراسی به دل راه داد بلکه با انجام وظایف و به کار بردن تمام توان خویش و تلاش در ایجاد ابتکار عمل، باید تا پای جان در این مسیر استقامت نمود. بدین صورت است که ولایت‌مداری حقیقی انجام می‌پذیرد.

درس دیگری که آن بانوی مظلومه به امت اسلامی می‌آموزد این است که همواره باید خود را با مسیر حق و راه ولایت بسنجیم و تأیید صحت تلاش‌ها و انجام درست وظایف را از ولی امر خویش بگیریم؛ لذا می‌بینیم که حضرت زهرا (ع) حتی در هنگام شهادت با همه زحماتی که برای امام زمان خویش کشیده است، بازهم به دنبال مهر تأیید امام خویش بر اعمال و رفتار خود می‌باشد لذا این‌گونه با ولی امر خویش سخن می‌گوید: «پسرمو! آیا در این مدتی که تو با من معاشرت داشتی، دروغ و خیانت و مخالفتی از من دیدی؟» حضرت علی (ع) فرمودند: «ابداً به خداوند پناه می‌برم! توبه وجود خداوند داناتر و نیکوکارتر، پرهیزگارتر، گرمای‌ترواز خدا خائف‌تراز آنی که من تو را به علت مخالفت کردن سرزنش نمایم».^{۱۲}

از این پاسخ امام علی (ع) معلوم می‌شود که حضرت زهرا (ع) در همه شئون زندگی، چه در باب زندگی شخصی یعنی اطاعت از شوهر و چه در زمینه مسائل اجتماعی یعنی تبعیت از مقام ولایت، همواره تابع و یاور حضرت بوده است و بعد از این تلاش بی‌وقفه آن بانوی مکرمه مهر تأیید بر ولایت‌مداری خود را از امام زمانش می‌گیرد. امروز که در عصر غیبت امام زمان (ع) به سر می‌بریم ما نیز آزمون پذیرش ولایت را پیش روی خویش می‌بینیم؛ که اگر همان آزمون دشواری که از مسلمانان صدر

اسلام گرفته شد از ما گرفته نشود عدالت در آزمون‌های الهی برقرار نشده است فلذا یقیناً این آزمون برای ما نیز وجود دارد اما در شکلی دیگر و با ظاهری جدید.

در زمان صدر اسلام مسلمین از آزمون ولایت‌مداری سربلند بیرون نیامدند و سخن پیامبر را نادیده گرفتند و با اینکه حضرت زهرا (ع) نمونه‌ای کامل از ولایت‌مداری را به نمایش گذاشتند بازهم امام خویش را تنها گذاشتند. اینک پس از هزار و چهارصد و اندی سال ما در برابر این آزمون بزرگ قرار داریم که آیا کلام امامان معصومان (ع) را می‌پذیریم و یا از پذیرش آن سرپیچی می‌کنیم؛ آنجا که فرمودند: «فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا، فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُ، فَإِنَّمَا اسْتَحَقَّ بِحُكْمِ اللَّهِ وَ عَلَيْنَا رَدُّ، وَ الرَّأْيُ عَلَيْنَا الرَّأْيُ عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ عَلَى حَدِّ الشَّرْكِ بِاللَّهِ».

آری! آزمون بزرگ ولایت‌مداری ما تبعیت از فقیه جامع‌الشرایطی است که مدبرانه زمام امور را به دست گرفته است و با پیروی از بانوی گرامی اسلام، علم مبارزه با کفر و نفاق را در اهتزاز نگه داشته است. لذا وظیفه هر شیعه ولایت‌مدار، پیروی از ولایت فقیه است تا با تأسی به حضرت زهرا (ع) با سکوت ولی زمان خویش، سکوت و با فریاد او فریاد سردهد.

۳. پرورش احساس

هرگاه رسول خدا (ص) از سفری بازمی‌گشت، اولین کسی را که دیدار می‌نمود، فاطمه زهرا (ع) بود، پس در آن هنگام به مدتی طولانی در نزد او توقف می‌کرد. در یکی از این سفرها که پیامبر از مدینه خارج شده بود، حضرت فاطمه (ع) دو خلخال از نقره، یک گردنبند، دو گوشواره و پرده‌ای خریداری نمود تا در بازگشت پدر و شوهرش از سفر، تنوعی برای ایشان باشد. هنگامی که پیامبر (ص) از مسافرت بازگشت، مثل همیشه اول به خانه حضرت فاطمه (ع) رفت، اصحاب پیامبر همچنان بر در خانه فاطمه (ع) ایستاده بودند و چون از مدّت مکث پیامبر (ص) در نزد دخترش اطلاع نداشتند، نمی‌دانستند که آیا باید توقف کنند یا برگردند؟ هنوز، مدّت زیادی سپری نشده بود که رسول خدا (ص) از خانه حضرت فاطمه (ع) خارج شدند درحالی‌که آثار

غضب در چهره ایشان کاملاً مشهود و قابل تشخیص بود و در همان حال به سوی منبر مسجد رفته در کنار آن بر زمین نشستند. هنگامی که پیامبر ﷺ با غضب از خانه دخترش خارج شد، حضرت فاطمه ﷺ دریافت که خشم رسول خدا ﷺ به سبب مشاهده خلخال‌ها، گوشواره، گردنبند و آن پرده بوده است؛ لذا به سرعت آن‌ها را جمع‌آوری نموده و به حضور پدرش فرستاد و به کسی که آن‌ها را می‌برد فرمود: «سلام مرا به پدرم برسان و بگو که این‌ها را در راه خدا به مصرف برساند».

وقتی که آن شخص نزد رسول خدا ﷺ آمد و پیغام حضرت فاطمه ﷺ را به او رسانده و بسته محتوی آن وسایل را به ایشان تحویل داد، پیامبر سه مرتبه فرمودند: «پدرش به فدایش باد، پدرش به فدایش باد، پدرش به فدایش باد» و بعد فرمودند: «دنیا در نزد محمد و آل محمد ﷺ ارزشی ندارد، چرا که اگر دنیا به اندازه بال یک پشه ارزش داشت، همانا خداوند متعال ذره‌ای از آن را نصیب کافر نمی‌نمود». پس از این سخن برخاست و به نزد دخترش فاطمه ﷺ رفت.^{۱۰}

۴. رفتارسازی

عیسی بن عبد الله قمی از حضرت صادق ﷺ روایت کرده که آن جناب فرمودند: «هنگامی که خبر خزاعه و قریش در شام به ابوسفیان رسید، وی بلافاصله خدمت حضرت رسول ﷺ رسید و عرض کرد: یا محمد! خون خویشاوندان خود را حفظ کن و مدت معاهده را زیاد نما. حضرت فرمودند: یا اباسفیان! شما با ما مکر می‌کنید. عرض کرد: ما با شما مکر نمی‌کنیم و به قرارداد خود عمل می‌کنیم. پس از این ابوسفیان به منزل فاطمه ﷺ رفت و گفت: ای دختر پیغمبر! قریش را پناه می‌دهی و به مدت معاهده می‌افزایی تا از گرامی‌ترین زنان باشی؟ حضرت فاطمه ﷺ فرمودند: کسی را که پیغمبر ﷺ پناه دهد، وی در پناه من خواهد بود، پس به فرزندان امر کن تا آنان مردم را در پناه خود بگیرند. عرض کرد: فرزندان من قریش را نمی‌شناسند تا آن‌ها را در پناه خود بگیرند. پس ابوسفیان از نزد حضرت فاطمه ﷺ نیز نومید برگشت.^{۱۱} آری! کسی را که ولی خدا پناه ندهد،

انسان ولایت‌مدار نیز پناه نمی‌دهد و از مولای خویش سبقت نمی‌گیرد تا دشمنان خدا بفهمند که هیچ پناهگاهی جز خداوند و اولیاء او و دین اسلام ندارند.

۵. روضه

شاید بتوان گفت که اوج ولایت‌مداری یک فرد در زمانی معلوم می‌گردد که ولی خدا تنها مانده باشد و نیاز به یاری و کمک نداشته باشد. حضرت زهرا ﷺ در این چنین زمانی به یاری امام زمان خود یعنی امیرالمؤمنین علی ﷺ شتافت و تمام تلاش خود را برای یاری آن حضرت به کار گرفت و در این مسیر لطمه‌های زیادی برایشان وارد شد؛ اما اوج این ولایت‌مداری در زمانی اتفاق افتاد که فاطمه ﷺ می‌خواست از علی ﷺ در مسجد دفاع کند. در روایت آمده است: زمانی که به درب خانه حضرت زهرا ﷺ آمدند «فَدَخَلُوا عَلَی عَلِیٍّ وَ أَخْرَجُوهُ مُلْتَبِئًا؛ پس به درون خانه ریختند و گریبان علی ﷺ را گرفتند و به سوی مسجد کشیدند». در این هنگام حضرت زهرا ﷺ از خانه خارج شد و فرمود: «ای فلان و ای فلان! آیا می‌خواهید شوهر مرا بکشید؟ به خدا اگر او را رها نکنید موهام را پریشان می‌کنم و گریبان چاک می‌زنم و حتماً بر سر قبر پدرم می‌روم و به درگاه خدا ناله می‌کنم». پس حضرت زهرا ﷺ دست امام حسن و امام حسین ﷺ را گرفته و به سوی قبر پیامبر ﷺ به راه افتادند.

پس امام علی ﷺ به سلمان فرمود: «ای سلمان! دختر پیامبر را دریاب. من می‌بینم که دو طرف مدینه زیر و رو می‌شود. به خدا اگر این کار را بکنی زمین، شهر مدینه را با اهلش می‌بلعد». لذا سلمان خود را به فاطمه ﷺ رساند و گفت: «ای دختر پیغمبر! خدا پدرت را از رحمتش مبعوث کرد، از نفرین منصرف شو». فاطمه ﷺ فرمود: «دیگر صبر ندارم. بگذار تا سر قبر پدرم بروم». پس دوباره سلمان گفت: «علی ﷺ مرا به سویت فرستاد و تو را امر کرد که بازگردی». اینجا بود که فاطمه ﷺ فرمود: «أَسْمَعُ لَهُ وَأَطِيعُ فَرَجَعْتُ؛ به حرف او گوش می‌دهم و اطاعت می‌کنم» و سپس بازگشت.^{۱۲}

در کوچه پا به پای علی، یا علی مدد/ جان می‌دهم برای علی، یا علی مدد/ وقت ظهور سر فدیانه آمده/ کوچه شده

منای علی، یا علی مدد/ قامت خمیده در وسط کوچه می‌شوم/ طوفان لافتهای علی یا علی مدد/ مولای من امام من آقای من علی ست/ حی علی الرضای علی، یا علی مدد/ شمشیر روی رهبر من می‌کشند؟ آه/ سر می‌دهم به جای علی، یا علی مدد/ دستم شکست و دست علی را گشوده‌ام/ من می‌خرم بلای علی، یا علی مدد/ محسن شهید و فاطمه هم روسپید شد/ هستی من فدای علی، یا علی مدد^{۱۳}

۱. انعام، ۱۲۴.

۲. آل عمران، ۳۴.

۳. عبدالله بحرانی اصفهانی. عوالم العلوم و المعارف و الأحوال، ج ۱۱، قسم ۱، ص: ۳۵۳.

۴. الشوری، آیه ۹.

۵. المائدة، آیه ۵۵.

۶. محمد بن علی بن بابویه، الأمالی للصدوق، النص، ص: ۴۷۶.

۷. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی ط - دارالحديث، ج ۳، ص: ۵۳.

۸. محمد بن علی بن بابویه، الأمالی للصدوق، النص، ص: ۱۱۳.

۹. النجم، آیه ۳ و ۴.

۱۰. محمد بن محمد مفید، الإختصاص، النص، ص: ۱۸۳.

۱۱. محمد روحانی، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، ترجمه بحار الأنوار، ص: ۶۰۹.

۱۲. محمد بن محمد مفید، الإختصاص، النص، ص: ۱۸۶.

۱۳. محمد روحانی، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، ترجمه بحار الأنوار، ج ۴۳، ص: ۶۳۱.

۱۴. محمد بن یعقوب الکلینی، الکافی ط - دارالحديث، ج ۱، ص: ۱۶۸.

۱۵. محمد روحانی، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، ترجمه بحار الأنوار، ص: ۱۹۵.

۱۶. فضل بن حسن طبرسی - عزیز الله عطاردی قوچانی، ترجمه إعلام البوری، ص: ۱۵۵.

۱۷. شیخ مفید، محمد بن محمد، الإختصاص، ص: ۱۸۶.

۱۸. شاعر: یوسف رحیمی.



کارکردهای فرهنگی

شهادت سپهبد حاج قاسم سلیمانی

با بازخوانی سیره و شخصیت شهید حاج قاسم سلیمانی، درس‌ها و رفتارهای آموزنده‌ای رخ می‌نماید که می‌توان در قالب الگوهای رفتاری این شهید بزرگوار در محافل مذهبی و جلسات وعظ و خطابه از آنها بهره جست. در ادامه طرح بحثی با عنوان «کارکردهای فرهنگی» با الهام از زندگی و سیره سردار دل‌ها تقدیم مخاطبان ماهنامه هیأت می‌گردد.

الاعظم (عج) تپید و به درد آمد. به فرموده امام صادق (ع) این جریان بر همه عالم اثر می‌گذارد و قلوب همگان را متأثر می‌سازد: «شِعْنُنَا خَلَقُوا مِنْ فَاضِلِ طَيْبَتِنَا وَ عَجِنُوا بِمَاءِ وَلَاتِنَا يَحْزَنُونَ لِحَزْنِنَا وَيَفْرَحُونَ لِفَرْحِنَا».^۳

حاج قاسم سلیمانی و هم‌زمانش در این معامله الهی به مقامی دست یافتند که از جانب خداوند به آن‌ها «جنت» اعطا شد: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ».؛ با چنین اوصاف بلند و جایگاه والایی که در آیات و روایات برای شهدا ترسیم شده است باید دید که شهادت این سردار بزرگ چه آثار و برکاتی در پی دارد:

۱. تقویت روحیه شهادت طلبی:

یکی از آرزوها و آرمان‌های دیرینه سپهبد قاسم سلیمانی «شهادت» بود و این آرزو بارها در گفتار او نمود یافته بود. آنجا که با چشمان اشک‌بار در جمع نیروهای خود دعا می‌کرد و از خداوند طلب شهادت می‌نمود. او می‌گفت: «وقتی «شهید» شهید می‌شود که شهید شده باشد؛ یعنی باید قبل از شهادت همانند شهدا زندگی کرد و با آرمان‌های شهادت انس گرفت. این گفتار در زندگی شخصی خودش موج می‌زد و از همان سال‌های جوانی که در جایگاه فرماندهی «لشکر ۴۱ ثارالله» در جبهه‌های حق علیه باطل می‌جنگید تا امروز پای عهده‌ای که با خدا بسته بود ایستاد و تغییر و تحولی در روحیه شهادت طلبانه او ایجاد نشده بود که قرآن می‌فرماید: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»؛ از میان مؤمنان مردانی‌اند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آن‌ها در [همین] انتظارند و [هرگز] عقیده خود را [تبدیل] نکردند».^۴

شهادت شهید سلیمانی بار دیگر موجب ایجاد شور شهادت در جامعه شد که به برکت خون پاک شهدای مظلوم این واقعه تروریستی، این شورهای توأم با شعور به تقویت روحیه

شهادت از نگاه مادی‌گرایان دنیا طلب یک فقدان و پایان است، لذا ناخوشایند و همراه با حزن و اندوه است ولی از نگاه آخرت‌گرایان و شهدا یک شروع دوباره و حیاتی جاودان و همیشگی است: «أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ».؛ شهادت پرواز از محدودیت‌ها به نامتناهی و ناپیدا کرانه‌هاست. او پس از این‌که «فتح الفتوح»‌های نظامی در دفاع مقدس، لبنان، عراق و سوریه را به پایان رسانید اکنون فاتح قلب‌ها شد و در این روزها او را «سردار دل‌ها» می‌خوانند. با این نگاه حاج قاسم تا دیروز فرماندهی در وسعت این کره خاکی بود ولی اکنون در جوار انبیا، ائمه و اولیای الهی بر همه عالم فرماندهی می‌کند: «أُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلَئِكَ رَفِيقًا»؛ آنان با کسانی که خدا به آن‌ها لطف فرموده یعنی با پیغمبران و صدیقان و شهیدان و نیکوکاران محشور خواهند شد».^۵

شهادت و ریخته شدن خون سردار سلیمانی و هم‌زمانش به فرموده آیت‌الله مصباح یزدی (حفظه‌الله) باعث نزول برکات آسمانی و فیوضات الهی بر ما می‌گردد و از این منظر گرفتن این عزیزان از ملت ایران فقدان و مصیبت نیست بلکه مانند شهادت حضرت اباعبدالله (ع) دارای آثار و برکات همیشگی و فراوانی در عالم است. پس شهادت او از این نظر که یکی از بهترین‌های دوران از دست ما رفت، فقدانی جبران‌ناشدنی است ولی در قاموس جهاد و شهادت یک اتفاق با عظمت و پرافتخار، هم برای شهید و هم برای جهان اسلام به حساب می‌آید.

قاسم سلیمانی خدمت بزرگی به اهل بیت (ع) کرد و حرم آن بزرگواران را از شر دشمنانشان حفظ کرد. اینکه امروز قلب همه انسان‌های آزاده حتی آن‌ها که تا پیش از این قاسم سلیمانی را نمی‌شناختند و یا تنها نامی از او شنیده بودند، می‌سوزد و اشکشان جاری است و قلبشان آرام نمی‌گیرد از آن جهت است که با ترور ناجوانمردانه این مرد بزرگ که از یاران وفادار حریم ولایت و اهل بیت (ع) بود، قلب عالم امکان حضرت بقیه‌الله

شهادت طلبی در جامعه می انجامد. تا دیروز مادران فرزندان شان را مهبیای حضور در همایش شیرخوارگان حسینی می کردند ولی امروز آمده اند تا فریاد بزنند که فرزندان ما قاسم هایی برای دفاع از حریم دیانت و ولایت خواهند بود و بی شک این خون ها ضامن بقا و حرکت انقلاب اسلامی است. امام خمینی علیه السلام فرمودند: «این انقلاب باید زنده بماند، این نهضت باید زنده بماند و زنده ماندن به این خونریزی هاست، بریزید خون ها را، زندگی ما دوام پیدا می کند، بکشید ما را، ملت ما بیدارتر می شود»^۶.

در حقیقت شهادت حاج قاسم و هم زمانش ضایعه نبود بلکه این شهادت موجب نزول برکات و فیوضات الهی از جانب خداوند متعال می شود همچنان که شهادت حضرت سیدالشهدا علیه السلام هم دارای آثار و برکات فراوانی برای جامعه و بشریت بوده و خواهد بود. اکنون به برکت خون پاک شهید سلیمانی و هم زمانش، همه مردم ایران و عراق به ویژه جوانان دارای روحیه حماسی شده اند و با محبت و اشتیاق نسبت به این شهید آرزوی شهادت می کنند. در این فضای نورانی حاکم بر جامعه، مقام معظم رهبری (حفظه الله) هم در اقامه نماز بر پیکر این شهید عزیزان چنین با خداوند عالم نجوا کردند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَ الْمُسْتَشْهِدِينَ فِي سَبِيلِهِ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنَا الشَّهَادَةَ فِي سَبِيلِهِ».

در راه دوست کشته شدن آرزوی ماست

دشمن اگر چه تشنه به خون گلی ماست

گردیم دور یار چو پروانه گرد شمع

چون سوختن در آتش عشق آرزوی ماست

۲. تقویت روحیه استکبارستیزی:

از ویژگی های بارز سپهبد قاسم سلیمانی بصیرت و دشمن شناسی او بود. او دشمن را خوب شناخته بود و دشمن اصلی را ابرقدرت های مستکبر جهان و در رأس آن ها آمریکای جنایتکار معرفی می کرد. او بخوبی دانسته بود که دشمن، ابرقدرت برنامه ریزی علیه حق است و کسی می تواند در برابر دشمن بایستد و مبارزه کند که قبل از هر چیز دشمن را خوب شناخته باشد.

شخصیت شهید سلیمانی جامع اضداد بود؛ یعنی می توان او را مصداق واقعی آیه: «أَشَدُّاءٌ عَلَى الْكَفَّارِ رُحَمَاءٌ بَيْنَهُمْ»^۷ معرفی کرد. کسی بود که در برابر دشمنان ذره ای حاضریه سازش و مدارا نبود و سخت و سهمگین در میدان مبارزه با استکبار حاضر می شد و در هر جبهه و خط مقدمی که نام قاسم سلیمانی بر زبان ها می آمد دشمن بر خود می لرزید. او دشمن اصلی خود را داعش و تکفیری اغفال شده نمی دانست بلکه دشمن اصلی را اسرائیل و آمریکا می پنداشت لذا در طول این سال ها به دست داعش کشته نشد تا سرانجام در یک ترور ناجوانمردانه به دست شقی ترین مستکبران عالم کشته شد. رهبر معظم انقلاب در پیامی که به مناسبت شهادت او و همراهانش صادر نمودند، فرمودند: «خون پاک او به دست شقی ترین آحاد بشر بر زمین ریخت».

از طرفی در تعامل با مردم بسیار با مدارا و ترحم برخورد می کرد. او از محدود درجه دارانی بود که علی رغم برخورداری از جایگاه عالی رتبه بارها دست پدر شهید را بوسیده بود، به پای مادر شهید می افتاد و دست بر سر کودکان مظلوم و یتیم می کشید. آن قدر ساده و بی آلایش بود و با همه صمیمی می شد که حتی برادران

اهل سنت و یا مسیحی مثل یک برادر در کنار او عکس یادگاری می گرفتند. او با روحیه مردمی، رفتار کریمانه و با تواضع و سادگی بین همگان محبوب بود و به تعبیری تبدیل به یک شخصیت «فرا دینی» و «فرا مذهبی» شده بود.

۳. تقویت وحدت و انسجام ملی:

قرآن کریم در آیات متعددی مانند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» و «... وَلَا تَفَرَّقُوا» نسبت به پرهیز از تفرقه و جدایی مسلمانان و حفظ یکپارچگی و وحدت تأکید کرده است. قاسم سلیمانی با الهام از آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام همواره بر مسئله وحدت و یکپارچگی داخلی و خارجی تأکید می کرد. شهادت پنج نفر عراقی و پنج نفر ایرانی در کنار هم، نقشه دشمن را نقش بر آب کرد. خون این شهدا و شهید قاسم سلیمانی از یک سو خمیرمایه ایجاد وحدت و یکپارچگی خارجی بین دو کشور ایران و عراق و سامان یابی شورش ها و آشوب های مردمی آن کشور شد و از سوی دیگر موجب وحدت در آستانه انتخابات در عرصه داخلی و ملی گردید.

۴. تقویت روحیه جهادی و انقلابی:

روحیه جهادی در همه ابعاد زندگی سپهبد قاسم سلیمانی به عنوان یک شخصیت مجاهد و فرمانده انقلابی موج می زد و شاخصه های یک مجاهد انقلابی به خوبی در رفتار و برنامه های او هویدا بود. او مجاهدی نستوه و نترس بود که به خوبی دریافته بود: «در جنگ اگر کسی در برابر دشمن بترسد کارش تمام است و اگر می خواهی پای دین خدا بایستی نباید ترس داشته باشی»؛ لذا سری نترس داشت و بی مهابا و شجاعانه به قلب خطر می زد: «يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»^۸ حال سؤال اینجاست که آیا سزای چنین مرد میدانی که رودر رو با دشمن می جنگید، ترور ناجوانمردانه و خنجر از پشت بود؟

برخوردری از روحیه جهادی و حفظ آن، چنان با اهمیت است که رهبر معظم انقلاب در نمایی که بر پیکر شهید سلیمانی اقامه فرمودند، از خداوند متعال بخاطر توفیق و نعمت جهاد سپاسگذاری کردند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنَا الْجِهَادَ فِي سَبِيلِ الْإِسْلَامِ». سردار سلیمانی فقط برای خدا کار می کرد و رضایت او را می طلبید و همه زندگی اش محو خدا شده بود. رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیام تسلیت خود به مناسبت شهادت سردار سلیمانی و همراهان او آورده اند: «سال ها مجاهدت مخلصانه و شجاعانه در میدان های مبارزه با شیاطین و اشرار عالم و سال ها آرزوی شهادت در راه خدا، سرانجام سلیمانی عزیز را به این مقام والا رسانید».

شهید حاج قاسم سلیمانی در تمام دوران خدمتش به نظام، رهبری و مردم نماد یک انقلابی واقعی بود و زندگی او دارای این همه آثار و برکات شد. از جمله این که محبوب قلب ها شد و موجب کسب آبرو و افتخار برای رهبری و نظام جمهوری اسلامی ایران در همه دنیا گردید. او تنها یک مصداق از مجاهدان انقلابی بود و این همه سربلندی و افتخار آفرید؛ حال اگر همه دولتمردان و مسئولین نظام در عرصه خدمت خود، انقلابی عمل نمایند، خواهید دید که در عرصه های مختلف فرهنگی، اقتصادی و... چه انقلابی به پا خواهد شد و کشور جمهوری اسلامی ایران در

دنیا از چه عزت مضاعف و روزافزونی برخوردار می‌گردد.

۵. حفظ و تکریم نمادهای افتخار ملی:

شهدا مظهر افتخار ملی و نماد عزت و اقتدار اسلامی هستند. امروز دوست و دشمن به این بزرگی و عزت اذعان داشته و اعتراف می‌کنند؛ بنابراین تعظیم و بزرگداشت شهدا به عنوان نشانه‌ها و شعائر الهی یکی از مراتب تقوا و خدامداری در جامعه است. قرآن کریم هم به این ضرورت اشاره می‌کند: «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ؛ و هر کس شعائر (دین) خدا را بزرگ و محترم دارد این از صفت دل‌های باتقواست.»^۹

۶. الگوسازی ملی و بین‌المللی:

امروز شخصیت‌های جهادی همچون سپهد قاسم سلیمانی، سردار ابو مهدی المهندس و دیگر شهدای جبهه مقاومت در جهان اسلام بلکه در همه عالم به عنوان نماد «از خودگذشتگی» و «اخلاص» شناخته می‌شوند. شهید قاسم سلیمانی یک مؤمن حقیقی اهل تفکر، تعقل و عرفان بود. باید کوشید که جنبه‌های نهفته سیره این شهدای با عظمت را استخراج کرده و از طریق روایتگری و درج در کتاب‌های درسی به نسل‌های بعدی منتقل کرد. این‌ها مصادیق انسان‌های کامل و موفق هستند که در دنیا سعادت‌مندانه زیستند و پایان حیات دنیایی آن‌ها نیز ختم به شهادت و سعادت شد: «عاش سعیداً و مات شهیداً»؛ بنابراین باید تلاش شود جایگاه و عظمت قاسم سلیمانی و دیگر شهدا در سطح ملی و بین‌المللی مورد معرفی قرار بگیرند تا به عنوان الگوهای الهی مورد الگوبرداری قرار بگیرند.

انسان‌هایی که در اثربندگی خالص و پیروی از دستورات الهی در مرتبه انبیا و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) قرار گرفتند و می‌توانند به عنوان بهترین الگو و رفیق راه انتخاب شوند: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا؛ و آنان که اطاعت خدا و رسول کنند البته با کسانی که خدا به آن‌ها لطف فرموده یعنی با پیغمبران و صدیقان و شهدان و نیکوکاران محشور خواهند شد و اینان نیکورفیقانی هستند.»^{۱۰}

۷. تقویت و تبلیغ روحیه ولایت‌مداری:

برخی در زندگی خود محور، رفیق محور، پول محور و حزب محورند، اما شهید سلیمانی مظهر ولایت‌مداری و تسلیم محض بود و «ولی محوری» را برگزیده بود. او فرمانده‌ای بود که از سرارادت قلبی و باطنی، خود را سرباز کوچک و مطیع محض ولایت معرفی می‌کرد تا جایی که رهبر انقلاب در وصف او فرمودند: «شهید سلیمانی اهل حزب نبود، اما ذوب در انقلاب بود.»^{۱۱} سربازی که در سال‌های انقلاب و دفاع مقدس اطاعت و ولایت‌پذیری خود را در رکاب امام دیروز و پس از آن در دوران پس از جنگ تحمیلی در انجام مأموریت‌های متعدد به‌ویژه فرماندهی سپاه قدس و دفاع از حرم اهل بیت (علیهم‌السلام) ارادت خود نسبت به امام امروز انقلاب اسلامی را اثبات کرد. وی مصداق «وَالسَّابِقِينَ إِلَىٰ إِرَادَتِهِ»^{۱۲} بود که در همه این سال‌ها با شعار «رهسپاریم با ولایت تا شهادت» گام برداشت و سرانجام به مقصود خود که همانا شهادت در راه خدا بود نائل آمد.

قاسم سلیمانی این روحیه ولایت‌مداری را به نیروهای تحت امر

و دیگر هم‌زمان خود نیز آموخته بود به نحوی که شهید بزرگوار ابو مهدی المهندس خود را سرباز مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) و پس از ایشان سرباز قاسم سلیمانی می‌دانست.

۸. تقویت روحیه توسل به اهل بیت (علیهم‌السلام):

سپهد قاسم سلیمانی در همه حال روی نیازش را از اهل بیت (علیهم‌السلام) بر نمی‌داشت و توسلات مختلفی داشت. علاقه زیادی به روضه به‌ویژه روضه حضرت زهرا (علیها‌السلام) داشت. اولین باری که به دجله و فرات رسید به عنوان مهریه حضرت زهرا (علیها‌السلام) از آن تبرک جست و از آن آب وضو ساخت. او در مسیر مقاومت و در صعب‌ترین لحظات مبارزه با داعش با توسل به حضرات معصومین (علیهم‌السلام) حرکت می‌کرد. حاج قاسم سخت به آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ؛ ای اهل ایمان، از خدا بترسید و به سوی او وسیله جویید و در راه او جهاد کنید»^{۱۳} باور داشت و اینکه در مسیر جهاد همه مشکلات و گره‌ها به واسطه اهل بیت (علیهم‌السلام) آسان و باز می‌شود. حضرت زهرا (علیها‌السلام) فرمودند: «نَحْنُ وَسِيلَتُهُ فِي خَلْقِهِ؛ ما اهل بیت وسیله ارتباط خدا با خلق هستیم».

او از یک سواهل بکاء و ناله بود تا جایی که خطاب به شخصی که برای اعزام به سوریه از وی درخواست نامه کتبی کرده بود، گفته بود: «سوریه رفتن نامه نمی‌خواهد، ناله می‌خواهد» و از سوی دیگر دل‌داده و شیفته مادر سادات حضرت فاطمه زهرا (علیها‌السلام) بود. خداوند تعالی نیز چه هدیه زیبایی به او داد و به حرمت ناله‌ها، انابه‌ها و نیت پاک این شهید بزرگوار شهادت وی را در آستانه ایام فاطمیه رقم زد و همان‌طور که خودش خواسته بود مراسم تشییع و تکریم او تبدیل به مراسم استقبال از فاطمیه و بهانه‌ای برای روضه‌خوانی حضرت زهرا (علیها‌السلام) شد. پیکر مطهرش نیز نشانه‌هایی از اهل بیت (علیهم‌السلام) گرفت؛ از جمله: صورت و محاسن خون‌آلود همچون سیدالشهدا (علیهم‌السلام)، دست از تن جدا همچون قمر بنی‌هاشم (علیهم‌السلام)، بدن اربا اربا همچون علی‌اکبر (علیهم‌السلام) و شهدای کربلا، شهادت به دست اشقی‌الاشقیاء همچون امیرالمؤمنین (علیهم‌السلام)، تن سوخته و کبود همچون فاطمه زهرا (علیها‌السلام) و سرانجام پس از شهادت پیکر مطهرش در جمع عاشقان شهادت با شکوه و جلال و ویژه‌ای به حرم اهل بیت (علیهم‌السلام) در کاظمین، کربلا، نجف، مشهد و قم برای زیارت و تشییع منتقل شد و در نهایت مانند بی‌بی دو عالم حضرت زهرا (علیها‌السلام) شبانه به خاک سپرده شد.

۱. سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۶۹.

۲. سوره مبارکه نساء، آیه ۶۹.

۳. بحارالانوار، ج ۵، ص ۲۲۵.

۴. سوره مبارکه توبه، آیه ۱۱۱.

۵. سوره مبارکه احزاب، آیه ۲۳.

۶. صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۱۱؛ بیانات امام خمینی (ره) در مراسم بزرگداشت مقام استاد شهید مطهری در مدرسه فیضیه قم.

۷. سوره مبارکه فتح، آیه ۲۹.

۸. سوره مبارکه مائده، آیه ۵۴.

۹. سوره مبارکه حج، آیه ۳۲.

۱۰. سوره مبارکه نساء، آیه ۶۹.

۱۱. بیانات مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) در دیدار مردم قم، ۱۳۹۸/۱۰/۱۹.

۱۲. مفاتیح الجنان، دعای عهد.

۱۳. سوره مبارکه مائده، آیه ۳۵.

ارتباط نهفته‌ی

فاطمیه و مهدویت

بازخوانی معارف فاطمی و مهدوی و نحوه کاربرد تخصصی این مفاهیم عالی در منبر و سخنرانی‌های فاطمیه در بیان حجت‌الاسلام محمدباقر حیدری کاشانی



هیات
۷۲

معرفی

حجت‌الاسلام «محمدباقر حیدری کاشانی» در سال ۱۳۵۴ در بیت علم و عرفان و حکمت، در «راوند» کاشان دیده به جهان گشود و طلیعه‌ی اخلاق و معارف اسلامی را از سیره‌ی علمی و عملی پدر بزرگوارش، حضرت آیت‌الله «شیخ علی حیدری کاشانی» آموخت. وی در سال ۱۳۷۱ در رشته ریاضی و فیزیک با رتبه عالی وارد دانشگاه «علم و صنعت تهران» شد ولی یک تحول عرفانی، بهانه‌ای برای انصرافش از آنجا و ورودش به حوزه علمیه گشت. او پس از گذراندن دوران مقدمات و سطوح عالی دروس حوزوی، هم‌زمان با تحصیل خارج فقه و اصول، موفق به کسب مدرک پایانی در مقطع «کارشناسی معارف اسلامی و روان‌شناسی» و «کارشناسی ارشد عرفان اسلامی» از مؤسسه‌ی عالی «امام خمینی رحمة‌الله‌علیه» در قم گردید.

امروزه او را با عنوان پژوهش‌گر، نویسنده، مدرّس و خطیب مهدوی می‌شناسند که تا کنون موفق به تألیف چندین جلد کتاب در حوزه مهدویت همچون «سلوک مهدوی»، «خانواده و تربیت مهدوی»، «بازار و فرهنگ انتظار»، «برکت یابی شغلی» و «آینه در آینه جلال در جمال»؛ گردیده است. سابقه حضور در شبکه‌های مختلف صداوسیما جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کارشناس معارفی و نیز ایراد سخنرانی در محافل سراسر کشور و حرم‌های نورانی اهل‌بیت (علیهم‌السلام) برگ زرین دیگری در پرونده علمی و تبلیغی او می‌باشد. ماهنامه هیأت متناسب با موضوع این شماره خود پیرامون رابطه «فاطمیه و مهدویت» و «دغدغه‌های منبر انقلابی» با حجت‌الاسلام محمدباقر حیدری کاشانی به گفتگو نشسته است که حاصل این گفتگوی اختصاصی تقدیم شما همراهان صمیمی می‌گردد.

سلام عرض می‌کنم و ممنونم که وقتتان را در اختیار ماهنامه هیأت قرار دادید. اگر در حسن مطلع سخنی دارید بفرمایید؟ سلام و درود و برکت بیکران خداوند رحمان نثار تمام دلدادگان قرآن و عترت و تمام ارادتمندان حضرت مادر، حضرت کوثر، حضرت صدیقه اطهر سلام‌الله‌علیها. محضر تمام سروران ارجمندم از مبلغان، خطیبان، مداحان، مدیران و فعالان تمام هیأت‌های ایران اسلامی به‌ویژه محضر همه مجاهدان فرهنگی هیأت‌های رزمندگان در سرتاسر کشور تقدیم سلام و ارادت و تمنای سلامت و قوت و نورانیت روزافزون با نظر شامخ هدایت و تربیت مولانا صاحب العصر و الزمان عجل‌الله‌تعالی فرجه دارم.

به عنوان اولین سوال بفرمایید که اهمیت و ضرورت الگوسازی و الگوپذیری از سیره فاطمی در عصر و زمانه ما تا چه حد است؟ الگوسازی و الگوپذیری از سیره فرخنده فاطمی، یک فرمان و توصیه اکید قرآنی و اهل‌بیتی است؛ یعنی هم خداوند رحمان، هم پیامبر رحمت، هم تمام امامان و هم امام زمان عجل‌الله‌تعالی فرجه بر اسوه پذیری از سیره فاطمی به‌عنوان الگوی برتر زندگی و بندگی تأکید وزیده‌اند. خداوند رحمان در قرآن کریم وجود مقدس پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله را «اسوه حسنه» و سرمشق نیکوی موحدان و مؤمنان واقعی جهان در تمام عرصه‌های زندگی و بندگی معرفی کرده و می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» بی‌شک در سیره رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله سرمشق نیکوی زندگانی است برای آن دسته از شما که به خدا و آخرت امید واقعی دارند و خدا را فراوان یاد می‌کنند.^۱

همین اسوه آسمانی و الگوی قرآنی، وجود مقدس دخترش حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها را پاره وجود (بضعة منی) و روح میان دو پهلوی خویش (روحی التی بین جنبتی) می‌داند و وجود او را استمرار وجود خود می‌خواند و می‌فرماید: «فَاقْتَدُوا بِالْزُهْرَةِ» (هم تراز من و علی) به زهره



یعنی زهرا سلام الله علیها اقتدا کنید!»^۲

مولای ما حضرت بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه هم در توقیع شریفی به خط مبارک خویش رمز و راز سلوک مهدوی را الگوپذیری از سبک زندگی فاطمی و اقتدای عملی به سیره فاطمی معرفی فرموده اند: «و فی ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِي أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ در سیره دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله برای من سرمشق نیکوی زندگی و بندگی است.»^۳

امامان معصوم دیگر هم نظیر همین تعبیر فرموده اند: «ما حجت های خدا بر مردمانیم و مادر ما حضرت زهرا سلام الله علیها حجت خدا بر ماست.»

همه این بیانات گواه این معناست که الگوسازی و الگوپذیری از سیره فاطمی که عین الگوسازی و الگوپذیری از سیره نبوی و اسوه حسنه قرآنی است، ضرورت سلوک قرآنی - ولایی ما در مهندسی شخصیت یاوران حقیقی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است.

بفرمایید اسوه سازی و اسوه پذیری از سیره فاطمی در چه عرصه هایی باید صورت پذیرد؟

اسوه سازی و اسوه پذیری از سیره فاطمی در تمام عرصه های زندگی و بندگی ممکن بلکه یک ضرورت سلوکی در شخصیت سازی یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است. البته باید توجه داشته باشیم که اسوه پذیری از سیره فاطمی بردو گونه است:

۱. اسوه پذیری مستقیم مانند اقتدا به حضرت زهرا سلام الله علیها در تعقیبات نماز با تسبیحات آن حضرت؛
۲. اسوه پذیری غیرمستقیم مانند روح ساده زیستی و دوری از تجمل گرایی که از سبک زندگی فاطمی اتخاذ و اقتباس می شود.

آیا اسوه سازی و اسوه پذیری از سیره فاطمی در عرصه منبر و خطابه هم امکان پذیر است؟

بی شک از منبر تاریخی و خطابه حماسی و انقلابی حضرت زهرا سلام الله علیها در مسجد مدینه علاوه بر استفاده های عالی عرفانی و معارفی در محتوا سازی منبرها، می توان شاخصه های یک منبر عالی و تمام عیار مورد رضایت

عجل الله تعالی فرجه را نیز استخراج

الگو گرفت. در خطابه فاطمی،

شاخصه مهم و اساسی برای معماری یک منبر و خطابه عالی قابل اقتباس و برداشت است:

۱. معرفت افزایی؛ ۲. محبت افزایی؛ ۳. بصیرت افزایی.

کیمیا و ناب و کمیاب اند خطابه ها و منبرهایی که از این سه شاخصه به ویژه از شاخصه

سوم یعنی بصیرت افزایی

سرشار باشند! چراکه

بصیرت از جنس

نور است و

بصیرت

افزایی فقط از عهده عقل ها و قلب های منور به نور خدا برمی آید و بس! این مهم فقط کار کسانی است که خود به بصیرت کامل رسیده باشند؛ یعنی چشم عقل و قلبشان در پرتو نور خدا قدرت نگرش و بینش عمیق و قوت جامع نگری، حق نگری، حقیابی و حق گوئی پیدا کرده باشد. بی شک محوریت در این سه شاخصه تمسک توأمان به قرآن و عترت است که تنها رمز نجات امت از گمراهی و ضلالت است.

بفرمایید محوریت قرآن و عترت چگونه باید در منبرهای ما تحقق یابد؟ مثلاً در شاخصه اول که معرفت افزایی است.

منبرهای ما باید بتواند در درجه اول عرفان، شناخت و معرفت مخاطبان ما را نسبت به قرآن و معارف قرآنی بالا ببرد که پیامبر فرمود: «إِنْ أَرَدْتُمْ عَيْشَ السَّعَادَةِ وَ مَوْتَ الشَّهَادَةِ وَ النَّجَاةَ يَوْمَ الْحَسْرَةِ وَ الظَّلَّ يَوْمَ الْحُزُورِ وَ الْهُدَى يَوْمَ الضَّلَالَةِ فَادْرُسُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ كَلَامُ الرَّحْمَنِ وَ جَزْءٌ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ رُجْحَانٌ فِي الْمِيزَانِ؛ اگر زندگی نیکبختان، مردن شهیدان، نجات در روز حسرت، داشتن سایه در روز سوزان و هدایت در روز گمراهی را می خواهید قرآن را یاد بگیرید و یاد بدهید؛ زیرا که قرآن کلام خداوند مهربان و مایه حفظ شما از شیطان و سنگینی اعمالتان در میزان و ترازوی اعمال است.»^۴

مقام معظم رهبری حفظه الله در جلسه ای که با خطبا و کارشناسان معارفی رسانه ملی داشتند، فرمودند: «گاهی تعجب می کنم که صفر تا صد یک منبر از محوریت حتی یک آیه قرآنی خالی و تهی است و حال آنکه هر موضوع معارفی در منبر باید با محوریت حداقل یک آیه کلیدی طراحی و ارائه شود.»

البته ارائه معارف قرآنی باید با تفسیر و برداشت معصومانه از قرآن و ارائه الگوهای عینی از سیره علمی و عملی امامان معصوم علیهم السلام همراه گردد تا مصداق تمسک توأمان به قرآن و عترت و مایه نجات از ظلمت و ضلالت و رسیدن به نورانیت و سعادت گردد؛ چنانچه امام سجاد علیه السلام می فرماید: «هُوَ مُعْتَصِمٌ بِحَبْلِ اللَّهِ وَ حَبْلُ اللَّهِ هُوَ الْقُرْآنُ لَا يَفْتَرِقَانِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْإِمَامُ يَهْدِي إِلَى الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ يَهْدِي إِلَى الْإِمَامِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ؛ امام معصوم کسی است که همواره به حبل الله و رشته مستحکم الهی متصل است و حبل الله همان قرآن است. امام معصوم و قرآن تا روز قیامت، از یکدیگر جدا نخواهند شد. امام همواره به قرآن و قرآن نیز به امام هدایت می کند و این است معنای سخن خداوند که فرمود: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ»^۵.

در روایتی دیگر امام محمد باقر علیه السلام

می فرماید: «أَلْ مُّحَمَّدٍ هُمْ حَبْلُ اللَّهِ الَّذِي

أَمَرَ بِالْإِعْتِصَامِ بِهِ فَقَالَ: وَاعْتَصِمُوا

بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً؛ اهل بیت

عصمت و طهارت علیهم السلام

همان حبل الله هستند

که خداوند فرمان اتصال و اعتصام به آنان را داده و فرموده است: به رشته مستحکم الهی متصل شوید؛ حضرت امام صادق علیه السلام نیز درباره آیه «واعتصموا بحبلِ الله جميعاً» فرمود: «نَحْنُ الحبل».



شاخصه دوم یک منبر عالی را از منظر فاطمی که محبت افزایی با محوریت قرآن و عترت است، تبیین بفرمایید! عالی ترین قله مقامات عرفانی و انسانی از منظر وحیانی و قرآنی رسیدن به عشق و محبت خداوند رحمان است که در آیه ۵۴ سوره مائده به مقام «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» تعبیر شده است که حضرت زهرا سلام الله علیها و امام علی علیه السلام از برترین مصادیق آن معرفی شده اند. یک سلوک عاشقانه دوطرفه بین عبد و مولا که انسان در آن هم عاشق خدا می شود و هم معشوق خدا.

منبر باید بتواند عشق آفرینی کند؛ هم عاشق پرور باشد و هم معشوق پرور. معادله اصلی در این عرصه هم، عشق آفرینی بین خدا و بندگانش از راه عشق آفرینی نسبت به قرآن و عترت است. مخاطبان ما، فرزندان معنوی ما هستند و مهم ترین سرمایه ی ادب و تربیت پدران ما، روشن سازی شعله عشق و محبت قرآن و عترت در قلوب مردم است؛ چنانچه پدر معنوی همه ما رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ادَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: حُبِّ نَبِيِّكُمْ وَ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ؛ فرزندان خود را بر سه خصلت تربیت کنید: دوستی پیامبران، دوستی اهل بیتش و قرائت قرآن».

امیرالمؤمنین علیه السلام عشق و محبت اهل بیت (علیهم السلام) را زیباترین زیبایی ها و بلند پایه ترین نیکی ها معرفی فرمود: «أَحْسَنُ الْحَسَنَاتِ حُبُّنَا وَ أَسْوَأُ السَّيِّئَاتِ بُغْضُنَا؛ عالی ترین نیکی ها عشق و محبت ما و بدترین بدی ها بغض و عداوت ما اهل بیت (علیهم السلام) است».

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «أَحِبُّوا اللَّهَ لِمَا يَغْدُوْكُمْ بِهِ مِنْ نِّعْمَةٍ وَ أَحِبُّوا لِحُبِّ اللَّهِ وَ أَحِبُّوا أَهْلَ بَيْتِي لِحُبِّي؛ خدا را دوست بدارید به جهت آن که از نعمت هایش به شما روزی می دهد و مرا نیز به جهت دوستی خدا دوست بدارید و اهل بیتم را به جهت دوستی من دوست بدارید».

زید بن ارقم می گوید در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم که دیدم فاطمه زهرا سلام الله علیها داخل حجره پیامبر شد در حالی که دو فرزندش حسن و حسین علیهما السلام همراهش بودند و علی بن ابی طالب علیهما السلام نیز پشت سر آنان وارد شد، پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان نظر کرد و فرمود: «مَنْ أَحَبَّ هَؤُلَاءِ فَقَدْ أَحَبَّنِي وَ مَنْ أَبْغَضَ هَؤُلَاءِ فَقَدْ أَبْغَضَنِي؛ هر کس اینان را دوست بدارد، مرا دوست داشته و هر کس که اینان را دشمن بدارد، مرا دشمن داشته است».

در روایت دیگری که اهل سنت از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده اند، آمده است که جابر بن عبد الله انصاری، صحابی بزرگوار رسول خدا صلی الله علیه و آله در کوچه ها و محله های شهر مدینه می چرخید و می گفت: «يَا مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ ادَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى حُبِّ عَلِيٍّ؛ ای گروه انصار، فرزندان را بر پایه عشق و محبت امام علی علیه السلام تربیت کنید».



فرمودید که برترین شاخصه یک منبر عالی بنا بر الگوی خطابه فاطمی در مسجد مدینه پس از

دو شاخصه معرفت افزایی و محبت افزایی، بصیرت افزایی است، معادله راهبردی این شاخصه مهم و اساسی که بسیار ناب، کمیاب و کمیاست، چیست؟ خطبا، مداحان، مدیران، دست اندرکاران هیأت ها و طلاب داران ارشد قرآن و عترت، فرزندان معنوی حضرت زهرا سلام الله علیها و علمداران برگزیده امام زمان اند که رسالت و مأموریت عظیم دعوت و هدایت قلوب مردمان، موحدان، محبان و شیعیان ایران و جهان را به سمت خدا بر عهده دارند. از منظر وحیانی، اصلی ترین ویژگی مؤمنان و مهدی یاوران حقیقی در دعوت به سمت خدا، بصیرت و بصیرت افزایی است؛ چنانچه پیامبر رحمت روش و منش خویش و پیروان حقیقی خویش را دعوت به سمت خدا بر اساس بصیرت معرفی فرمود: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَنِي؛ بگو: این راه و روش من و پیروان من است. با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می کنیم».

بصیرت، قدرت تیزبینی، روشن دلی و روشن بینی است. بصیرت، بینش و نگرش عمیقی است که با آن نور حق را از میان تاریکی ها می بیند و می یابد. بصیرت، از سنخ نور است؛ نور، چشم دل است؛ نور، چشم عقل است. قدرت حق نگری و حقیقت یابی با نور خدایی است.

این آیه نشان می دهد که رهبران و مدیران و مبلغان الهی باید دارای بصیرت و تیزبینی عالی و آگاهی و جامع نگری و واقع بینی کافی باشند و گرنه دعوتشان به سمت خدا سامان نخواهد یافت. اگر قرار است در قد و قامت یک علمدار ارشد لایق برای امام زمانمان عجل الله تعالی فرجه سربازی کنیم بیش از هر چیز به بصیرت و استقامت نیاز داریم که امام علی علیه السلام در بحبوحه فتنه انگیزی منافقان در اردوگاه صفین فرمود: «لَا يَحْمِلُ هَذَا الْأَمْرَ إِلَّا أَهْلُ الصَّبْرِ وَ الْبَصَرِ وَ الْعِلْمِ بِمَوَاقِعِ الْأَمْرِ؛ این پرچم حق را جز اهل بصیرت، استقامت و معرفت به جایگاه حق توان نگه داری و علمداری ندارد».



اگر این ویژگی راهبردی و مهم در بیان مداحان و مدیران ارشد و خواص جامعه دینی نباشد به چه پیامدهایی دچار خواهیم شد؟

مردم از امام حق و رهبر الهی جامعه جدا و به ضلالت و گمراهی و فتنه در پیروی از منافقان جامعه دچار خواهند شد چنانچه پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله چنین اتفاقی افتاد و نتیجه اش جدایی و دوری امت از خط قرآن و عترت شد. اگر بصیرت و بصیرت افزایی برگزیدگان امت نباشد حضرت زهرا به مسلخ بین در دیوار کشانده می شود و ۲۵ سال خانه نشینی بر امام حق تحمیل خواهد شد. اگر این صفت در جامعه دینی به حدنصاب نرسد ۴۸ هزار حدیث جعلی در مذمت امام نور (امام علی علیه السلام) و فضیلت امام نار (معاویه و بنی امیه) جعل و ترویج و باور مردم خواهد شد. چنانچه علامه امینی در جلد پنجم الغدير به این حقیقت اشاره می فرماید.

اگر نور این خصیصه حیات بخش در جامعه به خاموشی گرایید، حقانیت امام و رهبر حق مورد تردید و شبهه و خدشه واقع خواهد



شد و تمام قصورات و تقصیرات تحت تأثیر عملیات ناجوانمردانه منافقان داخلی به ناحق به گرده رهبر الهی خواهد افتاد چنانچه باکمال تعجب و شگفتی شاهدیم که در فتنه صفین امام علی علیه السلام مقصر اصلی جنگ افروزی و حتی قاتل عمار معرفی می شود و اکثریت هر دو سپاه می پذیرند.

وقتی که عمار به دست سپاه معاویه کشته شد هزاران نفر از سپاه مکر و نفاق معاویه کنار کشیدند چون همه شنیده بودند که پیامبر فرموده است عمار را گروه ستمگر و طغیانگر می کشد (یقتله فئة باغية) حتی عمرو عاص به معاویه گفت: «رسو شدیم همه فهمیدند که ما ناحقیم».

معاویه گفت پیامبر راست گفته که عمار را گروه ستمگر به ناحق می کشند اما چه کسی گفته که ما عمار را کشته ایم عمار را علی کشته که او را به میدان جنگ فراخوانده است. عمرو عاص با همین حربه وارد میدان جهالت و غفلت و بی بصیرتی سپاهیان شد و با عملیات روانی گسترده کار را به جایی رساند که نه تنها هزاران نفری که از سپاه معاویه کنار کشیده بودند بازگشتند بلکه صدها نفر از سپاه امام علی علیه السلام دچار شک و تردید شدند و در حقانیت امام در مقابل حقانیت معاویه دچار تردید شدند. آنجا بود که امام حق یک تنه وارد میدان بصیرت افزایی شدند و فرمودند این پرچم را به جز اهل بصیرت، صبر، استقامت و معرفت علمداری نخواهند کرد. آنگاه فرمودند اگر علی بن ابیطالب علیهما السلام قاتل عمار است چون او را به جهاد در راه خدا فراخوانده است رسول خدا هم العیاذ بالله باید قاتل حمزه سیدالشهدا باشد چون او را به جهاد فراخوانده است.

اگر نور بصیرت و بصیرت افزایی در جامعه دینی روشن نشود و روشننگری نکند نائب امام، مسلم بن عقیل تنها و بی یار و یاور خواهد ماند و آنگاه برای ستیز با امام زمان لشکرکشی خواهد شد؛ این است که کلیدواژه بصیرت بیش از ۱۰ هزار بار در کلام رهبری مورد تأکید واقع می شود و مکرر توصیه دارند که به هیچ حدی از بصیرت اکتفا نکنید و تا می توانید بصیرت خویش و بصیرت جامعه را ارتقا بخشید.

چه عواملی باعث خاموش شدن نور بصیرت در وجود انسان می گردد؟

سه ضلع ضلالت، بیچارگی و گمراهی انسان عبارت اند از: دنیا، هوا، شیطان. دل بستگی های دنیوی، پیروی از هواهای نفسانی و وسوسه های شیطانی سه عامل کور شدن چشم دل انسان و کور باطنی و بی بصیرتی انسان می گردد. چنانچه همین سه عامل نور بصیرت را در وجود امثال زبیر سیفا لاسلامها و طلحة الخیرها و اسامة بن زیدها و ابن ملجمها خاموش کرد. چشم قلب و عقلشان را کور

کرد و عاقبتشان را به فلاکت و هلاکت دنیا و آخرت کشاند. از این سه عامل همه ما باید به خدا و کتاب خدا و اولیای خدا پناه ببریم. باید با تمام وجود به سرچشمه های نور بصیرت که خداوند متعال، قرآن و امام زمان عجل الله تعالی فرجه است پناه ببریم و با همراهی و پیروی همه جانبه مقام زعامت و رهبری الهی امت لحظه ای از آستان قرآن و عترت جدا نشویم بلکه سرعت خویش را با قرآن و عترت و امام زمان عجل الله تعالی فرجه تنظیم کنیم نه جلو بیفتیم و نه عقب بیفتیم.

به داعی بصیرت افزا و بصیرت آفرین که خاتمه بخش گفت و گوی مان باشد مهمانمان کنید.

حضرت امام خمینی رحمه الله علیه به اعضای بیت و یاران و یاوران خاص خویش همواره توصیه می فرمودند که با دعای عهد رفاقت، ملازمت و مداومت کنید، دعای عهد سرنوشت شما را به عالی ترین درجات انسانی و عرفانی متحول خواهد کرد. ایشان با دعای عهد رفاقت و ملازمت شگفتی داشت چنانچه وقتی مفاتیح ایشان را از بیمارستان آوردند مشاهده کردند که در حاشیه دعای عهد به تکرار تاریخ زده اند و نوشته اند: «آغاز چهله دعای عهد».

معجزه دعای عهد و کسب فیض از محضر امام زمان علیه السلام بواسطه این دعای نورانی این است که تمام سیئات ما را به حسنات تبدیل می کند؛ چنانچه فرموده اند هر کلمه از دعای عهد هزار سیئه را محو و هزار حسنه را ثبت می کند. هفت فراز اصلی دعای عهد، ما را به مقام نصرت، معاونت، مدافعت، سرعت اطاعت، حمایت، سبقت و شهادت در آستانه مهدویت فرامی خواند. نکته بصیرت افزای پایانی این است که تنها راه باریابی به این هفت مقام والای عرفانی در آستان ولایت و امامت مهدوی تمرین مداوم این حرف نسبت به نائب الامام و مسلم بن عقیل زمان است و بس.

خداوند متعال را به نورانیت و کرامت امام زمانمان قسم می دهیم که ما را از تمام عوامل بی بصیرتی و عقب ماندگی نسبت به زعیم و رهبرمان مصون و محفوظ بدارد و به نهایت درجه نصرت، معاونت، مدافعت، سرعت اطاعت، حمایت و سبقت تا سرحد شهادت در آستان زعامت برساند.

۱. احزاب/۲۱.

۲. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۷۴.

۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰.

۴. میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۴۸۱۴.

۵. نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۷۷ ذیل آیه ۹ از سوره اسراء.

۶. همان.

۷. قاموس قرآن، مقدمه، ص ۲.

۸. غرر الحکم، ص ۲۱۷.

۹. علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۳۹.

۱۰. کشف الغمة فی معرفة الائمة، ج ۱، ص ۵۲۶.

۱۱. الصراط المستقیم الی مستحق التقدیم، ج ۲، ص ۶۸؛ أسند نحوه الدارمی عن عائشة و ابن مجاهد فی الولاية و الدیلمی فی الفردوس و أحمد فی الفضائل و الأعمش عن أبي وائل و عن عطیة عن عائشة و ابن أبي حازم عن جریر.

۱۲. یوسف/۱۰۸.

۱۳. نهج الباغه، خطبه ۱۷۳.

احادیث فاطمی

گلچینی از کلام نورانی فاطمه زهرا (علیها السلام)



بهترین‌ها برای زنان

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ لَهَا: أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلْمَرْأَةِ؟ قَالَتْ: أَنْ لَا تَرَى رَجُلًا وَلَا يَرَاهَا رَجُلٌ (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۴).
رسول خدا ﷺ به دخت گرامی‌شان فاطمه (علیها السلام) فرمود: «چه چیزی برای زن بهتر و نیکوتر است؟» فاطمه (علیها السلام) عرضه داشتند: «اینکه او مردی را نبیند و مردی نیز او را نبیند».

وسيله ارتباط با خدا

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ (علیها السلام): نَحْنُ وَسِيلَتُهُ فِي خَلْقِهِ، وَنَحْنُ خَاصَّتُهُ وَمَحَلُّ قُدْسِهِ، وَنَحْنُ حُجَّتُهُ فِي غَيْبِهِ، وَنَحْنُ وَرَثَةُ أَنْبِيَائِهِ. (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۱۱).
ما اهل بیت: وسیله ارتباط با خداوند در میان مخلوقاتش و برگزیدگان پاک و مقدس او می‌باشیم؛ ما حجت پروردگار و وارثان پیامبران الهی هستیم.

مزد اخلاص

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ (علیها السلام): مَنْ أَصْعَدَ إِلَى اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ، أَهَيَّطَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ. (بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۴۹).
هر کس عبادات و کارهای خود را خالصانه برای خدا انجام دهد، خداوند بهترین مصلحت‌ها و برکات خود را برای او تقدیر می‌نماید.

سعادتمند واقعی

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ (علیها السلام): إِنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ حَتَّى السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا (علیها السلام) فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ (بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۷۴).
سعادتمند کامل و واقعی آن کسی است که علی (علیها السلام) را در زمان حیات و پس از وفاتش دوست بدارد.

صفات شیعیان

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ (علیها السلام): شِيعَتُنَا مِنْ خِيَارِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَكُلُّ مُجْتَمِعَةٍ وَمَوَالِي أَوْلِيَانَا وَمُعَادَى أَعْدَائِنَا وَالْمُسْلِمِ بِقَلْبِهِ وَلِسَانِهِ لَنَا لِيَشُوا مِنْ شِيعَتِنَا إِذَا خَالَفُوا أَوَامِرَنَا وَنَوَاهِيَنَا فِي سَائِرِ الْمَوْبِقَاتِ وَهُمْ مَعَ ذَلِكَ فِي الْجَنَّةِ وَلَكِنْ بَعْدَ مَا يُطَهَّرُونَ مِنْ دُنُوبِهِمْ بِالْبَلَايَا وَالرَّزَايَا أَوْ فِي عَرَصَاتِ الْقِيَامَةِ بِأَنْوَاعِ شِدَائِدِهَا أَوْ فِي الطَّبَقِ الْأَعْلَى مِنْ جَهَنَّمَ بَعْدَ إِلَاقِهَا إِلَى أَنْ تَسْتَقْدِّهُمْ بِحُبِّنَا مِنْهَا وَنَنْقُلَهُمْ إِلَى حَضْرَتِنَا (بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۵۵).

شیعیان ما از نیکان اهل بهشت هستند [اما] همه دوستان ما و دوستان دوستان ما و دشمنان دشمنان ما و کسانی که با قلب

و زبان سخنان ما را قبول دارند، همه اینها از شیعیان ما نیستند هنگامی که اوامر ما را انجام ندهند و از منہیات ما دست باز ندارند و مرتکب گناهان شوند؛ این گروه با این وجود اهل بهشت می‌باشند اما بعد از اینکه از گناهان پاک شوند با گرفتار شدن به انواع مصیبت‌ها و مشکلات [در دنیا] یا انواع سختی‌ها در قیامت و یا عذاب شدن در طبقه اول جهنم تا آنکه ما آن‌ها را نجات داده و به نزد خود می‌بریم.

فلسفه احکام از زبان حضرت

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ (علیها السلام): جَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَظْهِيرًا لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ، وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيهًا لَكُمْ مِنَ الْكِبَرِ، وَالزَّكَاةَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ وَنِمَاءً فِي الرِّزْقِ، وَالصِّيَامَ تَنْبِيًا لِلْأَخْلَاصِ، وَالْحَجَّ تَشْيِيدًا لِلدِّينِ (الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۹).

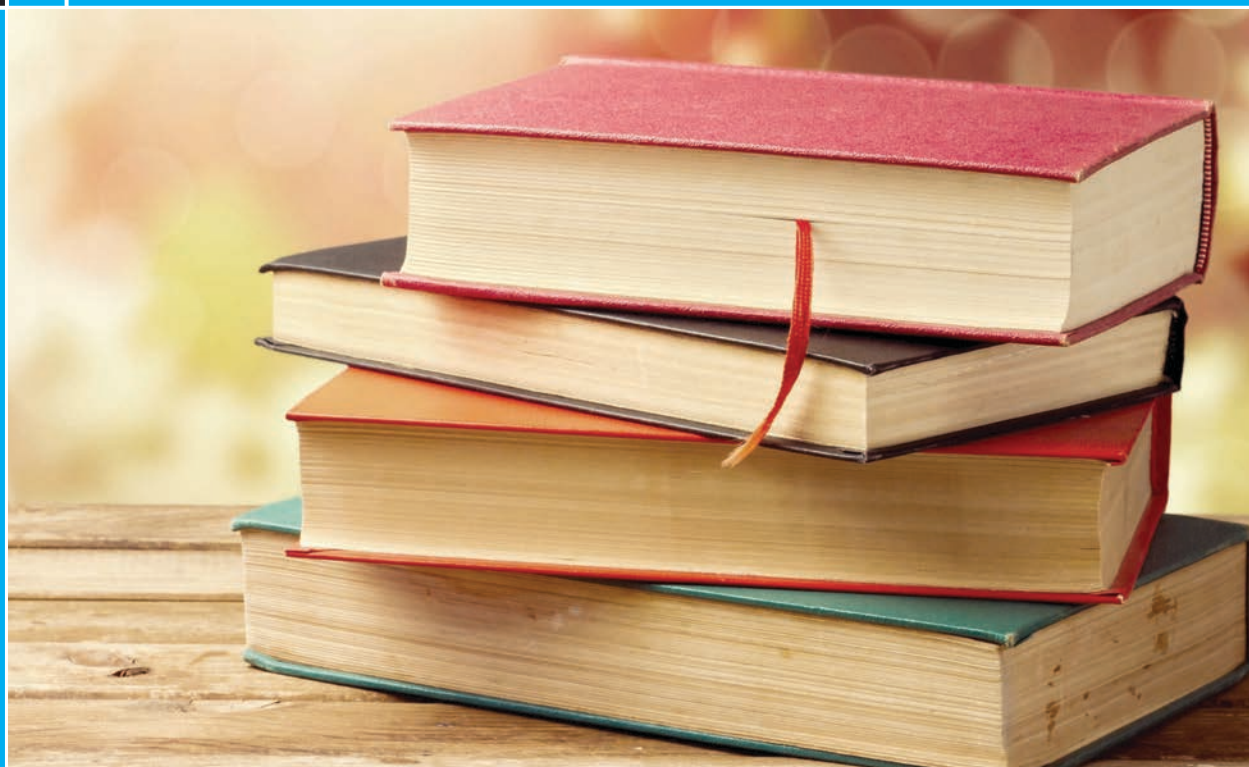
خداوند متعال ایمان را برای طهارت از شرک و نماز را برای خضوع، فروتنی و پاکی از هر نوع تکبر و زکات را برای تزکیه نفس و توسعه روزی و روزه را برای تثبیت اخلاص و حج را برای استحکام اساس شریعت و بنای دین اسلام واجب نمود.

دقت به پوشش حتی بعد از مرگ

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ (علیها السلام): إِنِّي قَدْ اسْتَفْتَيْتُ مَا يُصْنَعُ بِالنِّسَاءِ إِنَّهُ يُطْرَحُ عَلَى الْمَرْأَةِ الثُّوبُ فَيَصْفُهَا لِمَنْ رَأَى ... فَلَا تَحْمِلِينِي عَلَى سِرِّيرِ ظَاهِرٍ ... أَشْتَرِنِي سَرَكُ اللَّهِ مِنَ النَّارِ (کشف الغمّة فی معرفة الأئمة:، ج ۱، ص ۵۰۳ و بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۱۳).
در آخرین روزهای عمر پربرکتش ضمن وصیتی به اسماء فرمود: من بسیار زشت و زننده می‌دانم که جنازه زنان را پس از مرگ با انداختن پارچه‌ای روی بدنش تشییع می‌کنند؛ و افرادی حجم بدن او را مشاهده کرده و برای دیگران تعریف می‌نمایند. مرا بر تخت که اطرافش پوشیده نیست و مانع مشاهده دیگران نباشد قرار داده بلکه مرا با پوشش کامل تشییع کن، خداوند تورا از آتش جهنم مستور و محفوظ نماید.

شیعیان ما این گونه‌اند

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ (علیها السلام): إِنْ كُنْتَ تَعْمَلُ بِمَا أَمْرَاكَ وَتَنْتَهِي عَمَّا زَجَرْنَاكَ عَنْهُ، فَأَنْتَ مِنْ شِيعَتِنَا، وَإِلَّا فَلَا (بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۵۵).
اگر به آنچه که ما اهل بیت: دستور داده‌ایم عمل می‌کنی و از آنچه نهی کرده‌ایم خودداری می‌نمایی، تواز شیعیان ما هستی و در غیر این صورت، از شیعیان ما نیستی.



۸۰

در ساحل فاطمیه

معرفی ۹ اثر فاخر پیرامون شخصیت و زندگی بانوی دو عالم حضرت فاطمه زهرا (ع)

۸۲

چله انقلاب

معرفی کتاب دستاوردهای انقلاب اسلامی

در ساحل فاطمیه

معرفی ۹ اثر فاخر پیرامون شخصیت و زندگی بانوی دو عالم حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها

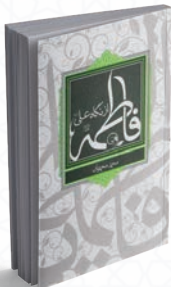
طبق بیان گهربار امام صادق علیه السلام که فرمودند: «أَنَا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ اللَّيْلَةُ فَاطِمَةُ وَالْقَدْرُ اللَّهُ فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ» برای شناخت قدر و منزلت بانوی یگانه و بلندمرتبه ای چون فاطمه زهرا سلام الله علیها نیازمند کسب معرفت و مطالعه در شأن و منزلت ایشان هستیم. به همین منظور ماهنامه هیأت بانبرسالت و مأموریت خود جهت ارائه محتوا به سخنرانان و مادحین گرانقدر در ویژه نامه فاطمیه سال گذشته به معرفی برخی از کتب فاخر با محوریت حضرت زهرا سلام الله علیها همچون: «شرحی بر دعاها و روزانه حضرت زهرا سلام الله علیها، بحثی کوتاه پیرامون خطبه فدک، مقام لیلۃ القدری حضرت فاطمه سلام الله علیها، کشتی پهلو گرفته، عروسی مهر و ماه، الفبای شخصیتی حضرت زهرا سلام الله علیها پرداخت. در این شماره نیز تعدادی دیگر از بهترین کتب کاربردی در عرصه تبلیغ و تولید محتوا پیرامون مباحث فاطمی تقدیم حضور مخاطبان گرانقدر می گردد.



بانوی بهشتی در عرصه های حضور

نویسنده: سعید داودی

انتشارات: مدرسه علی بن ابی طالب علیه السلام
بُعد روحانی و عرفانی در کنار بُعد اجتماعی و سیاسی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها مؤلف کتاب «بانوی بهشتی در عرصه های حضور» را بر آن داشت تا در عرصه کتب فاطمی نوشتاری جدید را بنا گذارد. دید متفاوت و بسیار علمی، ذهن متفن و اندیشه های نو بُعد جامع فکری حجت الاسلام سعید داودی از خصیصه های مشهود در این کتاب است. این نوشتار به کوشش مدرسه علی ابن ابی طالب سلام الله علیها در سال ۱۳۹۲ و در قالب ۳۸۴ صفحه، چاپ و در اختیار علاقه مندان معارف فاطمی قرار گرفت. در ارزشمندی این رساله همین بس که حضرت آیت الله مکارم شیرازی مقدمه ای بسیار ارزشمند بر این نوشتار تقریر فرموده اند. جامعیت محتوایی، رویکرد روایی، قلم رسا و شیوایی متن سبب تمایز مقاله حاضر از دیگر کتب در زمینه موضوعات فاطمیه گردیده است. تبارشناسی، فضائل و مناقب عرفانی، ورود حضرت به عرصه اجتماعی و بیان مصائب شوم روزهای پایانی عمر بابرکت ایشان از جمله بخش های این کتاب گران سنگ می باشد.



فاطمه سلام الله علیها از نگاه علی علیه السلام

نویسنده: محمد محمدیان

انتشارات: دفتر نشر معارف

«برای ترسیم چهره ملکوتی دخت رسول خدا سلام الله علیها و تبیین ابعاد شخصیت بی نظیر زهرا اطهر سلام الله علیها کسی بهتر از امیرالمؤمنین سلام الله علیها نمی تواند لب به سخن بگشاید...». این جمله بخشی از مقدمه رساله گران بهای حجت الاسلام محمد محمدیان به نام «فاطمه سلام الله علیها از نگاه علی سلام الله علیها» است. این نوشتار چنانکه از مقدمه اش پیداست سبک نوشتاری نو و جدیدی را در زمینه تبیین معارف زهرایی قلم زده است. نگارنده در این کتاب علاوه بر نقل سخنان پرگهر امیرالمؤمنین سلام الله علیها در توصیف و رثای همسر مکرمه شان، از روایات و آیات الهی نیز بهره برده است که سبب جامعیت شناخت و درک بالاتری از حضرت

۱۸ روایت از عرفات فاطمه تا مطاف فاطمیه

نویسنده: حمید سبحانی صدر

انتشارات: ایمان ماندگار

عدد هجده ناخودآگاه تداعی غمی جانکاه بر ذهن و قلب عاشقان معارف ناب اهل بیت: دارد؛ اما برای بهره گیری از این چشمه های جوشان و ناب، عمر هجده ساله بانوی آب و آفتاب نیز کافی است تا دلدادگان این بینش های عمیق معرفتی در این چشمه زلال غوطه ور شده و به ساحل امن و حقیقی معارف ناب فاطمی برسند. کتاب ارزشمند «هجده ساله» که در بردارنده هجده روایت از عرفات حضرت فاطمه سلام الله علیها تا مطاف او است به قلم توانمند حضرت حجت الاسلام حمید سبحانی صدر، نوشته و به کوشش انتشارات موسسه فرهنگی ایمان ماندگار در سال ۱۳۹۴ در اندازه های رقعی به چاپ رسیده است. در پایان مباحث کتاب، بحثی پیرامون مقبره شریف ایشان مطرح گردیده است. در این کتاب مؤلف از موضوعاتی چون روزهای فتنه، ماجرای سقیفه، غصب فدک، بیماری و شهادت حضرت و... روایت می کند. ادبیات روان، متن ساده و ایجاز و اختصار از شاخصه های اصلی این کتاب می باشد.

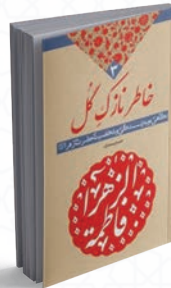


دردانه دل داده (بررسی تحلیلی زندگانی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها)

نویسنده: محمد جواد مروجی

انتشارات: بوستان کتاب

کشف دُری از دریای بیکران علم و معرفت کاری بس دشوار و سخت است اما جناب حجت الاسلام محمد جواد مروجی طبعی این سختی را به جان خرید تا بتواند از بستریکران معرفت فاطمی سلام الله علیها جرعه ای حیات به تشنگان حقیقت بنوشاند. ذکاوت و هوش سرشار، فکر باز و روشن، قلم بسیار توانمند و جذاب نویسنده، هر خواننده ای را مجبور به تورق کتاب گران مایه «دردانه دل داده» خواهد نمود. این نوشتار به کوشش نشر بوستان کتاب قم در سال ۱۳۸۸ در قالب ۴۷۲ صفحه به زبان عربی به رشته تحریر درآمد و به همت جناب آقای علیرضا کاوند بروجردی به فارسی روان و سلیس ترجمه گردید. همت بالای نویسنده در زمینه غور در منابع و مصادر با مراعات ایجاز و اختصار و همچنین نگاه قرآنی و روایی ایشان، از ویژگی های بارز این نوشته است. این کتاب گران قدر به بررسی دقیق و تحلیل زندگانی حضرت زهرا سلام الله علیها از ولادت تا شهادت، پرداخته و از مصائب وارده بر حضرتش تا هنگام پرواز ملکوتی ایشان پرده برداشته است.



نگاهی نو به زندگی و شخصیت حضرت زهرا سلام الله علیها

نویسنده: حسین سیدی

انتشارات: نشر معارف

«سلام بر تو ای حضرت عشق، ای همسر حضرت عشق، ای مادر حضرت عشق، ای الهه، ای ریحانه» چنین واژه های لطیف و بدیعی را حجت الاسلام حسین سیدی در مقدمه کتاب «خاطر نازک گل» ذکر کرده است. این کتاب جلد سوم از مجموعه ۱۴ جلدی «سیره کاربردی چهارده معصوم» می باشد که نویسنده با قلمی بسیار توانمند به همت انتشارات نشر معارف منتشر و به جامعه فرهنگی و مذهبی کشور عرضه داشته است. متن گویا و قلم شیوا در رثای خصائص زندگانی و سیره اجتماعی و سیاسی دخت نبی اکرم سلام الله علیها از خصیصه های این کتاب گران سنگ بشمار می رود. دفاع از ولایت، ماجرای فدک، ارتباط با خدا و... از دیگر موضوعاتی است که نویسنده با بیانی رسا در این نوشتار قلم زده است.



فاطمه علیها السلام در فکر و ذهن خواننده می‌شود. این نوشتار که به همت انتشارات دفتر نشر معارف در سال ۱۳۹۳ و در قالب ۲۴۸ صفحه به چاپ رسیده در واقع ترجمه و تکمیل شده کتابی است که به زبان عربی چندی قبل از آن، منتشر شده است. افق دید وسیع نویسنده، ترجمه بسیار روان و متن جامع در عین سادگی، از خصیصه‌های بارز این کتاب به شمار می‌رود که هر خواننده‌ای را مجبور به تورق آن می‌کند.

صحیفه فاطمیه (احادیث و کرامات)



نویسنده: حمید احمدی
انتشارات: زائر

نیاز به وجود کتابی جامع، مستقل و پرمحتوا در زمینه خطبه‌ها، کلمات قصار و کرامات یگانه بانوی والای هستی، حجت الاسلام حمید احمدی جلفائی را بر آن داشت تا کتاب «صحیفه فاطمیه» را قلم بزند. این کتاب ارزشمند در سال ۱۳۹۲ به همت انتشارات زائر در قالب ۳۱۹ صفحه به چاپ رسید که علاوه بر نگاهی کوتاه و گذرا به زندگی حضرت صدیقه کبری علیها السلام به ترجمه و تفسیر خطبه فدکیه نیز پرداخته است.

این کتاب در واقع اقتباسی است از کتاب «الاحتجاج» مرحوم طبرسی که نویسنده در آن موضوعاتی هم چون نقش ولایت، ماجرای فدک و ... را مطرح نموده است. استقلال موضوعی، متن پربار در عین ایجاز و اختصار و ادبیات ویژه را می‌توان از ویژگی‌های به خصوص کتاب صحیفه فاطمیه برشمرد. مؤلف در بخشی از این کتاب ادعیه و نمازهای حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را ذکر کرده و انگیزه خود را از ذکر این ادعیه، نیاز جامعه بشری بیان نموده تا با تمسک به این دعاها از گرفتاری روحی و جسمی رهایی یابد.

شبهات فاطمیه



نویسنده: سید مجتبی عصیری
انتشارات: طوبای محبت

تشت آراء، تحریفات مغرضانه، دشمنی با خاندان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و بهره‌گیری‌های سیاسی در زمان رحلت شهادت‌گونه خاتم النبیین صلی الله علیه و آله باعث وجود بسیاری از شبهات اعتقادی در زمینه موضوعات و مسائل فاطمی گردیده است؛ اما این شبهات با کمی تورق در کتب روایی و تاریخی برطرف گشته و می‌توان به جرئت این شبهه‌ها را تبدیل به حقیقت‌های تاریخی نمود. حجت الاسلام سید مجتبی عصیری با نگاشتن کتاب «شبهات فاطمیه» پوسته ظاهری بسیار از این مسائل را کنار زده و از این حقیقت‌های ناب فاطمی پرده برداشته است. در سال ۱۳۹۴ انتشارات طوبای محبت این کتاب ارزشمند را در قالب ۴۸۰ صفحه در اختیار پژوهشگران و اندیشمندان اسلامی قرار داده است. از خصیصه‌های بارز این کتاب می‌توان به استناد جستن

به منابع اهل تسنن علی‌الخصوص فرقه وهابیت اشاره کرد. این نوشتار از سه فصل با تکیه بر اسناد دسته اول اهل تسنن تنظیم گشته است. اعراب گزاری متون عربی به همراه ترجمه روان و قلم شیوا از ویژگی‌های منحصر به فرد این رساله است که خواننده را از تورق کتب دیگر در زمینه شبهات اعتقادی پیرامون عصر خلافت اهل‌الاهالی سقیفه بی‌نیاز می‌سازد.

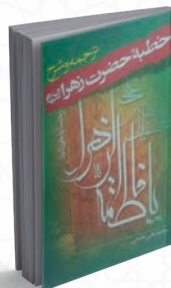
دانشنامه فاطمی



نویسنده: علی اکبر رشاد
انتشارات: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه

کتاب «دانشنامه فاطمی» کتابی جامع و مفید و دانشنامه‌ای کامل و پرمحتواست. ارائه منظومه‌ی معرفتی، استناد به منابع معتبر، ساختار موضوعی مناسب و توصیف و تحلیل مفاهیم دقیق دینی از اوصاف این کتاب گران سنگ می‌باشد که به قلم حجت الاسلام علی اکبر رشاد در سال ۱۳۹۲ توسط سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتشر و به عنوان دانشنامه علمی دینی در اختیار محققان علوم اسلامی قرار گرفت. این نوشتار که دائرةالمعارفی شش جلدی است با هدف تبیین و توضیح شبهات کلامی تاریخی و افشاء آن در عصر بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله، توصیف مقام والای دخت نبی اکرم علیها السلام و تبیین ماهیت و مرتبت حقوق زن و منزلت نهاد خانواده، به رشته تحریر درآمده است؛ اما هدف اساسی مؤلف از نگارش این دانشنامه ارائه الگوی زن مسلمان بر اساس الگوگیری از منش و رفتار حضرت صدیقه کبری علیها السلام است. نگاشتن چنین دانشنامه‌ای با مضامین و معارف بالای تربیتی که حاصل پژوهش و تحلیل حوادث و نقل گزارش‌های تاریخی و روایی است، کم‌وبیش خواننده را از رجوع به منابع دیگر بی‌نیاز می‌سازد.

ترجمه و شرح خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها



نویسنده: محمدتقی خلجی
انتشارات: میثم تمار

با نگارش کتابی مستقل در زمینه خطبه‌ها و کلمات قصار سیده نساء عالمین علیها السلام به نام «رخساره خورشید» در بین اهالی معرفت، دیگر کمبودی از این نظر احساس نمی‌شود. جناب حجت الاسلام محمدتقی خلجی در این کتاب به بیان ترجمه و شرح خطبه حضرت زهرا علیها السلام که چندی پس از رحلت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله در بین جامعه فرورفته در گرداب بلا ایراد شده، پرداخته است. حضرت در ظاهر این خطبه نورانی هدف را احقاق حق شرعی خود و خانواده‌اش که همانا استرداد فدک است بیان می‌فرماید، ولی در حقیقت هدف از ایراد این خطبه نجات امتی است که به فاصله کوتاهی بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بین حق و باطل دچار شبهه شدند و به ورطه هلاکت افتادند. انتشارات میثم تمار در سال ۱۳۷۹ به چاپ این کتاب پرداخت و آن را به جامعه دینی مشتاق کسب معارف فاطمی عرضه نمود. موضوع مستقل، متن عربی همراه با ترجمه روان و شرح تفصیلی و دقیق از خصیصه‌های این کتاب گران سنگ می‌باشد.



محصول علمی-محتوایی معاونت فرهنگی ستاد مرکزی هیأت رزمندگان
معرفی کتاب «دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران»

چله انقلاب



و خدمت‌رسانی»، «وضع معیشتی مردم»، «افزایش زیرساخت‌های خدماتی»، «توسعه صنعتی»، «استقلال صنعتی» و... مواجه خواهیم شد که در کنار مشکلات موجود به بررسی پیشرفت‌های چشم‌گیر اقتصادی ایران اسلامی در ۴۰ سالگی انقلاب اسلامی با وجود همه فشارها و تحریم‌های دشمنان انقلاب می‌پردازد.

در این بخش همچنین تبیین می‌شود که عرصه اقتصاد و کشاورزی مهم‌ترین عرصه تحول در پیشرفت‌های نوین و عظیم است که ضرورت تغییر نگاه به تولیدکننده را به عنوان رزمنده جنگ اقتصادی می‌طلبد. رهایی کشور از وابستگی به درآمدهای نفتی و توجه به بخش‌های پیشران اقتصادی نظیر مسکن، کشاورزی و شرکت‌های دانش‌بنیان و همچنین لزوم جهت‌گیری و هدف‌گذاری‌های اقتصادی و ریشه‌کن کردن فقر بر مبنای تأمین عدالت از مهم‌ترین محورهای تأکیدی رهبر معظم انقلاب حفظه‌الله است که صنعتگران و مجاهدان اقتصادی تا حدود زیادی به این امر خطیر تحقق بخشیده‌اند و از این مهم در فصل چهارم این کتاب پرده‌برداری شده است.

۵. بخش دستاوردهای بهداشت و سلامت

سلامت جسم و روح برای پیشبرد مقاصد و اهداف والای انسانی در تمامی بسترهای رشد و تحول، از ضروریات ابتدایی جوامع بشری است که پویایی و نشاط را برای آن به ارمغان می‌آورد و به جرئت می‌توان اذعان نمود که به برکت انقلاب شکوهمند اسلامی، ایران به قطب پزشکی منطقه و جهان اسلام تبدیل گردیده است. «تأسیس خانه‌های بهداشت»، «آمار پزشکان و متخصصان»، «بهبود وضعیت بهداشت عمومی در کشور»، «مقایسه تحولات راهبردی پژوهش‌های علوم پزشکی با رویکرد نظام نوآوری»، «دستیابی به فنون و خدمات نوین پزشکی»، «افزایش تخت‌های بیمارستانی» و «دستاوردهای صنعت دارویی» از دیگر موضوعات جالب بخش بهداشت و سلامت این کتاب است.

۶. بخش دستاوردهای صنعت و معدن و انرژی

موتور پیشران کشور در عرصه صنعت و معدن و ایجاد زیرساخت‌های صنعتی و معدنی همچون صادرات پتروشیمی، تولیدات نفتی و استخراج سنگ‌های معدنی همچون فیروزه بیش‌ازپیش پویا گردید تا جایی که در ۴۰ سالگی انقلاب به توفیقات درخشانی در این عرصه‌ها دست یافته است. این امر به خوبی در فصل ششم این نوشتار منعکس گردیده است.

۷. بخش دستاوردهای ورزشی

این بخش به سراغ کسب مقامات و رتبه‌های برتر ورزشی رفته است و تبیین می‌کند که نسل جوان و بانشاط این مرزوبوم با وجود امکانات اندک و غیرپیشرفته، چگونه از همان آغازین روزهای انقلاب، سعی در کسب رتبه‌های برتر ورزشی نمودند و به چه موفقیت‌ها و پیروزی‌هایی دست پیدا کردند.

۸. بخش دستاوردهای انقلاب؛ از پیشرفت‌های اقتصادی تا نظامی

مطالب و مباحث مطرح شده در این بخش پیرامون دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران در عرصه قدرت نظامی است. دانشمندان و متفکران عرصه‌های جهادی بنا به توصیه فرمانده کل قوا حفظه‌الله توان دفاعی خود را بیش‌ازپیش گسترش دادند تا زورگویان احساس امنیت نکنند. امروزه بی‌شک ایران اسلامی در ۴۰ سالگی خود قدرت برتر خاورمیانه و یکی از برترین قدرت‌های جهان به شمار می‌رود که با تکیه بر اراده و تلاش خود به این مهم دست یافته است. این دستاوردها در قالب عناوینی مانند: «امنیت ملی»، «امنیت منطقه‌ای»، «امنیت سیاسی»، «امنیت اجتماعی»، «امنیت بین‌الملل»، «استقلال نظامی» و «خودباوری و خودکفایی در صنایع نظامی» مورد بررسی قرار گرفته است.

کم‌سواد و عقب‌ماندگی در تمامی عرصه‌ها و بسترهای جامعه پیش از انقلاب چنان مشهود و هویدا بوده که بنیان‌گذار جمهوری اسلامی رحمة‌الله‌علیه در صحیفه بابرکت خود چنین می‌فرماید: «... مایه بسی خجالت است کشوری که مهد علم و ادب بوده و در سایه اسلام زندگی می‌کند که طلب علم را فریضه دانسته است از خواندن و نوشتن محروم باشد.» (صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۲۱) این ادبیات گواه و شاهد بر جهل علمی و به دنبال آن وابستگی صرف به دنیای غرب بود که تمدن و فرهنگ غنی اسلامی ایرانی را تحت تأثیر خود قرار داده بود.

اما طولی نکشید که خواست و تصمیم ملت ایران در استقلال و عزت شرافتمندانه بر حاکمیت و نظارت غرب به‌ویژه ایادی استکبار غالب گردید و انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری بزرگ‌مرد تاریخ به پیروزی رسید. سرگذشت چهل سال رشد و بالندگی انقلاب، به شیوه‌ای مستند، نوین و مصور در مجموعه‌ای ارزشمند و خواندنی با عنوان «دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران» گردآوری شده است که از تحول‌های عظیم در زمینه‌های مختلف علمی، دینی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی با ادبیاتی ویژه و قالبی جذاب پرده برمی‌دارد. ایجاز و اختصار به همراه جامعیت علمی مستند به منابع معتبر و متن شیوا و قلم روان همراه با صورت‌گری جذاب باعث شده که این کتاب در جایگاه یکی از بهترین منابع مستند در عرصه معرفی پیشرفت‌های سال‌های پس از انقلاب قرار بگیرد.

مجموعه مزبور به مناسبت ۴۰ سالگی انقلاب و به کوشش معاونت فرهنگی هیأت رزمندگان اسلام در زمستان سال ۱۳۹۷ و در حجم ۱۱۴ صفحه منتشر گردید. این نوشتار گواهی است بر اینکه در عرصه علوم نوین، متفکران ایرانی با تکیه بر دانش و فرهنگ بومی، مرزهای جدید علوم بشری را درنوردیدند و در مواردی نیز از این حدود عبور نموده‌اند. کتاب حاضر از سال‌های پرخطر و پرمخاطره‌ای سخن به میان می‌آورد که دشمنان این مرزوبوم به انحای مختلف، سعی در متوقف نمودن قطار شکوفایی انقلاب داشتند ولی غافل از اینکه محور این قطار بر پایه اعتقادات و باورهای مستحکم دینی شکل گرفته و هدایت آن نیز به دست رهبری مدیر و مدبر می‌باشد که انحراف و براندازی آن به آسانی میسر نیست. بخش‌های مختلف مجموعه «دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران» عبارت‌اند از:

۱. بخش «آیامی دانید...؟»

این بخش دربردارنده سؤالاتی است مانند آیا می‌دانید جمهوری اسلامی ایران اولین تولیدکننده داروی گیاهی مقابله با ایدز در جهان است؟ آیا می‌دانید جمهوری اسلامی ایران دومین کشور دارنده تکنولوژی بیودیزل در جهان است؟

۲. بخش دستاوردهای عمرانی

در این بخش با مقایسه دوران پیشرفت‌های سریع بعد از انقلاب با ایام رکود و عقب‌ماندگی قبل از انقلاب از رشد و تحول زیرساخت‌های عمرانی که در اوج تحریم‌ها و مشکلات داخلی و خارجی است رونمایی می‌شود.

۳. بخش دستاوردهای علمی و فناوری

در این بخش نمای کلی از شکوفایی استعدادها و انسانی و رسیدن به قله‌های متیع علمی که در هر زمینه‌ای جزورده‌های برتر و نخستین دنیا قرار داریم، به تصویر کشیده شده است. دستاوردهای قابل ستایشی در عرصه علمی و فناوری بعد از انقلاب اسلامی همچون: «ارتقای سطح سواد و عملی جامعه»، «فناوری نانو»، «فناوری هسته‌ای»، «فناوری فضایی» و «فناوری سلول‌های بنیادی».

۴. بخش دستاوردهای اقتصادی و کشاورزی

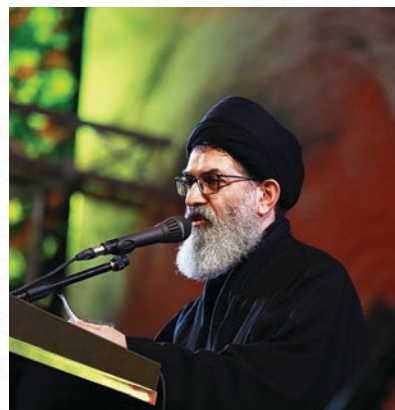
دستاوردهای اقتصادی موضوع مهم دیگری است که با توجه به مشکلات اقتصادی پیش‌آمده باید مورد توجه ویژه‌ای قرار گیرد. در این بخش با عناوینی از قبیل: «جایگاه اقتصاد ایران در جهان»، «سیاست فقرزدایی





بزرگداشت شهادت سپهبد قاسم سلیمانی در مصلاي امام خمینی رحمته الله علیه تهران

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی هیأت رزمندگان اسلام، مراسم بزرگداشت فرمانده محور مقاومت شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی و مجاهد شهید ابو مهدی المهندس و دیگر همزمان شهیدشان در تاریخ یکشنبه ۱۵ دی ماه از ساعت ۱۹ در مصلاي بزرگ امام خمینی رحمته الله علیه به همت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ستاد مرکزی هیأت رزمندگان اسلام برگزار گردید. این مراسم که با حضور گسترده عاشقان و شیفتگان شهید و شهادت از اقصای نقاط تهران و کشور همراه بود، با قرائت آیاتی چند از کلام الله مجید توسط قاری بین المللی حاج کریم منصوری آغاز گردید. سپس در ادامه مراسم حجت الاسلام حاج علیرضا پناهیان، حجت الاسلام هاشم الحیدری و سردار محسن رضایی سخنرانی کردند و مداحان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام حاج محمدرضا طاهری، حاج محمود کریمی، کربلایی حسین طاهری و دیگر مداحین و شعرا به مدیحه سرایی و شعرخوانی پرداختند.





مراسم ولادت حضرت زینب علیہا السلام «ویژه دختران»

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی هیأت رزمندگان اسلام به مناسبت فرا رسیدن خجسته میلاد باسعادت حضرت زینب کبری علیها السلام جشن باشکوهی «ویژه دختران» همراه با مولودی خوانی و برنامه های متنوع دیگر و با موضوع الگو و سبک زندگی جوان ایرانی به همت واحد خواهران جوان هیأت رزمندگان اسلام در تالار سوره حوزه هنری برگزار شد. در این مراسم که در تاریخ سه شنبه دهم دی ماه برگزار گردید حجت الاسلام والمسلمین برومائی به ایراد سخنرانی و مادحین اهل بیت علیهم السلام به مدیحه سرایی و مولودی خوانی پرداختند.



مراسم بزرگداشت شهید سپهبد قاسم سلیمانی در شهرکرد



به گزارش پایگاه اطلاع رسانی هیأت رزمندگان اسلام استان چهارمحال و بختیاری؛ مراسم معنوی بزرگداشت یاد و خاطره سردار شهید حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس و دیگر همزمان شهیدشان در مصلی امام خمینی علیه السلام شهرکرد برگزار شد.

حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی نکونام، نماینده ولی فقیه در استان چهارمحال و بختیاری و امام جمعه شهرکرد در این مراسم به سخنرانی پرداخت. او ضمن تسلیت و تعزیت شهادت فرمانده شجاع نیروی قدس سپاه، حاضران در این برنامه را دلدادگان مکتب شهید و شهادت و دلباختگان حق و حقیقت دانست. تلاوت قرآن کریم، مداحی، نوحه خوانی، پخش کلیپ و نماهنگ و سینه زنی در سوگ شهادت فرمانده رشید نیروی قدس سپاه و شهدای محور مقاومت بویژه ابومهدی المهندس از دیگر برنامه های این مراسم معنوی بود.





عزاداری فاطمیه اول

مسجد حضرت سیدالشهدا علیه السلام تهران

همزمان با فرا رسیدن ایام فاطمیه اول و در آستانه شهادت جانسوز حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیه السلام پنج شب مراسم سوگواری از شنبه ۱۴ دی ماه ۹۸ در مسجد حضرت سیدالشهداء علیه السلام به همت ستاد مرکزی هیأت رزمندگان اسلام برگزار شد. در این مراسم که با حضور خیل عظیم عاشقان و ارادتمندان آل الله برگزار شد، حجت الاسلام علیرضا پناهیان به سخنرانی و مداحین اهل بیت علیه السلام حاج مهدی سلحشور، کربلایی نریمان پناهی، کربلایی محمدحسین پویانفر و حاج ابوذریب کافی، به روضه خوانی و مداحی پرداختند.



هیأت

۸۵

گرامیداشت حماسه ۹ دی

در چهارمحال و بختیاری

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی هیأت رزمندگان اسلام استان چهارمحال و بختیاری؛ مراسم گرامیداشت سالروز حماسه باشکوه ۹ دی با حضور پرشور مردم ولایتمدار بخش فلارد در حسینیه ثارالله (مصلی نماز جمعه) شهر مال خلیفه برگزار شد. حجت الاسلام محمود خیری امام جمعه فلارد در این اجتماع بزرگ به سخنرانی پرداخت. تلاوت کلام نورانی وحی، سرود جمهوری اسلامی، شعارهای مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل و قرائت دکلمه از دیگر برنامه‌های اجرا شده در این مراسم بود.





دوازدهمین همایش مداحان و شعرای نخبه مرتبط با هیأت رزمندگان اسلام

دوازدهمین همایش مداحان و شعرای مرتبط با هیأت رزمندگان اسلام طبق روال سال‌های گذشته با حضور مداحین و شعرای نخبه مرتبط با این هیأت، سازمان بسیج مداحان و کمیته مراسم اربعین در مشهد مقدس و در جوار بارگاه ملکوتی حضرت علی ابن موسی الرضا علیه السلام برگزار شد.

این همایش دو روزه در چهارشنبه چهارم و پنجشنبه پنجم دی ماه در دو بخش مجزا برگزار شد که بخش اول مربوط به نشست هم‌اندیشی سخنرانان اربعین حسینی ۹۸ بود که با حضور سخنرانان از سراسر کشور

برگزار گردید. بخش دوم از اولین روز این همایش پس از قرائت آیاتی چند از کلام الله مجید توسط حاج احمد نیکبختیان آغاز شد، در ادامه حجت الاسلام علیرضا پناهیان به سخنرانی در ارتباط با موضوع خانواده پرداختند. همچنین مداحین و شعرای آیینی در قالب تریون های آزاد به بیان نقطه نظرات، شعرخوانی و مداحی پرداختند. در پایان روز اول سردار حسین نجات به در ارتباط با مسائل روز سخنرانی کرد. در دومین روز از این همایش کارگروه‌هایی با موضوعات: «مداحان و گام دوم انقلاب»، «مداحان و خانواده»، «مداحان و آموزش» و «مداحان در صحنه های دفاع از نظام و انقلاب» برگزار شد. در ادامه نظر همراهان ماهنامه هیأت را به ارائه گزارش مکتوب از بیانات ارائه شده و محتوای این همایش جلب می‌نماییم:

حجت الاسلام علیرضا پناهیان



تأکید رهبری بر حضور پررنگ مداحان در عرصه هیأت به دلیل تأثیرگذاری بیشتر این قشر بر مردم است؛ زیرا تأثیر پذیری مردم هنگام اشک، بیشتر از نشستن پای منبر است. هشت سال پیش من به هشت کشور آفریقایی سفر کردم و آنجا مشاهده کردم که کشیش‌های مسیحی روی صندلی‌های بلندی در اماکن عمومی حضور دارند و مشغول خواندن اصواتی هستند که آهنگ آن بسیار شبیه به مداحی بود. وقتی علت این کار را پرسیدم، متوجه شدم که در آفریقا برای تبلیغ مسیحیت، دریافته‌اند که مهم‌ترین تأثیر بر مردم برای گرایش به مسیحیت از طریق این نوا است. از اینجا متوجه نقش پررنگ مداحان و ذاکرین در تأثیرگذاری بر مردم می‌شویم.

کسانی که مداحان را تخریب می‌کنند، احتمالاً متوجه نیستند که تیشه بر ریشه چه نهاد مهمی می‌زنند؛ نهالی که خون امام حسین (علیه السلام) پای آن ریخته شده است. در حوزه علوم شناختی، می‌توان بدون متوجه شدن شخص، ذهن ناخودآگاه افراد را تغییر داد. یعنی از طریق تأثیر ذهن ناخودآگاه، فرد را به مسائلی مایل و یا برعکس از برخی مسائل روی‌گردان کرد.

اگر مداح برای مداحی‌های خود چند روانشناس و مشاور داشته باشد، از طریق تأثیر علوم شناختی، می‌تواند تأثیر روضه‌هایش را بسیار بیشتر کند. لذا تقاضا دارم که شما مداحان روی این عملیات شناختی کار کنید. برای نمونه، ذاکران از کلمه‌های سیاست و سیاسی استفاده نمی‌کنند. اما بدانید که ذاکران هرچه بگویند مقدس می‌شود و کلمه‌ها بار روانی مثبت پیدا می‌کنند. اگر شما بتوانید از سیره سیاسی حضرت زهرا (علیه السلام) برای مردم روضه بخوانید و یا سعی کنید مردم را به چله سیاسی حضرت فاطمه (علیه السلام) دعوت کنید، با توجه به نزدیک بودن به انتخابات، می‌توانید اثر مهمی روی مردم داشته باشید.

عدم ازدواج، فراوانی طلاق، سردی در خانواده و کم‌فرزند خانواده از مشکلات ما در حوزه خانواده است. برای تأثیرگذاری در این حوزه می‌توان از زبان حضرت رباب (علیه السلام) به امام حسین (علیه السلام) و برعکس، از زبان حال امام علی (علیه السلام) نسبت به حضرت فاطمه (علیه السلام) و برعکس استفاده کرد و الگوهای رفتاری ائمه (علیهم السلام) با خانواده را در جامعه گسترش داد. اگر پدر به دختر سیر محبت کند، دختر بدحجاب نمی‌شود. ما این مسئله را در مدارس تهران بررسی کردیم. روضه‌ها و اشعار باید به گونه‌ای خوانده شود که پدرها به دختران



خود بیشتر توجه کنند. باید به زبان حال ائمه توجه شود زیرا این زبان حال است که زیبایی دارد و در مخاطب اثر می‌گذارد.

در زمینه افزایش فرزندآوری نیز، برای فرزنددار شدن کسانی که توانایی فرزندآوری ندارند دعا کنید. در حال حاضر بانوان زیادی داریم که نازا هستند اما بیمه برای درمان نازایی هزینه‌ای پرداخت نمی‌کند و این از اشکالات وارده در این حوزه است.

سردار علی‌اکبر مداحی

(مدیر ستاد مرکزی هیأت رزمندگان اسلام)



نکته اول در مورد بودجه این هیأت باید عرض کنم که برخلاف تصور، مبلغ کلانی نیست. نکته دوم اینکه ما در این همایش در چهار محور کارگروه خواهیم داشت که شامل مداحان و گام دوم انقلاب، مداحان و خانواده، مداحان و آموزش و مداحان و دفاع از ارزش‌های انقلاب و نظام است. برای اداره این کارگروه‌ها از استادان و سخنرانان بزرگی چون حجت الاسلام پناهیان و ماندگاری دعوت کرده ایم.

حاج عباس دلجو

(پژوهشگر، محقق و ذاکر)



متأسفانه امروزه «شعر محوری» در مداحی به «آهنگ محوری» و «سبک محوری» تبدیل شده و خیلی به محتوای شعر توجهی نمی‌شود و امیدواریم که برای نسل جدید مداحان، شعر محوری مدنظر باشد.

از یک طرف مقدس‌ترین و محبوب‌ترین افرادی که با مسائل دینی پیوند دارند؛ مداحان هستند و از طرف دیگر هجمه‌ای که نسبت به مداحان و ذاکرین وارد می‌شود، مغرضانه است که گاهی ناشی از بروز خطاهای غیرعمد از جانب آنهاست. از جمله این هجمه‌ها، مسئله دریافت اجرت و پول در قبال مداحی است. گرچه اجرت گرفتن مداحان حرام نیست و در سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) هم نمونه‌های فراوان دارد مانند امام باقر (علیه‌السلام) که به کمیت هزینه‌های زیادی را پاداش دادند و یا اینکه نقل شده که امام رضا (علیه‌السلام) مبلغ صد هزار دینار به یک ذاکر هدیه دادند، اما این مطلب میان مردم فرهنگ‌سازی نشده است و برخی‌ها برای خدشه دار کردن چهره مداحان این مسئله را مطرح می‌کنند. آیا کسی که دائماً در حال تبلیغ است و نمی‌تواند شغل دیگری داشته باشد باید در قبال مداحی از مردم هزینه‌ای دریافت نکند؟ آیا این امر منافای اخلاق مداری در مداحی است؟

امروزه یکی از آفات عرصه مداحی این است که مداحی به یک مسابقه تبدیل شده و جوانان می‌خواهند از طریق رابطه‌ها و لابی وارد این مسابقه شوند. مداحان را نباید درجه بندی کرد، این توهین به مداح و مداحی است.

همچنین در حوزه تربیت خانواده، توصیه مقام رهبری حفظه الله این است که ذاکران، مسائل تربیتی را در قالب مدح، مرثیه سرایی و شعر مطرح کرده و مردم را به این مسائل توجه دهند.

حاج حسین سازور

(ذاکر اهل بیت (علیهم‌السلام))



وقتی به زندگی حضرت زهرا (علیها‌السلام) نگاه می‌کنیم، می‌بینیم ایشان همواره در حال مبارزه بودند، در قضایای پس از رحلت رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، حضور ایشان پررنگ‌تر شد، اما اینکه چه حوادثی ایشان را به کوچه‌های مدینه و بین نامحرمات کشید؟ دلیلش این بود که ایشان برای دفاع از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به این حوزه پا گذاشت و حرمتش شکسته شد. ما مداحان نیز با تاسی به مادر سادات، نباید توقع احترام بی‌جا داشته باشیم و مانند این انقلاب هزینه می‌خواهد و باید مانند حضرت زهرا (علیها‌السلام) از آن دفاع کنیم.

ما در تهران ۲۵۰۰ مسجد فعال و ۲۵۰۰ روحانی داریم، چرا در جریان فتنه اخیر صد نفر از این روحانیان کفن نشویدند تا به خیابان بیایند؟ ما باید برای نظام آبرو بگذاریم. وقتی می‌گوییم ما سیاسی نیستیم یعنی نمی‌خواهیم از آبروی خود برای نظام مایه بگذاریم. ما در دفاع از امام جامعه‌ی خود نباید کوتاه بیاییم. برخی بار همه مسائل را روی دوش رهبری گذاشتند و هیچکس هم نیست تا از ایشان دفاع کند.





سردار حسین نجات

(معاون فرهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)



سردار نجات معاون فرهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و رئیس هیأت امنای ستاد مرکزی هیأت رزمندگان اسلام ضمن تشریح پیشرفت‌های شگرف نظام جمهوری اسلامی و پس از آن افول موریانه‌وار آمریکا و غرب، افزود: در آمریکا ۵۰ میلیون گرسنه وجود دارد و جمهوری اسلامی علی‌رغم تحریم و همه‌ی مشکلاتی که دارد به هرنفراز خانواده‌های با درآمد متوسط و پایین یکصد هزار تومان یارانه می‌دهد و این در دنیا بی‌نظیر است.

معاون فرهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: تحریم و سوء مدیریت باعث فشار اقتصادی بر طبقات پایین جامعه شده و به یک قشر بیش از بقیه فشار می‌آید لکن از آنجایی که جمهوری اسلامی تنها کشوری است که مدافع مستضعفین و طبقات پایین جامعه به خصوص قشر آسیب پذیر است کمیته امداد امام خمینی علیه السلام تلاش کرده افراد تحت پوشش خود را بیمه کند و ایجاد اشتغال، مسکن و توانمندسازی آن‌ها را در دستور کار خود قرار داده است.

وی ضمن قدردانی از زحمات گروه‌های جهادی خاطر نشان کرد: بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی، بنیاد برکت، گروه‌های جهادی و بسیج سازندگی تمرکز خود را بر حاشیه شهرها و مناطق محروم قرار داده‌اند و این نشان دهنده توجه نظام جمهوری اسلامی برافشار پایین جامعه است که صاحبان اصلی انقلاب می‌باشند. رئیس هیأت امنای ستاد مرکزی هیأت رزمندگان اسلام متذکر شد: دشمنان نظام چون می‌دانند پایگاه جمهوری اسلامی در افشار متوسط و پایین جامعه است می‌خواهند با اعمال تحریم، این مردم را مقابل نظام قرار دهند.

سردار نجات در ادامه افزود: در رابطه با اعتراضات آبان ماه ۹۸ نیز عده‌ای که ابتدا به خیابان آمدند از افزایش قیمت‌ها نگران بودند لکن پس از مشاهده‌ی حرکت آشوبگران و بخصوص با بیانات رهبر معظم انقلاب، معترضین صف خود را از آشوب‌گران و تخریب‌کنندگان جدا کردند. لذا اگرچه مشکل داشتند ولی حاضر نشدند در نقشه دشمنان وارد شوند.

وی همچنین خاطر نشان کرد: در میان افراد دستگیر شده، که اقدام به تخریب کرده‌اند افرادی بوده‌اند که فرزندان اعتیاد، فرزندان طلاق و با سواد کم بوده‌اند و متأسفانه تحت تأثیر فضای مجازی آلوده شده‌اند و این وظیفه متولیان فضای مجازی، فرهنگی و اجتماعی کشور را سنگین تر می‌نماید.

حاج محمود تاری

(مداح و شاعر آیینی)



نقش مداحان در آگاهی جامعه بسیار مهم است. در جامعه ما برخی مجله‌ای را در جامعه چاپ کنند که علیه اعتقادات ما است. در بحث شعر، گاهی افراد موجهی هستند که بی‌توجهی می‌کنند و همین نقطه ضعفی علیه مداحان می‌شود. بعضی اشعاری که مداحان می‌خوانند چالش ایجاد می‌کند. یک مداح اگر تمام اموراتش درست باشد فقط اشکالات ریزی داشته باشد دشمن نیز به دنبال همین اشکالات ریز می‌گردد.

عده‌ای شاعری نکردند، یک چیزهایی دیدند و می‌گویند که ما شاعریم. ای کاش همه شاعران اهل بیت علیهم السلام با شاعران باتجربه و سابقه دیگر نیز ارتباط داشته باشند. ما باید مسیر را درست برویم

و اهل قلم باید حواسشان به این مسیر باشد. نباید فله‌ای دفاع کنیم. لازم نیست توجیه کنیم، بلکه باید حقایق را مطرح کنیم. شعر باید گویا باشد تا مخاطب بتواند درست درک کند و به آن عمل نماید؛ چون وقتی شعری خوانده شود، دیگر نمی‌توان دنبال شاعر رفت تا مقصود اصلی را جویا شد.

حاج سید احمد صالحی خوانساری

(مداح اهل بیت علیهم السلام)



طی این سال‌ها، آموزش مداحی در ایران و مخصوصاً تهران مغفول واقع شده‌است. مظلوم‌ترین تربیون‌ها، تربیون مداحی و اهل بیت علیهم السلام است.

حاج رحمان نوازی

(شاعر و مداح اهل بیت علیهم السلام)



سطح معقولات جامعه رو به افزایش است، باید در حوزه مقتل و روضه نگرش مجدد داشته باشیم و در ذهن مخاطب گفتمان‌سازی کنیم. جامعه به ظاهر معقول ما، در مورد جامعه مداحان، یک جامعه تقریباً بی‌سواد است؛ چرا در یک میزگردی که در ماه محرم برای عاشورا برگزار می‌شود میزگرد مداحان نباشد تا مبانی روضه‌خوانی خود را برای مردم تبیین کند و مردم هم بدانند که مداح اهل بیت علیهم السلام سواد دارد. رعایت اصالت متن در روضه‌خوانی یک ضرورت است. گفتمان‌سازی در دنیای امروز از متن برانگیخته می‌شود در حالی که ما از متن غافل هستیم.

حاج حسین هوشیار

(مداح اهل بیت علیهم السلام)



نهاد نظارتی، اولویت ماست و همه حمایت می‌کنیم؛ میکروفون مداحان مظلوم‌ترین میکروفون است. میکروفون مدح و مرثیه امام حسین علیه السلام را نباید هرکسی که از راه می‌رسد و فکر می‌کند صدایش خوب است به دست بگیرد.

نشست مسئولان

گروه‌های جهادی هیئات رزمندگان کشور



اولین نشست مسئولان گروه‌های جهادی هیئات رزمندگان کشور، پنجشنبه ۲۸ آذرماه در فاطمیه بزرگ تهران برگزار شد. تأکید بر انسجام تشکیلاتی گروه‌های جهادی موجود و همچنین ایجاد و تقویت گروه‌های جهادی در دیگر استانها و شهرستان‌ها؛ ارائه گزارش فعالیت‌های ویژه جهادی برای الگوسازی در سطح هیئات رزمندگان؛ هم‌افزایی و ایجاد کمیته خیرین با تعیین اولویت‌های جهادی اعم از عمرانی، فرهنگی، بهداشتی، رسانه و خدمات اجتماعی؛ اطلاع‌رسانی نسبت به میزان پشتیبانی مجموعه‌های مختلف از قبیل بسیج سازندگی، بنیاد برکت، قرارگاه امام رضا علیه السلام، قرارگاه پیشرفت و آبادانی از مهمترین اهداف برگزاری این نشست بود. حجت الاسلام احمد پناهیان، جانشین قرارگاه جهادی هیئات رزمندگان در این نشست به سخنرانی پرداخت. وی با انتقاد از این‌که بیش از هزار شعبه هیئات رزمندگان کشور، فقط ۴۰ گروه جهادی تشکیل داده‌اند، لزوم توجه به اومرپی در پی و مؤکد رهبر معظم انقلاب در این رابطه توسط هیئات رزمندگان را خواستار شد و ضمن تشکر از گروه‌هایی که با وجود شرایط نامناسب جوی از اقصای نقاط کشور در این نشست شرکت کردند، اهداف تشکیل این قرارگاه و برگزاری این نشست را تبیین کرد.

در خلال این نشست همچنین حجت الاسلام آلبوعطیوی، مسئول جوانان عاشورایی استان خوزستان و مسئولان گروه‌های جهادی استان اصفهان و خراسان رضوی نیز گزارشی از فعالیت‌های ارزشمند خود را ارائه کردند.



بازدید از هیئات رزمندگان

استان آذربایجان غربی

در ادامه سرکشی و بازدید از شعب و دفاتر هیئات رزمندگان در مراکز استان‌ها، جلسه مشورتی با حضور سردار مداحی مدیر ستاد مرکزی، آقای حبیب زاده معاون امور استان‌ها، حجت الاسلام سفیدی معاون فرهنگی هیئات رزمندگان اسلام، مدیران هیئات‌های شهرستان و معاونت خواران و جوانان عاشورایی در استان آذربایجان غربی تشکیل گردید. در این دیدار اعضای حاضر در جلسه پیرامون مشکلات و موانع پیشبرد فعالیت‌های هیئات و همچنین در مورد مناسبت‌ها و برنامه‌های اربعین پیشنهادات و ایده‌هایی را ارائه نمودند.

در این دیدار سردار مداحی، مدیر ستاد مرکزی هیئات رزمندگان اسلام، پیرامون شاخص‌های هیئات ترار انقلاب اسلامی توضیحاتی را بیان فرموده و ضمن تأکید نسبت به حضور فعال هیئات‌ها در حماسه اربعین و همچنین حضور در کمک‌رسانی به محرومین جامعه و تشکیل گروه‌های جهادی در استان‌ها و شهرستان‌ها، تذکرات و نکات مهمی را ارائه نمودند.

جلسه با سردار شهسواری فرمانده سپاه استان، مسئولین هیئات‌های رزمندگان اسلام استان و دیدار و گفتگو با شعرا و مداحان برتر استان از دیگر برنامه‌هایی بود که در حاشیه این دیدار انجام پذیرفت.





مراسم سوگواری رحلت کریمه اهل بیت در شهرستان برخوار

به همت پیروان عترت خواهران هیأت رزمندگان شهرستان برخوار (دولت اباد)، مراسم رحلت حضرت معصومه علیها السلام با سخنرانی سرکار خانم قناد با موضوع «خصلتهای مومن از دیدگاه امام صادق علیه السلام» و مداحی و قرائت حدیث کسا توسط سرکار خانم حلوائی برگزار شد.



اهدای لوح تقدیر

توسط ستاد بازسازی عتبات عالیات بخاطر حضور و فعالیت چشمگیر موکب حضرت زهرا علیها السلام هیأت رزمندگان اسلام استان اصفهان طی مراسمی که در تاریخ بیستم آذرماه سال جاری برگزار گردید از مدیر این موکب آقای حسن اسماعیلیان با اهدای لوح سپاس، تقدیر به عمل آمد.



مراسم میلاد

امام حسن عسکری علیه السلام

با حضور عاشقان و ارادتمندان ائمه اطهار علیهم السلام مراسم میلاد باشکوه یازدهمین پیشوای شیعیان حضرت امام حسن عسکری علیه السلام توسط پیروان عترت هیأت رزمندگان شهرستان دشتی از استان بوشهر برگزار گردید.



جشن چهل سالگی انقلاب در شهرستان نکا

به همت هیأت رزمندگان اسلام پیروان عترت شهرستان نکا مراسم پرفیض دعای توسل همراه با جشن چهل سالگی انقلاب اسلامی در تاریخ ۵ آذرماه سال جاری با سخنرانی سرهنگ شعبانی فرماندهی محترم سپاه ناحیه نکا برگزار گردید.



گلباران مزار شهدای ملارد

بمناسبت هفته بسیج به همت پیروان عترت هیأت رزمندگان واحد خواهران شهرستان ملارد مراسم گلباران مزار شهدا و قبور مطهر دو شهید بزرگوار امنیت شهدان ابراهیمی و رضایی با حضور مسئولین و بسیجیان برگزار گردید.

جشن میلاد پیامبر اکرم در شهر برخوار

همزمان با سالروز ولادت باسعادت پیامبر رحمت و مهربانی و آغاز هفته وحدت مراسم جشن بزرگی با حضور مردم انقلابی و پیروان راستین آن حضرت همراه با تحلیل سیاسی توسط پیروان عترت شهرستان برخوار اصفهان برگزار گردید.

گرامیداشت هفته بسیج در دزفول



هیأت رزمندگان اسلام شهرستان دزفول بمناسبت هفته بسیج با حاج عبدالرضا ملکوتی نیا فرزند شهید، رزمنده پیشکسوت و جانباز دفاع مقدس دیدار بعمل آوردند. او متولد ۱۳۴۰ است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به فراگیری دوره های آموزشی پرداخت و حضور در بسیج را بعنوان یک وظیفه در دستور کار خود قرار داد. در تاریخ ۲۲ آذر ماه ۵۹ در حالیکه کمتر از سه ماه از آغاز جنگ تحمیلی نگذشته بود پدر بزرگوارشان توسط اصابت توپ بعثی ها به دزفول بشهادت میرسد ولی شهادت پدر باعث نشد تا این برادر جبهه را فراموش کند و در اردیبهشت ماه سال ۶۰ در سن ۲۰ سالگی به جبهه اعزام شد.

وی در عملیات فتح المبین از ناحیه کمر و دویا مجروح شد و اکنون دارای ۱۵ درصد جانبازی است. این رزمنده دلاور از سال ۶۲ همزمان با حضور در جبهه های نبرد و ۱۳ سال بعد از پایان دفاع مقدس بعنوان فرمانده پایگاه مسجد امام حسین (ع) جنوبی و همچنین قریب به ۱۰ سال بعنوان فرمانده گروهان و فرمانده گردان عاشورا انجام وظیفه نموده است.

مراسم وفات کریمه اهل بیت

حضرت فاطمه معصومه (ع) در کنار تخته



این مراسم به مناسبت سالگرد وفات حضرت فاطمه معصومه (ع) در تاریخ ۱۶ آذر ماه سال جاری به همت هیأت رزمندگان اسلام واحد قرآن و عترت خواهران کنار تخته همراه با قرائت دعای فرج، زیارت حضرت معصومه، زیارت حضرت زهرا (ع)، حدیث شریف کساء، مداحی و سینه زنی توسط مداح اهل بیت و سخنرانی و روضه خوانی توسط حجت الاسلام قرخلو برگزار گردید.

مراسم سوگواری

رحلت کریمه اهل بیت (ع) در ازنا

به همت پیروان عترت خواهران هیأت رزمندگان شهرستان ازنا، مراسم رحلت حضرت معصومه (ع) با سخنرانی حجت الاسلام سلیمانی و مداحی سرکار خانم جان بزرگی در حسینیه شهیدان حاجیوند برگزار شد.

مراسم سوگواری

شهادت امام حسن عسکری (ع)

به همت هیأت رزمندگان شهرستان اشکدر مجلس عزاداری و سوگواری شهادت امام حسن عسکری (ع) با حضور ارادتمندان و سوگواران این امام همام و با سخنرانی حجت الاسلام طالبیان، قرائت زیارت امین الله و مرثیه سرایی در مسجد الرضا برگزار گردید.





کمک و امداد به سیل زدگان

با توجه به جاری شدن سیلابهای اخیر در شهرهای جنوبی کشور به همت هیأت رزمندگان اسلام استان اصفهان در اقدامی جهادی و خدایسندانه مقادیری آرد و ارزاق مختلف در بین خانوارهای سیل زده شهرستان شادگان در استان خوزستان توزیع و تقسیم شد. تلاش بی وقفه رزمندگان و خیرین هیأت رزمندگان اسلام استان اصفهان برای حتی لحظه ای لبخند کودکان مناطق سیل زده خوزستان ادامه دارد.



دیدار با خانواده شهدا در دزفول

به گزارش روابط عمومی هیأت رزمندگان اسلام شهرستان دزفول به منظور تجلیل از مقام شهدا و تکریم خانواده معظم شهدا از خانواده معظم و معزز شهید محمد حسین اثنی عشری تنها شهید جبهه مقاومت اسلامی فلسطین استان خوزستان دیدار به عمل آمد. این دیدار با حضور خادمین هیأت رزمندگان، جمعی از فرزندان شاهد، جانبازان و پیشکسوتان دفاع مقدس و مدافع حرم، جمعی از هیأت امناء هیأت رزمندگان، جانشین ناحیه بسیج و هیأت همراه، شهردار و جمعی از کارکنان شهرداری، مسئول مرکز فرهنگی دفاع مقدس، رئیس و اعضای شورای شهر و مسئول رادیو شهری شهرستان دزفول انجام گرفت.

شهید محمد حسین اثنی عشری متولد ۱۳۳۷ شهرستان دزفول در دوران انقلاب با حضورش در تظاهرات نقش برجسته ای ایفا نمود تا جایی که در این راه مجروح میشود در سال ۵۸ برای کمک به مبارزان فلسطین و رهایی مردم مظلوم فلسطین از دست رژیم اشغالگر فلسطین راهی جنوب لبنان میشود و حدود ۱۱ ماه در این راه با سربازان اسرائیل مبارزه میکند و با تلاش خود موفق به ساخت وسیله ای برای جابجایی توپ های رزمندگان فلسطین میشود و سرانجام در تاریخ ۱۰ آذر ماه ۵۹ در نبرد با سربازان اسرائیلی بشهادت میرسد و پیکر مطهرشان در جنوب لبنان در اردوگاه فلسطینی ها بخاک سپرده میشود و سال ۱۹۸۲ با یورش رژیم اشغالگر فلسطین به لبنان اردوگاه بدست می افتد و اردوگاه و مزار شهید را با خاک یکسان می کنند و هیچگاه پیکر شهید محمد حسین اثنی عشری به وطنش بازنگشت.



چهاردهمین جلسه

طرح ترویجی جلسات قرآن

به گزارش هئیت رزمندگان اسلام شهرستان ماسال، چهاردهمین جلسه طرح ترویجی برگزاری جلسات قرآن در منازل با عنوان «جلسه خانگی قرآن کریم» با محوریت بیان مفاهیم و تفسیر سوره مبارکه واقعه و با تدریس حاج سید فضائل صفوی از اساتید قرآن کریم برگزار شد. این دوره های خانگی قرآن کریم قرار است به صورت هفتگی (یکشنبه ها) به نیابت یک شهید در منازل داوطلبان و خیرین تشکیل شود. ثواب تلاوت جلسه دو هفته اخیر به روح مطهر و منور شهیدان والا مقام سید خضر صفوی و مهیار کاظمی هدیه شد.



برگزاری جلسات اعتقادی

در خرم آباد

با همکاری کارشناس و مربی مذهبی خانم نجفی جانشین هیأت رزمندگان واحد عترة شمال خرم آباد سلسله کلاس های اعتقادی با محوریت «عفاف و حجاب در قرآن» با حضور اعضای هیأت و اهالی محله در حسینیه سید الشهداء شهید ملکی و در دبیرستانها با حضور دانش آموزان برگزار گردید.

گزارش مراسم‌های دعای ندبه

سلام برآل یاسین! سلام بر تو که ندیده‌تورا عاشق شدیم. مهدیا! ما شهادت می‌دهیم که عصیان ما غیبت تورا طولانی ساخت و معترفیم به اینکه جهالت ما بر قلب پرعطوفت تو زخمها زده است. ما شهادت می‌دهیم که کتاب تورا نخوانده بستیم و بعضا تورا نشناخته معرفی کردیم. ما شهادت می‌دهیم که پیروانی ناسپاس بودیم و دشمنانت را بر تو جری ساختیم. آفتابا! از چه در پرده غیبت، رخ برگزفتی! این حجاب را کدام دست زمان کنار خواهد زد. این سر، سر به مهر، به چه سان شکسته خواهد شد؟ به کدام تضمین پس از یافتنت تورا از دست نخواهیم داد؟ کدام دلی را یارای فصل بعد از وصل خواهد بود؟ مقصدمان چه بعید و دور است از تو، چه سخت است باور گم شدن تو، نه... تو پیدایی و این ماییم که گمشدگانیم. منتظران منجی عالم بشریت در جای جای میهن اسلامی نغمه دلنشین دعای ندبه سردادند که از این میان گزارش برخی از مراسم برگزار شده در ادامه می‌آید:

دعای ندبه شهرستان کاشمر

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی هیأت رزمندگان اسلام مراسم دعای پرفیض ندبه صبح جمعه ۲۲ آذر ماه سال جاری در جمع منتظران حضرت بقیه الله (عج) با سخنرانی حجت الاسلام حیدری کاشانی و با نوای حاج مصطفی سماواتی در استان خراسان رضوی، شهرستان کاشمر، زیارتگاه شهید مدرس رحمت الله علیه برگزار شد.



دعای ندبه حسینیة شهدای بسیج

جمعه ای دیگر ارادتمندان و منتظران امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در غیاب مولای خود ندبه دلتنگی سردادند. این مراسم در تاریخ اول آذرماه با سخنرانی حجت الاسلام پناهیان و بانوای حاج محمدرضا طاهری در «حسینیة شهدای بسیج» برگزار شد. مراسم مزبور به صورت زنده از شبکه اول سیمای جمهوری اسلامی پخش گردید.



دعای ندبه بروجن

با اقامه نماز جماعت صبح به امامت امام جمعه بروجن، مراسم پرفیض دعای ندبه همراه با پخش مستقیم از شبکه یک سیما و همزمان از صدای مرکز چهارمحال و بختیاری در مصلاهی نماز جمعه شهر بروجن برگزار گردید. در این مراسم معنوی حجت الاسلام والمسلمین برادران سخنرانی و حاج محمدرضا عاصی به دعاخوانی و ذکر مصیبت پرداختند.



فراخوان طرح‌های قرآنی

نو و قابل اجرا



شرایط آثار ارسالی

ایده‌ها می‌بایست خلاق و نو باشد.
طرح قرآنی ارسالی بصورت تایپ شده در قالب Word و PDF بارگزاری شود.

موضوع جشنواره

ارائه طرح‌های قرآنی نو و قابل اجرا جهت گسترش قرآن و معارف قرآنی در هیأت‌های مذهبی و جامعه به شکلی که منتج به اهداف ذیل گردد.

شیوه ثبت نام و ارسال آثار

مراجعه به پایگاه اطلاع رسانی هیأت رزمندگان اسلام به نشانی www.eheyat.com بخش «فراخوان طرح قرآنی»

اهداف

- ترویج و گسترش معارف ناب قرآنی
- عملیاتی نمودن طرح‌های مناسب قرآنی در استان‌ها و شهرها
- احیای سبک زندگی قرآنی و کاربردی کردن معارف قرآن

جوایز

- تقدیر و تجلیل از برگزیدگان فراخوان (۵ نفر) به همراه هزینه سفر به مشهد مقدس به مبلغ ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال برای هر نفر
- معرفی آثار برتر در پایگاه اطلاع رسانی هیأت رزمندگان اسلام

علاقه‌مندان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر در ساعات اداری با شماره‌های زیر تماس حاصل فرمایند

۰۲۱-۸۸۹۶۰۴۳۰ و ۰۲۵-۳۷۷۱۳۷۵۸

ہیات

ارتباط با ما

www.eheyat.com



@eheyat.ir



@heyatt



@eheyat





بدرقه سردار شهید قاسم سلیمانی بیعت با امام خمینی بود